مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
شمارهٔ ۷۸۹
Mojahed
دوشنبه
۸ اسفند
۱۳۸۴
۲۸ محرم
۱۴۲۷
February 27
2006
2US$ 1.5Pounds 3SFR 3C$ 2€

بزرگداشت مجاهد قهرمان حجت زمانی در شهر اشرف و در گردهماییهای ایرانیان در کشورهای مختلف جهان

مراسم شهر اشرف، با حضور هزاران تن از رزمندگان آزادی، بیش از یک هزار تن از نمایندگان احزاب و جمعیتهای سیاسی و اجتماعی و شهروندان عراقی برگزار گردید

در صفحهٔ ۵

بزرگداشت شهیدان یکصد سال مبارزات مردم ایران در سالروز انقلاب ضدسلطنتی در اشرف

سخنرانی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران در مراسم گرامیداشت ۱۹ و ۲۲ بهمن

بزرگداشت سالگرد ۱۹ و ۲۲ بهمن در شهرهای مختلف ایران و ۲۱ شهر جهان

در صفحات آخر و ۱۲ تا ۱۷

جنایت بزرگ انفجار حرم ائمه در سامرا

مقاصد شوم رژیم آخوندی در انفجار حرم ائمه در سامرا و حمله به مساجد و کشتار اهل تسنن در عراق

● به دنبال جنایت سبعانه در سامرا، مساجد و مراکز اهل تسنن وسیعاً مورد تهاجم عوامل ناشناس قرار گرفت و با خمپاره و نارنجک در هم کوبیده شد. سران رژیم به سرعت به صحنه آمدند و به دمیدن در آتش درگیریها پرداختند. رژیم آخوندی طی تفسیری گفت: اولین پیامد فاجعه سامرا، اوجگیری اعتراضات در جهان اسلام علیه توهین به مقدسات اسلامی خواهد بود و از عراق فراتر خواهد رفت

● ولی‌فقیه ارتجاع طی پیامی گفت:«این یک جنایت سیاسی است و سررشته آن را باید در سازمانهای اطلاعاتی اشغالگران عراق و صهیونیستها جستجو کرد. آخوندهای حکومتی دیگر نیز پیامهای مشابهی صادر کردند و «از تمامی مسلمانان خواستند با تمام توان درصدد مقابله با این حوادث برآیند»

● رژیم آخوندی طرح خود برای بلعیدن عراق را به دنبال انفجارات سامرا برملا کرد و در اطلاعیه‌یی با عنوان «ستاد مرکزی حزب الله ایران» که در دفترِ ولی‌فقیه ارتجاع تنظیم شده، خواستار سپردن امور عراق به دست یک دولت کاملاً دست‌نشانده رژیم آخوندی در پی خروج نیروهای آمریکایی و انگلیسی گردید

● تلویزیون شبکه خبر رژیم بدون رودربایستی حذف هشت کرسی از ائتلاف شیعی نزدیک به رژیم توسط هیئت تحقیق بین‌المللی را از عوامل تحریک ناآرامیهای کنونی در عراق توصیف کرد

● عبدالسلام الکبیسی از هیأت علمای مسلمین عراق با ابراز تأسف از انفجار گنبد امامان شیعیان گفت این انفجار کار مأموران وابسته به رژیم ایران می‌باشد

● دکترعصام الراوی، عضو هیأت علمای مسلمین عراق در مصاحبه با تلویزیون العربیه اعلام کرد: فکر می‌کنم که دولت عراق در آن چه صورت گرفته دست دارد و متهم است. اخبار وحشتناکی از ربوده شدن ائمه جمعه و نمازگزاران مساجد و کشتن آنها به دستمان رسیده است. فقط از حزب اسلامی ۱۰۳ مسجد آتش زده شده و کاملاً ویران شده‌اند. مرقد کاملاً در محاصره ارگانها و خودروهای پلیس بوده است و بسیاری از برادران در سامرا به من گفته‌اند که حتی جن هم نمی‌توانسته وارد این مرقد بشود. پس این افراد چگونه توانستند یک تن مواد منفجره را وارد مرقد شریفِ جلیلِ این دو امام علیه السلام، بکنند و در تمام طول شب از ساعت ۸ تا ساعت ۶ صبح در آنجا بمانند؟

● صالح مطلق، رئیس جبههٔ گفتگوی ملی عراق خواستار انحلال شبه‌نظامیان تحت فرمان سه حزب شیعی شد و گفت:«من فکر نمی‌کنم هیچ عراقی واقعی بتواند چنین انفجاری را انجام بدهد. این عمل توسط بیگانگان صورت گرفته است»

● تلویزیون الجزیره، پنجم اسفند: ۴گروه مسلح عراقی از جنایت تبری جستند و انگشت اتهام را متوجه تکاوران وزارت کشور عراق کردند. ۷گروه اسلامی سنی، شامل تشکیلات القاعده در عراق و تعدادی از گروه‌های دیگر دولت عراق و حکومت ایران را متهم کردند که در پشت انفجار گنبد مرقد امام هادی در سامرا قرار دارد

● ظافر العانی، سخنگوی جبهه توافق عراق در گفتگو با تلویزیون الجزیره رژیم آخوندی را مسئول انفجار جنایتکارانه مراقد امامان شیعه در سامرا دانست

در صفحهٔ ۳

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت بمبگذاری جنایتکارانه در حرم ائمه اطهار در سامرا را به شدت محکوم کرد

● فاجعه بمبگذاری در حرم امام علی‌النقی(ع) و امام حسن‌عسکری(ع)، و مراقد مطهر نرگس خاتون مادر امام زمان (عج) و حکیمه خاتون، دختر امام نهم را به عموم مسلمانان و شیعیان و به ویژه به مردم عراق و هموطنانمان درایران عمیقاً تسلیت می گویم

● فاشیستهای دین‌پناه حاکم بر ایران که، هم در زمینه اتمی و هم درپیشرفت پروسه سیاسی و تشکیل دولت وحدت ملی در عراق، خود را بازنده می بینند، منافعشان را در برهم زدن اوضاع عراق و بالا گرفتن اختلافات و درگیریهای مذهبی یافته‌اند

● خانم رجوی، با ابراز تأسف از حملات از پیش تدارک دیده شده به مساجد و علما و خطبای سنی در عراق، که دست تفرقه‌انداز و فتنه‌گر رژیم آخوندها درآن پیداست، عموم مسلمان و شیعیان را به هوشیاری و روشنگری درقبال توطئه های این رژیم دعوت نمود

در صفحهٔ ۳

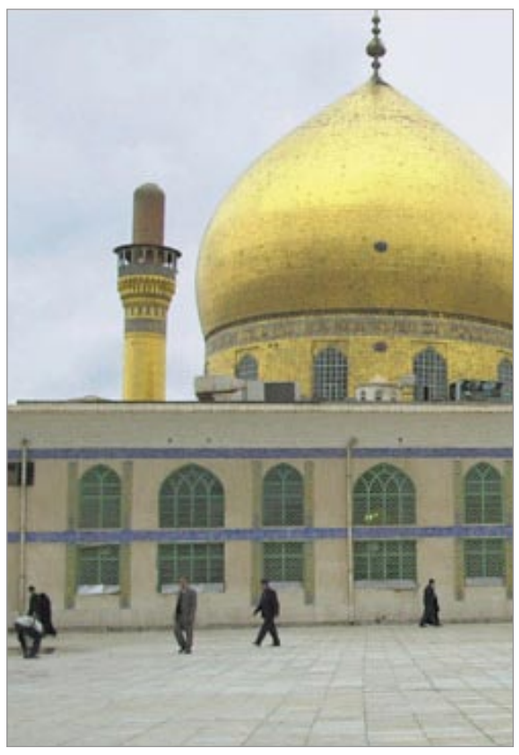

در یک انفجار بزرگ تروریستی و ضد انسانی بخش بزرگی از گنبد مرقدهای امامان دهم و یازدهم شیعیان در مرکز شهر سامرا در عراق تخریب شد

رئیس‌جمهور آمریکا رژیم ایران را بزرگترین حامی ترور خواند و خواستار تغییر دموکراتیک در ایران شد

جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا، در یک سخنرانی در واشینگتن، رژیم ایران را به خاطر تلاشهایش برای کسب سلاحهای هسته‌یی، حمایت از تروریسم و سرکوب مردم به طور شدیداللحنی مورد حمله قرار داد و از مبارزات آزادیخواهانهٔ مردم ایران علیه ظلم و استبداد آخوندی حمایت کرد.

جرج بوش که در اجتماعی از نظامیان بازنشسته و سربازان قدیمی آمریکایی سخنرانی می کرد، گفت: ما با حمایت از تغییر دموکراتیک در ایران فرا رسیدن روزی را که مردم ایران بتوانند سرنوشت خود را تعیین کرده و آزادانه رهبران خود را انتخاب کنند، تسریع خواهیم کرد. آزادی در خاورمیانه مستلزم آزادی برای مردم ایران است. آمریکا چشم‌انتظار روزی است که دو ملت بهترین دوستان یکدیگر باشند و ایرانی آزاد و دموکراتیک پایه گذاری شود.

رئیس‌جمهور آمریکا افزود: جامعه بین‌المللی اکنون با صدایی مشترک با رژیم افراطی در تهران سخن می گوید. ایران کشوری است که توسط گروه کوچکی از ملاها گروگان گرفته شده است. آخوندهایی که مردم را منزوی و سرکوب کرده و ابتدایی‌ترین آزادیها و حقوق‌بشر را از آنها دریغ نموده‌اند. رژیم ایران حامی تروریسم است و به طور فعال برای گسترش نفوذ خود در منطقه تلاش می کند.

جرج بوش گفت: «آمریکا به متحدکردن جهان برای رویارویی با این تهدید ادامه می‌دهد. رفتار مهاجم رژیم ایران و ادامهٔ تلاشش برای کسب سلاحهای هسته‌یی انزوای بین‌المللی آن را افزایش داده است. پرونده رژیم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اوائل این ماه مطرح شد و ۲۷ کشور ازجمله روسیه، چین، هند، برزیل، سریلانکا، مصر و یمن علیه آن رأی دادند. تنها کشوریهایی که از ایران حمایت کردند سوریه، کوبا و ونزوئلا بودند. اکنون پرونده رژیم ایران در شورای امنیت مطرح می‌شود. دنیای آزاد پیام روشنی به رژیم ملاهای تهران می‌فرستد. ما به این رژیم اجازه نخواهیم داد سلاح اتمی داشته باشد.

بقیه در صفحهٔ ۴

خشم و خروش رزمندگان آزادی در «اشرف» در پی فاجعه هولناک انفجار در حرم ائمه در سامرا

عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز جنایت آخوندی، در سامراست امروز

به‌دنبال عمل جنایتکارانهٔ انفجار حرم امام علی‌النقی و امام حسن عسکری علیهماالسلام در سامرا، روز جمعه پنجم اسفندماه مجاهدان و رزم‌آوران آزادی در «اشرف» پس از تظاهرات خشمگینانه‌یی در مقابل مسجد فاطمهٔ‌زهرا(ع) گردآمدند.

گروههای مختلف رزمندگان که از قرارگاههای مختلف«اشرف» به سوی مسجد فاطمهٔ الزهرا (ع) به حرکت در آمده بودند، از جمله شعار می‌دادند:

این سند مسلم جنایت ارتجاع است.

نرگس خاتون تسلیت، تسلیت.

اشرف سلامت می‌کند، جان را نثارت می‌کند.

یاحجت ابن‌الحسن، ریشهٔ ظلم را بکن، ای لعن بر خمینی ای ننگ بر خمینی.

عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز، مهدی صاحب زمان، صاحب عزاست امروز.

مجاهدان راه آزادی ایران با شعارهای کوبنده و با مشتهای گره کرده، پیام خاتمهٔ دوران دجالگری و حتمیت سرنگونی رژیم آخوندی را سر دادند و خشم و نفرت عمیق خویش را با سردادن شعارهایی علیه آمران و عاملان این عمل جنایتکارانه، ابراز نمودند.

در ابتدای این مراسم برادر مجاهد محمدحیاتی ضمن اعلام برنامه، گفت: ما مجاهدین و رزمندگان شهر اشرف امروز به مناسبت این جنایت تروریستی جمع شده‌ایم تا به‌این دشمنان بشریت و اسلام محمدی بگوییم، ارتش آزادیبخش عزم جزم کرده است که بساط ننگین حکومتتان را برای همیشه به‌گور بسپارد.

سپس برادر مجاهد عباس داوری طی سخنانی دربارهٔ ابعاد سیاسی جنایت بزرگ تروریستی و نقش رژیم آخوندها در آن به‌سخنرانی پرداخت.

آنگاه رزمندگان آزادی به نماز ایستادند و پس از نماز به‌فرازهایی از دعای برادر مجاهد مسعود رجوی در سال۱۳۶۹ که در سرداب امام دوازدهم حضرت مهدی (عج) ایراد شده بود گوش فرادادند.

پس از پایان گردهمایی در مقابل مسجد فاطمه زهرا، رزمندگان ارتش آزادی در صفوف به‌هم‌فشرده و با خشمی صدچندان به‌تظاهرات پرداختند و با سردادن شعارهای کوبنده علیه جنایتکاران حاکم بر میهن اسیرمان ایران، به قرارگاههایشان بازگشتند. آنها از جمله شعار می‌دادند:

ازظلم خمینی به فلک غلغله افتاد، با آل علی هرکه در افتاد ور افتاد.

امروز در سامرا، دیروز در خراسان، حکومت آخوندی، دشمن دین و قران.

نصر من الله و فتح قریب، ننگ بر این رژیم مردم فریب.

جنایت سامرا توهین به هر مسلمان، حکومت آخوندی دشمن دین و قرآن.

خامنه‌ای خامنه‌ای، گنبد دجال را طلا می‌کنی، با انفجار حرم امامان، خون به دل آل‌عبا می‌کنی.

یک روز جادریه، یک روز در سامرا، درد تو سرنگونی است ای ارتجاع رسوا.

آمر این جنایت، حکومت آخوندی است، دشمن دین و قرآن، حکومت آخوندی است.

بقیه در صفحهٔ ۲

در صفحات دیگر

دهمین سالگرد شهادت زهرا رجبی، شهید دفاع از حقوق پناهندگان و همرزم مجاهدش علی مرادی

دهمین سالگرد شهادت زهرا رجبی، عضوشورای ملی مقاومت ایران، از اعضای شورای رهبری مجاهدین و شهید بزرگ حقوق پناهندگان که خون پاک او و مجاهد شهید علی مرادی در اول اسفندماه سال ۱۳۷۴ به دست دیپلومات تروریستهای رژیم آخوندی در استانبول بر زمین ریخت، در پرلاشز پاریس برگزار گردید. در صفحهٔ ۶

گرامیداشت یاد و خاطره مجاهد شهید حجت زمانی در گردهمایی ایرانیان و فرانسویان در پاریس

پاتریک بودوئن، رئیس افتخاری فدراسیون بین‌المللی حقوق‌بشر، اسقف گایو، منصف مرزوقی، از کمیسیون عربی حقوق‌بشر، ژیل پاروئل، رئیس سابق کانون وکلای استان والدواز، پیربرسی، رئیس حقوق بشر نوین فرانسه، خانم رونه‌لومینیو، معاون دبیرکل مرآپ و دکتر صالح رجوی، نماینده شورای ملی مقاومت در فرانسه و سوئیس در این گردهمایی سخنانی ایراد کردند در صفحهٔ ۶

نقش نفت در تأمین هزینه‌های نظامی ـ سیاسی هیأت حاکمه جدید ایران؟
یزدان حاج‌حمزه

انتظار می‌رفت انقلاب ضد سلطنتی پرانتز و دوره ۲۵ساله سوءاستفاده سیاسی از امکانات نفتی ایران را ببندد و راه مصدق، از نظر شیوه برداشت از این امکانات، دنبال شود. اما... در صفحهٔ ۱۱

جلسه بزرگداشت مجاهد خلق حجت زمانی در هلند با حضور خانواده این شهید

در سالن نماد یادبود مجاهد شهید حجت زمانی و عکسهایی از او و برادر قهرمانش مجاهد شهید خزئل زمانی به چشم می‌خورد. در این جلسه لوحهٔ بسیار زیبایی به مناسبت شهادت مجاهد قهرمان از طرف خانه فیلم ایران به خانواده قهرمان‌پرور زمانی تقدیم گردید. در صفحهٔ ۶

به‌ابتکار کمیته پارلمانی دوستان ایران آزاد در پارلمان اروپا، جلسه‌یی در همبستگی با مقاومت ایران برگزار گردید

در جلسه‌یی که تحت عنوان «احمدی‌نژاد و راه‌حلهای اروپا» در مقر پارلمان اروپا برگزار گردید تعداد کثیری از نمایندگان پارلمان اروپا از طیفهای سیاسی مختلف اروپایی شرکت و سخنرانی کردند. در صفحهٔ ۴

کنفرانس افشاگرانه در پارلمان اروپا با حضور نایب رئیس پارلمان اروپا

در این کنفرانس مطبوعاتی که در اعتراض به حضور متکی وزیر خارجه رژیم در بروکسل برگزار گردید نقش وزیر خارجه رژیم در آدمربایی افشا گردید. در صفحهٔ ۴

گفتگو با جمشید پیمان، شاعر و نویسنده مبارز: شورای امنیت، تحریم رژیم و منافع ملی

از لحاظ مناسبات بین‌المللی تحریم یک نقطه عطف محسوب می‌شود. به این معنی که رژیم در می‌یابد که کشورهای طرف حسابش نمی‌توانند برای همیشه در برابر اقداماتش سیاست مماشات و همراهی و چشم‌پوشی را ادامه دهند. از لحاظ داخلی نیز مردم ایران علناً می‌بینند که رژیم برای جامعه جهانی و حتی کشورهای پشتیبانش غیرقابل تحمل شده است. در صفحهٔ ۱۹

ضمیمهٔ ادبی و فرهنگی ندا (شمارهٔ۱۴)

در این شمارهٔ ندا مطالب زیر را می‌خوانید:
ـ فروغ، طغیانی در اندیشه شعری، از حمید نصیری
ـ جایی تمیز و پرنور، از ارنست همینگوی
ـ جا برای مرد شلاق به دست، از کاظم مصطفوی
ـ کارل فون اوسیتسکی، از م. مشیری
ـ اشعاری از علیرضا خالو کاکایی، ح. مقدم، دکتر محمدقرائی، دکتر زری اصفهانی، سعید عبداللهی، حسین پویا، کاظم مصطفوی

مقالات:

ـ ترانه غرور یک خلق — نادر رفیعی نژاد- اشرف
ـ آن شقایق داغ هفت چشمه — حمید نصیری
ـ رایت شرف خلق از اشرف تا گوهر دشت — علیمراد اشرفی
ـ چه کسانی در شکنجه و قتل زندانیان با رژیم همکاری می‌کنند — احمدرضا ح - ایلام — صفحهٔ ۹
ـ پس از خبر...درباره خونی که آینه است — کاظم مصطفوی
ـ حجت زمانی سمبلی از توانایی انسان — رضا شمس
ـ حجت زمانی چشمه جوشان مقاومت — نرگس غفاری — صفحهٔ ۱۰
ـ مروری بر شعبات «بانک مرکزی تروریسم» آخوندی(۱) — م. مسعودی — صفحهٔ ۱۹

سیاست جنایت آمیز و «جنایت سیاسی» رژیم آخوندی

درمورد جنایت سیاسی و جنایتکار چهره پنهان کرده، چگونه باید قضاوت کرد؟ در سرمقاله «مجاهد»۴۱۸ در۱۷ آذر۷۷ با عنوان «جنایت سیاسی و سیاست جنایت‌آمیز» راجع به این سبک و سیاق آخوندها نوشته بودیم: «وقتی محاکمهٔ تروریسم رژیم آخوندی در دادگاه برلین جریان داشت، یک وکیل مدافع آلمانی دربارهٔ ضرورت محکوم شناختن سردمداران رژیم ـ که خواست مصرانهٔ مقاومت ایران بود ـ بر این واقعیت که "موضوع این پرونده به‌شدت سیاسی است" تأکید کرد و گفت: "جنایت سیاسی و سیاست جنایت‌آمیز دوروی یک‌سکه‌اند. دادگاه نباید از این اتهامهای ملاها که گویا این‌جا، در برلین، یک محکمهٔ سیاسی برپاشده، واهمه‌یی به‌دل راه دهد. انتساب جنایت انجام‌شده به زمامداران رژیم تهران می‌باید در حکم نهایی جای گیرد"(دادگاه برلین ـ جلسهٔ ۲۱نوامبر۹۶). قتل فجیع فروهر و همسرش که روز اول آذر به‌دست حکومت جنایتکار آخوندها و با همان سبک و سیاق شناخته‌شده در جنایات تروریستی آنها انجام شد و از سوی مقاومت ایران قویاً محکوم گردید، یک "جنایت سیاسی" است و به‌همین دلیل قبل از هرچیز حاصل یک "سیاست جنایت‌آمیز" است. اما محافل و مطبوعات وابسته به جناحهای مختلف آخوندی و ایادی و مبلغان رژیم در خارج کشور ردپای این سیاست را در زیر غبار غلیظی از دودودم تبلیغاتی گم می کنند...طینت "به‌شدت سیاسی" این جنایت ایجاب می کند که قبل از هرچیز قلب چرکین سیاست جنایت‌آمیز کنار آمدن و بیعت ننگین با استبداد خون‌آشام مذهبی را بشکافیم».

در گذار زمان، اقرار مهره‌های وزارت اطلاعات، حقیقت را نه تنها درمورد قتل فروهرها، بلکه درمورد زنجیره‌یی از جنایتهای سیاسی مثل قتل کشیشان و انفجار حرم امام رضا روشن کرد. آخوندهامی‌خواهند در جنایت سیاسی سامره چهره پنهان کنند، اما با دم خروسهای بیرون زده از موضعگیریها و اقداماتشان چه می کنند؟ آنها بازبان باجخواهی و تهدید صریح تروریستی، وقوع این فاجعه را به روند سیاسی عراق برای تشکیل دولت ائتلاف ملی ربط دادند و در تفسیر تلویزیون رژیم حذف چند کرسی جریان شیعی نزدیک به رژیم توسط هیأت تحقیق بین‌المللی را از عوامل تحریک ناآرامیهای کنونی عراق برشمردند. یک هفته پیشتر، روزنامه ولی‌فقیه(جمهوری اسلامی ۲۶بهمن) درمورد نامطلوب بودن این وضعیت ـ که سیاست جنایت‌آمیز آخوندها درصدد برهم زدن آن است ـ نوشته بود:«در نگرشی کلی تر به تحولات عراق، مسائل و نشانه‌هایی مشاهده می‌شود که خوش‌بینیهای موجود را با تردید مواجه می‌سازد...درحالی که نتایج اولیه حاکی از کسب ۱۳۸ کرسی توسط ائتلاف یکپارچه بود در لیست نهایی این رقم به ۱۲۸ کاهش پیدا کرد و به این ترتیب، این نتیجه، شیعیان را از اکثریت مطلق انداخته و مانع امکان تشکیل دولت مستقل از شیعیان شد».

در زنجیره دم خروسهای بعدی، دبیر دوم سفارت رژیم در بغداد گفت:«اگر نبود اظهارات سفیر آمریکا در عراق درخصوص وزارتخانه‌های کشور، دفاع و مشاور امنیت ملی این حادثه قهراً اتفاق نمی‌افتاد». البینه ارگان حزب‌الله عراق نوشت: « اظهارات اخیر سفیر آمریکا در مورد تشکیل دولت جدید عراق و این که وزیران کشور و دفاع نباید فرقه‌گرا باشند، چراغ سبزی به‌تروریستها بود تا جنایت سامرا را مرتکب شوند». همزمان « ستاد مرکزی حزب الله ایران» در بیت الفساد خامنه‌ای بر سپردن امور عراق به دست یک دولت کاملاً دست نشانده رژیم آخوندی تأکید کرد. بلافاصله بعد از فاجعه سامرا و درحالی که مساجد اهل تسنن در عراق در آتش حملات از قبل تدارک دیده شده می‌سوخت، سران حکومت آخوندی در آتش تفرقه و کشتار مذهبی دمیدند در تفسیرهای رادیو تلویزیونی و پیامهای خود به «اوجگیری اعتراضات در جهان اسلام علیه توهین به مقدسات اسلامی» فرا خواندند. آیا در جنایت سیاسی و سیاست جنایت آمیز آخوندها چیزی پنهان است؟

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

شنبه سوم صفر (۱۳اسفند) سالروز میلاد امام محمد باقر(ع)، پنجمین پیشوا و پرچمدار اسلام انقلابی و ضدار تجاعی

عملیات جنایتکارانه بمبگذاری حرم ائمه در سامرا با یک تن تی.ان.تی و حداقل ۱۰ ساعت زمان برای کارگذاری انجام شده است

۷ روز هفته
مروری بر مهمترین رویدادهای هفته

فاجعه هولناک
انفجار جنایتکارانه گنبدهای امام دهم و یازدهم در سامرا، قلوب تمام مسلمانان و شیعیان جهان را جریحه‌دار کرد. بعد از این جنایت ، حملات سازمانیافته و از پیش برنامه‌ریزی شده، به مساجد و علما و خطبای سنی در شهرهای مختلف و کشته شدن بیش از ۲۰۰ نفر از مردم عراق، این کشور را در یک بحران خونین فرو برد. البته مثل همیشه به سرعت دستهای پنهان آخوندها، از پشت این اقدامات جنایتکارانه آشکار شد.
گزارشهای مربوط به این فاجعه هولناک، در صفحه سه همین شماره نشریه درج شده است.

جوشش یک خون تازه
هفته گذشته، هم‌چنان شاهد جوشش خون پاک حجت، در اقصی نقاط جهان بودیم. موج گسترده ابراز تنفر هموطنان و وجدانهای بیدار بشری، یکی از مهمترین اخبار مهم ایران، در هفته گذشته بود. از زندانهای اوین و گوهردشت گرفته تا شهرهای مختلف میهن و هموطنان در داخل کشور، که با برگزاری مراسم و ارسال نامه و تماس تلفنی، تنفر و انزجار خود را اعلام کردند. از رزمندگان اشرف و مردم شریف عراق گرفته تا هموطنانمان در اروپا و آمریکا و استرالیا، تا پارلمانترها و شخصیتهای سیاسی و حقوق‌بشری، انجمنها و سازمانهای بین‌المللی و ایرانی مدافع حقوق‌بشر، همه گویای جوشش یک خون پاک بود. شهادت و پایداری ۵ساله او در آستانه اعدام، چنان تکانی در تمام قلوب انسانهای شریف و آزادیخواه جهان ایجاد کرد و چنان موجی از همبستگی و همدردی به وجود آورد که در سالهای اخیر کم‌سابقه بوده است. و الحق برای چنین کوهمردی این گونه عاشق، که میدان خونین سرنوشت را با پاشنه آشیل در نوشت، همین شایسته بود.

خانواده قهرمان زمانی، بعد از دریافت نامه‌ها و بیانیه‌های همدردی برای شهادت سومین شهید این خانواده، طی نامه‌یی از تمام کسانی که اظهار همدردی کرده و حمایت خود را اعلام نموده بودند، تشکر و بر ادامه راه پرفروغ فرزندانشان، تأکید کردند.

دو هفته بعد از اعدام حجت، رژیم جنایتکار آخوندی به این جنایت اعتراف کرد. کریمی‌راد سخنگوی قضاییه رژیم، ضمن تأیید این خبر، مجامع بین‌المللی و حقوق‌بشری را به‌خاطر اعتراض به این جنایت، مورد حمله قرار داد. با این وجود هم‌چنان باز از تحویل پیکر او به خانواده‌اش خودداری کردند. به رغم این که خانواده‌اش تا حال سه بار از ایلام به تهران رفته‌اند، رژیم پیکر حجت را به آنها تحویل نداده است. زندانیان سیاسی مجاهد و مبارز زندان گوهردشت در اعتراض به تحویل ندادن پیکر این مجاهد قهرمان، دست به اعتصاب غذا زدند. آخرین گزارشها از زندان گوهردشت حاکی از این است که هم‌چنان در اعتصاب غذا به سر می‌برند. و اعلام کرده‌اند تا زمانی که خواست آنان عملی نشود، به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

از سوی دیگر زندانیان گوهردشت و زندانیان بند۳۵۰ اوین، به رغم تهدیدها و ممانعتهای دژخیمان، مراسم بزرگداشت شهادت حجت قهرمان را برگزار کرده و برای ادامه راهش با هم پیمان بستند.

تشدید سرکوب و اعدام
در هفته‌یی که پشت سر گذاشتیم، رژیم آخوندی در وحشت از گسترش خیزشهای مردمی و برای ایجاد رعب و وحشت، موج اعدامها و سرکوبی را به‌شدت افزایش داده است. طبق گزارش خبرگزاریهای رژیم فقط در دوشنبه دوم اسفند، ۱۲نفر اعدام یا محکوم به اعدام شدند. و در طی سه روز این آمار را به ۲۱ اعدام یا صدور حکم اعدام رساندند. به رغم افزایش سرکوب و تشدید اقدامات نظامی، حرکات اعتراضی و مخالفتهای مردم با سیاستهای این رژیم هم‌چنان ادامه دارد. بیش از ۳۴۰رشته تظاهرات، اعتصاب، تحصن و تجمع اعتراضی را در ماه گذشته بیانگر این است که هرگز رژیم آخوندی نخواهد توانست با سرکوب و ارعاب از مخالفت و اعتراض اقشار مختلف مردم جلوگیری کند.

از سوی دیگر سران جنایتکار رژیم، مشغول زمینه‌سازی برای کشتار زندانیان سیاسی هستند. نامه دو تن از زندانیان سیاسی، خود به خوبی گویاست. آنها در نامه خود می‌نویسند: «ما به شدت در معرض تهدید هستیم. طی ۲۴ساعت گذشته به ما گفته‌اند شما خودتان را با چاقو خواهید کشت، یا با داروی نظافت خودکشی خواهید کرد. ما اعلام می‌کنیم، هرگز علیه جان و سلامتی خود اقدامی نخواهیم کرد و در صورت بروز هر گونه حادثه برای ما، هموطنان هوشیارمان علیه رئیس زندان گوهردشت حاج کاظم و مسئول حفاظت زندان اقامه دعوا کنند، این اقامه دعوا از طرف ما به ملت ایران تفویض می‌شود». (از بیانیه ولی‌الله فیض‌مهدوی و اسد شقاقی).

مقاومت ایران توجه مجامع و ارگانهای بین‌المللی را، به روند افزایش اعدام و فشار بر زندانیان سیاسی، جلب کرد و «خواستار ارجاع پروندهٔ نقض حقوق‌بشر در ایران، به شورای امنیت ملل متحد، به منظور اقدامات لازم‌الاجرا علیه رژیم آخوندی» شد.

از سوی دیگر هفته گذشته، در تهران و سایر شهرهای بزرگ و کوچک میهن، سران رژیم آخوندی در وحشت از اعتراضات ضدحکومتی در چهارشنبه‌سوری و ایام نوروز، بر طرحها و اقدامات سرکوبگرانه خود افزوده است. غلظت نظامی شهر تهران را در آستانه جشنهای چهارشنبه‌سوری و ایام عید بالا بردند. پاسدار زارعی سرکرده نیروی انتظامی استان تهران اعلام کرد «در چارچوب طرح افزایش امنیتی ۱۷۹ تیم، همراه ۹۰۰ پلیس به کار گرفته شدند».

بنا به گفته این پاسدار طی روزهای اخیر بیش از ۱۰۰۰نفر در چارچوب این طرح سرکوبگرانه در تهران دستگیر شده‌اند. همزمان با اقدامات سرکوبگرانه و مانورهای خیابانی، سران امنیتی –نظامی رژیم در مطبوعات و رادیو تلویزیون به خط و نشان کشیدنهای پی‌درپی برای جوانان مشغول هستند. اما گزارشهای رسیده از شهرهای مختلف میهنمان حاکی است که به رغم تهدیدات سرکوبگرانه سران رژیم، جوانان هم‌چنان خود را برای برگزاری هرچه باشکوهتر جشنهای چهارشنبه‌سوری آماده می‌کنند.

نیروهای سرکوبگر آخوندها هم‌چنان بر سرکوب و فشار بر کارگران شرکت واحد ادامه می‌دهند. مأموران اطلاعات رژیم آخوندی به منازل اعضای دستگیرشده سندیکای شرکت واحد از جمله منصور اسانلو یورش برده و تمامی اسناد و مدارک شامل سی.دیها و دست نوشته‌ها را با خود بردند. گزارشهای رسیده از زندان حاکی است که اعضای دستگیر شده سندیکا زیر بازجوییهای شبانه‌روزی قرار داشته و در سلولهای انفرادی نگهداری می‌شوند.

سران رژیم آخوندی در هراس از علنی شدن انزوای جهانی و شکست سیاست فریبکارانه خود در زمینه اتمی، خواستار سانسور و خفه‌شدن رسانه‌های حکومتی شدند. دبیرخانهٔ شورایعالی امنیت‌ملی رژیم، ازرسانه‌های حکومتی خواسته است، «از درج اخبار و مقالاتی در خصوص ارسال پروندهٔ هسته‌یی ایران به‌شورای امنیت که چنین القا می‌کند که همه کار به‌پایان رسیده و جمهوری اسلامی شکست خورده، خودداری کنند»، و عدم اجرای این دستور «مغایر مصالح نظام» نامیده شده ا ست.

مذاکره برای مذاکره یا ماورای وقاحت آخوندی برای خرید زمان
رژیم آخوندی در هفته گذشته برای فریب جامعه جهانی و به تعویق انداختن مجازاتها و تحریمهای شورای امنیت، به خیمه‌شب بازیهایی در بروکسل و مسکو تحت عنوان مذاکره همراه با سروصدای فراوان دست زد، اما از هیچ کدام نتیجه‌یی نگرفت. در بروکسل، مذاکره هیأت رژیم به سرپرستی منوچهر متکی، در کمیته سیاست خارجه پارلمان اروپا، به شکست انجامید. مذاکرات هیأت رژیم به سرپرستی پاسدار حسین تاش، با مقامهای روسیه در مورد طرح غنی‌سازی در خاک این کشور، بدون نتیجه پایان یافت. رویتر گزارش کرد: «مذاکره کنندگان هسته‌یی ایران بدون هیچ پیشرفتی در باره پیشنهاد غنی‌سازی اورانیوم ایران در روسیه، مسکو را ترک کردند».

در بروکسل سولانا مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، به صراحت گفت: «اروپا دیگر به مذاکرات دو سال و نیمه‌اش با ایران ادامه نخواهد داد و گوی و میدان را به ایران و روسیه می‌سپارد». منوچهر متکی در بروکسل بارها مورد سؤال و انتقاد نمایندگان پارلمان اروپا در زمینه‌های مختلف قرار گرفت، کما این که برای مقامهای اروپایی روشن بود که متکی در سلسه مراتب تصمیمگیری در مورد پرونده هسته‌یی محلی از اعراب ندارد. جلسه پارلمان اروپا، به جلسه انتقاد و اعتراض به سیاستهای رژیم آخوندی تبدیل شده بود. همزمان با این جلسه و در سالن دیگری از پارلمان اروپا، جلسه دیگری توسط یکی از قربانیان مستقیم منوچهر متکی در ترکیه، سوابق تروریستی و دخالت مستقیمش در شکنجه و آدمربایی مخالفان، (زمانی که سفیر رژیم در ترکیه بود)، را افشا کرد.

در جلسه پارلمان اروپا، منوچهر متکی نیز به وضوح به ناتوانی رژیم، در اتخاذ هرگونه مانور و فریبکاری اعتراف کرد و بر ادامه فعالیتهای هسته‌یی، و گسترش آن نیز اصرار ورزید. هنگامی که وی توسط اعضای کمیته سیاست خارجه پارلمان اروپا در مورد پروژه مخفی اتمی، حمایت از تروریسم و نقض حقوق‌بشر، مورد مؤاخذه قرار گرفته بود، متکی به شکوه و شکایت از کشورهای غربی پرداخت که چرا به مجاهدین پناه داده‌اند؟!

خاویر سولانا، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، گفت: «وزیر خارجه رژیم ایران هیچ پیشنهاد جدیدی برای کمک به خاتمه نزاع هسته‌یی با غرب به اتحادیهٔ اروپا ارائه نداد...اعضای هیأت ایران مباحثات و ادعاهایشان را تکرار کردند ولی ماهیت واقعی موضعشان تغییری نکرده بود». خبرگزاری رویتر سوم اسفند گزارش داد: «مذاکرات منوچهر متکی و خاویر سولانا آب سردی روی طرح روسیه برای غنی‌سازی در خاک این کشور ریخت... رژیم ایران از طرح روسیه برای وقت خریدن جهت ادامه فعالیت هسته‌یی خود استفاده می‌کند».

اما مذاکره روسیه با حضور مقام دست دومی که فاقد توان تصمیمگیری بود، تنها جنبه نمایشی داشت و نتیجه را می‌توان از توضیحات مقامهای روسی دریافت. ولادیمیر پوتین گفت: «می‌توانم بگویم مذاکرات به آسانی پیش نمی‌روند، اما امیدواریم بتوانیم به نتیجه‌یی مثبت دست یابیم.» وزیر خارجه روسیه، سرگئی لاورف نیز گفت: «هنوز زود است در مورد مذاکرات دو روزه مسکو از عبارات شکست یا موفقیت استفاده شود». هفته گذشته لاورف به صراحت گفت که ما به شرطی وارد این پروژه می‌شویم که رژیم ایران به طور نامحدود غنی‌سازی را در داخل کشور منتفی کند.

تنها نتیجه مذاکره این بود که باز هم به مذاکره ادامه بدهند، سه سال است که سران رژیم آخوندی به همین گونه برای خود زمان خریده و در پناه این مذاکرات به فعالیتهای مخفیانه اتمی خود ادامه داده‌اند. سخنان حسن روحانی گواه روشنی بر این مدعاست که به اختصار به آن اشاره خواهیم کرد. اکنون برای همه ناظران و تحلیلگران سیاسی روشن است که رژیم از این به اصطلاح مذاکرات، هیچ چیزی جز فرار از مجازاتهای شورای امنیت، و به‌دست‌آوردن زمان برای تکمیل پروژه‌های اتمیش دنبال نمی‌کند.

مقاومت ایران بار دیگر نسبت به فریبکاریهای رژیم آخوندی و مانور بین روسیه و اتحادیهٔ اروپا هشدار داد و طی اطلاعیه‌یی خواستار اعمال بلادرنگ تحریمهای همه‌جانبهٔ نفتی، تکنولوژیک، تسلیحاتی و دیپلوماتیک، جهت محروم‌ساختن این رژیم ضدبشری از دستیابی به‌تسلیحات اتمی شد.

خبرگزاری رویتر نیز به نقل از دیپلماتها نوشت: «رژیم ایران از طرح روسیه برای وقت خریدن جهت ادامه فعالیت هسته‌یی خود استفاده می‌کند».

با توجه به این‌که زمان گزارش آژانس انرژی اتمی نزدیک می‌شود و در ۱۵اسفند اجلاس شورای حکام در مورد پرونده اتمی رژیم برگزار خواهد شد، سران رژیم، وحشت‌زده و سراسیمه از عواقب ارجاع پرونده به شورای امنیت، به رغم همه شعارها و دجالگریهای آخوندی در داخل کشور، به شدت در تلاش برای جلب حمایت و یارگیری از برخی کشورهای دیگر بوده، و به ملاقاتها و تورهای مسافرتی پی‌درپی روی آورده‌اند. لاریجانی به اندونزی رفت، معاون متکی به هند سفر کرد. یک هیأت روسی با سرپرستی رئیس آژانس فدرال انرژی اتمی روسیه روز ٤اسفند، و معاون وزیر امور خارجه چین، ۵اسفند برای انجام مذاکرات در باره پرونده اتمی رژیم به تهران آمدند. در پایان چند روز مذاکره، با مقام روسی، آقازاده گفت که مذاکرات ما در باره نیروگاه بوشهر بوده است، که به وضوح حاکی از عدم توافق طرفین و شکست مذاکرات می‌باشد.

از سوی دیگر، روز ٤اسفند دیپلماتهای آژانس انرژی اتمی در وین، از افشای پروژه‌یی به نام نمک سبز خبر دادند. دیپلوماتها گفتند: افشای این پروژه بر نگرانی آژانس، از نزدیک شدن رژیم ایران به تولید بمب اتمی می‌افزاید و در واقع نشاندهنده دست یافتن رژیم ایران به مرحله تعیین کننده‌یی در ساختن بمب اتمی است.

خبرگزاری فرانسه ۵اسفند گزارش داد: «از وین از قول دیپلوماتها خبر می‌رسد که رژیم ایران در حال حاضر یک مجموعه ۱۰سانتریفوژی را برای غنی‌سازی اورانیوم راه‌اندازی کرده است.

یکشنبه ۷ اسفند معاون آژانس انرژی بین‌المللی اتمی به ایران آمد و قصد دارد در باره طرح «مشکوک» تولید بمب اتمی از مقامات رژیم سؤال کند. این طرح مشکوک که نمک سبز نام دارد، برای تولید بمب اتمی است. و قبلاً توسط مقاومت ایران افشا شده بود. کما این‌که پیشاپیش کسی به نتیجه این تحقیق خوشبین نیست. به گزارش خبرگزاریها، «دیپلوماتهای مقیم وین بعید دانستند که رژیم ایران در پی دو دهه پنهانکاریهای هسته‌یی آماده باشد که همه فعالیتهای هسته‌یی خود را روشن کند»(رادیو فردا۷اسفند).

آژانس انرژی اتمی گزارش جدید و احتمالاً آخرین گزارش خود را، در مورد پرونده اتمی رژیم ایران را در روز ۸اسفند در اختیار کشورهای عضو شورای حکام قرار خواهد داد. و در هفته آینده این گزارش در اجلاس شورای حکام مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

از سوی دیگر طراحان و نظریه‌پردازان پیکر بی‌جان و رو به قبله مماشات و استمالت رژیم آخوندی، تز جدیدی مطرح کرده و پیشنهاد کردند که «آمریکا به جای این که در انتظار مذاکره اتحادیه اروپا با ایران درباره برنامه هسته‌ایش باشد، باید به طور مستقیم وارد مذاکره با رژیم ایران بشود». سه سال مذاکره با اروپا و ایجاد« فضای آرام» برای ادامه فعالیتهای هسته‌یی و نزدیک شدن به تولید بمب اتمی برای اصحاب استمالت کافی نبود. این پیشنهاد با واکنش قاطع مقامات آمریکایی مواجه شد. معاون وزارت خارجه آمریکا این پیشنهاد را رد کرد و گفت آمریکا با رژیم کنونی ایران مذاکره نخواهد کرد. وی افزود: «رژیم ایران باید از قراردادهای بین‌المللی تبعیت کند و تضمینهای لازم را به جامعه بین‌المللی بدهد».

الزام آزادی در خاورمیانه
رئیس‌جمهور آمریکا، در یک سخنرانی، رژیم آخوندی را به خاطر تلاشهایش برای کسب سلاحهای هسته‌یی، حمایت از تروریسم و سرکوب مردم به طور شدیداللحنی مورد حمله قرار داد و از تغییر دموکراتیک در ایران حمایت کرد.وی تأکید کرد که «آزادی در خاورمیانه مستلزم آزادی برای مردم ایران است» (رادیو فردا ٦اسفند).

در تحولی دیگر، خبرگزاریها سفر کاندولیزا رایس به خاورمیانه را، در زمینه جلب حمایت این کشورها از سیاست آمریکا علیه رژیم ایران موفق خواندند.

از جمله تلویزیون الجزیره سوم اسفند گزارش کرد: «امارات متحده عربی نسبت به پرونده رژیم اتمی ایران ابراز نگرانی کرد. دولت امارات هم‌چنین تأکید می‌کند که رژیم ایران از تروریسم حمایت کرده و آن را تأمین مالی می‌نماید».

رایس، در جریان مسافرت خود به خاورمیانه، بار دیگر رژیم حاکم بر ایران را بانک مرکزی تروریسم جهانی نامید و گفت: «مسأله منحصر به برنامه اتمی رژیم ایران نیست، بلکه مسأله در حمایت این رژیم از تروریسم در سراسر جهان است، واقعیت این است که رژیم ایران به بانک مرکزی تروریسم جهانی مبدل شده است» (رادیو آمریکا ٤ اسفند).

در یک موضعگیری دیگر، المار بروک رئیس کمیسیون سیاست خارجی پارلمان اروپا بدون پرده‌پوشی یادآور شد که رژیم ایران با زمان بازی می‌کند و هدفمند به‌سوی ساخت بمب اتمی حرکت می‌کند. وی هم‌چنین خبر داد که اگر در شورای امنیت بر سر مجازات علیه رژیم بحث شود، روسیه و چین هم از آن جانبداری خواهند کرد.

حسن روحانی: اگر تصویر کاملی از فعالیتهای اتمی می‌دادیم
آخوند حسن روحانی دبیر سابق شورای عالی امنیت، در یک سخنرانی علنی که در فصلنامه راهبرد، ارگان مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، چاپ شده است، برای اولین بار از موضوعات پشت پرده پرونده هسته‌یی رژیم پرده برداشت. و به وضوح به مقاصد امنیتی و نظامی رژیم، در این پروژه اعتراف و بر صحت افشاگریهای مقاومت و نگرانیهای جامعه بین‌المللی از ماهیت فعالیتهای رژیم مهر تأیید زد.

روحانی اعتراف کرد که اگر به دروغ و دغل متوسل نمی‌شدند و گزارش واقعی از کارهای خودشان را به آژانس ارائه می‌کردند، پرونده‌شان به شورای امنیت ارجاع می‌شد. «در جلسه سران نظام این بحث مطرح شد که ما طبق قطعنامه سپتامبر مؤظفیم که تصویر کامل برنامه هسته‌یی را در طول سالهای گذشته به آژانس ارائه کنیم. بحث اصلی این بود که آیا ارائه تصویر کامل می‌تواند مشکل را حل کند یا نه؟ اگر تصویر کامل را ارائه می‌کردیم، خود آن تصویر ممکن بود ما را به شورای امنیت ببرد. اگر ارائه نمی‌کردیم به معنای تخلف از قطعنامه بود و به‌دلیل این‌که قطعنامه را اجرا نکرده بودیم، به شورای امنیت می‌رفتیم. بنابراین بحث این بود که هر راهی را انتخاب کنیم فرقی نمی‌کند و پرونده ما به شورای امنیت خواهد رفت. به این دلیل در جلسات کارشناسی بحث شد که با اروپاییها در این زمینه همکاری را شروع کنیم».

همین چند جمله به خوبی روشن می‌سازد که تمام آن‌چه را که امروز سردمداران رژیم با این دجالگری و با هزینه تبلیغاتی بسیار می‌خواهند به خورد جامعه جهانی و مردم ایران بدهند، که هدف ما «فناوری صلح‌آمیز هسته‌یی است»، و از منافع ملی و حق ملت سخن می‌گویند، تا چه اندازه بی‌پایه و پرفریب است.

آخوند حسن روحانی اذعان کرد که در زمان تعلیق، اغلب پروژه‌های مخفی اتمی را تکمیل کرده‌اند:
«در واقع با فضای آرامی که ایجاد کردیم، توانستیم اصفهان را تکمیل کنیم که الحمدلله امروز اصفهان تکمیل شده است و می‌توانیم که کیک زرد را به یو.اف٤ و یو.اف٦ تبدیل کنیم که این مسأله بسیار اهمیت دارد. در واقع یو.اف٦ ماده تغذیه‌یی اصلی ماشینهای سانتریفوژ است».

آخرین باری که من نقشه را چک کردم، بصره در خاک عراق قرار داشت!
موضعگیری و سخنرانی زالمای خلیلزاد، سفیر آمریکا در عراق، در مورد رژیم بنیادگرای آخوندی، به گفته ناظران و تحلیلگران سیاسی «به طرز غیرمعمولی صریح» و به گفته برخی دیگر «بی‌سابقه» بود. و حاکی از این است که به تدریج اشغال پنهان عراق توسط رژیم آخوندی، مورد توجه دست‌اندرکاران و جامعه جهانی قرار می‌گیرد. نکته بسیار مهمی که سه سال پیش تاکنون مقاومت ایران به کرات، به جهانیان اعلام کرده است.

خلیلزاد، در یک کنفرانس مطبوعاتی در بغداد گفت: «رژیم ایران با رساندن سلاح، دادن آموزش و حمایتهای دیگر به شبه‌نظامیان و گروههای شورشی نقش منفی در عراق ایفا می‌کند.... کمکهای رژیم ایران بخشی از یک استراتژی فراگیر توسط بازیگری است که به دنبال تسلط بر منطقه است».

خلیلزاد به صراحت، فراخوانهای رژیم مبنی بر خروج نیروهای انگلیسی از بصره در جنوب عراق را رد کرد و گفت: رژیم ایران تلاش می‌کند، «با دخالت در امری که به آن مربوط نیست»، توجهات را از بحران کنونی بر سر مسأله هسته‌یی‌اش منحرف سازد. آخرین باری که من نقشه را چک کردم، بصره در خاک عراق قرار داشت... رژیم ایران سیاست دوگانه‌یی نسبت به عراق دارد، بخشی از آن رابطهٔ معمول دیپلوماتیک است و بخش دیگر آن «کار با شبه‌نظامیان و گروههای افراطی و تأمین آموزش و سلاح برای آنان است».

مواضع علنی و صریح سفیر آمریکا در عراق، همراه با موضعگیری نیروهای دموکراتیک و ضدبنیادگرایی در عراق و مخالفت با دولت فرقه‌یی که ائتلاف مطلوب رژیم در صدد تشکیل آن بود، عرصه را بر رژیم آخوندی تنگ کرد. تحولات و زمان علیه مقاصد شوم رژیم در عراق سمت و سو گرفت. انفجار جنایتکارانه و تلاش برای دامن زدن به اختلافات مذهبی و ممانعت از پیشرفت پروسه سیاسی در عراق را، از این منظر باید به تماشانشست.

سازمان مجاهدین خلق ایران، اسامی دژخیمان دست‌اندرکار در اعدام مجاهد خلق حجت زمانی را اعلام کرد
۱- دژخیم ارجمند معاون دادستان تهران و سرپرست اجرای احکام ۲- دژخیم ماشاءالله احمدزاده، دادیار شعبه ششم اجرای احکام ۳- دژخیم حاج کاظم، مدیر زندان گوهردشت ٤- دژخیم علی محمدی معاون زندان ۵- دژخیم محقق، آخوند زندان ٦- دژخیم باقری، منشی دادگاه ارتجاع ۷- دژخیم سودمند سرکرده یکان انتظامی زندان ۸- دژخیم بابایی مدیردفتر اجرای احکام زندان گوهردشت ۹- سردژخیم محسنی اژه‌ای وزیر اطلاعات و صادر کننده حکم اعدام ۱۰- سردژخیم راجی مستشار دیوانعالی ارتجاع و صادر کننده حکم اعدام ۱۱- آخوند سردژخیم، هاشمی با نام مستعار محمود هاشمی شاهرودی عراقی الاصل رئیس قوه قضاییه رژیم آخوندی و رئیس قبلی مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق

اطلاعیه های دبیرخانه شورای ملی مقاومت

رژیم آخوندی از تحویل پیکر مجاهد قهرمان حجت زمانی خودداری می‌کند
جلادان رژیم آخوندی هم‌چنان از تحویل پیکر مجاهد شهید حجت زمانی به خانواده اش سر باز می‌زنند
دژخیمان رژیم آخوندی در زندان گوهر دشت کرج به منظور زمینه‌چینی برای کشتار زندانیان سیاسی مجاهد و مبارز که هم اکنون در اعتصاب غذا به سر می‌برند، شایع کرده‌اند که این زندانیان قصد خودکشی دارند. در بیانیه‌یی به امضای ولی‌الله فیض مهدوی و اسد شقاقی آمده است:
«ما به شدت در معرض تهدید هستیم. طی ٢٤ ساعت گذشته به ما گفته‌اند شما خودتان را با چاقو خواهید کشت یا با داروی نظافت خودکشی خواهید کرد. ما اعلام می‌کنیم هرگز علیه جان و سلامتی خود اقدامی نخواهیم کرد و در صورت بروز هرگونه حادثه برای ما، هموطنان هوشیارمان علیه رئیس زندان گوهردشت حاج کاظم و مسئول حفاظت زندان اقامه دعوا کنند، این اقامه دعوا از طرف ما به ملت ایران تفویض می‌شود».
به‌دنبال اعدام مجاهد خلق حجت زمانی، زندانیان سیاسی به بندهای زندانیان عادی منتقل شده‌اند و در آن‌جا توسط مزدوران رژیم مورد ضرب و شتم و حمله با چاقو و سلاح سرد قرار گرفته‌اند که در نتیجه دو نفر از زندانیان به‌شدت مجروح و به بیمارستان منتقل شده‌اند.
بنابر همین گزارشها، اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان گوهردشت کرج که در اعتراض به خودداری رژیم از تحویل دادن پیکر مجاهد شهید حجت زمانی به خانواده‌اش از چند روز پیش شروع شده، هم‌چنان ادامه دارد.
بنا بر گزارشهای رسیده حجت زمانی قبل از اعدامش شدیداً توسط جنایتکاران رژیم مورد شکنجه قرار گرفته بود تا در برابر دوربین اعتراف به بمبگذاری نموده و ابراز ندامت کند، که با جواب منفی وقاطعانه او مواجه شدند.
مقاومت ایران از شورای امنیت، دبیر کل و کمیسر عالی حقوق‌بشر ملل‌متحد و تمامی سازمانها و ارگانهای بین‌المللی مدافع حقوق‌بشر خواهان توجه به زندانیان سیاسی در سیاهچالهای مخوف آخوندها و هم‌چنین خواستار اقدام فوری برای نجات جان آنان و جلوگیری از کشتار جمعی آنان می‌باشد.

دبیرخانهٔ شورای ملی مقاومت ایران
۳اسفند ١٣٨٤ (٢٢فوریهٔ ٢٠٠٦)

رژیم آخوندی در هراس از انعکاس اخبار ارجاع به شورای امنیت به‌سانسور رسانه‌ها روی می‌آورد
به‌دنبال ارجاع پروندهٔ اتمی رژیم آخوندی به‌شورای امنیت، آخوندهای حاکم برایران تلاش می‌کنند، به‌هرطریق ممکن از انتشار اخبار مربوط به آغاز دوران جدیدی از انزوا و طردشدگی جهانی رژیم و تغییر تعادل قوای بین‌المللی و چشم‌انداز اعمال تحریم توسط شورای امنیت، در داخل کشور جلوگیری کند.
به‌همین منظور، رژیم دستورالعملهای جدیدی برای سانسور مطبوعات و کنترل پوشش خبری صادر کرده است. از جمله، دبیرخانهٔ شورایعالی امنیت ملی رژیم از مدیران مطبوعات خواسته است «از درج اخبار و مقالاتی در خصوص ارسال پروندهٔ هسته‌یی ایران به‌شورای امنیت که چنین القا می‌کند که همه کار به‌پایان رسیده و جمهوری اسلامی شکست خورده، خودداری کنند».
سرپیچی از اجرای این دستور از طرف دبیرخانهٔ شورایعالی امنیت ملی، «مغایر با مصالح نظام اعلام شده» و به تمامی مطبوعات، به‌صورت کتبی و به‌صورت شفاهی، تذکر داده شده است که «به‌هیچ عنوان از این دستورالعمل تخطی نکنند، در غیر این‌صورت توقیف خواهند شد». شورایعالی امنیت رژیم از مطبوعات خواسته است که درانعکاس اخبار و تحلیلها موارد زیر را مد نظر بگیرند:
۱–از ایجاد هرگونه نگرانی و ترس در میان مردم جلوگیری شود،
۲–عدم القای به بن‌بست رسیدن و پایان موضوع،
۳–عدم القای شکست دیپلوماسی جمهوری اسلامی.
صبح امروز، جمشید عدالتیان، نایب‌رئیس سابق اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، در گفتگو با خبرگزاری رژیم (ایلنا) گفت که اگر پروندهٔ هسته‌یی ایران در شورای امنیت ملل متحد منجر به‌تحریمها شود، واردات و صادرات با مشکل مواجه خواهد شد، رشد اقتصادی کند می‌گردد و بسیاری از صنایع نیازمند به‌ماشین آلات و مواد اولیه با مشکل مواجه خواهند شد و در نتیجه عرضهٔ کالا در کشور نیز با محدودیت روبه‌رو می‌شود. وی افزود: تا اعلام نتیجهٔ نهایی برای تحریم یا عدم تحریم، کشور در وضعیت غیرشفافی به‌سرخواهد برد و همواره آینده‌یی نامعلوم و مخاطره‌آمیز خواهد داشت که این امر دشمن اقتصاد است و سرمایه گذاری را دچار اختلال کرده و باعث سردرگمی می‌شود».

دبیرخانهٔ شورای ملی مقاومت ایران
۵اسفند ١٣٨٤ (٢٤فوریهٔ ٢٠٠٦)

پاسدار حسین‌تاش، رئیس هیأت اعزامی رژیم به مسکو، مسئول پروژه دستیابی به سلاح اتمی است
مقاومت ایران نسبت به‌مخفیکاریها و فریبکاریهای رژیم آخوندی هشدار می‌دهد
به‌گزارش خبرگزاریها، علی حسین‌تاش، معاون دبیر شورایعالی امنیت ملی رژیم آخوندی، یکشنبه شب وارد مسکو شده است تا با مقامهای روسیه برسر طرح غنی‌سازی اورانیوم در خاک این کشور به‌مذاکراه بپردازد. مقامهای رژیم یک روز قبل از این مذاکرات بر غنی‌سازی اورانیوم در داخل ایران تأکید کردند.
حسین‌تاش، رئیس هیأت مذاکره کنندهٔ آخوندها، به‌رادیو تلویزیون دولتی ایران گفت رابطه‌یی بین تعلیق غنی‌سازی در ایران و طرح روسیه وجود ندارد. او اضافه کرد که رژیم هیچ پیش‌شرطی را برای مذاکرات نمی‌پذیرد. آخوند حسن روحانی نیز، با اشاره به‌مذاکرات رژیم و روسیه، گفت «در این مذاکرات اگر بخواهند که ایران از حقوق خود صرفنظر نماید موفق نخواهند شد».
حسین‌تاش، یک سرتیپ سپاه پاسداران و از عناصر اصلی برنامهٔ مخفی نظامی اتمی رژیم‌ملایان در سالهای اخیر بوده است. حسین‌تاش، که قبل از روی کار آمدن احمدی‌نژاد، معاون وزیر دفاع و مسئول تولید سلاحهای کشتار جمعی به‌ویژه سلاح اتمی بود و «مرکز آمادگی فن‌آوری نوین پیشرفته دفاعی» نیز تحت نظر او عمل می‌کرد. بالاترین متخصصان اتمی رژیم مانند محسن فخری‌زاده تحت نظارت حسین‌تاش قرار دارند. دانشگاه مالک اشتر، وابسته به سپاه پاسداران نیز که در امر سلاحهای کشتار جمعی تحقیقات می‌کند، تحت نظر پاسدار حسین تاش است.
مقاومت ایران نسبت به مانورهای فریبکارانهٔ رژیم آخوندی برای به‌تعویق انداختن تحریمها و مجازاتهای بین‌المللی هشدار می‌دهد. شانتاژ و تهدید رژیم آخوندی و استمرار و تشدید تلاشهای رژیم که نشاندهندهٔ اهداف شوم آن برای دستیابی به‌بمب اتمی است، ضرورت اعمال بلادرنگ تحریمهای همه‌جانبهٔ نفتی، تکنولوژیک، تسلیحاتی و دیپلوماتیک را دو چندان می‌کند. هرگونه تعلل و تأخیر، زمان، یعنی مهمترین چیزی که ملایان برای دستیابی به سلاح اتمی به آن نیاز دارند را در اختیارشان قرار می‌دهد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
اول اسفند ١٣٨٤ (٢٠ فوریهٔ ٢٠٠٦)

۲۱ حلق آویز و حکم اعدام در سه روز
حکم اعدام برای دستگیرشدگان خوزستان و کردستان
طی روزهای اخیر رژیم آخوندی در وحشت از گسترش خیزشهای مردمی و برای ایجاد رعب و وحشت، موج اعدامها و سرکوبی را به‌شدت افزایش داده است. رسانه‌های حکومتی در سه روز گذشته، از حلق‌آویز ٤ زندانی و صدور حکم اعدام برای ۱۷ زندانی دیگر خبر داده‌اند
بر اساس گزارش مطبوعات حکومتی در روز اول اسفند دو جوان به‌نامهای عبدی و علی در محوطهٔ زندان اندیمشک به‌دار آویخته شدند. یک جوان ۲۲ ساله نیز در اردبیل اعدام شد. سردژخیم دری نجف آبادی دادستان کل رژیم در روز اول اسفند اعلام کرد: حکم اعدام دو زندانی به اتهام شرکت در انفجارهای اهواز صادر شده و احکام مجازات ۵ نفر دیگر به‌زودی صادر خواهد شد.
در روز ۳۰بهمن نیز رژیم آخوندی حکم اعدام مصطفی رسول‌نیا، که از دستگیرشدگان تظاهرات مهاباد در تابستان گذشته است، در دادگاه تجدیدنظر مورد تأیید قرار گرفت.
هم‌چنین حکم اعدام یک زندانی سیاسی دیگر در زندان سنندج توسط دیوانعالی رژیم مورد تأیید قرار گرفت. در همین حال دو زندانی سیاسی دیگر در زندانهای سنندج و زنجان نیز از روز اول اسفند ناپدید شده‌اند.
در روز اول اسفند، دیوانعالی آخوندها حکم اعدام یک زندانی را به اتهام قتل یکی از مأموران سرکوبگر در بجنورد تأیید کرد. در همین روز وزیر اطلاعات رژیم، از اعدام خالد حردانی، به‌اتهام هواپیمارباییی خبر داد. در قزوین نیز یک نفر به‌عنوان «مفسد فی‌الارض» به‌اعدام محکوم گردید و برای یک زندانی دیگر در اصفهان به‌اتهام سرقت مسلحانه دو بار حکم اعدام صادر شد. دستگاه قضاییه حکم اعدام یک جوان ۲۰ ساله و سه‌نفر به‌نامهای خانعلی، ٤۵ساله؛ غلامرضا، ۳٦ ساله و عباس، ۳۳ ساله را در تهران صادر کرده است و دیوانعالی رژیم حکم اعدام یک کارگر اخراجی شرکت مواد بهداشتی را مورد تأیید قرار داد.
مقاومت ایران، شورای امنیت، کمیسیون حقوق بشر، کمیسر عالی حقوق بشر و دیگر مراجع و سازمانهای مدافع حقوق بشر را به‌روند فزایندهٔ اعدامهای خودسرانه در ایران جلب می‌کند و خواستار ارجاع پروندهٔ نقض حقوق بشر در ایران به شورای امنیت ملل متحد، به منظور اقدامات لازم‌الاجرا علیه رژیم آخوندی می‌باشد.

دبیرخانهٔ شورای ملی مقاومت ایران
۳اسفند ١٣٨٤ (٢٢فوریه)

جنایت بزرگ، انفجار حرم ائمه در سامرا

مقاصد شوم رژیم آخوندی در انفجار حرم ائمه در سامرا و حمله به مساجد و کشتار اهل تسنن در عراق

ساعت شش و چهل و پنج دقیقه صبح روز چهارشنبه سوم اسفند، افراد مسلحی که لباس پلیس ویژهٔ عراق را به تن داشتند، در یک جنایت رذیلانه، اقدام به انفجار بخش بزرگی از گنبد مرقدهای امامان دهم و یازدهم شیعیان در شهر سامرا در شمال بغداد نمودند. افراد مسلح مرکز حفاظت از مراقد را تصرف کرده و پس از بستن دست و پای مأموران حفاظت، دو بمب در زیر گنبد طلایی کار گذاشتند.

با فاصله کوتاهی بعد از این جنایت سبعانه، در یک تهاجم همزمان و هماهنگ تروریستی، مساجد و مراکز اهل تسنن به‌طور گسترده مورد تهاجم عوامل ناشناس قرار گرفت و با موشک و خمپاره و نارنجک در هم کوبیده شد و کشته و زخمی بسیار برجای گذاشت. تا زمان تنظیم این گزارش، خبرها حاکیست که ۱۸۴مسجد سنیها آسیب دیده یا تخریب شده‌اند که ازمیان آنها ۱۰۳مسجد کاملاً ویران و یا آتش زده‌شده‌اند. هم‌چنین ۱۰روحانی کشته و ۱۵تن ربوده شده‌اند. تعداد کشته‌شدگان این تهاجمات تنها در بغداد از ۲۰۰نفر گذشته است.

مردم شهرهای بصره، کاظمیه، نجف و بغداد به تظاهرات اعتراضی برخاستند و مغازه‌ها تعطیل شد. هم‌چنین تظاهرات گسترده‌یی بین دو مرقد امام حسین و ابوالفضل العباس در کربلا برگزار گردید.

دبیرکل حزب اسلامی: این یک جنگ مذهبی است

طارق الهاشمی، دبیرکل حزب اسلامی عراق، در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت: به دنبال انفجار سامرا به ۲۹مسجد اهل سنت حمله کردند. این حملات به وسیله بمب و نارنجک صورت گرفته است. به مرکز حزب اسلامی در بصره حمله شده و آن‌را محاصره کرده‌اند. ۷۰۰نفر مقر حزب اسلامی در بصره را محاصره کرده‌اند. یک مرکز دیگر حزب اسلامی را به طور کامل به آتش کشیدند.

وی افزود: این یک جنگ مذهبی است. کسانی که از زمان سقوط عراق فعال بودند، هم‌چنان فعال هستند تا تر و خشک را با هم بسوزانند.

وی افزود: از دولت می‌خواهیم که با مردم صریح باشد و تحقیقات برای کشف دست‌اندرکاران را به جریان بیندازد. چرا قبل از تحقیق حزب اسلامی را مسئول معرفی کردید؟

طارق الهاشمی در مصاحبه دیگری که ۵ اسفند با تلویزیون الجزیره انجام داد، گفت: نیروهای ویژه وزارت کشور عراق مسجد اعظمیه را محاصره کرده و دو خودرو مسجد را به آتش کشیدند. پس از ورود مردم این نیروها عقب‌نشینی کردند. در حال حاضر یک مسجد دیگر به نام سجاد در منطقه محادث توسط نیروهای مسلح شامل گروههای شبه‌نظامی و نیروهای ویژه وزارت کشور محاصره شده است. ما دو روز قبل بیانیه‌یی داده و ائتلاف شیعی و جریان صدر را مسئول اعمال خشونت‌بار دانستیم.

در حال حاضر اوضاع بسیار ناامن است. یک توطئه بزرگ و حساب‌شده برای نابودی کشور عراق در راه است. گروههای شبه‌نظامی با برنامه و طراحی برای نابودی اهل تسنن عمل می کنند.

هیأت علمای مسلمین: دولت عراق در آن‌چه صورت گرفته دست دارد

دکتر عصام الراوی، عضو هیأت علمای مسلمین عراق، سوم اسفند در مصاحبه با تلویزیون العربیه اعلام کرد: من فکر می کنم که دولت عراق در آن‌چه صورت گرفته، دست دارد و متهم است..... اخبار وحشتناکی از ربوده شدن امام‌جمعه‌ها و ائمه و نمازگزاران مساجد و کشتن آنها به دستمان رسیده است. هم اکنون در مقابل من لیستی فقط از حزب اسلامی قرار دارد که ۱۰۳مسجد آتش زده شده و خراب و کاملاً ویران شده‌اند.

دکتر عصام الراوی دست داشتن زرقاوی و القاعده را در انفجار حرمین سامرا تکذیب کرد و گفت: چهار ماه است که در سامرا نه اثری از زرقاوی هست و نه از مقاومت. مرقد کاملاً در محاصره نیروها و ارگانها و خودروهای پلیس بوده است و بسیاری از برادران در سامرا به من گفته‌اند که حتی جن هم نمی‌توانسته وارد این مرقد بشود. پس این افراد چگونه توانستند یک تن مواد منفجره را وارد این دو مرقد شریف جلیلِ این دو امام علیه‌السلام، بکنند و در تمام طول شب از ساعت ۸ تا ساعت ٦ صبح در آن‌جا بمانند؟

الکبیسی از هیأت علمای مسلمین عراق: این انفجار کار مأموران وابسته به رژیم ایران می‌باشد

عبدالسلام الکبیسی از هیأت علمای مسلمین عراق نسبت به انفجار گنبد مرقدهای امامان دهم و یازدهم شیعیان ابراز تأسف نمود و گفت این انفجار کار مأموران وابسته به رژیم ایران می‌باشد.

خبرگزاری نایت‌ریدر در آمریکا که این خبر را مخابره می کرد، با افراد مختلف مصاحبه‌هایی ترتیب داد و افزود: بسیاری از کسانی که در تظاهرات سامرا با آنها مصاحبه به عمل آمد، معتقدند که این کار، کار طرفهای خارجی است و طراحی آن از خارج یعنی ایران، صورت گرفته است.

فرید صبری از حزب اسلامی عراق: مشکل این است که دولت با کسانی اداره می‌شود که با رژیم ایران رابطه دارند

فرید صبری ازحزب اسلامی عراق به تلویزیون سی.ان.ان گفت: «وضعیت در عراق بسیار خطیر است. خشونت در عراق ازطرف دولت اعمال می‌شود...وزارت دفاع و وزارت کشور عراق در این حملات علیه جامعه سنی دست داشته‌اند».

فرید صبری در پاسخ به این سؤال که آیا عراق در آستانه جنگ داخلی قرارگرفته است، گفت: «مشکل در عراق این است که دولت با کسانی اداره می‌شود که با حاکمان مذهبی ایران رابطه دارند. شبه‌نظامیان در عراق در دولت هستند و دولت آنها را تأمین مالی می کند. افرادی که به زیارتگاه حمله کردند یونیفورم پلیس پوشیده بودند و طی ساعات منع تردد به زیارتگاه رفته‌اند این خود دولت عراق است که به این مسائل دامن می‌زند.

عضو حزب اسلامی در ادامه اضافه کرد: آمریکاییها و انگلیسیها باید روی دولت فشار بیاورند و افرادی که سرویسهای امنیتی عراق را اداره می کنند تغییر بدهند. تاوقتی این شبه‌نظامیان عراق را به‌عنوان یک باند و نه به عنوان یک کشور اداره می کنند، آینده‌یی برای عراق وجود ندارد» (تلویزیون سی.ان.ان ۵اسفند).

تلویزیون سی.ان.ان درگزارش خبری خود در روز ٤اسفند گفت: افراد مسلحی که به این انفجار اقدام کرده‌اند، لباس پلیس ویژه عراق به تن داشته‌اند.

القاعده: بمبگذاری کار تیپ بدر و شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران می‌باشد

القاعده هرگونه دست داشتن خود در انفجارهای سامرا را تکذیب کرد و اعلام نمود، بمبگذاری مرقد سامرا کار دولت تحت سلطهٔ شیعیان و تیپ بدر، شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران می‌باشد.

خبرگزاری فرانسه ۵اسفند، به نقل از القاعده می‌افزاید: جنایتکاران در تلاش هستند خود را قربانی جلوه بدهند. اما اجازه نخواهیم داد که تجاوزهای وقیحانه علیه جوامع سنی و مساجد آنها ادامه پیدا کند.

تلویزیون الجزیره ۵اسفند، با نقل این خبر افزود: «٤گروه مسلح عراقی از جنایت تبری جستند و انگشت اتهام را متوجه تکاوران وزارت کشور عراق کردند. ۷گروه اسلامی سنی، شامل تشکیلات القاعده در عراق و تعدادی از گروههای دیگر دولت عراق و حکومت ایران را متهم کردند که در پشت انفجار گنبد مرقد امام هادی در سامرا قرار دارد».

شیخ یوسف الناصری: حکومت عراق پیشاپیش از این حادثه اطلاع داشته است

شیخ یوسف الناصری، اندیشمند اسلامی از بغداد، حین مصاحبه با شبکه تلویزیونی عرب زبان رژیم آخوندی، به‌نام العالم، در ۵اسفند، به ستوه آمد، و در حین اظهارات خود که گرداننده برنامه به‌شدت تلاش می کرد، آن‌را قطع کند، به‌ناگهان گفت: «....حکومت عراق پیشاپیش از این حادثه اطلاع داشته است، چرا که ارگانهای امنیتی دو هفته پیش، یک گزارش امنیتی، به هیأت وزیران ارائه دادند....در این گزارش آمده است که، این حرم به انفجار و تخریب تهدید شده است، و این موضوع روی میز حکومت عراق آمده است، ولی ما هیچ اقدام و واکنشی از سوی حکومت ندیدیم».

در حالی که گرداننده برنامه سعی بر قطع کلام او داشت، شیخ یوسف الناصری با صدای بلند افزود: «می‌خواهم یک نکته مهم را یادآوری کنم و آن این‌که، کار انفجار اگر از جنبه مهندسی بررسی شود، کسانی که اقدام به انفجار این صحن کرده‌اند، با یک طرح مهندسی گسترده و دقیق اقدام به این بمبگذاری کرده‌اند، ستونهایی که در آن مواد منفجره کار گذاشته شده است و دو گنبد بینشان فقط نیم متر فاصله می‌باشد، گنبد طلایی به‌سمت بیرون منفجر شده است و گنبد داخلی به‌سمت داخل منفجر شده است و تمامی اینها نشان می‌دهد که مدت زمانی که تروریستها درداخل صحن بودند، بیش از ۱۰ ساعت و یا حتی بیش از یک روز کامل می‌باشد».

حمله به خانه دبیرکل هیأت علمای مسلمین عراق

تلویزیون العربیه خبر داد که خانه حارث الضاری، دبیرکل هیأت علمای مسلمین عراق، به وسیله افراد مسلح تحت محاصره قرار گرفته است. حارث الضاری به تلویزیون العربیه گفت: «این موضوع برای همه افشا شده است، این دولت متأسفانه می‌خواهد همه را تصفیه و عراق را تقسیم کند. اما ما خویشتنداری کردیم... سؤال این است که چه کسی پشت این قتلهاست؟ ۲۰فرد مسلح در ساعت ۹ صبح خانه را محاصره کرده و به رگبار بستند، چه کسی پشت این کار است و چه کسی خواستار کشتن من است؟»

دبیرکل هیأت علمای مسلمین عراق در پاسخ به تلویزیون العربیه در مورد این که آیا از مقامات دولت نمی‌خواهی که حفاظت شما را به عهده بگیرند و آیا نمی‌خواهی با کسی گفتگو کنی؟ گفت: «من از قاتل نمی‌طلبم که از من حفاظت کند. اینها نیروهای دولتی هستند که ما را محاصره کرده‌اند. ما در قاهره گفتگو و توافق کردیم و به راه حل و بیانیه رسیدیم و همه آن‌را امضا کردند در صورتی که دستگیریها و یورشها بیشتر شد. خیابانها پر از اجساد شده است و با نام و بر اساس هویت دارند می کشند. روزانه صدها نفر کشته می‌شوند».

حمله برای تصرف مسجدهای متعلق به اهل تسنن در بغداد

تلویزیون الجزیره ۵اسفند گزارش کرد: «نیروهای مسلحی که لباس پلیس عراق بر تن داشتند، به منطقه اعظمیه بغداد که سنی‌نشین است، حمله کردند. آنها قصد تصرف مسجد «ابوحنیفه» را داشتند. مردم در حالی که به شدت نگران بودند، در مقابل این مسجد تجمع کردند تا از آسیب رساندن به آن خودداری کنند.

یکی از مقامهای اداره اوقاف اهل‌تسنن عراق، گفت: نیروهای مسلح با لباس گارد ویژه وزارت کشور که لباس سیاه بر تن داشتند، مسجد کُبیسی در منطقه پلیس پنجم بغداد را نیز به محاصره درآوردند».

بر اثر انفجار این جنایت بزرگ تروریستی گنبدهای طلایی امام دهم و یازدهم به تلی از خاک تبدیل شد.

زالمای خلیلزاد: شبه‌نظامیان باید خلع‌سلاح شوند

زالمای خلیلزاد، سفیر آمریکا در عراق، در یک مصاحبه با نایت‌ریدر تأکید کرد که گروههای سیاسی شیعه باید برای ایجاد ثبات در عراق شبه‌نظامیان خود را خلع‌سلاح نمایند. (سی.ان.ان ۵اسفند ۸٤).

سران رژیم به صحنه آمدند

بعد از این انفجار، سران حکومت آخوندی به سرعت به صحنه آمدند و به دمیدن در آتشی که شعله‌ورشدن آن مورد نظر و خواست آنان است، پرداختند.

ولی‌فقیه ارتجاع طی پیامی گفت: «این یک جنایت سیاسی است و سررشته آن را باید در سازمانهای اطلاعاتی اشغالگران عراق و صهیونیستها جستجو کرد. قدرتهای سلطه‌گر که اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق را با هدفهای سیطره‌جویانه خود در تضاد می‌بینند، نقشه‌های شومی در سر می‌پرورانند که تشدید ناامنی و ایجاد اختلافهای مذهبی از جمله آنهاست».

پاسدار احمدی‌نژاد نیز طی پیامی گفت: «این اقدامات تروریستی با هدف نجات صهیونیسم صورت می گیرد»..

طرح ولی‌فقیه برای بلعیدن عراق

دیکتاتوری تروریستی آخوندی، طرح خود را برای بلعیدن عراق، به‌دنبال انفجارات سامرا برملا کرد و در اطلاعیه‌یی با عنوان «ستاد مرکزی حزب‌الله ایران» که در دفتر ولی‌فقیه ارتجاع تنظیم شده است، خواستارِ سپردن امور عراق به‌دست یک دولت کاملاً دست‌نشانده رژیم آخوندی در پی خروج نیروهای آمریکایی و انگلیسی گردید.

در بیانیه شماره یک ستاد مرکزی حزب‌الله ایران که دریکی از سایتهای رژیم به نام سایت آفتاب ۵اسفند منعکس گردیده، آمده است: «ستاد مرکزی حزب‌الله ایران همه مسلمانان فهیم به ویژه شیعیان را به وحدت عملی و راهبردی در قبال تهدیدات جهانی دعوت نموده و از دولتمردان عراق می‌خواهد با تسریع در تشکیل دولت، ضمن استقرار امنیت کامل، زمینه‌های خروج اشغالگران آمریکایی و انگلیسی را از کشورشان هر چه زودتر فراهم نمایند».

سران رژیم مسئولیت این جنایت را متوجه آمریکا و اسرائیل کردند

مقامات و رسانه‌های رژیم آخوندی برای سرپوش گذاشتن بر جنایت ننگین خود و هم‌چنین برای مصارف دجالگرانه عراقی-اتمی، مسئولیت انفجارهای سامرا را طبق طرح مصوب ولی‌فقیه ارتجاع، متوجه آمریکا و اسراییل می کنند.

تلویزیون شبکه خبر رژیم ٤اسفند به نقل از خامنه‌ای تأکید کرد: «مقام معظم رهبری فرمودند این یک جنایت سیاسی است و ریشه آن‌را باید در سازمانهای اطلاعاتی اشغالگران عراق و صهیونیستها جستجو کرد!».

تلویزیون رژیم ٤اسفند در یک تفسیر رسمی اظهارات سفیر آمریکا، علیه ایادی رژیم و هم‌چنین انتشار کاریکاتورهای موهن نسبت به مقدسات را موجب خشم عراقیان دانست. اما هیچ توضیحی در این باره که یک تن تی.ان.تی چگونه طی ساعتها به‌داخل حرم در سامرا برده و کارگذاری شده است، نداد.

آخوند امامی کاشانی در نمایش جمعه ۵ اسفند امروز تهران برای پوشاندن نقش رژیم در جنایت انفجارهای سامرا گفت: عاملان انفجارهای سامرا، استکبار غرب و سردمداران آمریکا، موساد، سازمان سیا و صهیونیستها هستند.

آخوند دری نجف آبادی» دادستان کل رژیم نیز پیش از خطبه‌های نمایش جمعه تهران، گفت: در حادثه اخیر عراق نمی‌دانیم که پشت پرده چه کسانی هستند. اما قطعاً نمی‌توان، صهیونیستها، آمریکاییها و اشغالگران را مبرا کرد.

رژیم آخوندی اهداف شوم خود را برملا می کند

رژیم آخوندی طی تفسیری در رادیوی رژیم ۵اسفند اهداف شوم خود را از سوءاستفاده از انفجار حرم مطهر امام علی‌النقی و امام حسن‌عسگری در سامرا نشان داد.

در قسمتی از تفسیر رادیو رژیم آمده است: «اولین پیامد فاجعه امروز سامرا، اوجگیری اعتراضات در جهان اسلام علیه تکرار توهین به مقدسات اسلامی خواهد بود و بی‌تردید ابعاد آن از عراق نیز فراتر خواهد رفت».

رادیو رژیم در این تفسیر نیت آخوندها را از جبران شکست خود در انتخابات عراق نشان داد و افزود: «با توجه به نقش عوامل صهیونیستی در توطئه اهانت به ساحت مقدس پیامبر گرامی اسلام، این احتمال نیز وجود دارد که همین عوامل به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم در اقدام تروریستی امروز سامرا دخیل بوده باشند. صهیونیستها به همراه نومحافظه‌کاران حاکم بر آمریکا، از برقراری ثبات و امنیت در عراق و تشکیل دولتی فراگیر بر اساس انتخابات پارلمانی آذرماه این کشور احساس نگرانی می‌کنند، و به نظر می‌رسد با دامن زدن به دور جدید ناامنیها و تشدید اختلاف میان شیعیان و سنیها، می‌خواهند اهداف نیمه‌تمام خود را پیگیری کنند».

رژیم آخوندی درحالی که دخالتهایش برای تمام کشورها عیان شده برای پرده‌پوشی این مداخلات افزود: «ارتباطی معنادار میان اظهارات مداخله‌گرانه اخیر زالمای خلیلزاد، سفیر آمریکا در عراق و سفر غیرمنتظره جک استراو به بغداد، با اقدام تروریستی بامداد امروز در سامرا مشاهده می‌شود که مسئولیت این اقدام و دیگرحملات تروریستی را که در روزهای اخیر به وقوع پیوسته، متوجه دولتهای اشغالگر می‌کند. چرا که این دولتها به رغم برگزاری انتخابات مردمی هم‌چنان از انتقال مسئولیتهای امنیتی به کسانی که منتخب مردم هستند، خودداری می‌کنند.

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت بمبگذاری جنایتکارانه در حرم مطهر ائمه اطهار در سامرا را محکوم کرد

در پی فاجعه هولناک بمبگذاری در حرم مطهر ائمه اطهار در سامرا در روز چهارشنبه سوم اسفند ۸٤، خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران، این جنایت بزرگ را به شدت محکوم کرد و گفت: فاجعه بمبگذاری و تهاجم تروریستی در حرم مطهر امام علی‌النقی(ع) و امام حسن‌عسکری(ع)، و مراقد مطهر نرگس خاتون مادر امام‌زمان(عج) و حکیمه خاتون دختر امام نهم را به عموم مسلمانان و شیعیان و به ویژه به مردم عراق و هموطنانمان در ایران عمیقاً تسلیت می گویم.

خانم رجوی افزود: فاشیستهای دین‌پناه حاکم بر ایران که، هم در زمینه اتمی و هم در پیشرفت پروسه سیاسی و تشکیل دولت وحدت ملی در عراق، خود را بازنده می‌بینند، منافعشان را در بر هم زدن اوضاع عراق و بالا گرفتن اختلافات و درگیریهای مذهبی یافته‌اند. وقتی کاریکاتورها افاقه نمی کند، آخوندها به بمبگذاری و تروریسم و قتل‌عام روی می آورند. این فاجعه تلخ که بدون شک از سوی هر انسان آزاده‌یی در جهان به شدت محکوم است، تنها می‌تواند از سوی رژیم آخوندی که به ویژه در این ایام در پی تفرقه‌اندازی در عراق است، مورد بهره برداری قرار گیرد. رژیمی که مردم عراق به‌خوبی با روشهای جنایتکارانه و تفرقه‌اندازانه آن آشنا هستند. ازجمله، دو میلیون و هشتصد هزار تن از مردم عراق در فروردین گذشته، «تفرقه‌اندازی بین مذاهب و قومیتها» را از اهداف شناخته شده رژیم حاکم بر ایران برشمردند. در تیرماه امسال نیز اجلاس سه‌جانبهٔ هیأت پارلمان اروپا، نیروهای دموکراتیک عراق و سازمان مجاهدین خلق ایران در بیانیه خود بر همین حقیقت انگشت گذاشت و تأکید کرد: «در حالی که شیعیان و سنیهای عراق، کرد و عرب، سالها در صلح و آشتی با هم زندگی کرده‌اند، رژیم ایران با صرف هزینه‌های هنگفت در عراق تروریسم را دامن می‌زند و خون بسیاری بیگناهان را بر زمین می‌ریزد».

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت، با یادآوری سابقه ننگین حکومت آخوندی در فاجعه انفجار حرم مطهر امام رضا (ع) و بهره‌برداریهای بلادرنگ و به‌غایت رذیلانهٔ خامنه‌ای و دیگر سران رژیم، عموم مسلمانان و شیعیان را - که به ویژه در عراق و ایران قلوبشان به حق از فاجعه انفجار در حرم مطهر در سامرا جریحه‌داراست- به هوشیاری در قبال تفرقه‌اندازیهای مطلوب رژیم آخوندی فراخواند.

خانم رجوی متعاقباً در روز جمعه ۵اسفند نیز در پیام دیگری، ضمن تسلیت مجدد به خاطر فاجعه انفجار در حرم ائمه اطهار در سامرا و با ابراز تأسف شدید از حملات سازمانیافته و از پیش تدارک دیده شده به مساجد و علما و خطبای سنی در شهرهای مختلف عراق، که دست تفرقه‌انداز و فتنه‌گر رژیم دینفروش آخوندها در آن پیداست، تأکید کرد:

رخدادها و اخبار عراق در ایام پس از انفجارهای جنایتکارانه در حرم مطهر امام علی‌النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام، بیش از پیش، مقاصد شوم و آماده‌سازیهای قبلی آخوندهای حاکم بر ایران و ایادی آنها را در این جنایت، برایِ تفرقه‌اندازی و سلطه‌جویی در عراق، برملا می کند؛ رژیمی که به مصداق آیات قران، «اَلَدّ ُالخِصام» و بدترین دشمن اسلام و مسلمانان است.

سوابق ننگین این رژیم در انفجار حرم امام رضا در مشهد، در ربودن و مثله کردن کشیشهای مسیحی و در ترور علمای اهل تسنن در کرمانشاه و کردستان و سیستان و بلوچستان به ثبت رسیده است. این رژیم از اسلام و تشیع دم می‌زند، اما مردان و زنان مسلمان و شیعه و مجاهد و حتی زنان باردار و دختران خردسال مانند فاطمه مصباح و مادرانی چون مادر کبیری و مادر ذاکری را در زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها به قتل می‌رساند. همین رژیم امروز نیز با زمینه‌سازیهای قبلی، برای حفظ نظام منحوس آخوندی، در پی صدور ارتجاع و ترور و خونریزی در عراق برآمده و از تجری به ساحت ائمه اطهار و حمله به مساجد اهل‌سنت و کشتار نمازگزاران و خطبا و علمای سنی فروگذار نمی کند.

خانم رجوی افزود: از سوی مردم و مقاومت ایران و به عنوان یک زن مسلمان، ازهمه علما و مراجع و رهبران سیاسی شیعه و سنی که رودرروی«فتنه‌انگیزی مذهبی و تفرقه‌اندازی» از سوی رژیم ضداسلامی و ضدانسانی آخوندها به پاخاسته‌اند و می گویند حرم مطهر سامرا «نه مسجد شیعه است و نه مسجد سنی، بلکه مرقد دو امام از امامان بزرگ مسلمانان اعم از شیعه سنی است»، قدردانی و خاطرنشان می کنم: فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران، در گرداب بحرانهای مرحله پایانی دست و پا می‌زند و در پرونده اتمی و در روند سیاسی برای تشکیل دولت وحدت ملی در عراق خود را بازنده می‌بینند، قویاً در صدد برهم زدن اوضاع عراق و شعله‌ور کردن آتش درگیریهای مذهبی است. از همین روست که ناظران و گزارشگران بین‌المللی حمله به سامرا را «یک لحظه حیاتی» توصیف می کنند و نسبت به خطر«تکه‌پاره» شدن عراق هشدار می‌دهند. همزمان، حکومت پلید آخوندی و بیت‌الفساد خامنه‌ای، با تدارک و اعلان «ستاد مرکزی حزب‌الله ایران» به صراحت از لزوم سپردن امور عراق به دست یک دولت دست‌نشانده این رژیم و تحمیل الگوی حاکمیت آخوندی در این کشور دم می‌زند.

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران، با تأکید بر حساسیت اوضاع و لزوم مداخلهٔ مسئولانهٔ رهبران سیاسی و مراجع سنی و شیعه، برای خنثی کردن نقشه‌های شوم دیکتاتوری دینی حاکم بر ایران، عموم مسلمان و شیعیان را به هوشیاری و روشنگری در قبال توطئه‌های رژیم آخوندی و تلاش فعالانه برای قطع دستهای تفرقه‌انداز حکام ایران دعوت نمود.

سازمان مجاهدین خلق ایران جنایت بزرگ تروریستی در حرم مطهر دهمین و یازدهمین پیشوایان آرمانی اسلام ضد ارتجاعی را محکوم کرد

سازمان مجاهدین خلق ایران جنایت بزرگ تروریستی در حرم مطهر دهمین و یازدهمین پیشوایان آرمانی اسلام ضدارتجاعی، امام هادی و امام حسن عسگری در سامرا را، که به آسیب دیدن ضریح و فروریختن نیمی از گنبد طلا منجر شد، قویاً محکوم کرد و آن‌را تلاش ننگ‌آلود ارتجاع حاکم بر ایران در جهت دامن زدن به اختلافات مذهبی و ممانعت از پیشرفت پروسه سیاسی در عراق توصیف نمود.

سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام کرد: تحریک و سوءاستفاده از احساسات مذهبی، حرفه متداول فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران است که احساس می کند سیاستهای مداخله‌جویانه‌اش در عراق در آستانه شکست است و به‌زودی پرونده پنهانکاریهای اتمی‌اش نیز در شورای امنیت ملل متحد باز خواهد شد. پیش از این برخی رسانه‌های عربی خاطر نشان کرده بودند: «اما ایران در مقابل ضرباتی که نفوذش در عراق را هدف قرار داده، ساکت نخواهد نشست.... از آن جایی که گزینه‌های ایران در عراق محدود است، به برانگیختن شهرهای شیعه به شورش مدنی و سپس شورش مسلحانه متوسل خواهد شد».

در ۳۰خرداد سال۱۳۷۳ آخوندهای حاکم بر ایران به انفجار جنایتکارانه مشابهی در حرم امام رضا (ع)، دست یازیدند و سپس بلادرنگ آن‌را به گردن مجاهدین انداختند. این فضیحت متعاقباً توسط ایادی خود رژیم افشا شد..

جنایت رذیلانه انفجار در سامرا با موجی از محکومیت جهانی مواجه شد

شورای امنیت سازمان ملل‌متحد

شورای امنیت سازمان ملل‌متحد بمبگذاری در سامرا را محکوم کرد و از مردم عراق خواست خویشتنداری کرده و از حملات تلافی‌جویانه به مساجد اهل سنت خودداری نمایند.

دبیرکل ملل متحد

کوفی عنان، دبیرکل ملل متحد اعلام کرد از بمبگذاری در مرقدهای امامان شیعیان در عراق عمیقاً شوکه شده و اندوهگین است.

وی طی بیانیه‌یی اعلام کرد: «هدف از این حمله به وضوح تحریک اختلافات فرقه‌یی و به دنبال آن آسیب رساندن به صلح و ثبات در عراق است».

وی از جوامع مذهبی عراق خواست «حداکثر خویشتنداری را در مواجهه با این اقدامات تحریک کننده انجام دهند. سازمان ملل متحد برای کمک به مردم عراق و رسیدن به آشتی ملی به هر اقدامی دست می‌زند».

رئیس‌جمهور آمریکا

جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا طی بیانیه‌یی اعلام کرد: «من از سوی مردم آمریکا عمیقترین مراتب تسلیت خود را به مردم عراق به خاطر انفجار خشونت‌آمیز در شهر سامرا ابراز می‌دارم. اعمال خشونت‌آمیز کمکی است به آن چه تروریستها می‌خواهند با چنین اعمال وحشیانه‌یی به آن برسند».

وی افزود: «تروریستها باز هم در عراق ثابت کردند که دشمن همه اماکن مقدس و اعتقادات مذهبی و انسانی هستند. جهان باید در برابر آنان ایستادگی کرده و از مردم عراق حمایت کند. این عمل جنایتکارانه رویارویی با مردمی است که دارای باورهای مذهبی هستند. ایالات متحده آمریکا چنین عمل وحشیانه‌یی را به شدیدترین وجه ممکن محکوم می‌کند».

نخست‌وزیر انگلستان

تونی بلر، نخست‌وزیر انگلستان طی بیانیهٔ شدیداللحنی بمب‌گذاری سامرا را محکوم کرد و تأکید نمود: «کسانی که مرتکب این حمله شده‌اند، تنها یک هدف داشته‌اند. آنها می‌خواهند میان سنی و شیعه در عراق نزاع و خشونت ایجاد کنند تا دموکراسی را که هم‌اکنون در عراق برقرار می‌شود، از خط خارج کنند». وی افزود: «مردم نباید در دامی که برایشان پهن شده بیفتند. این امر حیاتی است که تمامی گروهها در عراق در مقابل این تحریک خشن، از خود خویشتنداری نشان بدهند. انتقام‌جویی تنها برای تروریستها آن چه را که به دنبال آن هستند تأمین خواهد کرد»

وزیر امور خارجه آمریکا

کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا نیز انفجار سامرا را واقعه‌یی «تراژیک» خواند و از مردم عراق خواست «برای محکوم‌کردن تروریسم علیه افراد و علیه اماکن مقدس با یکدیگر متحد باشند».

اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا انفجار حرم امامان دهم و یازدهم شیعیان درعراق را به شدت محکوم کرد.

وزیر خارجه اتریش که در حال حاضر کشورش ریاست دوره‌یی اتحادیه اروپا را بر عهده دارد، حمله به مراقد مقدس در سامرا را «جنایتکارانه و ظالمانه» توصیف کرد و از کلیه عراقیها خواست تا "با روحیه گفتگو و احترام متقابل" عمل نمایند». (آسوشیتدپرس: ۵ اسفند ۸۴).

سفیر آمریکا در سازمان ملل متحد

جان بولتون، سفیر آمریکا در سازمان ملل و رئیس کنونی شورای امنیت گفت: اعضای شورای امنیت این حمله و حملاتی را که به دنبال آن علیه دیگر اماکن مذهبی صورت گرفته «قویا محکوم» می‌کنند.

جان بولتون افزود: اعضای شورای امنیت «نگرانی خود را نسبت به چنین اقدامات جنایتکارانه و توهین به مقدسات مذهبی با هدف تحریک نزاع مذهبی و دامن زدن به تنشهای فرقه‌یی و از بین‌بردن چشم‌انداز صلح و ثبات در عراق ابراز می‌دارند».

سفیر آمریکا در عراق

روزچهارشنبه ۱۴ سفند زالمای خلیلزاد، سفیر آمریکا در عراق انفجار مرقد امامان شیعه در سامرا را محکوم کرد و گفت: مردم عراق نبایستی اجازه بدهند که این جنایت آنها را ازهم جدا کند. آنهایی که چنین جنایت فرقه‌گرایانه‌یی انجام می‌دهند تنها منافع تروریستها را تأمین می‌کنند. تروریستها خواهان کشاندن عراق به درگیری فرقه‌گرایانه‌هستند.

دولت ایتالیا

دولت ایتالیا ضمن محکوم کردن این جنایت تروریستی، پیشنهاد کرد که گنبد طلایی مرقدهای امامان دهم و یازدهم شیعیان را بازسازی کند. (آسوشیتدپرس: ۵ اسفند ۸۴)

احزاب توافق و حزب اسلامی انفجار سامرا را محکوم کردند

جبهه توافق و حزب اسلامی عراق و دیگر جریانهای اهل تسنن در این کشور انفجار سامرا را محکوم کردند.

عدنان الدلیمی دبیرکل جبهه توافق این عمل جنایتکارانه را محکوم کرد و گفت: «ما از دولت عراق می‌خواهیم که موضع جدی و قاطع داشته باشد و اشغال‌کنندگان مساجد اهل تسنن را بیرون کند. مساجد ما توسط برخی اشغال و محاصره شده است. ما از مراجع دینی و سیاسی شیعه می‌خواهیم که این عمل را محکوم کنند و دستور بدهند که مساجد ما را تخلیه کنند».

رئیس‌جمهور آمریکا، رژیم ایران را بزرگترین حامی ترور خواند و خواستار تغییر دموکراتیک در ایران شد

بقیه از صفحه اول

جرج بوش گفت: کشورهای آزاد جهان نگران هستند چرا که رژیم ایران شفافیت ندارد. رژیمی غیرشفاف که اصلیترین حامی تروریسم است، نمی‌تواند اجازه یابد که خطرناکترین سلاح جهان را در اختیار داشته باشد..

بنابراین در حالی که مانع جاه‌طلبیهای هسته‌یی رژیم ایران می‌شویم، از خواست مردم ایران برای آزاد بودن حمایت می کنیم. تا یک جامعه آزاد، دموکراتیک و شفاف بسازند. از مردم ایران حمایت می کنیم تا آزادی خود را بدست آورند.

جرج بوش در این سخنان در مورد عراق نیز گفت: اگرچه روزهای پرتشنجی در عراق در پیش است، اما من خوشبین هستم و همه جریانهای سیاسی و مذهبی را به تشکیل دولت وحدت ملی فرا می‌خوانم. اگرچه مذاکرات پیرامون تشکیل دولت وحدت ملی عراق سخت و دشوار خواهد بود. اما این کشور جنگزده را به صلح خواهد رساند.

خشم و خروش رزمندگان آزادی در «اشرف» در پی انفجارجنایتکارانه در حرم ائمه در سامرا

بقیه از صفحه اول
در ادامه مراسم آقای عباس داوری، مسئول کمیسیون کار شورای ملی مقاومت به سخنرانی پرداخت:

عباس داوری: دیگر هیچ تردیدی باقی نمانده که این جنایت از طرف رژیم بوده‌است

سم الله الرحمن الرحیم
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَن يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَـٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَن يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (بقره ١١٤)
چه کسی ظالمتر از آن کسی است که مانع می‌شود از این که اسم خدا در مساجد یاد شود و در خراب کردن آنها تلاش می کند به آنها نیامده که وارد مساجد شوند، مگر با ترس، برای آنان در دنیا ننگ و عار است و در آخرت عذاب بزرگی است.
امروز در مسجد حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها السلام جمع شده‌ایم که از جسارت رژیم پلید آخوندی، این کانون جنایتکاران و حکومت آدمکشان و این متجاوزان به حرمت مقدسترین مکان مسلمانان، تبری بجوییم و فریاد کنیم: ای ننگ بر خمینی، ای لعن بر خمینی!
آخر آن‌جا حرم و حریم مادر قائم آل محمد، نرگس خاتون است.
آن‌جا حرم امام هادی علی‌النقی و امام ابومحمد حسن عسکری است.
آخر آن‌جا محل شهادت امامان بزرگوار به‌دست مرتجعان آن روز بود.
آخر آن‌جا محلی است که بیش از ۱۲قرن است همهٔ مسلمانان حرمتش را دارند.
در ٤٨ساعت گذشته دیگر هیچ تردیدی باقی نمانده که این جنایت از طرف رژیم بوده‌است.
این رژیم با تمام قوا برای بهره‌برداری و درهم‌ریختن روند سیاسی عراق که با سرعت زیاد علیه رژیم در حرکت است، وارد شده و عواملش پرده‌ها را کنار زده و به‌طور رسمی دو چیز را بیان می کنند:
اول این‌که کرسیهای آنها را هیأت تحقیق بین‌المللی از دستشان درآورده و دیگر در اکثریت نیستند.
دوم این‌که اختصاص‌یافتن وزارت کشور و وزارت دفاع عراق را به‌غیر از خودشان، مرز سرخ می‌دانند.
ساداتی دبیر دوم سفارت رژیم در بغداد با صراحت گفت: «اگر نبود اظهارات سفیر آمریکا در عراق درخصوص وزارتخانه‌های کشور، دفاع و مشاور امنیت ملی این حادثه قهراً اتفاق نمی‌افتاد».
سایت بازتاب متعلق به پاسدار محسن رضایی نوشت: طی سی، چهل روز گذشته، نیروهای نظامی آمریکایی، مدیریت امنیت برخی شهرهای عراق را از دست نیروهای مردمی عراقی و وزارتخانه‌های کشور و دفاع این کشور، گرفته‌اند. ادامهٔ وضعیت کنونی، احتمال بروز حوادث جدید تروریستی را افزایش می‌دهد».
روزنامه البینه ارگان حزب‌الله عراق نوشت: «اظهارات اخیر سفیر آمریکا در مورد تشکیل دولت جدید عراق و این‌که وزیران کشور و دفاع نباید فرقه‌گرا باشند، چراغ سبزی به‌تروریستها بود تا جنایت دیروز سامرا را مرتکب شوند».
روزنامهٔ کیهان که سخنگوی ولی‌فقیه ارتجاع است، نوشت: «بحران عراق، بحران اشغال است و هر اتفاقی که بیفتد در درجهٔ اول از نتایج اشغال محسوب می‌شود. بنابراین آمریکاییها نشان داده‌اند که صلاحیت در اختیارداشتن امنیت عراق را ندارند و باید مسائل امنیتی این کشور را به‌دولت عراق (یعنی رژیم) واگذارند».
روزنامهٔ حکومتی اعتماد نوشت: «نمی‌توان چنین عملیات تروریستی را بی‌ارتباط با پیروزی ائتلاف عراق یکپارچه در انتخابات و نیز فشارهای آمریکایی ـ انگلیسی برای باجگیری از لیست پیروز جهت چشم‌پوشی از حقوق حقهٔ خویش دانست».
بنابراین هیچ تردیدی نیست که رژیم دست به‌این جنایت زده است.
همهٔ گروههای مسلح در عراق دست‌داشتن خودشان را در این جنایت تکذیب کردند و اعلام نمودند که دست رژیم در کار است.
این رژیم حرمت کدام حریم مقدس را نریختهاست؟
مگر این رژیم نبود که در روز عاشورا در سال ۷۳ حرم امام رضا علیه السلام را منفجر کرد؟
مگر این رژیم نبود که سه‌کشیش مسیحی را به فجیعترین شکل به قتل رساند؟ الان در عراق نیز از همان جنایتها الگوبرداری می کند.
سخنگوی هیأت علمای مسلمین عراق تصریح کرد: «مکانی که در سامرا هدف قرار گرفت، مرقد دو امام است که از امامان بزرگ مسلمانان می‌باشند. امامانی هستند که هم مربوط به سنیها هستند و هم شیعه و از اماکن نادری است بعد از مکه و مدینه که مورد احترام شیعه و سنی است و ما به عنوان اهل سنت و جماعت آنها را ائمهٔ اهل بیت می‌دانیم و از نظر ما حرمت آنها واجب است».
اما این رژیم برای تداوم حکومت ننگین خود از هیچ جنایت و دنائتی فروگذار نمی کند. تمام تلاش رژیم در این است که با ارعاب و ترور و دست‌یازیدن به هر جنایتی در عراق، با جبهه‌بندی بسیار قوی و جدید مردم عراق را که در روزهای اخیر علیه دخالتهای این رژیم تشکیل شده مقابله کند و آب رفته را به جوی بازگرداند. حتی اگر به قیمت ریختن بالاترین حرمتها باشد.
لعنت بر خمینی که چنین شجرهٔ خبیثه‌یی از خود به‌جا گذاشت. علمای دین چرا در مقابل این جنایت رژیم ساکت هستید؟ بگذارید از مقابل مسجد فاطمهٔ زهرا علیهاالسلام به‌این شجرهٔ خبیثه و کانون جنایتکاران و حکومت آدمکشان اعلام کنیم که تقاص تاریخی و ننگین خود را پس خواهند داد و بی‌تردید گنبد و بارگاه رژیمی که به‌گنبد حرم امام علی‌النقی و امام حسن عسکری و نرگس خاتون جسارت کند، بر سرشان خراب خواهد شد.

نرگس خاتون، اشرف سلامت می‌کند، جان را فدایت می‌کند
یا حجهٔ ابن‌الحسن ریشهٔ ظلم را بکن

اگر عمر بن‌سعد، نیای عقیدتی خامنه‌ای توانست از گندم ری بخورد، این آدمکشان هم خواهند توانست با این حرمت‌شکنی به‌حکومت ننگین خود ادامه دهند.
السلام علیک یا ابا الحسن علی بن‌محمد الزکی الراشد النور الثاقب
سلام بر تو ای نور شکافنده
السلام علیک یا مولای یا ابا محمد الحسن بن علی الهادی ویا ابا الامام المنتَظَر
سلام بر تو ای پدر امام منتظر
السلام علی والدهٔ الامام والمؤدَعَهٔ اسرار الملک العلام و الحاملهٔ لأشرف الانام
السلام علیک ایتها الصدیقهٔ المرضیهٔ التقیهٔ النقیهٔ الموصوفهٔ فیَ الانجیل
سلام بر مادر امام و امانتدار اسرار ملک خداوندی و حمل کننده شریفترین انسان
سلام بر تو ای وصف‌شده در انجیل.
والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته.

جلسه بزرگداشت شهید حجت زمانی در هلند

هر شب ستاره‌یی به زمین می‌کشند و باز این آسمان غمزده غرق ستاره‌هاست

عصر روز یکشنبه ۲۹ بهمن، مراسم یادبود و بزرگداشت مجاهد شهید حجت زمانی در سالن شهرداری شهر «بارن» با حضور شمار زیادی از هواداران مجاهدین وشورای ملی مقاومت و با حضور اعضای خانوادهٔ مجاهد شهید حجت زمانی توسط انجمن دوستی ایرانی – هلندی شهر اوترخت در هلند برگزار شد.
در سالن مراسم نماد یادبود مجاهد شهید حجت زمانی و عکسهایی از او و برادر قهرمانش مجاهد شهید خزئل زمانی به‌چشم می خورد. شروع برنامه با اجرای دسته‌جمعی سرود میهن شهیدان بود.
سپس نوار ویدئویی خبر شهادت مجاهد خلق حجت زمانی پخش شد. در ادامهٔ برنامه، زندگینامهٔ مجاهد قهرمان حجت زمانی توسط آقای غلامرضا فتح‌اللهی از بستگان شهید قرائت گردید.
پس از آن مصاحبهٔ آقای علی نادری از بستگان مجاهد شهید حجت که از رزمندگان قهرمان شهر اشرف می‌باشد پخش شد.
آن‌گاه فیلم کوتاهی درباره حجت قهرمان نمایش داده شد.

سخنان کشیش روزنبام

در قسمت دوم برنامه، ابتدا آقای روبرت روزنبام کشیش انساندوست هلندی و یار مقاومت، سخنان پرشوری ایراد نمود که بسیار مورد توجه واقع شد. دکتر روزنبام پس از اتمام سخنانش شمع ویژه‌یی را که در مذهب مسیحیت سمبل شهید شناخته می‌شود، روشن نموده و در کنار نماد یادبود شهید حجت قرار داد.
در قسمتی دیگر برخی یاران مقاومت سخنانی در مورد حجت و شأن او ایراد کردند. از جمله یکی از این سخنرانان به‌یاد حجت قهرمان که درمقابل دژخیمان سرخم نکرد و حاضر به توبه از افتخارات گذشتهٔ خود نشد و تسلیم نگردید، خطاب به حضار گفت:
«شهادت حجت قهرمان یک انتخاب اتفاقی نبود، رژیم ضدبشری آخوندی یکی از مقاومترین و استوارترین افراد درمیان زندانیان سیاسی را برای این جنایت انتخاب کرد. اما فراتر از این حماسه، حماسه پایداری و دفاعش از آرمان و خط مشی سازمانش بود».
در ادامه برنامه، پیامهای انجمنهای مختلف ایرانی – هلندی در محکومیت اعدام مجاهد قهرمان حجت زمانی قرائت گردید.
آن‌گاه مراسم باشکوه گل‌گذاری گارد احترام بر نماد اشرف شهید در سالگرد ۱۹ بهمن ماه ۱۳۸۴ در شهر اشرف پخش گردید که با کف زدن شرکت‌کنندگان همراه بود .
در قسمت پایانی برنامه، برادر کوچکتر حجت زمانی، ضمن تأکید بر ادامهٔ راه حجت و مبارزه با رژیم آخوندی، از همهٔ کسانی که در این جلسه شرکت کرده بودند، تشکر نمود. سپس لوحهٔ بسیار زیبایی به مناسبت شهادت حجت قهرمان از طرف خانه فیلم ایران به خانواده قهرمان‌پرور زمانی تقدیم گردید.
در پایان برنامه سرود قسم به‌صورت دسته‌جمعی خوانده شد و شرکت‌کنندگان در صفوفی منظم نماد حجت قهرمان را گلباران کردند. شرکت‌کنندگان در مراسم که از راههای دور و نزدیک خود را به این مراسم رسانده بودند، درحالی مراسم را ترک می‌کردند که با عزمی جزمتر و اراده‌یی محکمتر بر ادامه راه حجت قهرمان تا پیروزی نهایی و حمایت هرچه بیشتر از این مقاومت و رزمندگان شهر شرف، اشرف تأکید می‌کردند.

تظاهرات در لاهه

به مناسبت بزرگداشت خاطرهٔ مجاهد قهرمان حجت زمانی روز سه‌شنبه دوم اسفندماه ۱۳۸٤ حامیان مقاومت ایران در شهر لاهه هلند اقدام به برگزاری یک آکسیون اعتراضی نمودند.
این آکسیون در مقابل ساختمان پارلمان این کشور در لاهه با حضور تنی چند از اعضای خانواده شهید حجت زمانی با سرود ای ایران ای مرز پرگهر آغاز شد.
شرکت‌کنندگان با شعارهای کوبنده خود علیه رژیم جنایتکار آخوندها و در حمایت از زندانیان سیاسی، اعدام سبعانه مجاهد خلق حجت زمانی را که چهار سال و نیم در اسارت دژخیمان رژیم بر سر عهد و پیمان خود به آزادی و رهایی مردم ایران ایستاد محکوم کردند.
در این گردهمایی خلاصه کوتاهی از زندگینامه این شهید پایداری و مقاومت قرائت شد.
آن‌گاه آقای فن بومل، نماینده پارلمان از حزب سوسیالیست هلند، به سخنرانی پرداخت. وی در سخنان خود به نقض فاحش حقوق بشر توسط رژیم ملایان پرداخت و تأکید کرد:
«احمدی‌نژاد کابینه‌یی از نیروهای امنیتی را روی کار آورده که دستشان به خون آلوده است. قتل و اعدامها و جنایاتی صورت گرفته و قاتلان نیز مشخص هستند. اینها باید محاکمه شده و به مجازات برسند.
حمایت از مبارزهٔ به حق مردم ایران علیه دیکتاتوری یک وظیفه است. بنابرهمین وظیفه امروز من در این‌جا حضور پیدا کرده‌ام.
حزب من از مبارزات شما علیه دیکتاتوری حمایت می‌کند و به همین خاطر حزب ما در پارلمان هلند مسأله نقض حقوق بشر و اعدام حجت زمانی را پیگیری خواهد کرد.
به هیچ‌وجه نباید مسأله نقض حقوق‌بشر در ایران وجه‌المصالحه مسأله اتمی رژیم قرار بگیرد. بدین معنی که به رژیم گفته شود اگر از اتمی دست بردارد حقوق بشر نادیده گرفته خواهد شد.
نقض حقوق‌بشر مسأله‌یست که باید به‌طور جدی دنبال شود و قاتلان مردم ایران در دادگاههای جنایی اروپا و دادگاه بین‌المللی باید مورد محاکمه قرار گیرند.
ما از دولت هلند خواهان محکوم‌کردن اعدام حجت زمانی هستیم.
سپس آقای رابرتز وایتسما، مسئول کمیسیون خارجی جوانان حزب سبزها، سخنان خود را آغاز کرد و گفت:
«ما امروز این‌جا جمع شده‌ایم برای بزرگداشت شهادت حجت زمانی. امروز ما این‌جا هستیم که به مردم ایران نشان بدهیم که همراه آنها هستیم. مردم ایران نشان دادند که چه می‌خواهند و ما آنها را در مبارزه برای آزادی یاری می کنیم. حقوق‌بشر در ایران وجود ندارد و ما با شهادت حجت زمانی توانستیم این را به وضوح ببینیم. مدتهاست که اروپا به این موضوع توجهی نکرده و ما باید بلند شویم که با مقاومت همراهی کنیم. بعضی وقتها به‌نظر می‌رسد که ما هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم ولی این درست نیست، خیلی راه‌حلها هست که از طریق آن می‌توانیم مردم ایران را همراهی کنیم، تظاهرات امروز یک انتخاب از همان کارهایی است که می‌توانیم بکنیم.
امروز این‌جا آمده‌ایم که به دولت هلند بگوییم اعدام حجت زمانی را محکوم کنند. الان وقت آن است که رژیم ایران را به دادگاه بیاوریم. مردم ایران خواسته خود را در بایکوت کردن انتخابات نشان دادند. اکثریت مردم ایران جوانان هستند که خواهان دموکراسی هستند».
قسمت بعدی برنامه اختصاص داشت به پخش فیلمهایی ازمراسم بزرگداشت شهادت حجت قهرمان در شهر اشرف که مورد استقبال شرکت‌کنندگان قرارگرفت و بیش از پیش بر خشم و کین آنان علیه جنایات این رژیم قرون‌وسطایی افزود.
در ادامه برنامه نامه خانواده زمانی توسط یکی از بستگان شهید خوانده شد. آن‌گاه نامه‌های جوامع ایرانیان مقیم هلند در محکومیت اعدام حجت زمانی قرائت گردید.

در این برنامه هیأتی از نمایندگان جوامع مختلف ایرانی شامل مادران شهدا، به‌همراه برادر کوچکتر مجاهد شهید حجت زمانی، نماینده جوانان هوادار مقاومت و نماینده انجمن متخصصین ایرانی با منشی معاون کمیسیون خارجی پارلمان هلند ملاقات نمودند. در این ملاقات یک جلد لیست شهدای مقاومت به همراه متن قطعنامه تظاهرات تحویل وی داده شد. وی پس از شنیدن جریان شهادت مجاهد شهید حجت زمانی ضمن ابراز همدردی گفت: «پارلمان هلند موضوع نقض حقوق‌بشر توسط رژیم ایران را تحت بررسی دقیق خود قرار داده است».
در این گردهمایی تعدادی از رسانه های هلندی ازجمله خبرگزاری سراسری جی.پی.دی و روزنامه دفولکس کرانت و آژانس عکس هلند اقدام به تهیه گزارش و عکس نمودند.
در طی برگزاری تظاهرات تعدادی از شخصیتهای هلندی شامل پارلمانترها، سفرا و دستیاران نمایندگان مجلس نیز با حضور خود در این گردهمایی همبستگی خود را با شرکت‌کنندگان و اهدافشان ابراز داشتند.
هم‌چنین تعدادی از شهروندان هلندی به جمع تظاهرکنندگان پیوسته و ضمن ابراز همدردی به‌خاطر شهادت حجت قهرمان، همبستگی خودشان را اعلام نمودند.

نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کنید

سایت حزب اس.پ ۲ اسفند ۸٤: به تقاضای انجمن متخصصین ایرانی در هلند آقای هاری بومل عضو مجلس از حزب سوسیالیست امروز بعدازظهر در میدان (هت پلاین) در لاهه در یک تظاهرات علیه نقض حقوق بشر در ایران سخنرانی کرد. اعضای خانواده زندانیان سیاسی شکنجه و اعدام شده هم حضور داشتند.
طبق گزارشها وضع حقوق بشر در سال ۲۰۰۵ بدتر از سالهای قبل از آن بوده، آقای بومل نگرانی خود را از بدتر شدن نقض حقوق بشر در سال ۲۰۰٦ ابرازنمود.
سخنگوی حزب سوسیالیست در پارلمان هلند هشدار داد که مبادا نقض حقوق بشر در گفتگوهای مربوط به مسأله اتمی که در حال حاضر تمام توجهات را به خود جلب کرده مثل پول خرد خرج شود.
روز پنجشنبه آینده آقای بومل در جلسه کمیسیون خارجی پارلمان در حضور وزیر خارجه آقای بوت که در مورد سیاست اروپا در مورد ایران تشکیل می‌شود. موکداً خواهد خواست که اروپا صریحاً نقض حقوق بشر اخیر در ایران را محکوم کند.

WIJ WILLEN DRINGENDE ACTIE
OM DE EXECUTIES VAN POLITIEK

تظاهرات ایرانیان

deVolkskrant

فولکس کرانت ۳ اسفند۸۴: هواداران انجمن متخصصین ایرانی در میدان پارلمان لاهه علیه نقض حقوق‌بشر در ایران تظاهرات کردند. روز ۱۸بهمن در ایران حجت زمانی عضو مجاهدین خلق حلق‌آویز شده است. در این برنامه به‌طورخاص برای وی توجه ویژه قائل شده بودند.

مراسم بزرگداشت شهادت مجاهد قهرمان حجت زمانی در «اشرف»

در مراسم بزرگداشت مجاهد قهرمان حجت زمانی که در قطعهٔ مروارید، مزار شهیدان در شهر اشرف برگزار شد، مجاهدان و رزم‌آوران آزادی به‌همراه بیش از یکهزار تن از نمایندگان احزاب و جمعیتهای سیاسی و اجتماعی، حقوقدانان، سران عشایر و شخصیتهای سیاسی و اجتماعی و شهروندان عراقی که از سراسر عراق به همین مناسبت در شهر اشرف گردآمده بودند، یاد و راه این مجاهد قهرمان را گرامی داشتند.

شماری از اعضای شورای رهبری، مسئولان سازمان و فرماندهان ارتش آزادیبخش ملی ایران نیز در این مراسم حضور داشتند و با نثار حلقه‌ها و دسته‌های گل بر نمادی که به همین مناسبت بر پا شده بود، از این شهید قهرمان تجلیل کردند.

در ابتدا پس از تلاوت آیاتی از قرآن مجید، گارد احترام طی آیین ویژه‌یی در مقابل تصاویر شهید قهرمان حجت زمانی ادای احترام نمود و سپس جمعی از مسئولان سازمان و هم‌چنین شخصیتها و نمایندگان گروههای شرکت‌کننده با قراردادن حلقه‌ها و دسته‌های گل، مراتب احترام خویش را نسبت به این شهید قهرمان ابراز نمودند.

سپس پیام مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، خواهر مجاهد صدیقه حسینی، توسط خواهر مجاهد معصومه ملک‌محمدی، از اعضای ارشد شورای رهبری مجاهدین قرائت شد.

در قسمتی از این پیام آمده است: سلام بر مجاهد خلق حجت زمانی، سلام بر فرزند دلاور ایلام، بر گرد دلیر هفت چشمه، سلام بر خزئل و فلاح، برادران قهرمان حجت که در سالهای ۷۸ و ۷۹ توسط مزدوران رژیم آخوندی به شهادت رسیدند. و سلام و درود بر خانواده غیور و مجاهدپرور زمانی. سلام بر حجت روزی که زاده شد و روزی که به ستیز با پلیدترین دشمنان خلق برخاست.

سلام بر او که سنت پایداری مجاهد خلق را تا آخرین نفس و تا آخرین قطره خون زنده نگه داشت. محکم و استوار ایستاد و سرخم نکرد تا سرانجام پوزه دشمن را در نهایت ذلت و خواری به خاک مالید. سلام بر حجت روزی که سرفراز و پر غرور دامن محبت را به خون رنگین کرد و به سوی جاودانه فروغها پر کشید. بدرود قهرمان حجت

در قسمتی دیگری از این پیام آمده است: اجازه می‌خواهم از جانب خودم و شورای رهبری مجاهدین و از سوی تمام مجاهدان و رزمندگان آزادی در شهر اشرف شهادت این قهرمان فراموشی‌ناپذیر را به همه مجاهدان و عموم مردم ایران و به ویژه به خانواده سرفراز او و به مردم و جوانان غیور هفته‌چشمه تبریک و تسلیت بگویم.

دور نیست روزی که همشهریان حجت در ایلام و سرچشمه و مردم به‌ستوه‌آمده در سراسر ایران زمین انتقام خون این شهید قهرمان و تک تک شهیدان راه آزادی را از خمینی و دودمان پلیدش بگیرند و ایران زمین را از لوث وجود این رژیم پاک و پاکیزه نمایند.

آن‌گاه شیخ اکرم العزاوی، رئیس انجمن علمای متحد عراق، طی سخنانی خطاب به مجاهدان حاضر گفت: همهٔ شما حجت را می‌شناختید، پیام این خونها این است که به دژخیمان و همهٔ سیاست‌بازان می‌گوید مماشات با شکنجه‌گران بس است. همین‌جا به‌همهٔ امت اسلامی می‌گویم که این شهید قهرمان از شهدای امت اسلامی است و خدا او را رحمت کند.

دکتر جواد ربیعی، از تجمع عشایر ملی عراق، گفت: شهادت حجت قهرمان که به‌دست دژخیمان وحشی رژیم ایران صورت گرفت، راهگشای آزادی است.

سپس خواهر مجاهد رقیه عباسی، از اعضای ارشد شورای رهبری مجاهدین به تشریح فرازهایی از زندگی پر افتخار حجت قهرمان پرداخت.

در ادامه، برادر مجاهد اسماعیل مرتضایی، از مسئولان سازمان مجاهدین خلق ایران، طی سخنانی گفت: شهادت حجت دلیل و سند افتخار پیروزی و سربلندی و حقانیت یک راه است و در عین‌حال سند مجسمی از شکست، ذلت، زبونی و پوسیدگی یک رژیم مفلوک که پس از ٤سال و نیم شکنجه و فشاری که به‌زعم خود برای درهم‌شکستن روحیهٔ یک مجاهد خلق به‌کار بست، سرانجام در برابر ایمان و پایداری مجاهد خلق زانو زد و از روی عجز و ناتوانی به‌اعدام حجت قهرمان، تن داد.

رژیم زبون ۸سال کوشید تا درصحنهٔ بین‌المللی چهره دیگری از خود نشان دهد و این‌طور وانمود کند که گویا در رژیم مفلوکش قادر است مجاهد اسیر را اعدام نکند و درهم بشکند، ولی در برابر ارادهٔ سترگ حجت قهرمان به‌زانو درآمد و سرانجام با اعدام حجت قهرمان، شکست نمایشهای رسوای ۸ساله‌اش را به جهان اعلام کرد.

حجت زمانی اولین شهید این مرحله است. مرحله‌یی که در آن با ارجاع پروندهٔ اتمی رژیم به شورای امنیت، به‌رغم همهٔ توطئه‌ها و بندوبستها، کشتی رژیم به گل نشسته است و همین جاست که باید گفت: ای حجت، ای نمایندهٔ پایداران شهر اشرف، ای اسطورهٔ شهادت مجاهد خلق در اسارت دژخیمان، بر تو درود و هزاران درود که پیشتاز مجاهدین شدی و در دوران افول و شکست خفت‌بار رژیم، تو هستی که «حجت» قاطع بر پیروزی مردم ایران و سقوط حتمی رژیم آخوندها شده‌ای!

آری وقتی اشرف مقاومت می‌کند این پایداری و مقاومت به‌هرکوی و برزنی راه پیدا می‌کند، به زندانها سر می‌کشد و همه شاهد پایداری و مقاومت مجاهدین در هرکوی و برزن می‌شوند.

پس سلام بر تو ای اشرف، ای کانون مقاومت که امروز جهان برپایداری پرشکوه تو پایدار است و ای سرچشمه و آبشخور هرمقاومتی در سراسر گیتی، دیر نیست که پایداران اشرف بر اهریمن خمینی چیره شوند و پیروزی را با مردمشان در میدان آزادی جشن بگیرند.

در ادامه، چندتن از رزمندگان آزادی طی سخنانی، به‌فرازهایی از زندگی و مجاهدت حجت قهرمان و خواندن اشعاری در رثای او پرداختند.

مراسم بزرگداشت شهید قهرمان، حجت زمانی در قطعهٔ مروارید اشرف با اجرای دسته‌جمعی سرود قسم و فاتحه‌خوانی حاضران، به پایان رسید.

حجت و بینه‌یی بر پایداری پرشکوه مجاهدین

در سهمگین‌ترین شرایط تاریخ

حوری سیدی

چند روزی بود که خبرهای ضد و نقیضی از ناپدیدشدن و یا شهادت مجاهد قهرمان حجت زمانی می‌رسید. این خبرها نگرانم می‌کرد و در درونم به‌هم می‌ریختم ولی باز به‌خودم تسلی می‌دادم و دعا می‌کردم که خبر نهایی را که حتماً حضور حجت در زندان است بشنوم.

سیمای آزادی را مطابق معمول در ساعت ١٤ باز کردم تا در جریان آخرین خبرها قرار بگیرم. بغض در گلو شکسته و اشکهای پنهان در چشمان گوینده سیمای آزادی، قلبم را لرزاند و ناخودآگاه اشک از چشمانم جاری شد و فهمیدم که دشمن ضدبشری بازهم از سر کینه خون مجاهد دیگری را بر زمین ریخته است.

خبر مثل همیشه تکاندهنده بود. سروی سرفراز و یلی قهرمان از خطهٔ قهرمانان ایلام، از تبار شیران قهرمانی هم‌چون علی‌اکبر اکبری و پهلوان خزئل زمانی در خون خود خفته بود.

اینک حجت با خون پاک و سرخ خویش، پیوندش با مردم و آرمان آزادی را ابدی نموده است.

لحظات متناقضی به‌ذهنم هجوم می‌آورد. از یک سو دلم می‌خواست حجت زنده باشد و ضربان قلب و نبضش را در مبارزهٔ هر روز خودمان، اگر چه از راه دور، حس کنم و از سوی دیگر او را به‌خاطر حماسهٔ پایداریش، رشادت و جسارتش تحسین می‌کردم و در برابر آن سر تعظیم فرود می‌آوردم.

اینک پس از گذشت ۳سال از پایداری پرشکوه مجاهدین در سخت‌ترین و پر پیچ‌ترین شرایط تاریخ، حجت به سمبل و بینهٔ آن تبدیل شده است و چه افتخاری بالاتر از این؟

با گذشت هرثانیه، خودم را به راه و آرمان حجت قهرمان، برادر عزیزم که اینک مایه غرور هر مجاهد شده است، نزدیکتر می‌یافتم. خون او را در رگان خودم جاری می‌دیدم و پرچم هیهات مناالذله که او به دوش کشیده بود را بر دوش خودم می‌یافتم.

قطعاً حجت قهرمان آخرین شهید این مسیر پرشکوه نخواهد بود. اما خون به ناحق ریخته او که به‌دست دژخیمان ارتجاع بر زمین ریخته شد، به ثمر خواهد نشست.

حجت، تنها قهرمان هفت‌چشمه نبود. اینک از خون او نه هفت چشمه که هفتاد چشمه جوشان و خروشان، سر برخواهد آورد و به سیل بنیان‌کنی تبدیل خواهد شد که ریش و ریشه آخوندها را از بن برکند.

حجت طی چهار سال و نیم اسارت خود، با پایداری و استقامت در برابر حمله و هجوم و فشار و شکنجه‌های رژیم قرون‌وسطایی آخوندی، آنان را به خاک ذلت و خواری نشاند.

این حجت بود که با سری پرشور و قلبی مالامال از عشق به مردم در هراعتراض و اعتصابی در زندان در کنار سایر زندانیان سیاسی حضور می‌یافت و عرصه را بر دژخیمان زندان تنگ می‌نمود.

حجت با شهادت خود یک پیام روشن و واضح به دشمن داد: مجاهد خلق هیچ‌گاه تن به سازش و تسلیم و توبه و ندامت نخواهد داد.

حجت تنها یک قهرمان مجاهد که به اسارت کشیده شده، نبود.حجت عصیانگری بود به تقدیر و سرنوشت. او با هرگام و با هر اعتراض خویش در زندان و با بی‌اعتنایی به تهدیدات ایادی رژیم برای اعدام، برگهای زرین مقاومتش را می‌نگاشت.

گرد گردنفرازی که مرگ را به سخره گرفت و دشمن را به زانو درآورد.

آن‌چه مجاهد شهید حجت زمانی را با هرمجاهدی پیوند می‌دهد و بر عزم و اراده آنان در پیمودن راهی که او بر آن سر و جان نهاد، مصممتر می‌کند، چیست؟ چه رمز و رازی در خون این مجاهد نهفته است؟ به‌نظر من رمز و راز و پیام حجت برای هرکدام ما در صبر و پایداری و شکیبایی اوست.

مجاهدی که هیچ‌گاه لب به اعتراض نگشود و شکوه شهادتش را نیز خود تعیین نمود.

حجت زمانی، دلیل و بینه‌یی درخشان است در کارنامه سراسر افتخار مقاومت مردم ایران.

برادر شهیدم، حجت زمانی، با درود، بدرود

سرباز عاشورا

فرازهایی از زندگی مجاهد قهرمان حجت زمانی

الَّذِينَ هَاجَرُواْ وَأُخْرِجُواْ مِن دِيَارِهِمْ وَأُوذُواْ فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُواْ وَقُتِلُواْ لأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الأَنْهَارُ ثَوَاباً مِّن عِندِ اللّهِ وَاللّهُ عِندَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ (آل‌عمران ٩٥)

آنان که هجرت کردند یا رانده شدند از سرزمین شان و آزار دیدند در راه من، کشتند و کشته شدند، جایگاه‌شان بهشتهایی است که واردشان خواهند شد، پاداشی از جانب خداوند و بهترین پاداش که نزد خداست.

مجاهد شهید حجت زمانی ۳۱سال پیش در هفت‌چشمه ایلام به‌دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همین شهر به‌پایان برد و با پایان دورهٔ دانشسرای تربیت‌معلم، مدتی به‌شغل معلمی در مدارس ایلام پرداخت. حجت همزمان با وقوع عملیات فروغ جاویدان در حالی‌که ١٤ساله بود با نام سازمان مجاهدین آشنا شد. در همان سال دو عامل باعث نزدیک‌ترشدن حجت نوجوان به مجاهدین شد. عامل اول پیوستن برادر بزرگترش پهلوان خزئل زمانی بود که در همین سال به مجاهدین پیوست و عامل دیگر اعدام یکی از خویشاوندانش توسط پاسداران رژیم، که او را بیشتر به جنایات رژیم و حقانیت مبارزات مجاهدین آگاه نمود. تلاشهای حجت از سنین نوجوانی و مشخصاً از ١٥سالگی آغاز شد، خلال این سالها او مطالعهٔ کتابهای مجاهدین را آغاز کرد و همراه با گوش‌دادن به صدای مجاهد از مواضع سازمان در زمینه‌های مختلف آگاه گردید. مجاهد شهید حجت زمانی در سنین نوجوانی عزم خود را بر ادامهٔ راه مجاهدین جزم کرد و از ١٧سالگی در تکاپوی پیوستن به‌مجاهدین بود. تا سرانجام در سال١٣٧٦ دوران جدید زندگیش را با وصل به سازمان مجاهدین و زندگی مبارزاتی آغاز کرد. عمل انقلابی را توأم با دانش مبارزاتی در راه پیشبرد اهداف مجاهدین علیه رژیم ضدبشری به‌کار گرفت و به‌زودی به‌عنصری کارآمد تبدیل شد. در همان زمان طی نامه‌یی نوشته بود: «احساس کردم اولین جوانه‌ها از عشقی وافر به رهبری در درونم سر برمی‌آورد، این عشق راهگشا و حلال بسیاری از مسائلی بود که فکر می‌کردم هرگز قادر به حل آن نخواهم بود. با درک جدیدی که به‌دست آورده‌ام، می‌فهمم که خیلی از آن‌چه که بن‌بست می‌پنداشتم، ساخته‌های ذهنی‌ام بود». اما حرفها و نوشته‌های حجت قهرمان تنها برخاسته از شور و شعار نبود، به‌زودی او با ابتلائات و آزمونهای صعب و سنگینی مواجه گردید. در دیماه۷۸ برادرش پهلوان خزئل قهرمان، در هفت چشمه در مقابل تهاجم پاسداران پس از مقاومتی جانانه به شهادت می‌رسد. از دست‌دادن یک برادر مجاهد عزم او را صیقل می‌زند. در سال بعد او در ابتلائات بیشتری به آزمایش کشیده می‌شود. دومین مجاهد از خانوادهٔ زمانی، برادر دیگرش فلاح نیز در مصاف با دژخیمان آخوندی شهید می‌شود. و سرانجام آزمون اصلی به حجت روی می‌نماید. در تیرماه۱۳۸۰، حجت به‌هنگام تردد در میدان ونک تهران مورد شناسایی قرار گرفت و به‌اسارت پاسداران جنایتکار رژیم آخوندی درآمد. بلافاصله دوران بازجویی و شکنجه‌های فوق طاقت علیه او در اوین آغاز شد. حجت با مقاومتی در خور یک مجاهد، دژخیمان آخوندها را به عجز واداشت. به‌طوری‌که مدت بازجویی او به‌طور غیرعادی چهارسال به‌درازا کشید. طی این مدت دژخیمان در زندانهای مختلف هر رذالتی را به‌کار گرفتند تا زیر انواع شکنجه‌های جسمی و روحی، در عزم مجاهدوار او خللی وارد آورند. سرانجام سلسله‌یی از تهدیدها علیه حجت آغاز شد و در تیر۱۳۸۳ حجت قهرمان را در یک محاکمهٔ فرمایشی به‌چهار بار اعدام محکوم کردند. از آن پس حکم اعدام حجت حربه‌یی بود تا با آن آزمودهٔ خود را بارها و بارها به آزمایش بگذارند. ازجمله او را از بند زندانیان سیاسی به‌بند مجرمان عادی منتقل ساختند تا در میان معتادان، قاتلان و زندانیان دارای بیماری مسری، مقاومتش را درهم بشکنند. اما حجت با اعلام اعتصاب غذا در زندان امواج سیاسی کوبنده‌یی در سطح داخلی و بین‌المللی علیه رژیم به‌پا کرد. ماههای پاییز و زمستان سال۸۳، دوران طولانی اعتصاب غذای قهرمانانهٔ مجاهد قهرمان حجت زمانی بود که با گذشت هرماه تعداد بیشتری از زندانیان سیاسی به آن می‌پیوستند. آخوندها حجت را مسبب شکل‌گیری مقاومت زندانیان تشخیص داده و آخوند محسنی اژه‌ای، وزیر جنایتکار اطلاعات به‌همراه شخص دیگری به نام نبی راجی تحت عنوان شعبهٔ دیوان کشور حکم اعدام او را تأیید کرد. حکمی که نقطهٔ کمال زندگی مبارزاتی حجت بود. او با سرفرازی مجاهدیش درحالی‌که دادگاه و کل حاکمیت پوسیده و فاسد آخوندی را به زیر سؤال می‌برد حکم اعدام را به‌سخره گرفت و با شهامت در زیر حکم نوشت: «اعتراضی ندارم!» بار دیگر هم‌چون ۳۰هزار زندانی مجاهد و مبارز قتل‌عام شده تأکید کرد که هیچ بیم و باکی از سرنوشتی که در راه رهایی مردمش پذیرفته است ندارد. ماههای بعد جلادان زندان که گمان می‌بردند با حکم نهایی اعدام می‌توان مجاهد را از پای درآورد یا در ایمان او خللی وارد کرد، بر فشارهای خود افزودند و به‌ضرب و شتم او در زندان روی آوردند. حجت بار دیگر مقاومت خود را با دست زدن به اعتصاب غذا از روز ١٧شهریور گذشته آغاز کرد. این اعتصاب غذای قهرمانانه روحیهٔ مقاومت را در سایر زندانیان سیاسی بالا برد و آنان نیز به‌اعتصاب غذا پیوستند. موج اعتراضهای داخلی و حمایتهای بین‌المللی این بار نیز به‌رژیمی که افسارگسیخته به‌تاخت و تاز در عرصهٔ داخلی و بین‌المللی روی آورده بود نشان داد که فشار و تهدید و شکنجه بر مقاومت عنصر مجاهد خواهد افزود. سرانجام دژخیمان حجت قهرمان را برای فشار بیشتر به بند زندانیان خطرناک و از آن‌جا به‌سلول انفرادی منتقل کردند تا تماس او با سایر زندانیان قطع شود. در دههٔ اول ماه محرم امسال رژیم با وحشت بسیار از بازتابهای داخلی و بین‌المللی در صبحگاه روز ١٨بهمن، جنایت خود مبنی‌بر اعدام مجاهد خلق حجت زمانی را به‌اجرا درآورد. آخوندها نه تنها از زندگی بلکه از شهادت این مجاهد قهرمان آن‌چنان در هراس بودند که تا ده روز از اعلام رسمی خبر واهمه داشتند.

امروز یکایک مجاهدان آزادی ایران زمین با سلام و درودهای بی‌پایان به سرور شهیدان و امام مجاهدان، خود را مباهی و مفتخر می‌دانند که امسال نیز چون همهٔ سالیان گذشته، در روز عاشورا مجاهد دیگری سر بر راه و بر قدوم آن حضرت نهاد و بی‌تردید با شهدای خاکپای حضرتش محشور خواهد شد.

خواهر مجاهد رقیه عباسی درمراسم بزرگداشت خاطره مجاهد قهرمان حجت زمانی، فرازهایی از زندگینامه او را بیان کرد

کنفرانس افشاگرانه در پارلمان اروپا با حضور نایب‌رئیس پارلمان اروپا

بعد از ظهر دوشنبه ۲۰ فوریه (اول اسفند ۱۳۸۴) یک کنفرانس بزرگ مطبوعاتی در پارلمان اروپا توسط گروه پارلمانی دوستان ایران آزاد در مقر این پارلمان در بروکسل در اعتراض به حضور منوچهر متکی وزیر خارجه جنایتکار رژیم آخوندی برگزار گردید.
در این کنفرانس مطبوعاتی، آقای آلخو ویدال کوآدراس نایب اول رئیس پارلمان اروپا، آقای پائولو کاساکا، رئیس مشترک گروه دوستان ایران آزاد، آقای اریک مایر عضو کمیسیون خارجی پارلمان و آقای فیروز محوی، عضو کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت ایران سخنرانی کردند.
مهمان اصلی این کنفرانس، مهندس ابوالحسن مجتهد زاده بود که مأموران رژیم آخوندی در سال ۶۷ زمانی که متکی سفیر رژیم آخوندی در ترکیه بود، او را ربودند و در کنسولگری استانبول زیر نظر مستقیم متکی او را زندانی و شکنجه کردند.
در این جلسه، ابتدا آقای کاساکا حضور وزیر خارجه رژیم را به شدت محکوم کرد. وی سپس به معرفی آقای مجتهد زاده پرداخت و گفت که او توسط رژیم و شخص متکی در دورانی که وی سفیر رژیم در ترکیه بود ربوده شده بود و از وی خواست که صحبتهای خود را شروع کند..
مهندس مجتهد زاده گفت: من در اکتبر ۱۹۸۸ در تردد به محل کارم سوار ماشین بودم که ۴ خودرو رژیم با ایجاد یک تصادف ساختگی جلو مرا گرفتند و مرا ربودند. آنها مرا به زور در پشت یک ماشین انداختند و به یک خانه امن بردند. در آنجا با چسب نواری سراسر بدن مرا بستند و شروع به شکنجه کردند. به این شکنجه به‌اصطلاح فوتبال می‌گفتند. بعد از چند روز مرا به کنسولگری رژیم در استانبول بردند و در یک قفس آهنی کمتر از یک متر مربع حبس کردند.
در آن‌جا شکنجه من ادامه داشت و در یکی از همین روزها بود که من منوچهر متکی سفیر وقت رژیم در ترکیه را دیدم که به من گفت می‌خواهی همسر و پسر کوچکت را که در آن یکی اتاق زندانی هستند، بیاوریم تا ببینی؟ متکی ادامه داد که امروز عمرت تمام است. متکی را سایر مزدوران رژیم حاجی آقا صدا می کردند.
آقای مجتهدزاده در بخش دیگری از سخنان خود گفت : چندین تن از بهترین دوستان و همکاران من در ترکیه شهید شدند. علی اکبر قربانی را ربودند و چند ماه بعد جسد مثله شده‌اش را در جنگل پیدا کردند. خیلی از این اقدامات تروریستی تحت نظر مستقیم متکی انجام شده است و من خیلی متأسف هستم که امروز در این جا این دیپلومات تروریست پذیرفته شده است.
افشاگریهای تکان‌دهنده آقای مجتهدزاده کلیه خبرنگاران و حاضران در این کنفرانس را به شدت تحت تأثیر قرار داد.
آقای آلخو ویدال کوآدراس نایب‌رئیس پارلمان اروپا، در سخنان کوتاهی از حضور متکی در پارلمان اروپا ابراز انزجار نمود و خواستار اتخاذ یک سیاست قاطع در قبال رژیم ملایان گردید.
آقای اریک ماریر، عضو کمیسیون خارجی پارلمان از هلند، از این‌که متکی با چنین سوابق تروریستی اجازه ورود به محوطه پارلمان اروپا را گرفته است ابراز تعجب کرد و گفت که در جلسه علنی کمیسیون خارجی، این موضوع را پیگیری خواهد کرد.
آقای ویتاتاس لاندزبرگیس، رئیس جمهور سابق لیتوانی و عضو کمیسیون خارجی که در این کنفرانس شرکت داشت، نسبت به حضور متکی در پارلمان ابراز شگفتی نمود و خواستار تحقیق درباره علت این مسأله گردید.

پارلمان اروپا- جلسه کمیته پارلمانی دوستان ایران آزاد در حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران

بعدازظهر چهارشنبه سوم اسفند ۱۳۸۴ (۲۲ فوریه) به ابتکار کمیته پارلمانی دوستان ایران آزاد در پارلمان اروپا، جلسه‌یی در همبستگی با مقاومت ایران تحت عنوان «احمدی‌نژاد و راه‌حلهای اروپا» در مقر این پارلمان در بروکسل برگزار گردید. کمیته دوستان ایران آزاد شامل تعداد کثیری از نمایندگان پارلمان اروپا از همه طیفهای سیاسی اروپایی می‌باشد.

پائولوکاساکا: اعتراض به معامله کثیف با رژیم ایران

در این جلسه که با ریاست مشترک آقای پائولو کاساکا نماینده پارلمان اروپا از گروه سوسیالیست و آقای استروان استیونسن نایب رئیس گروه دموکرات مسیحی پارلمان برگزار گردید، آقای کاساکا، ضمن اشاره به بی‌اعتباربودن برچسب تروریستی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران، از جمله گفت: «رژیم ایران فقط به مجاهدین حمله می‌کند و به هیچ گروه یا فرد دیگری کاری ندارد چون آنها تنها اپوزیسیون واقعی و جدی این رژیم هستند. من اطلاع دارم که اتحادیه اروپا هیچ سندی ندارد تا ثابت کند که مجاهدین باید در این لیست باقی بمانند. بلکه بنا به‌پیشنهاد مشخص رژیم ایران بود که مجاهدین در این لیست گذاشته شدند. این هیچ چیز جز یک معامله کثیف نبود. گزارش سازمان دیده‌بان و اتهاماتی که علیه مجاهدین زده شد همه بی‌اساس هستند. من و همکارانم از اشرف بازدید کرده‌ایم و به این نتیجه رسیدیم که اتهاماتی که دیدبان حقوق بشر به مجاهدین زده است، هیچ پایه و مبنایی ندارند».
آقای کاساکا سخنرانی متکی وزیر خارجه رژیم در پارلمان اروپا را محکوم کرد و گفت که متکی در دورانی که در ترکیه بود متهم به قتل و آدمربایی بود و در جواب به سؤالی که همکارم آقای اریک مایر از او در جلسه کمیسیون خارجی کرد، وی اصلاً منکر این جنایاتش نشد و در عوض شروع به حمله به مجاهدین کرد. این به خوبی نشان می‌دهد که وی یک قاتل و جانی است.

تونه کلام: راه حل سوم یک راه حل واقعی است

سخنران بعدی، آقای تونه کلام، نماینده پارلمان اروپا از استونی و عضو هیأت‌رئیسه گروه دموکرات مسیحی- محافظه‌کار، گفت: «بسیار مشکل است نکته مثبتی در باره رژیم فعلی گفته شود. در مقابله با این رژیم کسی دنبال یک رویارویی نظامی‌نیست چون این اقدام به احتمال زیاد نتیجه عکس خواهد داشت و به حاکمان بنیادگرا بیشتر خدمت خواهد کرد. از طرف دیگر اگر بخواهیم فقط بنشینیم و صبر کنیم، در آن صورت این رژیم نهایتاً به بمب اتمی‌دست پیدا خواهد کرد و دیگر خیلی دیر خواهد بود تا بتوان جلو یک جنگ دیگر را در منطقه گرفت. این رژیم تا به حال جامعه بین‌المللی را فریب داده و در جهت دستیابی به تسلیحات هسته‌یی حرکت کرده است و این اپوزیسیون ایران بود که اولین‌بار برنامه اتمی‌ایران را افشا کرد.
ما نباید همان سیاست استمالت را به خاطر امید داشتن به تغییر از درون رژیم ادامه بدهیم. انتخاب بین مماشات و جنگ خارجی نیست. من فکر می‌کنم که راه‌حل سوم که توسط شورای ملی مقاومت ایران اعلام گردیده یعنی حمایت از مردم و مقاومت ایران یک راه‌حل واقعی است. این پارلمان باید از اپوزیسیون دموکراتیک ایران حمایت کند یعنی همان اپوزیسیونی که متأسفانه در لیست تروریستی قرار داده شده است. به نظر می‌رسد که این بخشی از یک معامله با رژیم ایران بوده است. خیلی غیرعادلانه است که مجاهدین خلق را کنار سازمانهایی قرار بدهیم که واقعاً مردم بیگناه را به قتل رسانده‌اند. ما باید مجاهدین خلق را از این لیست خارج کنیم».

اوا بریت سونسون: هدفم ابراز همبستگی با مقاومت ایران است

سخنران بعدی خانم اوا بریت سونسون، نایب‌رئیس کمیسیون زنان پارلمان اروپا از سوئد، در سخنان کوتاهی به محکومیت نقض حقوق بشر در ایران پرداخت و به مطبوعات سوئد اشاره کرد که عکسهای اعدامهای خیابانی اخیر در ایران را چاپ کرده بودند. خانم سونسون تأکید کرد که هدف من از شرکت در این جلسه ابراز همبستگی با مقاومت ایران می‌باشد.

کارین رستاریس: خانم رجوی امید میلیونها ایرانی است که با دیکتاتور مذهبی مخالفند

خانم کارین رستاریتس، نماینده اتریشی پارلمان از گروه لیبرال در سخنرانی خود برنامه اتمی‌رژیم آخوندی را محکوم کرد و از ریاست اتریش در اتحادیه اروپا خواست تا لیست تروریستی را مورد بازبینی قرار بدهد. خانم رستاریتس در بخشی از سخنان خود گفت. خانم رجوی امید میلیونها ایرانی است که با این دیکتاتوری مذهبی مخالفند. ما باید از خانم رجوی حمایت به عمل بیاوریم و بهترین سیاست برای اتحادیه اروپا هم این است که یک دیالوگ را با خانم مریم رجوی آغاز بکند.

موگنز کامره: باید تلاش کنیم که مجاهدین را از لیست تروریستی خارج کنیم

آقای موگنز کامره نایب رئیس گروه اتحاد اروپا برای ملتها یو.ای.ان از دانمارک گفت: «مجاهدین یک جنبش مقاومت است که برای دموکراسی و آزادی می‌جنگد. پس چرا اتحادیه اروپا آن‌را در این لیست قرار داده است؟ اتحادیه اروپا سیاست بسیار ضعیفی در رابطه با دیکتاتوری مذهبی از ۲۵سال پیش تا به‌حال داشته است. اتحادیه اروپا قبول کرده که به هر قیمت با ملایان مماشات بکند و دیالوگ را ادامه بدهد.
این سیاست اتحادیه اروپا یک علامت ضعف است. به همین دلیل نمی‌تواند سیاست درستی را درمورد رژیم ایران اتخاذ کند. رژیم ایران در عوض هر روز جوانان را اعدام می‌کند مثل دختر جوانی که برای دفاع از خودش در برابر تجاوز به اعدام محکوم گردید.
این رژیم اکنون از هر زمان دیگر خطرناکتر است. چون در جهت تسلیحات هسته‌یی حرکت می‌کند و می‌تواند در عرض یکسال این سلاح را به دست بیاورد. ایران در واقع دشمنی ندارد. این آخوندها هستند که دشمن مردم ایران می‌باشند. این رژیم سلاح اتمی‌را برای موجودیت خویش و برای گسترش سیاستهایش در خاورمیانه می‌خواهد».
آقای کامره اضافه کرد: مشخص است که ما خواهان جنگ با ایران نیستیم ولی ما آزادی و دموکراسی را برای مردم ایران می‌خواهیم. ما با این جانیان حرفی نداریم. دیکتاتورها از پیشرفت و دموکراسی می‌ترسند و لذا از هر بهانه‌یی استفاده می‌کنند تا جلوی مردم را بگیرند و یکی از این حربه‌ها تروریست خواندن مجاهدین خلق می‌باشد. ما باید این پیام را به مردم ایران بدهیم که آنها تنها نیستند. ما هرگز نمی‌توانیم با این آدمکشان حرفه‌یی که در حاکمیت هستند دیالوگی داشته باشیم. هر فرد آزاده‌یی که دنبال آزادی است دشمن این رژیم هم هست. ولی تقریباً غیرممکن است که مردم با دستهای خالی این رژیم را سرنگون کنند و لذا ملایان نمی‌باید توسط مورد حمایت غرب قرار گیرند. من با اهداف خانم مریم رجوی کاملا موافق هستم. ما باید تلاش کنیم تا مجاهدین را از لیست تروریستی خارج کنیم. حمایت این تعداد از نمایندگان پارلمان اروپا از این هدف حائز اهمیت بسیاری است».

آندره بری: گزارش دیدبان کاملاً بی‌اساس است

سخنران بعدی آقای دکتر آندره بری، عضو کمیسیون خارجی پارلمان از گروه ائتلاف چپ بود. وی اظهارات اخیر احمدی‌نژاد را محکوم کرد و گفت «من دوبار از اشرف بازدید کرده‌ام. من تحقیقات زیادی کردم تا به یک نتیجه مشخصی در رابطه با گزارش سازمان دیدهبان حقوق بشر که اتهامات زیادی را به مجاهدین خلق زده بود، برسم. ما به این نتیجه رسیدیم که این گزارش دیده‌بان کاملاً بی‌اساس بوده است. به نظرم دیده‌بان حقوق بشر اعتبار خودش را با آن گزارش کاملاً از دست داد نه فقط در رابطه با ایران بلکه به طور کلی اعتبارش زیر علامت سؤال رفت. من به ملاقات خانم مریم رجوی هم رفته‌ام و کاملاً متقاعد هستم که سازمان مجاهدین خلق هیچ رابطه‌یی با تروریسم ندارد. مجاهدین خلق یک جنبش مشروع مقاومت و یک تشکیلات دموکراتیک می‌باشند. ما باید تلاش کنیم که مجاهدین را از لیست تروریستی خارج کنیم تا بیشترین فشار بر رژیم گذاشته شود».

اریک مایر: سیاست استمالت شکست خورده است

آقای اریک مایر، نماینده هلندی پارلمان اروپا سخنران بعدی این کنفرانس بود. وی گفت: «وضعیت حقوق بشر در ایران بسیار وحشتناک است. هر روز ما شاهد اعدامهای جوانان می‌باشیم. هفته پیش یک عضو سازمان مجاهدین خلق، حجت زمانی بعد از ۵سال اسارت به جوخه اعدام سپرده شد.
وضعیت بعد از روی کار آمدن احمدی‌نژاد وخیمتر شده است. من با خانم مریم رجوی کاملاً موافق هستم که گفته بود: با انتصاب احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور، ولی فقیه رژیم علی خامنه‌ای از یک طرف جنگ علیه مردم ایران را تشدید نمود و از سوی دیگر به جامعه بین‌المللی اعلان جنگ داده است. امروز رژیم مذهبی تمامی‌امکانات خود را در خدمت این جنگ قرار داده و یک جبهه‌یی از نیروهای بنیادگرا در منطقه ایجاد کرده است.
اتحادیه اروپا سالها تلاش کرد تا به اصطلاح مدره‌ها در ایران را تقویت کند. ولی این سیاست استمالت کاملاً شکست خورد و اکنون آخوندها امکان دستیابی به بمب اتمی‌را پیدا کرده‌اند».
آقای اریک مایر اضافه کرد: «به نظرم اکنون زمان اتخاذ یک سیاست جدید در برابر مردم ایران و مقاومت ایران برای تغییرات دموکراتیک در ایران فرا رسیده است. در این راستا، مجاهدین خلق باید از لیست تروریستی بلافاصله خارج شوند. مردم ایران انتظار دارند که اروپا در طرف آنها باشد یعنی از دموکراسی و آزادی و حقوق بشر حمایت کند و نه این‌که در طرف رژیم قرار بگیرد».

الویساس ساکالاس: حمایت از مجاهدین

آقای آلویساس ساکالاس، نماینده پارلمان از گروه سوسیالیست از لیتوانی طی سخنان کوتاهی حمایت خود را از سازمان مجاهدین خلق بیان کرد و خواستار اتخاذ اقدامات مشخص برای خارج کردن مجاهدین از لیست تروریستی گردید.

یاروسلاو زورینو:راه حل واقعی حمایت از اپوزیسیون سیاسی این رژیم است

آقای یاروسلاو زورینو، نماینده پارلمان اروپا از جمهوری چک از گروه دموکرات مسیحی- محافظه کار سخنران بعدی بود. وی گفت: «هیچ چیزی مهمتر از آزادی نیست. اعدام جوانان در ایران و سرکوبی که می‌شود قابل قبول نیست. راه‌حل واقعی حمایت از اپوزیسیون سیاسی این رژیم است. من هیچ سازمان و جنبشی را قدرتمندتر از مجاهدین خلق نمی‌بینم. من آرزو می‌کنم که مجاهدین و این مقاومت پیشرفت بکنند و راهشان به جلو باز بشود. خیلی مشکل است که با رژیم ملایان یعنی این افراد وحشی گفتگو و دیالوگ کرد».

پیا نورا کائوپی: باید به ملاها نشان دهیم که مخالف آنها هستیم

خانم پیا نورا کائوپی، نماینده فنلاندی پارلمان اروپا و رئیس فراکسیون این کشور در گروه دموکرات مسیحی- محافظه کار، در سخنان خود گفت: «ما سالها سیاست مماشات را با ایران دنبال کردیم. ما باید سیاست خودمان را تغییر بدهیم. ما باید به ملایان نشان بدهیم که مخالف سیاستهای آنها هستیم و قبل از این‌که ملایان شاسی بمب را فشار بدهند باید اقدام بکنیم. آنها به دنبال تسلیحات هسته‌یی هستند و دارند فقط وقت تلف می‌کنند تا به بمب اتمی‌دست پیدا بکنند و این طور وانمود می‌کنند که فقط برای مقاصد صلح‌آمیز است. اگر این حرف درست بود پس چرا تاسیسات اتمی‌ایران تحت کنترل سپاه پاسداران می‌باشد؟ همه الان فهمیده‌اند که رژیم دنبال بمب اتمی‌است.
ما هم‌چنین نگران فعالیتهای رژیم در کشورهای همسایه به‌خصوص عراق هستیم. در انتخابات اخیر در عراق، رژیم دست به تقلبات گسترده‌یی زده بود و حتی کامیونهایی پر از اوراق رای گیری را از ایران به داخل عراق می‌فرستاد. ایران هم‌چنین به گروه‌های شیعه هم کمکهای مالی فراوانی کرده است.
اکنون سؤال این است که چکار باید کرد؟ به نظرم راه‌حل درست حمایت از اپوزیسیون ایران می‌باشد. مجاهدین خلق باید از لیست تروریستی خارج شوند. این مهمترین کار است یعنی نباید با اپوزیسیون ایران چنین برخوردی کرد که انگار آنها را داریم مجازات می‌کنیم».

آن فریرا: مهمترین بحث حمایت از مجاهدین و خارج کردن آنها از لیست تروریستی است

خانم آن فریرا، نماینده فرانسوی از گروه سوسیالیست گفت: «همان‌طور که همکاران من امروز گفتند، مهمترین موضوع، بحث سازمان مجاهدین خلق و حمایت از آنها و خارج ساختن این سازمان از لیست تروریستی می‌باشد. ما شاهد هستیم که نمایندگان هر چه بیشتری هر روز به این سمت می‌آیند و ما باید بتوانیم این موضوع را هر چه گسترده‌تر کنیم تا سازمان مجاهدین را از این لیست خارج کنیم».

استروان استیونسن: رژیم ایران، تنها رژیمی است که روی نازیها را سفید کرده است

آقای استروان استیونسن، رئیس مشترک گروه دوستان ایران آزاد که نایب رئیس بزرگترین گروه سیاسی در پارلمان اروپا نیز می‌باشد طی سخنانی اعدام دو نوجوان که به خاطر جرائم اخلاقی به دار آویخته شدند را به شدت محکوم کرد. وی گفت که این دو نوجوان در حالی که گریه می‌کردند اعدام شدند و طوری طناب را به گردن آنها انداختند تا خیلی کند و به آهستگی جان بدهند. ۱۲۰هزار نفر از مجاهدین در دوران حاکمیت این رژیم اعدام شده‌اند. از زمان احمدی‌نژاد بیش از ۱۵۰اعدام صورت گرفته است. این رژیمی‌است که در واقع روی رژیم نازیها در آلمان را سفید کرده است».
آقای استیونسون گفت: «به نظر من تاریخ قضاوت خواهد کرد با حمله نظامی‌به عراق یک هدیه ژئوپولیتیک بود یعنی عراق را تقدیم ایران کرده‌ایم. ایران در حال گسترش نفوذ خود در تمامی‌خاورمیانه می‌باشد و از عراق به عنوان یک سکوی پرش استفاده می‌کند.
آقای استیونسن افزود: «ما نمی‌توانیم دنبال یک راه‌حل نظامی‌برای ایران باشیم زیرا این اقدام به معنی ریختن بنزین به شعله‌های آتش در این منطقه می‌باشد که به افراطیون هم دست بازتری خواهد داد. از طرف دیگر سیاست مماشات که از طرف بعضی در اتحادیه اروپا دنبال می‌شود به جایی نخواهد رسید. جک استروا که تقریبا ماهانه از ایران بازدید می‌کرده است گفته بود که تحت هیچ شرایطی اقدام نظامی‌نخواهند کرد. من با این حرف در محتوا موافقم ولی او به نحوی گفت که فقط نیتش راضی نگه داشتن و مماشات با ملایان بوده است تا قراردادهای کلان اقتصادی که انگلستان با ایران دارد ادامه پیدا کند. ولی مماشات شکست خورده است. باید از خانم مریم رجوی حمایت کرد. از راه‌حل سومی که او پیشنهاد داده است باید حمایت کرد یعنی حمایت از اپوزیسیون ایران.
به جای این‌که بدون هیچ دلیل قانع کننده‌یی به دست و پای اپوزیسیون زنجیر ببندیم، باید زنجیرها را باز کنیم و باید فعالانه از اپوزیسیون حمایت کنیم. مجاهدین خلق ایران یک سازمان تروریستی نیست. آنها بنا بر درخواست آخوندها در لیست تروریستی قرار داده شدند چون آخوندها به شدت از مجاهدین می‌ترسند. ما باید فعالانه از مجاهدین حمایت کنیم تا این رژیم را سرنگون کنند تا درد و رنج مردم متمدن ایران پایان یابد چون این مردم حدود ۲۷ سال است که تحت ستم این آخوندهای پیر و ریشو هستند».

گرامیداشت یاد و خاطرهٔ مجاهد شهید حجت زمانی در گردهمایی ایرانیان و فرانسویان در پاریس

پاتریک بودوئن، رئیس افتخاری فدراسیون بین‌المللی حقوق‌بشر، اسقف گایو، منصف مزروقی از جانب کمیسیون عربی حقوق‌بشر، ژیل پاروئل رئیس سابق کانون وکلای استان والدواز، پیر برسی رئیس حقوق‌بشر نوین فرانسه، خانم رونه لو مینیو، معاون دبیرکل مراپ و دکتر صالح رجوی نماینده شورای ملی مقاومت در فرانسه و سوئیس در این گردهمایی سخنانی ایراد کردند.

بعد از ظهر چهارشنبه ۳ اسفند ۸۴ جلسه بزرگداشت یاد و خاطره مجاهد شهید حجت زمانی در پاریس برگزارشد. صدها تن از دوستان فرانسوی مقاومت و هواداران مجاهدین و مقاومت مردم ایران در فرانسه با یادآوری دلاوری و استقامت آن مجاهد شهید نسبت به نجات جان زندانیان سیاسی در زندانهای ایران هشدار دادند.

شماری از شخصیتهای سیاسی، حقوقدانان و مدافعان حقوق بشر در این جلسه ابعاد مختلف این شقاوت جدید رژیم ملایان مورد بحث قرار دادند.

آقای پاتریک بودوئن، رئیس افتخاری فدراسیون بین‌المللی حقوق‌بشر در سخنان خود خاطر نشان کرد که اعدام برای رژیمی که همواره با ارعاب خود را به مردمش تحمیل کرده، یک شیوه حاکمیت است. وی به‌خصوص بی‌عدالتی ناشی از قرار دادن نام مجاهدین خلق ایران در لیست تروریستی اتحادیه اروپا را یادآوری نمود و گفت که بیش از هر زمان دیگری حذف نام مجاهدین از این لیست که بر هیچ پایه حقوقی استوار نیست، ضرورت پیدا کرده است.

آقای دکتر صالح رجوی، نماینده شورای ملی مقاومت ایران در فرانسه و سوئیس، شرایط سیاسی و بین‌المللی که رژیم آخوندی را احاطه کرده و شکست اخیر ملایان در جلوگیری از ارجاع پرونده هسته‌یی به شورای امنیت را یادآور شد و گفت اعدام حجت زمانی مقدمه‌یی برای واکنشهای رژیم نسبت به تنگنای بین‌المللی است که به آن دچار شده و صحت وضرورت حمایت از راه‌حل سوم پیشنهادی رئیس جمهوربرگزیده مقاومت، خانم مریم رجوی را هر چه عیانتر می‌سازد.

اسقف گایو، شخصیت مذهبی برجسته فرانسوی در سخنان تکان دهنده‌یی گفت: ریاست واقعی این جلسه با حجت زمانی است، یاد و نام اوست که ما را گرد هم آورده و چهره اوست که به ما می‌نگرد... تا زمانی که انسانهایی چون حجت هستند، امید برای آزادی هم زنده است.

آقای منصف مرزوقی، از جانب کمیسیون عربی حقوق بشر، گفت که هم به‌عنوان یک مدافع حقوق بشر و هم به‌عنوان یک مسلمان در این جلسه حاضر شده تا همبستگی خود را با مقاومت مردم ایران و مجاهدین خلق ایران و خانواده حجت زمانی نشان دهد. وی با خواندن آیه‌یی از قرآن یادآوری کرد که به شهادت رساندن یک انسان مثل حجت زمانی توسط رژیم ملایان، مانند به‌قتل رساندن جمیع انسانهاست و ماهیت ضدبشری و ضداسلامی این رژیم را بیشتر بر ملا می کند.

آقای ژیل پاروئل، وکیل مبارز و رئیس اسبق کانون وکلای والدوآز، گفت برای من مهم بود که امروز در این جلسه حضور داشته باشم و از این طریق همبستگی خودم را با شما مورد تأکید قرار دهم.

آقای پیر برسی، رئیس سازمان حقوق‌بشر نوین، گفت مشتی وحشی در ایران حاکم هستند و جهان باید به‌شدت علیه این اقدامات جنایتکارانه عکس‌العمل قوی نشان دهد و نگذارد مشتی آدمکش بی‌مکافات به کارشان ادامه دهند.

خانم رونه لومینیو، معاون دبیرکل مراپ و مسئول امور بین‌المللی، گفت حضور من دراین جا در سه کلمه خشم و تأثر و همبستگی خلاصه می‌شود.

دهمین سالگرد شهادت زهرا رجبی شهید دفاع از حقوق پناهندگان و همرزم مجاهدش علی مرادی

روز شنبه ۲۹بهمن ۱۳۸٤ مراسم دهمین سالگرد شهادت مجاهدان شهید زهرا رجبی و علی مرادی، به دست دیپلومات-تروریستهای رژیم آخوندی در ترکیه، در پرلاشز پاریس برگزار گردید. در این مراسم خانواده مجاهد شهید زهرا رجبی و جمعی از مسئولان کمیسیونهای شورای ملی مقاومت و اعضای شورا و نیز تعداد کثیری از هموطنان و یاران مقاومت شرکت داشتند.

پس از اعلام برنامه، آیاتی از کلام‌الله‌مجید پخش شد. سپس خانم سروناز چیت‌ساز، مسئول کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران، دکترعبدالعلی معصومی عضوشورای ملی مقاومت ایران و آقای ابوالقاسم رضایی، دبیر شورای ملی مقاومت به سخنرانی پرداختند. متن سخنرانیها را در همین صفحه می‌خوانید.

در قسمت بعدی برنامه مزار شهید حقوق پناهندگان توسط حاضران در صحنه گلباران شد. در ابتدا دسته گلهایی از سوی خانواده شهید برمزار او گذاشته شد. سپس دسته گلهایی از سوی خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت، شورای ملی مقاومت ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای رهبری سازمان مجاهدین بر مزار شهید زهرارجبی نهاده شد. پس از آن حاضران با تقدیم شاخه گلهایی بر مزار شهید، فاتحه خواندند و یاد آن شهید قهرمان و همرزمش علی مرادی را گرامی داشتند.

پایان‌بخش مراسم بزرگداشت مجاهدان شهید زهرا رجبی و علی مرادی اجرای سرود قسم توسط حاضران در مراسم بود. شرکت کنندگان با خواندن سرود بار دیگر بر عزم نهاییشان بر ادامه مبارزه با رژیم آخوندی تأکید کردند

مراسم درساعت ۱۷ به پایان رسید.

سروناز چیت‌ساز: فدیه‌های بزرگ پیروزیهای بزرگ را محقق می کند

دوستان عزیز،

امروز بر مزار خواهر مجاهدم زهرا رجبی (فائزه) گرد آمده‌ایم، تا یاد همیشه زندهٔ او را گرامی‌بداریم. در آغاز به او و به همه شهیدان راه آزادی درود می‌فرستم.

۱۰سال پیش تروریستهای رژیم آخوندی در ترکیه، به‌طرز شقاوت‌باری، خون زهرا رجبی، شهید بزرگ دفاع از حقوق پناهندگان و عضو شورای رهبری مجاهدین و همرزم پاکبازش علی مرادی را بر زمین ریختند.

فائزه البته اولین شهید این مقاومت نبود، ملت ایران برای حقوق‌بشر و آزادی و دموکراسی فدیه‌های بزرگی تقدیم کرده است. ده روز پیش خاطره شهدای عاشورای مجاهدین، اشرف زنان مجاهد اشرف رجوی و سردار کبیر خلق موسی خیابانی را گرامی داشتیم و همزمان با عاشورای حسینی، رژیم جنایتکار آخوندی، خون مجاهد دیگری را برزمین ریخت. شهید قهرمان حجت زمانی، که بیش از چهار سال و نیم در زندانهای خمینی تحت فشار و شکنجه بود.

اگر چه ۲۷سال است رژیم ضدبشری آخوندی در ایران‌زمین بهترین و پاکترین فرزندان این میهن را به دار آویخته و شکنجه و اعدام کرده است، اما این درس مداوم تاریخ است. فدیه‌های بزرگ پیروزیهای بزرگ را محقق می کند و شایستگی ملتی را برای دستیابی به آزادی و دموکراسی به اثبات می‌رساند.

امروز در سالروز شهادت این شهیدان والامقام در این‌جا گرد آمده‌ایم تا ضمن گرامیداشت خاطره تابناکشان باردیگر با آنها تجدید عهد کنیم.

آمده‌ایم تا به فائزه بگوییم که اگر چه غم از دست‌دادنت بسیار سنگین است و جای تو خواهر عزیزم، همواره در کنار ما خالی است، اما خون تو جوشان است. زنان باصلابت و استوار مجاهد خلق با مسئولیت‌پذیری بی‌مانند، جای تو را آن‌چنان که شایسته توست، در این مقاومت پر کردند.

سردارانی مانند مژگان و صدیقه که طی سه سال سخت و پر و فراز نشیب بر آرمان آزادی خلق پای فشردند و هزاران زن و مرد قهرمان مجاهد که بر تسلیم و سکون شوریدند و با پایداری در مقابل حملات و توطئه‌های رژیم و همدستانش نام مجاهد خلق را در شهر اشرف، پرافتخارتر و سرفرازتر از همیشه بر زبان همه جاری ساختند.

آنها با پایداری و ایستادگی بی‌مانند خود، اثبات کردند که خون پاک تو و سایر شهیدان این مقاومت هم‌چنان زنده است.

گلوی مرغ سحر را بریده‌اند و هنوز
در این شط شفق،
آواز سرخ او جاریست

آری امروز جوشش این خون را در پایداری اشرف، در اعتراض و اعتصاب هموطنانمان در ایران، و در مقاومت فزاینده و رو به رشد زنان ایران، می‌توان دید.

خلقی که مصمم است به هر قیمت ارتجاع مذهبی را کنار زده و آزادی، برابری و دموکراسی را برای ایران زمین محقق کند.

آری عزم جزم این نسل، برای به زیر کشیدن حاکمیت آخوندی، دوران جدیدی از انزوا و طردشدگی جهانی برای رژیم آخوندی را آغاز کرده است.

اگر چه قاتلان و تروریستهایی که زهرا رجبی و علی مرادی را به شهادت رساندند، به‌دست عدالت سپرده نشده‌اند، اما هم‌چنان که مقاومت ایران از ابتدا تأکید کرده و جنایت اخیر ملایان یعنی اعدام مجاهد خلق حجت زمانی، بار دیگر این حقیقت را به اثبات رساند که در برابر این رژیم، تنها یک پاسخ مؤثر وجود دارد و آن قاطعیت است.

فائزه عزیزم، امروز در این‌جا در حضور همرزمانت، خواهران و برادرانت و به‌خصوص در حضور خانواده عزیز و داغدارت گرد آمدیم، تا به تو بگوییم، که هرگز از راه و آرمان آزادی که خون تو در راه آن ریخته شد، لحظه‌یی کوتاه نخواهیم آمد.

مطمئنم نام تو و یاد تو در روز آزادی خلق، شکوفا خواهد شد و برای همیشه در تاریخ آزادی ایران زمین جاودانه خواهی بود.

به همه شما که برای گرامیداشت یاد فائزه و آرمان او گرد آمده‌اید، درود می‌فرستم.

محمدعلی معصومی: خون جوشان زهرا رجبیها و حجت زمانیها جانهای تشنهٔ آزادی را شعله‌ور کرد

با یاد همواره بیدار و بیقرار سرو همیشه ماندگار آزادی مردم ایران زمین، زهرا رجبی، شهید بزرگ دفاع از حقوق پناهندگان و عضو شورای ملی مقاومت ایران، که ده سال پیش در چنین روزهایی، با همسنگر پاکبازش، مجاهد شهید علی مرادی، به دست دیپلومات-تروریستهای رژیم خمینی در استانبول به شهادت رسید و به رودخروشان شهیدان راه آزادی ایران زمین پیوست.

و باز با یاد ماندگار سرو جاودان آزادی ایران زمین، حجّت زمانی، که دو هفته پیش، در زندان گوهردشت کرج به دست دژخیمان رژیم آخوندی جان باخت.

نه هر درخت تحمّل کند جفای خزان
غلام همّت سروم که این قدم دارد

رژیم پا به گور آخوندی، این روزها، در چنبرهٔ بحرانهای داخلی و بین‌المللی روزی نیست که یک یا چند تن از فرزندان ایران زمین را به جرم آزادیخواهی یا به بهانه‌های واهی، به اعدام و تیرباران محکوم نکند و برای ایجاد رُعب و هراس، در ملأعام به دار نیاویزد؛ رژیمی که جز به مدد سرکوبی و جنایت و شکنجه و اعدام، حتی توان ماندن یک روز در قدرت را هم ندارد:

کدام غنچه که خونش به دل نمی‌جوشد
کدام گل که گرفتار طعن خاری نیست؟
کدام شاخ که دست حوادثش نشکست
کدام باغ که یک روز شوره‌زاری نیست؟

امّا این ۲۷سال جنایت و سرکوبی وحشیانه، چه ره‌آوردی داشت، جز افزایش حجم روزافزون نفرتهای اجتماعی و شعله‌ورترشدن هر چه بیشتر خشم و خروش مردم برای آزادی و رهایی از چنگال اهریمنان حاکم بر جان و مال مردم؟

و در این میان خون جاری و همواره جوشان زهرا رجبیها و حجّت زمانیها و ۱۲۰هزار شهید جاودان آزادی، در هر محله و میدان جانهای تشنه آزادی را شعله‌ور کرد و به میدان مبارزه با اهریمنان حاکم بر میهن داغدارمان کشاند.

رزمندگان راه شرف و افتخار ایران زمین، مجاهدین خلق ایران، سرداران حماسه‌ساز اشرف قهرمان، پرچم رزم با دژخیمان تروریست‌پرور آخوندی را، نه تنها در ایران زمین بلکه در کشور همسایه‌مان عراق نیز برپاکردند و سراسر خاک آن سامان را، میدان مبارزه افشاگرانه با مزدوران رنگارنگ رژیم جنایتکار آخوندی کردند و روزی نیست که زوزه‌های سگان هار ارتجاع آخوندی از این افشاگریهای دامن گستر به هوا برنخیزد.

به نمونه‌یی از آن اشاره می کنم: یکی از سایتهای وزارت اطلاعات آخوندی به نام «ایران ـ دیدبان» در روز ۳۰آذر ۸۴ در مطلبی با عنوان «تکرار تاریخ» نوشت: «..اتفاقات و تحوّلات عراق پس از سرنگونی صدام و مواضع و عملکرد مجاهدین طی این مدت، یادآور دوران پس از انقلاب ایران است و در حقیقت به گونه‌یی دیگر، تاریخ در مورد آنان تکرار می‌شود... این روزها با نگاهی به تحوّلات عراق، خیلی خوب می‌شود آن‌چه را که در روزهای بعد از پیروزی انقلاب اتفاق افتاد، دید و با پاسخ به این سؤال که تحوّلات عراق چه ربطی به مجاهدین دارد؟ و این همه دخالت آنها در امور داخلی عراق چیست؟ می‌توان به حجم عوام‌فریبی و تشنج آفرینی آنها در آن روزگار که در مسائل گوناگون موضعگیری می کردند، پی‌برد... امروز نیز آنها قصد دارند تا همان راهی را بروند که در ۳۰خرداد رفتند».

کمتر از دو هفته بعد، علی لاریجانی، رئیس شورای عالی امنیت رژیم، در مصاحبه با تلویزیون شبکهٔ دو، هراس رژیم آخوندی را، از گسترش نفوذ مجاهدین در میان مردم عراق به مثابه سدّ و راهبندی در برابر دخالتهایشان، برملاکرد و گفت: «یک اشتباهی دارند می کنند آمریکاییها، حتی از قبل از انتخابات هم یک کارهایی کردند که نشان می‌داد صحنه را خوب نمی‌شناسند. من فکر می کنم مستشرقینی که به اینها خط می‌دهند، اینها صحنه عراق را دقیق نمی‌شناسند. حتی همین نزدیک انتخابات، ای تام کیسی، که فرمانده نظامی اونجاست از طرف آمریکاییها، دست به دامن منافقین شده که شما بیایید تو شهرهای مختلف تبلیغ کنید که این لیست ائتلاف شیعه رأی مناسب را نیاورد...»

راستی، مجاهدینی که زبان عربی زبان مادری و سرزمین عراق نیز خاک آبایی آنها نیست، چگونه توانستند در میان مردم عراق تا به این حد نفوذ کنند و شهر اشرف، قله بالابلند شرف و پایداری، جان‌پناه و کانون امید و اعتمادشان برای آزادی و میدان سربه هم دادن و اتّحاد نیروهای ملی آن کشور شود و راه پیوند ملی را در میان مردم آزادیخواه عراق این چنین بگشاید؟ و می‌دانیم که همین تلاشهای سرداران قهرمان شهر اشرف و همراهیها و همدلیهای مشتاقان آزادی مردم عراق بود که چهرهٔ تجاوزکارانه و دشمن‌کامیهای رژیم را روزبه‌روز بیشتر افشاکرد و در انتخابات اخیر این کشور هم به‌خوبی خود را نشان داد.

راستی، مگر مجاهدین در دو سال و نیم اول انقلاب تا ۳۰خرداد ٦۰، چه کردند که پس‌ماندگان خمینی این چنین از یادآوری آن دوران نیز رعشه بر اندام تباهشان می‌افتد.

جز این است که آن پاکبازان در آن دوسال‌و نیم، که عرصه فعالیتهای آزاد سیاسی باز بود، به چنان رشدی رسیدند که خمینی از بیم جاروشدن به دست مردم به پاخاسته و نیروهای هوادار مجاهدین، ناچار شد شمشیرَ را از رو ببندد و تظاهرات مسالمت آمیز ۳۰خرداد ٦۰ را به خون بکشد و بساط دار و درفش را به گونه‌یی عریان و بی‌پرده بگستراند و آیا در این، هیچ تردیدی می‌توان داشت این روزها که رژیم سفّاک آخوندی در چنبرهٔ فشارهای داخلی و بین‌المللی، به گونه‌یی نفسگیر، گرفتار است، اگر اندکی، فضای سیاسی گشاده شود، اعتراضات و خیزشهای مردم به‌جان آمده، همراه و هم‌پیوند با رزمندگان آزادی ایران زمین، آن‌چنان شعله‌ور خواهد شد که بی‌هیچ تردیدی بساط رژیم برآمده از گور تاریخ را به کلی درهم خواهید پیچید و نه‌از تاک نشان خواهد ماند و نه از تاکنشان؟

اگر جز این بود و رژیم اندک مشروعیتی در میان مردم داشت، نیازی به این همه کشتار و بند و زندان و دار و تازیانه نبود و می‌توانست در برابر خواست همهٔ هم‌پیمانان بین‌المللیِ دیروزش اندکی عقب بنشیند و فضای بازی بگشاید وَ یا در پروژهٔ ضدمیهنی اتمیش کوتاه بیاید و دست از دخالتهای تجاوزکارانه‌اش در عراق بکشد و در نتیجه، عمر رژیم سرکوبگرش را اندکی تداوم بخشد.

اما گردانندگان ماشین اهریمنی سرکوبی و کشتار به روشنی می‌دانند که اگر اندکی از سیاستهای سرکوبگرانه و تجاوزکارانه عقب بنشینند، به سرنگونی سریع رژیمشان شتاب بخشیده‌اند. از دل این کوتاه‌نیامدنها و پافشاریها بر برنامه ویرانگر اتمی و دخالت در عراق و تروریسم دامن گستر و سرکوبگریهای وحشیانه و بی‌امان داخلی این رژیم است که امروز دیگر کسی نیست که نداند «افعی هرگز کبوتر نخواهد زاد» و سر اژدهای مردمخوار را باید با پتک درشت خشم خلق به‌پاخاسته درهم کوبید و جهانی را از زهر کشنده‌اش رهایی داد.

در پایان یک بار دیگر به سروهای همیشه جاودان آزادی ایران زمین زهرا رجبی، علی مرادی و حجت زمانی و باغبانان پاکباز آنها و صدو بیست هزار سرو بالابلند رُسته در سرزمین تشنهٔ آزادی ایران زمین درود می‌فرستم.

بی‌تردید اگر زهرا رجبیها در میان ما بودند، در سخن اول، به پرچمداران آگاه و پاکباز و همیشه ماندگار رزم توان‌سوز فرزندان جان برکف ایران زمین، مسعود و مریم رجوی، درود می‌فرستادند که در همه این سالهای توان‌سوز مبارزه با اهریمنان به ناحق چیره بر میهن اهورایی ما، پرچم مبارزه را، بی‌وقفه و درنگ، برافراشته نگه‌داشتند و ذره‌یی در این راه کوتاهی نکردند. و باز، بی‌تردید، درود می‌فرستادند بر پرچمداران رزم شرف و افتخار میهنی در امیرخیز امروز، اشرف قهرمان، که کانون همواره شعله‌ور امید و اعتماد مردم ایران زمین برای رهایی از چنگان اهریمنان حاکم شدند و این پرچم را در زیر سخت‌ترین و جانکاه‌ترین فشارهای دوران برافراشته نگه داشتند و تن به ذلّت تسلیم نسپردند. هزاران درود بر این شیرزنان و کوهمردان پاکباز و دلیر ایران زمین باد.

ابوالقاسم رضایی: شهادت فائزه و حجت یک پیام دارد، عزم جزم یک خلق برای سرنگونی رژیم آخوندی

چه شکوهی دارد جان نامیرای دریاها،

هرچه از آبش می‌نوشی،
هرچه از ماهیش می گیری
باز دریا آبی است، باز سرشار ازماهی است،
چه رازی است در سرسبزی و سرشاری ما
هر چه پائیز سبزمان را زرد می کند
باز برشاخه گل داریم.

دهسال پیش در چنین روزهایی، هنگامی که پیکر گلوله‌باران شده خواهر مجاهد زهرا رجبی (فائزه) را در این‌جا به خاک سپردیم، از دست دادن او در آن روزها، بسیار برایمان سخت بود و شهادت او به همراه همرزمش مجاهد شهید علی مرادی بسیار برهمه ما گران آمد، چرا که درمسیری سخت وصعب، یکی از با صلابت‌ترین وپرتوان‌ترین زنان مسئولمان، ما را ترک کرد.

مسئولی که حضورش در صحنه‌های سخت نبرد همیشه دلگرم کننده بود. از سختیهای جنگ نمی‌هراسید و برای انجام وظیفه در شرایط دشوار و پیچیده قدم پیش می گذاشت، به‌وجود او مفتخر بودیم وشهادتش برایمان جانگداز بود.

ولی چه شهادت خواهر فائزه در دهسال قبل و چه شهادت آخرین شهیدمان مجاهد قهرمان حجت زمانی در همین ماه، یعنی ماه بهمن، ماه عاشورای مجاهدین، یک پیام روشن و واضح برای آخوندهای جنایتکار دارد و آن‌هم مقاومت سرسخت یک خلق ستم کشیده با پیشتازان دلاورش و عزم جزم آنها برای سرنگونی است.

و این پیام که این مقاومت حاضر است هر بهایی را برای آزادی مردمش بپردازد و در این راه هیچ هراسی از شما جنایتکاران ندارد. در حالی که برخورد سبعانه شما با یک زندانی که درچنگتان اسیر است و سالها تحت شکنجه و فشار شما بوده است فقط و فقط ضعف و هراس بینهایت شما را می‌رساند.

ولی بدانید که چه اعدام حجت زمانی و چه اعدام ۱۳زندانی در ۲۲تا ۲۷همین ماه برای ایجاد جو رعب و چه سرکوب تظاهرات کارکنان شریف شرکت واحد و آزار و اذیت بچه‌ها و همسران آنها و چه حتی خراب کردن حسینیه دراویش در قم، شما را از سرنگونی محتوم که به آن محکوم هستید نجات نخواهد داد.

دوستان عزیز،

امروز جهان تازه چشمش به خطر یک رژیم وحشی که تهدید اصلی صلح و ثبات در منطقه و در کل جهان است باز شده است و برایش ثابت می‌شود که سیاست مماشات و نرمش، استبداد مذهبی حاکم بر ایران را معتدل نمی کند بلکه برعکس هارترین باند آنها را سر کار می آورد.

برایشان ثابت شده که مذاکره با این رژیم، آخوندها را از پیگیری سلاح هسته‌یی باز نمی‌دارد و برایشان ثابت شده که سیاست مماشات خطر جنگ را رفع نمی کند.

ولی برای رسیدن دولتهای غربی به این نقطه یا بهتر است بگوییم رساندن آنها به این مقطع مردم و مقاومت ایران بهای سنگینی پرداختند.

ما برای آزادی مردم اسیرمان، برای شناساندن چهره کریه این رژیم و نشان ماهیت ضدبشری آن، ۱۲۰هزارشهید دادیم که بهای بسیار سنگینی است.

علاوه بر آن، بهتان تروریسم علیه این مقاومت که برای رام‌کردن آخوندهای وحشی صورت گرفت، برای مردم ایران فقط تشدید سرکوبی را به‌دنبال داشت.

خواهرمجاهدمان فائزه یکی از قربانیان تروریسم آخوندی بود، همان تروریسمی که غرب سالها به خاطر منافع اقتصادیش بر آن چشم بسته است. در همین فرانسه با تروریستها مماشات شد. قاتلین دکتر کاظم را به عوض محاکمه، در روز روشن به رژیم تحویل دادند. بر سایر جنایات آخوندها چشمشان را بستند. نتیجه این سیاست مماشات چه شد. رژیم در تمام زمینه‌ها جلو آمد و به‌مرحله اتمی‌شدن رسید و تازه وحشت همه را فراگرفته است که با این وحشی چکار کنند. زائیده شدن احمدی‌نژاد از افعی آخوندی نتیجه سیاست مماشات غرب با این رژیم ضد انسانی است. در حالی که سالها قبل رهبر مقاومت اندرزشان داد که افعی کبوتر نمی‌زاید. حالا احمدی‌نژاد رسماً بر طبل جنگ می کوبد، رسماً از حقوق بشر اظهار تنفر می کند وآن‌را امری نخ‌نما شده می‌نامد.

ما امروز در حالی که اثبات شد، سیاست مماشات صددرصد شکست خورده است. ثابت شد که سیاست مماشات خطر جنگ را دفع نمی کند، ثابت شد که بهتان تروریسم به مجاهدین، ملایان وحشی را رام نمی کند، ثابت شد که اغلب انفجارها و تهاجمات تروریستی در عراق توسط رژیم آخوندی و عواملش صورت می گیرد، ثابت شد که دیکتاتوری آخوندی مانع صلح و ثبات است و ثابت شد که هماورد رژیم آخوندی و آنتی‌تز آن همین مقاومت است و حضور زنان در صف اول این مبارزه تضمین تداوم و پیروزی آن است.

اعلام می کنیم:

تنها راه، زبان قاطعیت با این رژیم است. سیاست مماشات در کمال بی‌شرمی با قراردادن اسم مجاهدین در لیست تروریستی، به فاشیسم مذهبی باج داد ولی این رژیم هارتر شده و بهای آن را مردم ایران دادند.

حالا هم زبان قاطعیت یعنی بازکردن این نوع غل و زنجیرها از پای مردم ومقاومت ایران و رفع بهتان تروریستی است.

وما، به یمن حضور هزاران فائزه و حجت در صفوفمان و خلقی که این فائزه‌ها وحجت‌ها را پروراند، در دهمین سال شهادت خواهر مجاهدمان زهرا رجبی، افتخار می کنیم که راه او و راه ۱۲۰هزارشهید را با قاطعیت و استواری و به یمن وجود یک رهبری فداکار و ذیصلاح ادامه دادیم ومی‌دهیم.

افتخار می کنیم که یک الگوی پایداری مثل شهر اشرف و سردارانی مثل خواهر مژگان و خواهرصدیقه را در مقابل جهانیان داریم و افتخار می کنیم که اجازه ندادیم خون شهدایمان ملعبه سازش با آخوندهای جنایتکار شود واین راه را تا سرنگونی ادامه می‌دهیم.

بزرگداشت مجاهد قهرمان حجت زمانی در گردهماییهای اعتراضی ایرانیان در کشورهای مختلف جهان

لندن ـ انگلستان

برلین ـ آلمان

در پی انتشار خبر اعدام جنایتکارانه مجاهد قهرمان حجت زمانی، ایرانیان آزاده و حامیان مقاومت طی روزهای پنجشنبه۲۷ بهمن تا چهارشنبه۳اسفند (۱۶تا ۲۲فوریه)، در شهرهای مختلف اروپا، آمریکا و کانادا تجمعات اعتراضی برپا کردند.

در این گردهماییها، شرکت‌کنندگان با در دست داشتن عکسهایی از مجاهد شهید حجت زمانی و پلاکاردهایی در محکومیت این عمل جنایتکارانه یاد قهرمان مجاهد خلق حجت زمانی را گرامی داشتند و از جامعه جهانی خواستار محکوم‌کردن این جنایت و اقدام عاجل برای نجات جان زندانیان سیاسی در ایران شدند.

برلین- آلمان

جامعهٔ ایرانیان برلین، اقدام به برگزاری آکسیون اعتراضی در مقابل وزارت خارجه آلمان کرد. در این آکسیون دو تن از اعضای جامعهٔ ایرانیان برلین سخنرانی کردند و اطلاعیه‌یی از طرف حزب سبزهای ایران شاخهٔ برلین در محکوم‌کردن اعدام مجاهد قهرمان حجت زمانی خوانده شد.
تظاهرات هواداران مقاومت در برلین مورد استقبال شهروندان آلمانی قرار گرفت و تعدادی از آنها با مراجعه به آکسیون، همبستگی خود را اعلام کرده و اعدام حجت زمانی را محکوم کردند.
در پایان قطعنامه تظاهرات خوانده شد. این قطعنامه ضمن محکوم کردن این عمل جنایتکارانه و ضد انسانی، از دبیرکل ملل متحد، کمیسرعالی حقوق بشر و تمامی سازمانها و ارگانهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر خواستار محکوم‌کردن این جنایت فجیع و اقدام فوری برای نجات جان دیگر زندانیان سیاسی به‌خصوص زندانیان سیاسی با حکم اعدام و زندانیان ناپدید شده، شده بود.

واشینگتن- آمریکا

در واشینگتن، تظاهرات ایرانیان در مقابل کاخ سفید برگزار شد. در پلاکاردی که در جلو آکسیون حمل می‌شد، آمده بود: «ما خواهان اقدام عاجل برای حفظ جان زندانیان سیاسی در ایران هستیم».
در این تظاهرات آقای رضا صباحی طی سخنان کوتاهی از جمله گفت: وفا، فدا و مقاومت و پایداری او بود که دسیسه‌ها و توطئه‌های چندسالهٔ دشمن را با نثار جان پاکش درهم شکست.

اتاوا- کانادا

به دعوت کمیتهٔ دفاع از حقوق‌بشر در ایران، یک تظاهرات اعتراضی در مقابل وزارت خارجهٔ کانادا و در محکوم کردن جنایت سبعانهٔ رژیم آخوندی برگزار شد.
در این تظاهرات، آقایان احمد حسنی و شهرام گلستانه مسئول کمیتهٔ دفاع از حقوق بشر در ایران، خانم شهناز فلاح رئیس جامعه بین‌المللی زنان علیه بنیادگرایی از تورنتو و وحید خرمرودی سخنرانی کردند.
در پایان هیأتی از طرف تظاهرکنندگان به وزارت خارجه رفتند و با آقای بروس هریس یکی از معاونین وزیر خارجه دیدار کردند. در این دیدار، نامهٔ کمیتهٔ دفاع از حقوق بشر در ایران خطاب به وزیر خارجهٔ کانادا به وی داده شد. آقای هریس گفت: «ما صدای شما را می‌شنویم. ما فریادهای شما و درد شما را می‌فهمیم و می‌شنویم. من در این‌باره با آقای مک‌کی وزیر خارجه همین امروز بعدازظهر ملاقات می کنم و نامهٔ شما را خواهم داد. من از ایشان خواهم خواست که اقدامات مقتضی برای محکوم‌کردن نقض حقوق‌بشر در ایران را انجام دهد. مطمئناً در این وزارتخانه همواره به روی شما باز است و ما نسبت به اهداف شما بی‌توجه نیستیم.

لندن- انگلستان

در لندن روز پنجشنبه ۲۷ بهمن، تظاهرات اعتراضی هموطنان در مقابل پارلمان انگلستان برگزار شد. در این برنامه آکسیون حلق‌آویز زندانیان به‌طور سمبلیک به نمایش گذاشته بود. شرکت‌کنندگان با در دست داشتن عکسهای مجاهد قهرمان حجت زمانی خواستار محکومیت این اعدام جنایتکارانه و ارجاع پروندهٔ نقض حقوق‌بشر رژیم به شورای امنیت شدند.

کلن- آلمان

بعدازظهر روز شنبه ۲۹بهمن‌ماه به دعوت شورای ایرانیان شهر کلن جمع کثیری از ایرانیان شریف و آزاده و هواداران مجاهدین در میدان مرکزی شهر کلن (نوی مارکت) گردهم آمدند. آنان جنایت سبعانهٔ رژیم آخوندی در اعدام مجاهد قهرمان حجت زمانی را محکوم کردند و خواستار اقدام عاجل جامعهٔ جهانی برای حمایت از جان زندانیان سیاسی در رژیم تروریستی آخوندی شدند.
آنها در شعارهای خود، از راه‌حل سوم خانم رجوی برای تغییر دموکراتیک توسط مردم و مقاومت ایران، حمایت کردند و بر هم‌پیمانی خود با مجاهدین و رزمندگان قهرمان شهر اشرف تا صبح پیروزی مردم ایران و سرنگونی حکومت آخوندی و برپایی ایرانی آزاد و آباد تأکید کردند.
هموطنان شرکت‌کننده هم‌چنین پشتیبانی خود از رانندگان شریف شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و خواسته‌های آنان را اعلام کرده و خواستار آزادی فوری دستگیرشدگان اعتصابات اخیر و کلیهٔ زندانیان سیاسی شدند و تهدید و شانتاژ رژیم آخوندی علیه خانواده‌های دستگیرشدگان اخیر را محکوم کردند.
در این گردهمایی ابتدا فرازهایی از زندگینامه مجاهد شهید حجت زمانی قرائت گردید.
سپس مجید باقری در سخنان خود به تاریخچهٔ ۴دهه مبارزهٔ مجاهدین علیه شاه و شیخ و فدای بیکران ۴نسل از دلیرترین فرزندان ملت ایران علیه استبداد حاکم بر میهنمان پرداخت. او در سخنانش از جدیدترین جنایت وحشیانهٔ رژیم آخوندی و به‌قتل رساندن شهید به خون خفته خلق حجت زمانی ابراز انزجار کرد.
در کنار این گردهمایی میز کتاب برپا بود و هواداران مقاومت دست به افشاگری گسترده علیه سیاستهای ضدخلقی و فعالیتهای اتمی پاسدار احمدی‌نژاد زدندکه مورد استقبال گسترده شهروندان آلمانی قرار گرفت و بسیاری برای گرفتن اطلاعات بیشتر و امضای بیانیه محکومیت رژیم آخوندی و حمایت از مقاومت ایران مراجعه می‌کردند و بیانیه را امضا می‌نمودند.
در پایان این برنامه، قطعنامه گردهمایی توسط خانم مریم تهرانی قرائت گردید.

یوتوبوری - سوئد

به دنبال شهادت مجاهد قهرمان حجت زمانی بدست دژخیمان شقاوت پیشه رژیم خونریز آخوندی هواداران مقاومت ایران درشهر یوتوبوری سوئد اقدام به برگزاری یک آکسیون اعتراضی علیه این جنایت شنیع توسط جلادان آدمکش حاکم برمیهن مان کردند. این آکسیون روز شنبه ۲۹بهمن درمحل برونز پارکن میدان مرکزی شهر یوتبوری برگزار گردید.
در ادامه برنامه زندگینامه سراسر افتخار و مجاهدت حجت دلاور و حماسه مقاومت جانانه اش قرائت شد و درپی زندان و شهادت مظلومانه اش قرائت شد و درپی آن جمعیت یک صدا شعار می دادند: خون حجت می جوشد مجاهد می خروشد
در ادامه پیام انجمن فارغ التحصیلان هوادار مقاومت قرائت گردید. سپس یکی از اعضای عفو بین الملل تحلیلی از شرایط بسیار خطرناک ناشی از حاکمیت پاسدار احمدی نژاد و تهدیدات این رژیم ضدبشری برای امنیت و صلح جهانی ارائه نمود و نگرانی این ارگان را از افزایش کشتار و سرکوب درایران بیان کرد.
آنگاه پیام انجمن بین المللی زنان برای تندرستی و انجمن جوانان هوادار مقاومت قرائت گردید.

کپنهاگ- دانمارک

هواداران مجاهدین و هموطنان مقیم دانمارک، روز جمعه ۲۸ بهمن در میدان نوتورو در مرکز شهر کپنهاگ، در مقابل دفتر عفو بین‌الملل، آکسیونی در اعتراض به اعدام مجاهد قهرمان حجت زمانی و هم‌چنین همبستگی با کارگران شرکت واحد و محکومیت سرکوب کارگران برگزار کردند.
در این گردهمایی پیام انجمن متخصصین و فارغ‌التحصیلان ایرانی مقیم دانمارک قرائت گردید.
هیأتی از طرف انجمن متخصصین و فارغ‌التحصیلان ایرانی مقیم دانمارک به سازمان عفوبین‌الملل مراجعه کرده و ضمن ارائه نامه‌یی درخواست محکومیت رژیم فاشیستی- مذهبی آخوندی را نمودند. یکی از مسئولان عفو بین‌الملل با اظهار تأسف از شهادت حجت زمانی، اعمال خشونت و اعدام درایران توسط رژیم ملایان را محکوم کرد و قول داد که در اسرع وقت مسأله را مورد پیگرد ورسیدگی قرار دهد.

هامبورگ- آلمان

روز شنبه ۲۹ بهمن (۱۸ فوریه ۲۰۰۶)، به‌دعوت حامیان مقاومت در شهرهای هامبورگ و برمن، تظاهراتی در مرکز شهر هامبورگ، جهت محکوم‌کردن جنایت سبعانهٔ اخیر رژیم ضدبشری آخوندها و اعدام مجاهد خلق حجت زمانی برگزار شد.
آقای فردین ماهوتچیان اولین سخنران تظاهرات بود.
سپس اطلاعیهٔ سازمان مجاهدین و زندگینامهٔ مجاهد شهید حجت زمانی توسط آقای شهریاری قرائت شد.
در پایان، قطعنامه تظاهرات خوانده شد. آکسیون هموطنانمان در هامبورگ مورد توجه رسانه‌های آلمان قرار گرفت و خبرنگاران به تهیه فیلم و گزارش از آن پرداختند.

برکلی ـ آمریکا

بزرگداشت مجاهد شهید حجت زمانی در سالن کلیسای کل‌گری پرسبتریان برکلی با حضور تعدادی از هواداران مجاهدین و شورای ملی مقاومت برگزار شد.
در این برنامه، اطلاعیهٔ دبیرخانه شورای ملی مقاومت در رابطه با شهادت مجاهد شهید حجت زمانی، توسط آقای حمید عظیمی، از اعضای شورای ملی مقاومت، قرائت گردید.
پس از آن آقای احمد معین، در سخنان کوتاهی به شرح حماسه پایداری حجت قهرمان پرداخت.
در قسمت بعدی خانم انسیه یزدان‌پناه سخنانی کرد:

هوستون- آمریکا

جامعه ایرانیان ایالت تگزاس در شهر هوستون، در تاریخ ۲ اسفند، اقدام به برگزاری یک آکسیون اعتراضی در رابطه با اعدام مجاهد قهرمان حجت زمانی، نمود. این آکسیون در نقطه مرکزی شهر به‌نام گالریا از ساعت ۱۱ صبح آغاز و تا ساعت یک و نیم بعدازظهر به‌وقت محلی ادامه داشت.
آکسیون با سرود قهرمانان در زنجیر آغاز شد. شرکت‌کنندگان، با حمل پلاکاردهای «توقف شکنجه و اعدام در ایران" و شعار " تمام زندانیان سیاسی بایستی آزاد شوند»، و نیز شعارهایی در محکومیت اعدام مجاهد شهید حجت زمانی، توجه شهروندان را به جنایات اخیر رژیم و اعلام حجت قهرمان جلب کردند.
در طول برنامه فرازهایی از زندگینامه مجاهد شهید حجت زمانی قرائت شد هم چنین قطعنامه جامعه به زبان فارسی خوانده شد. اطلاعیه‌های مربوط به اعتصاب غذای زندانیان گوهر دشت نیز قرائت گردید.
این آکسیون با اجرای دسته جمعی سرود قسم به پایان رسید

لس‌آنجلس-آمریکا

روز چهارشنبه ۳اسفند۸۴ در شهر لس‌آنجلس آکسیونی با حضور ایرانیان شریف و غیور در اعتراض اعدام شهید حجت زمانی برگزار شد. در این آکسیون تجمع‌کنندگان عکسهایی ازمجاهد شهید حجت زمانی وهم‌چنین پلاکارهایی در محکوم‌کردن این اعدام جنایتکارانه در دست داشتند.
این برنامه با اجرای دستجمعی سرود میهن شهیدان آغازشد.
و به دنبال آن زندگی نامه شهید حجت زمانی قرائت شد.
ایرانیان آزاده ضمن ابراز خشم و تأثرشان از شهادت حجت قهرمان در طی این آکسیون فریاد می‌زدند:
خون حجت می‌جوشد
مجاهد می‌خروشد
ای حجت قهرمان راهت ادامه دارد
در قسمتی از این برنامه، اطلاعیه انجمنهای هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران در شهرهای لس‌آنجلس، سندیگو و هم‌چنین انجمن دفاع از دموکراسی شهر اورنج کانتی که علیه اعدام حجت زمانی منتشر شده بود، توسط نمایندگان جامعه ایرانیان این شهرها قرائت شد. در پایان این آکسیون تظاهرات کننده گان با روشن کردن شمع و گلباران عکسهای حجت قهرمان، عمق نفرت خود ازرژیم دد منش اخوندی ابراز داشتند .

اسلو- نروژ

چهارشنبه۳ اسفند۸٤، هواداران مجاهدین و مقاومت ایران، در مقابل مجلس نروژ در اعتراض به اعدام مجاهد شهید حجت زمانی یک آکسیون اعتراضی برگزار نمودند.
در این آکسیون ابتدا زندگینامه مجاهد شهید حجت زمانی برای حاضران خوانده شد و بعد از آن آقای خزایی نماینده شورای ملی مقاومت در کشورهای نوردیک طی سخنانی ضمن اشاره به تهدید زندانیان سیاسی به اعدام از سوی رژیم در صورت ارجاع پرونده اتمی‌اش به شورای امنیت، نسبت به تکرار کشتار ٦٧ هشدار داد و از تمامی آزادیخواهان و سازمانهای حقوق بشری خواست که به یاری زندانیان سیاسی ایران بر خیزند.
آقای خزایی در ادامه سخنان خود به پیشنهاد اخیر نروژ مبنی بر میانجیگری در مسأله اتمی ایران که در سفراخیر معاون وزیر خارجه نروژ مطرح شد پرداخت و ضمن بر حذر داشتن نروژ از این کار؛ با توجه به تجربه ناموفق کشورهای تروئیکا به بیهوده بودن این امر اشاره کرد.
نماینده شورای ملی مقاومت در پایان سخنان خود خواهان قاطعیت در برخورد با رژیم تروریستی حاکم بر ایران گردید.
در ادامه این آکسیون پیام انجمن هواداران مجاهدین در نروژ در رابطه با شهادت حجت زمانی خوانده شد.
این مراسم با اجرای سرود قسم به پایان رسید.

استکهلم- سوئد

روز سه شنبه ۳ اسفند ۸٤، آکسیون اعتراضی ایرانیان آزاده وحامیان مقاومت درمیدان ماریای استکهلم روبه‌روی صلیب سرخ برگزارگردید.
در این برنامه پیام شورانگیز خانواده مجاهد قهرمان حجت زمانی از خطه دلاورخیز ایلام قرائت شد که بسیار مورد استقبال تظاهرکنندگان قرارگرفت.
آن‌گاه پیام زندانیان سیاسی و همبندان حجت زمانی در زندان گوهر دشت خوانده شد.

برکلی ـ آمریکا

اسلو ـ نروژ

هوستون ـ آمریکا

اتلانتا ـ آمریکا

ونکور ـ کانادا

اتاوا ـ کانادا

کپنهاگ ـ دانمارک

استکهلم ـ سوئد

واشینگتن ـ آمریکا

کلن ـ آلمان

هامبورگ ـ آلمان

لس آنجلس ـ آمریکا

ترانــه غرور یک خلــق

نادر رفیعی‌نژاد ـ اشرف

این یک مرثیه نیست، ترنّم رزم است یاران، آهنگین ترنّم ماندنی، از او که هستی‌اش را سرود، چشم تر نباید کرد. حماسه‌یی است از آموزگاری که روزگاری قصهٔ مقاومت در گوش کودکان شهر می‌خواند. اینک او آموزگار آموزگاران زمانهٔ ماست و افسانهٔ مقاومتی است بی‌امان. معلمی که مجاهدوار پای در راه فدا نهاد و دست سرنوشت چه زود راههای مجاهدت را در پیش‌اش گشود. پنج‌سال مجاهدت بی‌امان و پنج سال در اسارت دژخیم در سیاهچالهای اوین و قزلحصار با اعتصاب و اعتراض و مقاومت به‌آزمونی آخرین روی آورد آن‌چنان دلاورانه که دشمن زبون را به‌خشم حیوانی وادار ساخت. گردمردی از تبار خونی خاک که حتی در مقابل حکمی که چوبهٔ دار را به‌پا می‌کرد و سرنوشت را رقم می‌زد با یک قلم یا نوک یک مداد یا خودکاری مستعمل که ته‌اش با یک نخ به دفتر زندگی بسته بود نام خود را «بی‌هیچ اعتراض»نوشت!

آن‌که او نفس طغیان است ـ حتی در لحظهٔ انتخاب به‌جای اعتراض ـ مرگ را به سخره گرفت تا دژخیم را تحقیرشده و سرافکنده سازد. از همین روی «حجت» زمانهٔ خویش است. دژخیم به‌هرمیزان که از زیستن‌اش به‌ستوه بود، از رفتنش نیز به هراس! تا بود لحظه‌یی درنگ در او نبود حتی در انتخاب مرگ بر زیستن. هرگز گرد ذلت بر رخسارش ننشست و هرگز سایهٔ ندامت بر اندیشه‌اش راه نداشت. تا آزاد بود در رزم، تا به‌بند کشیده شد در فریاد و تا بردار، همه غوغای ایستادگی است در برابر خصم.

طرفه‌یی است نامها و واژه‌ها در تنگاتنگی تداوم روزها، مردی که بی‌اعتراض به‌مرگ آن‌را بر می‌گزید و شگفت سرنوشتی در هم‌آشیانی با اسطوره‌ها با یک انتخاب. آن‌که سرنوشت خویش را خویشتن نوشت. کار او ایستاده مردن است برسردار.

چه بامسماست نام تو و چه با شکوه تقدیری است که رقم می‌خورد، چرا که تو حجت زمانه‌یی! و بهترین دلیل و بیّنه بر حماسه‌ها. غریبانه، با هیچ اسب و زین و برگ و سپر، یک تنه، تنها در مقابله با خصمی شرزه و خونخوار در رزمی بی‌هیچ یاور و پایمردی تا پایان.

خنکای نسیم صبح زمستانی بر چهره‌ات رشک می‌برد، و بر آخرین دیدار که حسرت سالیان خواهد ماند، روشنای وجودت بردار، بیکرانگی پرواز آزادگی است و نهایت آمال مجاهدی که بر عهد و پیمانها استوار ایستاده است.

من این‌جا سالهاست که در حسرت روز حسینی خویش بی‌تابم و تو از آن‌رو حجت زمانه‌یی که خواست فروخفته در گلوی مرا بردار فریاد می‌کنی. امروز برتمامت قامتت بردار، باز زنده می‌شود یک شورا!

باز التهاب آن لحظه در سراسر وجود موج می‌زند و شوق پرواز برپای بسته برزمینم خون تازه می‌دواند.

من راز ترا سربسته، سر به‌مهر خواهم داشت. سر برآسمان افراشته راست‌قامت، صلیب خویش بردوش تا صبح عاشورا بردار. تو همه را با هم در دستانت یک‌جا داری، پرواز در بی‌نهایت آسمان بهمن در عاشورا، این‌گونه همهٔ اسطوره‌ها را در هم می‌آمیزی تا حجت زمان شوی در زمانه‌یی که باور این بود که در غربت خاک، سالها دیگر حجتی نخواهد بود.

زندگینامه‌ات این است، تو در روزی مانند همهٔ روزها در خاکی هم‌چون تمام خاکهای این سرزمین از صلب پدری و از بطن مادری زاده شدی. گرچه او هم به‌خاک فتاد. در کوچه باغهای روستا به‌ایام بی‌خبری، با نانی گرم از تنور خانه‌تان و آبی زلال از هفت چشمهٔ جوشان سیراب شدی، تا در مدرسه‌یی با نیمکتهای رنگ و رو رفته روح کلمات در تو جاری شود تا در همان کلاس، اما سالها بعد، کودکی خود را به تکرار کلمات واداری و... این همهٔ زندگی تو بود و زندگینامه‌یی که در همه تکرار می‌شود. اما زندگی ترا بخش تکرار ناشده‌یی هم هست. او که در حسرت عاشورا پای به‌راه نهاد و آن‌را یافت، در قامت عصیانی‌اش از اعتراض، به‌بالابلندترین فراز خویش رسید. بی‌هیچ اعتراض!

در تاریک و روشنای صبح زمستانی، میان گنبد لاجوردی، قرص نورانی ماه برآسمان غم‌گرفتهٔ شهر می‌درخشد. هرساله در همین روز، ماههای درخشان دیگری زیب آسمان‌اند؛ این تقدیر بهمن است. این‌جا مجاهدی ایستاده به قامت مقاومت خلقی در بند تا بازگوید سخنهای خفته در گلو، برهیبت رادمردی خویش، نجواها را به فریاد تبدیل می‌کند. این‌جا خلقی است ایستاده تا غرورش را از خلال آخرین نفس برومند فرزند خویش بازیابد. این‌جا جای مرثیه نیست و نه هیچ آواز حزین شب‌هنگام، این‌جا هنگامهٔ زیستنی است جاودانه بر ستیزه و رزم، نه با وداع که با پیمانی سخت و سوگندی استوارتر که برپایمردیهایت پای خواهیم فشرد.

آن شقایــق داغ هفت‌چشمه

حمید نصیری

گویی اشک روان «هفت‌چشمه»، با تالاب‌آتش خون داغ شقایق دیگری از خاکش باید تلألو بگیرد. از همان شقایقهای عاشقی که گورشان در دنباله دامن خورشید است و در گلوگاه ماه. کجاست «یانیس ریتسوس» یونانی، که دلاوری و مقاومت این شیر هفت‌چشمه را ببیند تا «لوح گور» را دوباره بنویسد و این‌بار برای این قلندر ایلامی زمزمه کند:

شیردلی سرفراز
برخاک افتاده است
خاک مرطوب در خود جایش نمی‌دهد
کرمهای حقیر خاکش نمی‌جوند
صلیب بر پشتش
جفت بالی را ماند:
بلند و بلند بر آسمان اوج می‌گیرد
و عقابان و فرشتگان زرین را دیدار می‌کند.

خزئل، فلاح و حالا این آخری «حجت»شان بود. قلندری بود، حجت. نمی‌دانم این شقایق هفت‌چشمه، شیفته چه چیزی بود که داغش، جان همه شیفتگان خاکش را شعله‌ور ساخت، جز حامیان گمنام و نامدار حرامیان را. خزئل پهلوان بود، این یکی اما، قلندر. قلندر عاشق. حدیث ایستادگی و پایداریش، حدیث کوههای «قلاقیران»، «کبیرکوه» بود و شادابی و طراوت اندیشه‌هایش، حدیث دره‌های سرسبز «شاه بیشه» و درختان «بانگنجاب» است. و حقاً که «زمانی»ها، «هفت‌چشمه» رسم مروت، پهلوانی بودند و به افسانه‌های پایمردی هفت‌چشمه پیوستند.

دوران کودکی و نوجوانی را در حاکمیت دیوی گذراند که از شیشه بیرون آمده، انقلاب نوپایی را یکجا بلعیده بود و نفس مردم را در شیشه حبس کرده بود. سالهای سیاه دهه شصت را در کودکی و نوجوانی سپری کرد و به مدرسه رفت. درس خواند. در همین سالها بود که اولین جرقه خیزش را در ذهن بی‌تاب قلندر ما داغ شهادت دایی‌اش عبدالله می‌زند. آن‌موقع ۱۴ساله بود. بعد از آن دیگر، ذهن و نگاه این حجت با حجت قبلی یکی نبود. هر روز و هرشب که با درس و مشق مدرسه بزرگ می‌شد، افق بلند اندیشه‌اش را هم وسعت می‌بخشید. ذره‌یی ظلم و ستمی که بر مردمش می‌رفت را تحمل نمی‌کرد و همزمان که پا به دوران جوانی می‌گذاشت شخصیتش را با انگیزه‌هایی که در ذهنش جوانه‌زده بود شکل می‌داد. بعد از فارغ‌التحصیل شدن از دانشسرا، شغل معلمی را انتخاب کرد. شغلی که در خودش آگاهی بخشی دارد. اما او فراتر از حساب و کتابهای روزمره، به شاگردانش، «آ» را برای آزادی می‌آموخت، «ب» را برای برخاستن، «پ» را برای پایداری و «ج» را برای جاودانگی. و حجت، خود این کاره بود و شد. به همین دلیل حرامیان تاب تحملش را نداشتند و در کمتر از ٦ماه اخراج و از کار برکنارش کردند. اما، این جوان رشید، راه و رسمش را انتخاب کرده بود. فقط دنبال وصل خود بود. رسم و راه برادرش را پیشه خود کرد. می‌دانست، انتهایش کجاست، ولی برای ماندگار شدن، باید می‌رفت. و رفت و ماندگار شد. عجبا که نام و پایداری جوان روستای هفت‌چشمه ایلامی، از مرزهای شهر و خاک مامش گذشته و شیفتگان آزادی جهان را هم جگرسوز کرده است.

راستی این قلندر که به اقتضای سنش، فرصت این‌را نیافت تا در ظرف تشکیلات آموزش و رسم پایداری بیاموزد، پس این همه را از کجا آورده بود؟ گویی برخاستنش حدیث برقی بود که درخشید و جست و رفت. شوق بوته پرتپشی که با بهار درآمیخت، اما با خزان درآویخت. چنگ درچنگش شد، و در نامش شکفته شد و همیشه ماندگار.

طی چهارسال مقاومت شگفت‌انگیزش، دشمن از هیچ رذالت و فرومایگی در حقش دریغ نکرد. فقط که شکنجه نبود. ای کاش فقط شکنجه بود. حاشا! که قلندر و پهلوان ما در برابر شکنجه‌های جسمی سرخم کند. موجی بود که تنها مرگ را به‌جای آرامش می‌پنداشت. با جسم نحیف و شکنجه‌شده‌اش در زندان، وحشتی بود برای دژخیمان. وقتی دیدند دیگر شکنجه‌های جسمی کارایی خود را در برابر این یل ایلامی از دست داده، به شیوه‌های رذیلانه‌تری متوسل شدند. رسم و راه همیشگی شناخته شده آخوندها. چه ابلهانه فکر می‌کردند بعد از ماجراهای عراق و پاریس، می‌توانند عزم قلندر ما را درهم‌بشکنند. بعداز بمبارانهای قرارگاه بیقرارانش، خائنان و خودفروختگان به دستگاه جهل وجنایت را یکی یکی به سراغش فرستادند تا سرخورده و پریشانش کنند. عزمش را درهم شکنند. به تلویزیون بکشانندش. علیه آرمانش و رسم و آیینش بگوید. گفتند هیچ‌چیزی از مجاهدین باقی نمانده. با خاک یکسان شدند. بقیه را هم در غربت به بند کشیدند. تمام شدند.

تو هم تمامش کن. ولی به شیوه‌یی که ما تمام شدیم. پاسخش اما این بود. شما که از ازل تمام شده بودید. مرده بودید، اگرنه مرده‌خوار. اما سفلگان و نوچه‌هایش دست‌بردار نبودند. بعد «زن» به سراغش فرستادند. بیچاره مفلوک و «ضعیفه» آخوندرجاله، خواست که «آب توبه» برسرش بریزد. قلندر ما، اما تف کرد. رو برگرداند و با خود زمزمه کرد:

مردی زباد حادثه بنشست
مردی چو برق حادثه برخاست
آن، یکی ننگ را گزید و سپر ساخت
وین، نام را بدون سپر خواست

آری، حدیث پایداری حجت، حدیث مردی بود که مرگ را در چنگش گرفته بود. اسیر روح والا و دستان شکوفایی‌اش بود. آن‌قدر مرگ را حقیر می‌پنداشت که وقتی حکم اعدام را جلویش گذاشتند حتی زهرخند هم نزد. گفت «هیچ اعتراضی ندارم». منتظرش نبود. وادارش کرده بود که او به انتظارش باشد. انگار که می‌خواست در آستانه عاشورا خونش را پیشکش مقتدای تاریخیش کند. عجب حدیثی بود این حجت. «حجت» پایداری و مقاومت در برابر دشمن ضدبشری.

به استناد گزارش و گواه همشهریانش، دژخیمان، کینه حیوانی خود نسبت به همه اعضای مجاهد خانواده‌اش را روی او خالی می‌کردند. از زخمی که برادرش پهلوان خزئل، در نبردی نابرابر به مزدوران وارد کرده بود، تا دلاوری و مقاومت برادر کوچکترش فلاح قهرمان، و پیش از همه اینها استواری شگرف عبدالله، دایی‌اش در زیر شکنجه، از همه اینها داغها به دل داشتند.

حجت در زادگاهش

اما حجت قهرمان، داغی بر دلشان گذاشت که تا ابد خواهد ماند. چنان کرد و چنان درسی از وفا و استواری به‌جا گذاشت که از هم اکنون شعله جانش، هم‌چون فانوسی است که درکوههای هفت‌چشمه و همه ایلام نورفشانی می‌کند. دیدیم و شنیدیم که از هم‌اکنون از هفت‌چشمه گرفته، تا آن‌سوی مرزهای جهان، یاد و احترام نامش «زمزمه نیمه شب» همه مستان آزادی شده است. آری، حجت از این تبار بود:

ما بی‌غمان مست دل از دست داده‌ایم
همراز عشق و هم‌نفس جام باده‌ایم
ای گل تو دوئس داغ صبوحی کشیده‌ای
ما آن شقایقیم که با داغ زاده‌ایم

آه اگر آزادی سرودی می‌خواند کوچک از گلوگاه یکی پرنده

به یاد گوهر بی‌بدیل، حجت زمانی قهرمان شرف و پایداری

زهره اسدی

آه اگر آزادی سرودی می‌خواند
کوچک هم‌چون گلوگاه پرنده‌یی
هیچ کجا دیواری فروریخته بر
[جای نمی‌ماند

سالیان بسیار نمی‌بایست دریافتن را
که هر ویرانه نشانی از غیاب
[انسانی‌ست
که حضور انسان آبادانی‌ست

هم‌چون زخمی همه عمر خونابه چکنده
هم‌چون زخمی همه عمر به دردی
[خشک تپنده
به نعره‌یی چشم بر جهان گشوده
به نفرتی از خود شونده

غیاب بزرگ چنین بود
سرگذشت بی‌راهی چنین بود

آه اگر آزادی سرودی می‌خواند کوچک
کوچکتر حتی
از گلوگاه یکی پرنده

شاملو

حجت سلام سحرگاه امروز به یادت یک صبحگاه جمعی داشتیم. بعد هم مراسم یادبودی در قطعهٔ مروارید شهر اشرف. جایت خالی بود؟ نه نبود. پرنده‌یی از جلوی صفوف ما پرواز کرد و رفت شاید که خودت بودی. چشمان ما تا دوردست دنبالش کرد و با تو وداعی کردیم موقت تا دیداری نزدیک. این چهار سال که نبودی، همیشه در میانمان بودی، حتماً که می‌دانی. حتماً که می‌دانستی که توانستی در آن‌جا، در آن سیاهچال و به دور از سرچشمه‌ات، آن‌همه مقاومت کنی.

حجت سلامت کردیم و از تو خواندیم:
مجاهد ز خود بی‌خبر شو وجودی دگر شو،
ز جان شعله‌ور شو به ایمان خود.

خوشا به حالت که در آستانه عاشورای حسینی و عاشورای مجاهدین، به ندای هیهات مناالذله عاشقانه پاسخ دادی. گوهر بی‌بدیلی بودی که با افراشتن قامت استوارت بر بالای چوبه دار و بدون «هیچ‌گونه اعتراضی»، پرچم شرف و حقانیت مقاومت و آزادی را در قبیله آزادگان میهن دوباره بالا بردی و امروز ما دوباره در شهر اشرف به آن سلامی دوباره دادیم و با تو و آرمانهایت تجدید پیمان کردیم.

ای شقایق نوشکفته میهن، وقتی شنیدیم چند روز قبل از مراسم سالگرد 19بهمن، پروازت را آغاز کردی گفتیم که دلتنگی یاران را تاب نیاورده و خودش را برای شرکت در برنامه رسانده است. جایت در این‌جا خالی نبود. پر بود پُر پُر. و مگر می‌شود جای گوهر بی‌بدیل مسعود و مریم خالی باشد؟ در هماره تاریخ این سازمان، هر سروی که بر قامت پرچم ایران خون‌فشاند، سروقامت دیگری به‌جایش شکفت و استوار قد برافراشت.

ای سرستون گروهان آزادی، با خودت بوی وطن را آوردی. برایت مویه نکردیم، گلهای رازقی را بدرقهٔ راهت کردیم چرا که گفته بودیم خروسخوان آزادی میهن را سردادن تنها از عاشقی از سلاله «اشرف» بایسته است. خوش‌خبر باشی حجت جان. سحرگاه امروز، وضویمان را با نیت تجدید عهد با آرمانهایت گرفتیم و دوباره سرود آزادی سر دادیم. ای رهگشای قدوم یاران. رزم‌آوران خورشید در اشرف، خبر صلابت و استواریت را در قلبشان با گلخند غرور آمیختند و با تبسمی بر لبانشان پیروزی غرور مجاهد را سور گرفتند. جایت خالی نیست. نه! پر است. پُر پُر پُر همان‌طور که خودت اراده کرده بودی.

رایت شــرف خلــق از اشــرف تا گوهردشت

تقدیم به کسی که پیکرش رایت شرف خلقی در زنجیر گشت و بر چوبه دار به اهتزاز درآمد

علیمراد اشرفی

در آستانه سالگرد عاشورای مجاهدین و تاسوعای حسینی، در آستانه مراسم شکوهمند اشرف، شاهد آخرین رژه حجت بودیم. رژه حجت نسل ما در گوهردشت کرج با همان ریتم گروه موزیک اشرف بود، یعنی ریتم پایداری و مقاومت. از درب سلول تا تیرک اعدام، طبل بزرگ زیر پای چپ، مشتها گره کرده، سینه ستبر، سر بالا، نگاه فقط به جلو، آری حجت آخرین رژه خود را با عشقی سوزان به آزادی با مارش گروه موزیک، جان بر کف و مصمم و استوار پیمود، و همراه با اشرفیان سرود خواند: نمرده یاد بهمن ماه ـ همون خلقیم، همون میهن ـ برای سرنگون کردن هنوز هم بهمنه بهمن

هنوز هم خون جوانان توی کوچه است
آری تیغ تیز مقاومت او، گلوی شب تیره را درید و هر گامش پتک آهنینی بود بر سر دژخیمان پلیدی که نتوانستند او را در هم بشکنند.

رقص حلاج‌وار حجت ما بر سر دار، پیام پیروزی نسل ما بر رژیمی بود که تمام توانش را به کار برد تا او را علیه سازمانش و برادران و خواهرانش به‌کار بگیرد. پیکرش پرچم خونین نسل سرفرازی بود که ۲۵سال پیش برای سرنگونی فاشسیم مذهبی به پا خاست و هرگز تسلیم نشد.

یا ما سر خصم را بکوبیم به سنگ
یا او سر ما به دار سازد آونگ
القصه در این زمانه پر نیرنگ
یک کشته به نام به که صد زنده به ننگ

و بدین سان عزیزی از نسل پرافتخار ما، باز هم آسمان تیره و غمزده میهن را غرق نور و امید کرد. کوهمردی، قهرمانی و سرداری که خود، حجت دیگری بود، در زمان ما که مجاهد را از داغ و درفش و اعدام و زندان ترساندن کاری است عبث، گواه دیگری بود بر فدای خالصانه نسل فدا، نسل صدهزاران، نسل پرافتخاری که با یک نام خجسته آغاز و با نام تابان کسی ادامه داد که چون شمع بی‌دریغ سوخت و روشنای راهمان شد. تا حالا چنین سرفراز و پرافتخار حجتهایمان را تقدیم خلق کنیم. آری جاودانه فروغی دیگر، برادری، عزیزی و مجاهدی از ما بر خاک افتاد، پیام او علاوه بر اهمیت و راهگشایی سیاسی در نبرد مستقیم ما با دشمن دژخیم، میخ محکمی بر تابوت پوسیده تسلیم‌طلبی و خیانت است.

دو روز قبل از شهادتش از او خواستند که اگر نامه بنویسد و توبه کند و علیه آرمان و سازمانش چیزی بگوید، او را اعدام نخواهند کرد. ولی هیهات که نسل فدا را نشناخته بودند، حجت ۵سال است هر روز در انتظار اعدام و شهادت بود. ۵ سال است که زیر انواع شکنجه‌های جسمی و روحی بر انتخاب و پیمان خویش با خدا و خلق پایدار و استوار باقی ماند.

برای آنانی که توان صیقل‌زدن بر اراده و مهار غرایز کور خود را در دوران سختی و ضربه نداشته، و در آزمایش بود و نبود انقلابی و انسانی خویش، طعمه و لقمه دشمن شدند و به دشمن ملت و میهن ما تسلیم گشته و به دریوزگی پرداختند، به آنانی که سازشکاری و عافیت‌جویی را تئوریزه می‌کردند که گویا دوران مقاومت و پاکبازی تمام شده و... آری خون پاکش پایانی بود بر همه توطئه‌ها و ترفندهای رژیم و وزارت بدنام اطلاعات که بعد از ۲۵سال ناتوانی از حذف مجاهدین، به خیال خودش می‌خواست از درون به مجاهدین ضربه بزند و بارها نیز حجت را زیر فشار گذاشتند که از آرمان و سازمانش دست بکشد، ولی هیهات مناالذله. حجت ما بعد از رد همه خواستها و تطمیعها چون شیر در اوج اقتدار و افتخار زیر حکم اعدام نوشت که: «به رأی صادره هیچ‌گونه اعتراضی ندارم. حجت زمانی ـ ۸۴/۱/۱۸». آری او برای «جان خود چانه نزد» و از شرافت و حیثیت یک مقاومت و یک خلق دفاع کرد. درود بیکران بر او و بر معلمان و آموزگارانی که این نسل را پروردند و درود بر علی‌اکبر و خزئل و فلاح و عبدالله و تمام عزیزانی که از سراسر ایران، و از ایلام و هفت‌چشمه جوشیدند و چون رود الماس شب‌سوز اختران در تمامی تاروپود این تاریخ و میهن جاری گشتند، آری دشمن هرگز نخواهد توانست هفت‌چشمه و هزاران چشمه‌های دیگری که در سراسر میهن بی‌وقفه خون مجاهد در آن می‌جوشد، بخشکاند.

همان‌طور که حجت نوشت. مجاهدین نه برای جان و نه برای قدرت با کسی چانه نمی‌زنند، آنها تمام هستی خود را برای رهایی خلقی در طبق اخلاص گذاشته‌اند که همه چیزشان در ایلغار سلسله خمینی به تاراج رفته است. همه چیز خود را برای آرمان آزادی فدا کردند، آزادی همان عشق سوزان و آتشینی که سالیان سال است در قلب و روح هر ایرانی باشرف زبانه می‌کشد، سردار نهضت ملی ایران گفته بود که یقین دارم این آتش خاموش نخواهد شد. بلی این آتش در دل ۱۲۰هزار شهید و در دل حجت و در آتشکده شهر اشرف هم‌چنان شعله‌ور است. آتش عشق به آزادی، خجسته آزادی، آری این است محصول اشتیاق سوزان یک خلق برای آزادی.

در همین روزهایی که خبر ناپدیدشدن حجت سر زبانها افتاده بود، در اشرف هم مراسمی به مناسبت ۱۹ و ۲۲بهمن، با شکوه تمام برگزار شد. سلسه مراسم شکوهمندی که در آن ابهت و عظمت با لطافت و زیبایی به‌نحو شگفت‌انگیزی در هم آمیخته بود و بیانگر قاطعیت و حقانیت نسلی بود که از خون سرداران وطن، از سینه تاریخ این میهن برخاسته و ارتش پایداری، ارتش بهار، ارتش صلح و سازندگی و کار را تشکیل داده بود. دشمن دژخیم پیام شما را گرفت که گفتید اگر تو سنگ خاره‌یی من آهنم. دشمن خدا و خلق بر خود لرزید و با گوشهای کر خویش صدای ناقوس مرگش را که از شیپورهای گروه موزیک نواخته می‌شد، شنید. رعشه بر اندام لرزان و غرق در بحرانش افتاد. دل تمامی ستمدیدگان و محرومان میهن ما شاد شد. دنیای امید به زندگی، امید به فردای بهتر، و امید به آزادی به رویشان گشوده شد. دنیایی که در آن از ظلم و ستم و فقر و استبداد خبری نباشد. تمامی کارتن‌خوابها، کودکان خیابانی، زنان و جوانان و همه هموطنانی که در چنگال هیولاهای فقر، بیکاری، تن‌فروشی، اعتیاد و فساد و گرانی و سرکوب و تحقیر گرفتارند و فریادرسی می‌طلبند، تمامی خلق، تمامی آزادیخواهان و تمامی کسانی که دلی در گروه آزادی و رهایی میهن ما، ایران دارند، با پرچم افتخار و غرور ایرانی، آینده خود را تابناک و آینده رژیم را سیاه و تیره و تار دیدند. دشمن ضدبشری هرگز نتوانست و نخواهد توانست رمز و راز شکوفایی، بالندگی و ماندگاری این نسل سرفراز را دریابد. این سه ساله برای نابودی اشرف تمامی توان و سرمایه خود را به حراج گذاشت، در این سه ساله، به هر کاری و به هر معامله و نیرنگ و دروغ و به هر توطئه‌یی دست زد، به دامن هرکس و ناکسی از عراق تا اروپا و آمریکا و... پناه برد. به آدمربایی و قطع غذا و آب و برق روی آورد، یک جنگ کثیف روانی و کارزار شیطان‌سازی از چهره شما راه انداخت. بیچاره، خائنان، خودفروختگان و قلم‌به‌مزدانی که هویت، شرافت و سابقه خود را به ارزانی به دشمن ضدبشری فروختند و در این ایام بر شما تاختند و از اضمحلال و فروپاشی شما داد سخنها سر دادند. یادتان هست که گفتند و نوشتند ۸۰درصد در حال فرار هستند. یادتان هست که گفتند و نوشتند «اشرف در آستانه شورش»، «منافقین در آستانه نابودی»، «مژگان پارسایی را در زنجیر و در زندان»، «شقه و انشعاب در مجاهدین» و... و خواب و خیالهای دیگر.

من با این‌که خودم را در میان صفوف شما حس می‌کردم، اما مثل بچه‌های گروه موزیک و دسته آرم و پرچم می‌توانستم شما را خوب برانداز کنم، سینه‌ها جلو و سرها همه بالا بود، (سر به آسمان می‌سایید) روحیه‌ها عالی، چهره‌ها مصمم و صفها پاکیزه‌تر و خالصتر، عزمها برای آزادی خلق جزمتر بودند. لباسها زیباتر، برازنده و خوش‌رنگتر بود، به رنگ سبز جنگل بی‌خزان، یا به رنگ رود الماس شب‌سوز اختران، آثار خستگی کار فشرده بر چهره‌ها ناپیدا بود. آن‌چه که با طبل بزرگ روی زمین می‌کوبیدید، پای چپ نبود، کوهی از اراده آهنین بود، بر گلوی شب پلید. وقتی که نظر به‌راست می‌کردید موجی از قاطعیت و عشق در چشمان شما موج می‌زد و از آن طرف نیز لبخند رضایت را بر لبان آن دو می‌شد دید (تا کور شود هر آن که نتواند دید).

صدای بچه‌ها محمد و داوود و روزبه و فرهاد، ماندانا و بقیه رساتر و محکمتر بود، چهره‌هاشان جدی‌تر و انقلابی‌تر بود، شعرها بسیار پرمعنی و جذابتر، گروه آرم و پرچم و یگان موزیک قاطع، مهربان و مصمم بودند و حقیقتاً از گروه هنری شما صدای در گلو خفه شده یک خلق در زنجیر به گوش می‌رسید، صدای انقلاب بهمن که نه مرده و نه خاکستر شده، بلکه دستاوردهای آن انقلاب اکنون در ارتش آزادی متبلور و زنده است.

یادتان هست زمانی که همه چیز در ابهام بود، هنگامی که ابرهای تیره و تار تردید آسمان همه جای دنیا را فرا گرفته بود، زمانی که دشمنان خلق دندان تیز کرده بودند، زمانی که تسلیم‌طلبان و عافیت‌جویان می‌گفتند «دیدید ما گفتیم جواب ندارد، همه جوانهای مملکت را از دست دادید» درحالی که خیلی از خود ما نگران بودیم، شیر همیشه هوشیار و بیداری که عشق بی‌چون و چرای قلبهای همه ماست می‌غرید... «هرکس کمر راست، سر بالا و چشم باز کند به‌وضوح درمی‌یابد که رژیم یکصدبار بیشتر نسبت به تحولات آینده نگران و ترسان است... اگر مجاهدان و رزم‌آوران آزادی هم‌چون همیشه آگاهانه برای آزادی مردم و میهنشان در خطر جان‌باختن و شهادت هستند، آخوندها به جد در معرض باختن حاکمیت خود هستند».

و البته در این گردهمایی هم مسئول اول حرف آخر را زد و گفت اگر اشرف بایستد، جهان خواهد ایستاد. همگان دیدند که اشرف ایستاده است و جهان دارد به حقانیت اشرف گواهی می‌دهد، سنت تاریخ و تکامل بر این قرار گرفته که این نسل آزمایشها را از سر بگذراند تا با مظلومیت و پایداری خویش پیامی برای تاریخ و آیندگان بگذارد و آن‌گاه راه خود را در میان توطئه‌ها و تهمتها و نامردیها باز کند. اکنون تاریخ، درس خود را گرفته و راه این جریان و نسل باز شده است، تمامی نظریات و تئوریهایی که رهبران کشورهای جهان اکنون در باره رژیم آخوندی می‌دهند، پیشاپیش این مقاومت به کرات تکرار کرده بود، باشد تا تاریخ قضاوت کند و اکنون پرونده دشمن در شورای امنیت است، و مخیر به انتخاب در دوراهی مرگ و خودکشی است و حالا ما هستیم که می‌گوییم، تا رهایی وطن، در نبرد بی‌امان، هم‌چو توفان و آفتاب به پیش، به پیش به پیش.

چه کسانی درشکنجه و قتل زندانیان با رژیم همکاری می‌کنند؟

«هرچه گفتم توبه کن قبول نکرد»

احمدرضا ح – ایلام

به‌رغم این‌که خبر اعدام مجاهد قهرمان حجت زمانی فقط چند روز است که منتشر شده، تمامی منطقهٔ ایلام وشهرهای بزرگ از آن مطلع شده و با ابراز انزجار از این جنایت شروع به افشای همکاران و... رژیم در این جنایت نموده‌اند. هم‌چنین اطلاعات رسیده از درون رژیم ومحافل وابسته به «انجمن نجات» وزارت اطلاعات حاکی از آنست که تعدادی از بریده مزدوران و توابین که چند تن ازآنها توسط وزارت اطلاعات طی دو و سه سال اخیر برای اجرای طرح شیطان‌سازی علیه مجاهدین به خارج اعزام شده‌اند و یا از کار چرخانان «انجمن نجات» رژیم در داخل محسوب می‌گردند در جریان بازجوییها و شکنجه‌های روحی و روانی شهید حجت زمانی و دیگر زندانیان مقاوم سیاسی حضور داشته‌اند و برای شکستن مقاومت و به توبه و تسلیم کشاندن آنها از جانب وزارت اطلاعات آخوندی به‌کار گرفته شده‌اند. هم‌چنین رژیم با استفاده از توابین خود که از عراق برگشته بودند خانوادهٔ وی را به‌شدت زیر فشار قرار داده تا حجت را وادار به تسلیم وموضعگیری علیه مجاهدین و رهبری مقاومت بکنند.

انجمن آخوندساخته موسوم به نجات به‌عنوان یکی از اصلیترین ابزار جنگ روانی علیه اسرای مجاهد و مبارز از جمله شهید حجت زمانی طی مدت اسارت او مورد استفاده شکنجه‌گران و بازجویان وزارت اطلاعات در زندان گوهردشت قرار گرفته که وظیفه آن درهم‌شکستن مقاومت زندانیان و توبه و تسلیم‌شدن به خواسته‌های رژیم است. این مزدوران وزارت اطلاعات کارشان در گام اول شناسایی زندانی است که آیا در ارتش آزادیبخش و یا دفاتر مجاهدین در عراق و... او را دیده‌اند یا نه و سپس سنجش میزان ارتباطات و اطلاعات او و این‌که زندانی از چه «سطح ومدارتشکیلاتی» برخوردار می‌باشد. در مرحله بعد چنان‌چه زندانی در برابر خواسته‌های رژیم از خود مقاومت نشان دهد، آنها مرحله شکنجهٔ‌روانی با ترویج جو ناامیدی و یأس در زندانی و القای این دروغ که مقاومت نابود شده و وجود ندارد را دنبال می‌کنند تا با ایجاد شک و ابهام در وی و شکستن روحیهٔ مقاومت، او را به تسلیم و ندامت در برابر خواسته‌های رژیم بکشانند. هرتعداد از بریده‌هایی که حاضر به همکاری با رژیم می‌شوند، از طریق انجمن «نجات» پس از طی مراحلی به وزارت اطلاعات در زندانها معرفی شده و آنها را برای «نصیحت» به زندانیان مقاوم به زندانها می‌برند تا برای زندانیان علیه سازمان و مقاومت لجن‌پراکنی کنند. بعضاً این مزدوران که از شهرهای مختلف به اوین و دیگر زندانهای تهران گسیل می‌شوند تا چند روز به این کار مشغول می‌باشند. در انتها نیز آنها به‌عنوان مشورت به بازجویان نظر خود را مبنی بر این‌که آیا زندانی مزبور تسلیم‌پذیر هست یا نه ارائه می‌کنند. ابراهیم خدابنده در یک «مصاحبه» به این روش اذعان نموده که با توجه به اطلاعات رسیده از درون رژیم، نقش بریده مزدوران و «انجمن نجات» در همکاری با رژیم علیه اسرای مجاهد و مبارز ملت ایران طی این چند سال اخیر را کاملاً بر ملا می‌کند.

بنا بر تماسها و اطلاعاتی که همشهریان و دوستان حجت در طی این سالها به‌دست آورده‌اند، از جمله مزدورانی که در این پروژهٔ شکنجه و درهم‌شکستن مقاومت حجت زمانی به‌کار گرفته شده بودند، یک زن بریده از مجاهدین است که قبل از شروع جنگ عراق در ایران تواب شده وبه مزدوری برای رژیم تن داده است. وی ادعا می‌کرد که «رابط» حجت با سازمان بوده است؟؟ او یکی از اعضای فعال و مؤسس«انجمن نجات» رژیم می‌باشد که به‌علت لورفتن و افشا شدن چهره‌اش در میان خانواده فعالین و زندانیان سیاسی به‌همراه شوهرش مجبور به ترک ایران شده‌اند. این مزدور در دوران اسارت و شکنجه حجت زمانی مطرح کرده که «هر چه گفتم توبه کن قبول نکرد».

بقیه در صفحه ۱۰

پس از خبـــر...

درباره خونـی که آینـه است

کاظم مصطفوی

اعدام حجت (زمانی) جگر چه کسی را نسوزاند جز سنگدلان و مسخ‌شدگان؟ به پیامهایی که افراد و گروههای مختلف داده‌اند نگاهی بیندازید. به مجالسی که در عزای حجت در زندانهای گوهردشت و اوین و یا در هفت‌چشمه و صالح‌آباد برپا شده دقت کنید، پیامهایی را که زندانیان فرستاده‌اند مرور کنید، به حرفهایی که مردم از داخل ایران در تماسهای تلفنیشان با تلویزیون سیمای آزادی زده‌اند توجه کنید. در هرکدام سوزی نهفته است و خبر از خیلی چیزها می‌دهد. این خون در همان اولین قدمش همهٔ ما را در برابر مسئولیتها و وظایفمان متعهد می‌کند. مثل آینه‌یی شفاف هرکس را به خودش نشان می‌دهد. یا که ستاره‌یی قطبی که شمال و جنوب موقعیتمان را مشخص می‌نماید. به این اعتبار «مبارک» است یعنی که «برکت» دارد و به همین دلیل جای «تبریک»ش بسا بیشتر از تسلیتش است.

هرچند مقداری پراکنده، اندکی از مسیری، بگویم که پس از شنیدن خبر پیموده‌ام. پنهان نمی‌کنم تا همین الان که چند روز از آن می‌گذرد بیش از ده بار بغض کرده‌ام. بغض نیست. نمی‌دانم چیست؟ شما اسمش را بگذارید غیظ و یا هرچه که دلتان می‌خواهد.

در یک جنگ کلاسیک دو طرف (حق و باطل) می‌زنند و می‌خورند. می‌کشند و کشته می‌شوند. گذشته از ماهیت، هرطرف کار خودش را می‌کند و منطقاً نمی‌شود به کسی ایراد گرفت. اما وضعیت ما فرق می‌کند. چرا که دشمن ما یک دشمن کلاسیک نیست. و چون این است که هست دست همه جنایتکاران شقی و سفاک را از پشت بسته. آن چنان که بعضی وقتها کارهایی می‌کند که با هیچ شاقولی نمی‌شود سنجیدش. با هیچ منطقی جور در نمی‌آید. مثلاً هیچ منطق کلاسیکی اعدام حجت، بعد از چهار سال و نیم زندان و آن همه شکنجه و رنج، را توجیه نمی‌کند. به‌خصوص به‌اوضاع و احوال سیاسی روز هم اگر «به صورت کلاسیک» نگاه کنیم بیشتر گیج می‌شویم. راستی چه جنونی آخوندها را به این‌جا کشیده است که بر اسب لنگ و کور «اصلاحات» تیر خلاص بزنند و عنان درشکه درهم شکسته نظامشان را به گردن قاطری چموش هم‌چون احمدی‌نژاد بیندازند؟ آیا چشمهای خامنه‌ای این‌قدر تیز هستند که پرتگاه نه چندان دور خود و دار و دسته‌اش را در سراشیبی غیرقابل بازگشت ببیند؟ در این صورت باید بپذیریم که خامنه‌ای با اشراف کامل به عواقب این جنایت دست به ارتکاب آن زده است. محاسبهٔ او در این مورد کاملاً درست و دقیق است. سؤال دقیقتر این است که اگر نکند چه کند که بدتر نشود. یعنی که شتاب درغلتیدن به پرتگاهی مهیب اندکی تخفیف یابد.

هرچه باشد، اما، اعدام حجت «واقعیت» دارد. از وجه حماسی کاری که این شیر سرفراز میدانهای نبرد و اسارت کرد بگذریم و باشد تا روز روزش که بنویسیم... نفس اعدام او «واقعیت» دارد. باید بپذیریم. تلخ است یا که عبرت‌آموز هرچه که هست اول باید بپذیریمش. بعد می‌رسیم به این واقعیت که دشمنی داریم بیگانه با همهٔ معیارها و ارزشهای انسانی و از موضع افعی و عقرب و کژدم نه تنها آمریکاییها و اروپاییها که تمام جهان را می‌گزد و زهرآگین می‌کند. حالا این پیر عفریتهٔ پا به‌گور در آستانهٔ مرگی نه چندان دور می‌خواهد دندان درآورد، آن هم از جنس اتمی‌اش و اگر چنین شود ببینید چه معرکه‌یی راه خواهد انداخت! با این حسابها میزان غیظ و کین حیوانی خامنه‌ای را از تسلیم نشدن اسیری هم‌چون حجت می‌توانیم حدس بزنیم و زمانی برایمان بیشتر قابل فهم می‌شود که یاد آوریم «گروهکی» که قرار بود تسلیم و منهدم شود و آدمخواران تربیت شده آخوندی خاک قرارگاهشان را به توبره بکشند مچ شارلاتان‌ـ آخوندها را در یک قدمی انتهای مسیر گرفته و حضرات را به شورای امنیت فرستاده‌اند. البته این هنوز از نتایج سحر است. یعنی بهتر از من و شما خامنه‌ای این را می‌فهمد. بنابراین دیگر دست روی دست نخواهد گذاشت و حسب‌المعمول اول از همه از مجاهدین شروع خواهد کرد. چیزی شبیه قتل‌عام سال۶۷ و یا حتی کشتار بعد از ۳۰خرداد۶۰. تجربه نشان داده که بعد از مجاهدین هم هیچ حرمتی نگاهداشته نخواهد ماند. البته هنوز کسانی هستند که براین واقعیت چشم می‌بندند و با تحلیلهای چپکی می‌خواهند عنوان بزرگترین «راست‌نویسان» را در این برهه از زمان از آن خود کنند. اما تمام طرفهای جدی (از انقلابیون گرفته تا سیاسیون و تا حتی طرف حسابهای بین‌المللی و خود رژیم) این را خوب می‌فهمند. مهمتر آن که قضیه به این‌جا ختم نمی‌شود. آخوندها با اعدام حجت دارند نه تنها به مجاهدین که به تمام زندانیان دیگر و گروههای دیگر پیام می‌دهند که صفتان را مشخص کنید. تنها «زندانی مجاهد» گروگان نیست. همه چیز و هرچه که در دسترس آخوندها باشد گروگان است. گروگان هم کلمه شیک و پیکی است. با فرهنگ خودشان همه چیز برای آخوندها «غنیمت» است. زن و مردش اسیر و برده، و مال و اموالش «باج و خراج ملک لایبقی» بنابراین مجاز به انجام هرکاری با هرکس و هرچیز هستند. در بنیاد این تفکر به جمله جاودانهٔ داستایوسکی راه می‌برد که «اگر خدا نباشد هرکاری مجاز است» و سر از نیهیلیسمی‌دوزخی در می‌آورد که شعله‌هایش را در روزهای اخیر در حمله به خانقاه درویشان و یا حتی سفارتخانه‌های مختلف می‌بینیم. اگر آخوندها به راستی کوچکترین اعتقادی به خدا داشتند «مرز»ی برای خود قائل بودند. اما آنها در عین بی‌اعتقادی کامل به خدا، چندین قدم آن طرفتر از خدا نشسته‌اند و خود را نه تنها قیم «صغار» که مالک و صاحب و ولی همهٔ کائنات می‌دانند.

در چنین اوضاعی حجت، قربانی قهرمانی است که باید دوباره خواندش. باید او را مرور کرد. باید او را «حجت» خود گرفت و برای هزارمین‌بار هم که شده با خود تعیین‌تکلیف کرد. باید رفت و از خود پرسید «آیا به راستی هرکاری مجاز است؟» اگر نه، به ویژه ما که در این خاک غربت ایستاده‌ایم، چه وظیفه‌یی داریم؟ کجای معرکه هستیم؟ می‌شود از دور برای رژیم حتی خط و نشان کشید و به کسانی که نقدترین بهای مبارزه با آخوندها را می‌دهند فحش داد و بد و بیراه گفت. می‌شود مظلومیت درخشان حجت را نادیده گرفت. می‌شود رندی کرد و به «نقل از اطلاعیه مجاهدین» خبر را گفت و به روی خود نیاورد که چه جنایتی رخ داده است. و می‌شود خیلی کارهای دیگر کرد تا مثلاً نه سیخ بسوزد و نه کباب. اما یک چیز را نمی‌شود منکر شد. ما وظیفه داریم این رژیم را سرنگون کنیم. این کمترین کاری است که باید بکنیم تا بتوانیم به فرزندانمان نگاه کنیم. تا سرفراز باشیم و نسلهای آینده از ما به خفت یاد نکنند. من وقتی خبر شهادت حجت را شنیدم ساعتی با خودم خلوت کردم. فارغ از هرچیز و هرمصلحتی از خود سؤال کردم و به دور از هرخدشه‌یی پاسخ دادم. نتیجه‌اش نامه‌یی شد که برای برادری نادیده نوشتم. برادری که اکنون مدتهاست برادرم است و پیش از آن برادر یکی از شهیدان بی نام و نشان در عملیات فروغ بوده است. تجربه‌یی بود که راز ناگفتهٔ یک شعر را برملا می‌کند. نامه را با اندکی دخل و تصرف نقل می‌کنم:

«این چند روزه که حتماً تو هم مثل من و ما بوده‌ای. مسأله اعدام حجت(زمانی) بدجوری ما را بغض‌آلود کرده است. یعنی که همه‌اش به این فکر می‌کنم که چه دشمنی داریم! چه دشمنی! هرچه بگوییم و بکنیم کم گفته‌ایم و برای هزارمین بار می‌گویم بسیار بسیار اندک او را شناخته‌ایم...

یکی دو ماهی بود داشتم روی شعری کار می‌کردم. هربار که به آن مراجعه می‌کردم دلم راضی نمی‌شد. شعر سر و سامان نمی‌گرفت. نمی‌دانم چرا، ولی نمی‌شد. چندبار بالکل عوضش کردم، بالا و پایینش کردم و نشد که نشد. مثل کبوتری بود راه گم کرده که در پروازی شبانه بام خانه‌اش را گم کرده و همین طوری توی آسمان پرپر می‌زند. تا این که حجت رفت و من از خودم پرسیدم کسی که آن افشاگریها را می‌کند و رژیم را به شورای امنیت می‌کشاند آیا نمی‌داند که در ایران گروگانهایی هم‌چون حجت دارد؟ آنها که در سر به‌زنگاه یاد «منافع ملی» افتاده‌اند که نکند آمریکا به ایران حمله کند و نفت قطع شود و بعد به مردم فشار بیاید معلوم است دردی ندارند. رندانه وانمود می‌کنند که گویا پول نفت تا الان خرج مردم می‌شده و نه سایتهای نظنز و اراک و کجا و کجا... خلاصه بیشتر از مظلومیت حجت به مظلومیت کسی رسیدم به راستی مظلومترین مظلومهای تاریخ معاصرمان است. به این‌جا که رسیدم دیدم شعرم سامان پیدا کرد. کبوتر، بام و صاحبش را پیدا کرد. و بعد شد شعر «شلاق را نپذیرفت».

شاعرش من بودم ولی صاحبش «حجت» بود. این طوری آدم از نیهیلیسم به درمی‌آید و احساس می‌کند دنیا چندان هم بی صاحب نیست. می‌گویید نه؟...

شلاق را نپذیرفت...

برای حجت که رفت...
و «حجت»هایی که منتظرانند...

کاظم مصطفوی

شلاق را نپذیرفت
حتی از دست رعد برگردهٔ ابر
و به احترام باران
ـ در این دشت خشک بوگرفتهٔ پرجنازه ـ
قیام کرد علیه تناسب معکوس قفس با پرنده
بی هیچ اعتراضی به حکم جنایت
تعریف شده‌یی بود ـ از پیش ـ
با کلمه‌یی از شعر
و آرزویی برای آزادی
و تف کرد
بر ناموس بی‌ناموس این قرار
در شبی که قرار است بمیرند بیقراران.
و در روز خبر
چه خواهم گفت به دخترم
اگر که حتی در لرزان‌ترین لحظهٔ تردید
بی‌تاب نباشم
برای مردن در خیابانهای سرد آوارگی.
دخترم!
بی‌دریغ و بی‌واهمه از تکرار
با طعم تلخ همهٔ حسرتهایم می‌خوانم
آوازهای کسی را
که نپذیرفت روح دوزخی قاتلان را
در حضور تنهایی خویش.
در توالی انتظار
با هفت عصای آهنی
در خیابانهای بی مروت جهانی خفه می‌خوانم
و شلیک می‌کنم بر حکم قاتلان
حتی اگر جنازه‌ام را ـ گلو بریده ـ
رفتگری سیاه پیدا کند
در زباله‌دانی بوگرفتهٔ تبعیدیان.

حجت زمانی سمبـلی از توانایـی انسان

رضا شمس

اعدام حجت زمانی هر چند که از سبعیت و ماهیت سرکوبگرانه و فاشیستی رژیم نشان دارد و قبل از هر چیز یک عمل ضدانسانی ست اما نشانگر تغییر و تحولات برخی معادلات در عرصه سیاسی ایران نیز می‌باشد.

یکم: رژیم ایران و به‌طور مشخص وزارت اطلاعات منحوس آن برای توافقات پنهانی انجام شده با طرف حسابهای خارجی برای بمباران ارتش آزادیبخش در عراق و حمله به دفاتر و فعالان شورای ملی مقاومت در خارج کشور، به‌خصوص در فرانسه، کیسه‌یی گشاد دوخته و پیشاپیش طرحهای امنیتی معینی را برای شرایط بعد از بمباران و حمله به مقر شورا نیز آماده کرده بود تا با استفاده از عملیات ویژه امنیتی بتواند به زعم خود تتمه کار مقاومت را یکسره نماید. پس از آن‌که بمباران و فشارها نتوانست نتیجه مورد نظر، که همانا خاتمه‌دادن به حضور تشکیلاتی جنبش مقاومت، هم در بال نظامی و هم بال سیاسی بود را بر آورده کند سعی کرد با استفاده از طرحهای امنیتی از پیش تعیین‌شده و تاکتیک فشار سهمگین از یک طرف و تطمیع و تحمیق از طرف دیگر اعضای ارتش آزادیبخش و فعالان مقاومت را به بردگی کشانده و بدین وسیله عنصر رزمنده را خنثی سازد. در همین رابطه به اقدامات متعددی دست زد که برخی از آنها به قرار زیر است.

الف ـ فعال‌کردن یک بخش امنیتی به ظاهر مستقل تحت عنوان «انجمن نجات» که هدفش کارکردن روی اعضای خانواده‌ها و بسیج آنها برای رفتن به عراق و به بردگی کشاندن فرزندانشان بود. در این رابطه رژیم با استفاده از اطلاعات غلط و شایعات عجیب و غریب سعی می‌کرد به نگرانی خانواده‌ها از وضعیت فرزندانشان دامن زده و خودش را به عنوان ناجی و نجات‌دهنده آنها معرفی نماید و از آنان نیز بخواهد با او برای این عمل خیر و مهرورزانه!! همراهی کنند.

ب ـ فعال‌کردن «انجمن نجات» در عراق و همزمان استفاده حداکثر از نیروهای وابسته عراقی برای نامساعد و بدون چشم‌انداز نشان‌دادن ماندن در عراق با هدف به استیصال و بردگی کشاندن اعضای ارتش. در این رابطه می‌توان از عملیات روانی از قبیل؛ راه‌انداختن کاروانهای خانواده‌ها از ایران برای رفتن به اشرف، تظاهرات در بغداد و ورودی اشرف تحت نام خانواده‌ها، صدور بیانیه شورای حکام مبنی بر اخراج و استرداد مجاهدین و کمپین وسیع شیطان‌سازی برای چرخاندن افکار عمومی عراقیان و عملیات ایذایی علیه مجاهدین نام برد.

پ ـ تلاش برای جذب و به‌کارگرفتن افرادی که در دوران پس از بمباران و شرایط نامتعین پس از بیانیه شورای حکام عراق در رابطه با اخراج و استرداد مجاهدین از عراق، به نزد نیروهای آمریکایی رفته سپس در شرایطی نامساعد و بدون چشم‌انداز به استیصال کشیده شده بودند و استفاده‌های چندگانه زیر از آنها:

۱ ـ انتقال به ایران وآنتنی‌کردن آنان در رسانه‌ها ی داخلی به‌منظور دامن‌زدن به جو بردگی و پاسیویسم در افکار عمومی به‌طورعام و در بین هواداران و حامیان مجاهدین به‌طور خاص.

۲ ـ دامن زدن به جو بردگی و شکستن قبح رفتن به زیر عبای ملا در بین چند صد نفری که در «تیف» زندگی می‌کردند.

۳ ـ استفاده از عناصر جذب شده در «تیف» برای زدن کانال به شهر اشرف به منظور به بردگی کشاندن عناصر سر موضع مستقر در آن‌جا.

٤ ـ انتقال از ایران به خارج پس از تخلیه اطلاعاتی و استفاده‌های مورد نیاز در داخل و وصل‌کردن آنان به شبکه‌های موجود در خارج و آنتنی‌کردن آنها به قصد پخش اطلاعات غلط، به‌راه‌انداختن کمپین شیطان‌سازی، دامن‌زدن به جنگ روانی و عملیات ایذایی از قبیل تظاهرات و... برای برگرداندن برگ حقوق‌بشر علیه مجاهدین مستقر در اشرف و محکم‌کردن چفت و بست برچسب تروریستی با همکاری رسانه‌ها، برخی سرویسهای اطلاعاتی و دیگر طرف حسابهای خارجی.

خواست حداکثر رژیم از مجموعه این طرحهای امنیتی در وهله اول پاک‌کردن صورت مسأله سرنگونی یعنی از سر راه برداشتن کامل مقاومت می‌بود. با توجه به زدوبندهای وسیعی که در پشت پرده انجام شده بود و با توجه به جبهه وسیع و قدرتمندی که رژیم در این رابطه در سطح جهانی با کشاندن حداقل نه کشور به صحنه نبرد با مقاومت تشکیل داده بود، امیدوار بود که در یک نبرد نابرابر بتواند کار مقاومت را به دست دیگران یکسره نماید تا بعد بتواند ـ پس از آن‌که بمبارانها در عراق و حملات به دفاتر و فعالین مقاومت در اروپا و آمریکا شیرازه و اساس مقاومت را در هم کوبید ـ خود در چهره یک ناجی ظاهر شده و به‌عنوان دایه دلسوزتر از مادر نیروهای پراکنده باقیمانده را نیز به سمت خود کشانده و جذب یا منفعل نماید. به همین دلیل رژیم تلاش داشت که نقش خود در بندوبستهای پنهانی را کاملاً مخفی نگه داشته کار نابودی مقاومت را به عوامل خارجی خود اعم از عراقی یا غربی واگذارد.

وقتی حوادث پس از بمباران و حمله به مقر شورا نتیجه مطلوب را به‌دست نیاورد و ایستادگی و مقاومت ارتش آزادیبخش در عراق و ایرانیان خارج کشور رشته‌های رژیم را پنبه کرد. به مرور زمان و با تثبیت‌شدن یکی پس از دیگری مواضع مقاومت، رژیم علاوه بر استفاده از شیوه مهرورزی!! تحت عنوان انجمن نجات که برای شرایط بعد از حمله، از قبل سازماندهی کرده بود، به شیوه‌های متداول سرکوبگرانه و همیشگی روی آورد که نشاندهنده این بود که از به‌دست‌آوردن خواست حداکثر نا امید شده و مجبور است به همان شیوه‌های عملیاتی گذشته برای به‌دست‌آوردن خواستهای حداقل، یعنی ضربات کوچک و تاکتیکی و ایذایی قانع باشد، هر چند برای فرار از هزینه‌پردازی سعی نمود حتی همان عملیات را نیز به شکل غیرمستقیم و توسط عوامل خارجی خود انجام دهد. در همین رابطه با ربودن دو مجاهد خلق در عراق، سر فصل جدیدی از عملیات تروریستی را آغاز نمود.

اگر اعدام حجت زمانی را در چنین بستری قرار دهیم می‌توان گفت که این اعدام نه تنها تیر خلاصی است به تمام معادلات و طرحهای امنیتی چند ساله اخیر رژیم، به خصوص طرح «انجمن نجات» و تنظیم رابطه با خانواده‌ها از موضع مهرورزی و دجالیت، بلکه خود گویای اعتراف به شکست، به‌دام‌افتادگی و از دست‌دادن تعادل رژیم نیز می‌باشد. رژیم آمده بود که با سوءاستفاده از شرایط پس از جنگ عراق سورچرانی کند ولی یک مرتبه چشم باز کرد و دید که مثل یک گرگ وحشی در قفس اتمی و بحران عراق به دام افتاده و ناچار برای انتقام از عامل ناکامی‌اش به این جنایت دست زد هرچند که می‌دانست این اقدام به‌گور سپردن تمامی طرحهایی است که طی چند سال اخیر برایش آن‌قدر هزینه برداشته بود. بنابراین، این اعدام به عنوان یک سمبل، پایانبخش یک مرحله رویارویی و نشانه تغییر تعادل‌قوا و تثبیت نهایی مواضع مقاومت در مقابل رژیم پس از حمله آمریکا به عراق می‌باشد.

دوم: رژیم برای به هرز دادن پتانسیل مبارزاتی نسل پس از انقلاب و به قصد جلوگیری ازپیوستگی این نسل به نسل انقلاب، با استفاده از یک پروژه کلان فرهنگ‌سازی، برای ساختن نوعی فرهنگ شبه‌روشنفکرانه و ضدمبارزاتی و تزریق آن به محیطهای آموزشی و دانشگاهی تلاش وافر نمود تا با ایجاد یک فضای فرهنگی منفعل و ضدمبارزاتی، بین نسل انقلاب و فرهنگ مبارزاتی آن و نسل بعد از انقلاب چنان فاصله ذهنی ایجاد کند که رابطه این دو نسل غیرممکن گردد و بدین وسیله سعی نمود حلقه اتصال تاریخی جامعه ایران را از هم بگسلد و نسل انقلاب را سرکوب و نسل پس از انقلاب را در هزارتوی فرهنگ شبه‌روشنفکرانه و ضدمبارزاتی گیج، منفعل، تسلیم‌طلب و در چارچوب نظام نگه دارد. در همین رابطه برای نسل پس از انقلاب هم تئوریسین سیاسی تولید کرد هم نظریه‌پرداز فلسفی، هم زندانی سیاسی و هم رهبر اپوزیسیون و...

حجت زمانی چه در دوران اسارت و چه پس از اعدام به همراه همرزمان دیگرش در زندانها تبدیل به حلقه اتصال و به‌هم پیوستگی دو نسلی که رژیم این‌قدر برای جدایی‌شان هزینه کرده بود، شد وبا مقاومت و ایستادگی‌اش بر سر اصول مبارزاتی، مبارزات نسل پس از انقلاب را در کاکل خودش ـ یعنی جنبش دانشجویی ـ به نسل انقلاب پیوند زد و بدین وسیله تمامی معادلات و رشته‌های فرهنگی رژیم و خوابهای پنبه‌دانه آن را هم روی سرش خراب کرد. با توجه به مجموعه شرایط مبارزاتی که میهن ما در آن قرار دارد حجت به‌راستی یک تنه نقش بسیار مهمی را در معادلات سیاسی ایران ایفا نمود و به سمبلی از توانایی انسان تبدیل شد. یاد و راهش گرامی باد.

حجت زمانی چشمه جوشان مقاومت

نرگس غفاری

به همراه دخترم به تماشای فیلم آکسیونهای اعتراضی در کشورهای مختلف از تلویزیون سیمای آزادی نشسته بودم. دخترم در خارج از کشور بزرگ شده و فارسی خوب نمی‌داند یا من این‌طور فکر می‌کنم و بعضی اوقات واقعاً مرا شگفت‌زده می‌کند. آن‌روز هم یکی از آن روزها بود.

ایرانیان در سرمای طاقت‌فرسای کشورهای مختلف در اعتراض به اعدام آقای حجت زمانی، شعار می‌دادند و مجری از آن‌چه بر سر این کوه استقامت در زندان رژیم آمده بود، می‌گفت. دخترم علاقه‌یی به تماشای تلویزیونهای فارسی زبان ندارد به همین دلیل آن‌روز که در کنارم نشسته بود کمی احساس غرور می‌کردم.

به ناگهان از من پرسید: چگونه می‌شود تحمل کرد؟

با تعجب نگاهش کرده و گفتم: چی را؟

ـ شکنجه؟ چگونه می‌شود زیر شکنجه بود و طاقت آورد؟ این غیرممکن است.

هاج و واج نگاهش می‌کردم. حسابی غافلگیرم کرده بود. گفتم: غیرممکن که نیست ولی خوب خیلی مشکل است. بستگی دارد چقدر به آرمانهای خودت باور داشته باشی.

او که از این جواب من قانع نشده بود گفت: باشد، باز خیلی سخت است که کسی شکنجه شود و اطلاعاتی را که دارد لو ندهد.

با او بسیار از وضعیت ایران و سرکوب وحشتناک آخوندی حرف زده‌ام. گاهی اوقات فکر می‌کنم شاید زیاده‌روی هم کرده‌ام. به‌خوبی می‌داند که چرا از ایران بیرون آمده‌ایم و چرا علیه رژیم فعالیت می‌کنیم.

منتظر جواب من نشد.

گفت: من که اصلاً تحملش را ندارم و با همان ضربه اول همه چیز را می‌گویم.

گفتم: رژیم هم به این دلیل زندانیان مقاوم را اعدام می‌کند چون نمی‌تواند استقامتشان را درهم بشکند و آنان را به‌زانو در آورد.

دیگر حرفی نزد و اتاق را ترک کرد. به صورتش نگاه کردم و غم را در چشمانش دیدم.

گفته‌های دخترم تا شب مرا در فکر فرو برد. با خودم می‌گفتم هدف رژیم از اعدامهای دستجمعی، در زندان و خیابان و کوچه و راه‌انداختن کاروان شلاق، سنگسار، روی الاغ گرداندن و... عادی‌کردن این صحنه‌های غیرانسانی و شنیع بوده و هست.

رژیم می‌خواهد به قول معروف رگ گردن ایرانیان با غیرت بیرون نزند، تا در برابر این جنایات سکوت کنند و تنها آه بکشند و در خفا گریه کنند. قصد داشت چشمه مقاومت را بخشکاند.

حجت زمانی اما با ایستادگی‌اش در برابر ددمنشان، به الگویی از اعتراض بدل شد. چه در درون سیاهچالهای رژیم که بارها شجاعانه دست به اعتصاب غذا زد و چه با جاودانه شدنش.

عکسش را این‌روزها به هر سایت اینترنتی که مراجعه کنیم می‌بینیم. گرچه که قیافه‌اش آرام است ولی نگاهی بسیار عمیق دارد.

رژیم بزدلانه بعد از چهار سال ونیم شکنجه فیزیکی و روحی حجت او را اعدام کرد اما تأثیری که حجت بر دیگر زندانیان داشته و دارد با اعدام او از بین نمی‌رود و تنها نفرتشان از رژیم و انگیزه‌شان برای مبارزه بیشتر می‌شود.

نماد زندانی سیاسی در سالهای اخیر تفاوت عمده‌یی پیدا کرده است. وقتی در سیاهچال زندانی باشی، هرروز شکنجه فیزیکی و روحی شوی و ناسزا و... بشنوی، اقدام به اعتصاب غذا و نوشتن نامه به سازمان ملل در آن وضعیت امری است که تا به‌حال در ایران دیده نشده است.

برای همین از حجت به بعد زندانی سیاسی‌بودن، مسئولیت سنگین‌تری از گذشته دارد و این را همبندان او به‌خوبی می‌دانند. همانهایی که به مناسبت شهادتش در زندان گوهردشت گردهم آمدند و بی‌اعتنا به هشدارها و تهدیدات زندانبانان، یاد حجت قهرمان را گرامی داشتند، همانهایی که در پیامهایی که بیرون می‌دهند، اعدام سبعانه حجت را محکوم می‌کنند.

حجت زمانی، به جرم هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۸۰ دستگیر و زندانی و به مدت چهار سال و نیم شکنجه شد. وی سرانجام در ۱۸بهمن ماه۸٤ در اوج مقاومت و سرافرازی اعدام گردید.

هر چند این رژیم منحوس حاکم بر ایران بود که حجت را اعدام کرد اما کشورهای مماشاتگر به‌اندازه رژیم در این قتل دست داشته و مسئولند که در آینده باید پاسخگو باشند. ازجمله دولت ترکیه که حجت را در سال۸۲ بعد از فرار از زندان به ایران بازگردانید.

آن‌چه که این‌روزها نگرانی هر انسان آزاده‌یی را دو چندان کرده، ترس از تکرار قتل‌عام زندانیان سیاسی سال ۶۷ می‌باشد.

باید بکوشیم تا این واقعه دردناک تاریخی دوباره تکرار نشود. نامه‌نگاری به کانونهای مدافع حقوق‌بشر، عفو بین‌الملل، سازمان ملل، مسئولین کشورهایی که در آن زندگی می‌کنیم و شرکت در آکسیونهای اعتراضی کمترین کاریست که در افشای جنایات رژیم در حق هموطنانمان می‌توانیم انجام دهیم. کوشش کنیم تا رژیم نتواند نسل دیگری از فرزندان این آب و خاک را زیر خاک مدفون کند.

زمانی که حجت در زندان بود و حکم اعدامش را گرفته بود بسیاری از مجامع حقوق‌بشری جهانی خواستار آزادی او شدند. هرچند این فعالیتها نتوانست جان حجت را نجات دهد اما این اقدامات چهره کریه آخوندهای عمامه‌دار و بی‌عمامه حاکم بر ایران را شفافتر از همیشه به معرض نمایش گذاشت. حجت در پاسخ به سؤال همبندان خود که چرا حکم (اعدام) شما اجرا نشده گفته است: «هر روزی که رژیم پایان خویش را ببیند ما را اعدام خواهد نمود». آری رژیم پایان خویش را می‌بیند که وحشیانه و در عین‌حال بزدلانه، اسرا را به قتل می‌رساند. رژیم در صحنه بین‌المللی با فشارهای روزافزون روبه‌روست. مسأله اتمی رژیم، قدرت مانور را از آن گرفته است. در صحنه داخلی اقشار مختلف مردم روزانه به خیابانها ریخته و به حکومت نامشروع آخوندها معترضند. در عراق هم که شکستها یکی پس از دیگری رژیم را به عقب می‌رانند. بحران سراپای رژیم را فرا گرفته و ناقوس مرگ این رژیم به‌گوش می‌رسد و دقیقاً به همین دلیل ملاها هارتر از همیشه به کشتار و قلع و قمع مشغولند. یک روز حجت زمانی را پس از سالها شکنجه اعدام می‌کنند، روزی دیگر دختر نویسنده جوان را آن‌قدر زجر و شکنجه می‌دهند تا به «سرنوشت زهرا کاظمی دچار شود» و روزهایی تمام‌نشدنی، خیابانهای شهرهای ایران باید ناخواسته، شاهد حلق‌آویزشدن جوانان ما باشند.

ایرانی همیشه در برابر ظلم و جور به هرطریق که توانسته از خود ایستادگی و مقاومت نشان داده و تاریخ این را به ثبت رسانده است. این رژیم ضدانسان هم به‌دست ایرانی و تنها ایرانی سرنگون خواهد شد. باشد تا شکوفه‌های خوشبوی درخت آزادی که با خون جوانان میهن سالهاست آبیاری شده به‌زودی زود شکوفا شوند.

درود بر حجت زمانی
زنده باد آزادی

واژه‌یی می‌خواهم

(به قهرمان شهید مجاهدخلق حجت زمانی)

ی. رسا

بیقرار،
فواره وار،
چشمه شهامت بود.
او که نه در«هفت چشمه»،
اینک در«هفتاد میلیون چشمه»
تکثیر گشته است.

بنگرش بربال سپید رشادت!
چگونه اعماق کینه غول مرداب را،
دگرباره عریان کرده است؟!

بنگرش تقدیرخویش را خود،
با خطی خوانا نوشته است!
بی هیچ اعتراضی
–از آن گونه اعتراض!–
اگرچه عمر را در اعتراض زیسته است.

واژه‌یی می‌خواهم
تا او را بنامم
باشد که چشمه‌سارسرشارشرف!
گوهری که او را برانگیخته است.

چه کسانی درشکنجه و قتل زندانیان با رژیم همکاری می‌کنند؟

بقیه از صفحه ۸

وی جزو آخرین دسته از ماموران اعزامی رژیم به‌خارج می‌باشد.

بدون شک هر روزی که از شهادت مجاهد قهرمان حجت زمانی بگذرد حقیقت بیشتر روشن می‌گردد و برای تمام مردم دست کسانی که در این جنایات با رژیم سهیم هستند بهتر رو خواهد گشت و رسوا خواهند شد.

ملاهای دین‌فروش در ماه محرم و روزهای عزاداری تاسوعا و عاشورای حسین ابن علی (ع) یکی از سمبلهای پاکی، و غیرت ایرانی و انسانی مردم ایلام را به‌شهادت رسانده‌اند واین فدیه ایلام به همه مردم ایران در راه آزادی است. همان راهی که امام حسین (ع) باز نمود. ما به‌عنوان دوستان و همشهریان این شهید هر گز اجازه نخواهیم داد که خون او پایمال گردد و رژیم آخوندی در برابر این جنایت بی‌پاسخ بماند. اینک مردم سرتاسر ایلام از زن و مرد تا پیر و جوان با یاد و ایمان به راهی که حجت به‌ما نشان داده، خود را برای نبرد با این جانیان بیش از گذشته مصمم و آماده نموده‌ایم و خود را فرزندان خانواده بزرگ و مجاهدپرور زمانی می‌دانیم.

سلام بر حجت قهرمان
وخانواده سر فراز زمانی
از طرف دوستان ، همکاران
وهمشهریان
شهید راه آزادی مجاهد قهرمان
حجت زمانی
۲۸بهمن۸۴

نقش نفت در تأمین هزینه های نظامی- سیاسی هیأت حاکمه جدید ایران ؟

یزدان حاج حمزه

حدود ۵۴سال پیش، در دولت ملی دکتر مصدّق، چگونگی و راه و رسم استفاده منطقی و مشروع دولتها از امکانات نفتی ایران، به صورت قانونی ترسیم شد و سیاست «اقتصاد بدون نفت» راهنمای عمل مدیریت اقتصادی کلان کشور قرارگرفت. مطابق این رهنمود استفاده نابه‌جای دولتها از امکانات نفت ایران برای مصرف در هزینه‌های جاری، حتی هزینه‌های جاری اقتصادی اجتماعی کشور، ممنوع شد و برداشت از امکانات نفتی ایران به شرطی مجاز گردید که به مصرف سرمایه‌گذاری برسد. تداوم اجرای این راه و رسم مّلی و این رهنمود همیشه معتبر اقتصادی می‌توانست جامعه مستعد ایران را به سرعت از مدار شوم توسعه‌نیافتگی خارج کند و پیش از کشورهایی هم‌چون کره‌جنوبی امروزی، در ردیف کشورهای توسعه‌یافته جهان قرار دهد. اما رژیم شاه برآمده از کودتای ۲۸مرداد۱۳۳۲ این راه و رسم نجاتبخش را زیر پا گذاشت، در عمل شیوه برداشت از امکانات نفتی ایران را به پیش از ملی شدن صنعت نفت ایران برگرداند، این امکانات را هم به طور نابه‌جا به مصرف هزینه‌های جاری اقتصادی کشور رساند و وابستگی روز افزون اقتصاد ایران به دارایی روبه پایان نفت را پایه‌گذاری کرد و هم مورد سوءاستفاده سیاسی قرار داد.

انقلاب ضدسلطنتی، به اعتبار تاریخی، انقلابی بود که در بطن خود نفی شیوه مدیریت سیاسی اقتصادی ضد ملی رژیم شاه را حمل می‌کرد. انتظار می‌رفت با این انقلاب پرانتز ۲۵ساله سوءاستفاده از امکانات نفتی ایران بسته شود و حکومت برآمده از این انقلاب «راه مصدّق» را، ازجمله در زمینه مدیریت امکانات نفتی ایران، دنبال کند. اما دیری نگذشت که این انتظار منطقی با غصب حاکمیت ملی توسط خمینی و اطرافیانش نقش بر آب شد، و استفاده نابه‌جا وسوءاستفاده سیاسی این حکومت غصبی از امکانات نفتی ایران، با شدت وحدت بیشتری از زمان شاه، ادامه یافت. سردمداران رژیم نابه‌هنگام و ضدتاریخی ولایت‌فقیه، طی ۲۷سال گذشته امکانات نفت ایران را به خدمت سیاستهای مرتبط با حفظ موجودیت این رژیم گرفتند تجربه عملکرد این حکومت ضد ملی نشان می‌دهد که، طی این مدت، اگر میزان سوءاستفاده سیاسی آنها از نفت شدت و ضعف داشته، بر اثر نوسان و بالا و پایین شدن درآمد نفتی ایران بوده و نه تغییر خط مشی سیاسی آنها که بر اصل استفاده از نفت برای دوام رژیم ولایت‌فقیه استوار است. شاهد مثال کنونی این واقعیت جهش میزان هزینه‌های نظامی ـ سیاسی دولت جنگی پاسداران در شرایطی است که درآمد ناشی از صادرات نفت خام ایران به رکورد تاریخی خود یعنی حدود ۵۰میلیارد دلار در سال۱۳۸۴ می‌رسد. بازتاب جهش این هزینه‌ها در افزایش شدید وابستگی بودجه سال۸۵به درآمد نفت پدیدار شده است. اولین لایحه بودجه این دولت (بودجه۸۵) بر مبنای ۴۰میلیارد دلار برداشت از درآمدهای نفتی تنظیم شده است. این مبلغ نیاز هزینه‌های آشکار دولت جنگی پاسداران را به درآمد نفت ایران به ۲/۷۲ برابر رقم پیش‌بینی شده در بودجه‌بندی سال۸۴ و ۱/۶ برابر عملکرد درآمد نفت در بودجه عمومی دولت طی این سال رسانده است. جهش هزینه‌های نظامی ـ سیاسی هیأت حاکمه جدید و وابستگی این حاکمیت به ثروت نفت ایران، صرفاً به ارقام اولین بودجه‌بندی دولت احمدی‌نژاد محدود نمی‌شود. بخش مهمی از هزینه‌های نظامی ـ سیاسی رژیم نظیر هزینه فعالیتهای مخفی اتمی و تروریستی و هزینه فعالیتهای گسترده «نهاد رهبری»، به صورت مخفی از منابع خارج از بودجه دولت انجام می‌گیرد که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از امکانات مالی نفت ایران برداشت می‌شود. به هرحال به مرحله‌یی از حیات خیانتبار این رژیم ضدملی رسیده‌ایم که سوءاستفاده سیاسی از امکانات نفت و گاز ایران، علاوه براین که اوج گرفته، بیش از پیش متنوع شده است. بازنگری موارد برداشت و موارد هزینه نظامی ـ سیاسی ثروت ملی نفت ایران توسط هیأت حاکمه جدید، می‌تواند روشنگر مسیری باشد که جامعه ایران برای تعیین تکلیف با این جماعت در پیش رو دارد. ضمن درخواست از عموم برای مشارکت در این روشنگری، در این نوشته، پس از مرور سابقه نوسانهای تاکتیکی سیاست استراتژیک رژیم ولایت‌فقیه بر اثر نوسان درآمد نفت ایران و پس از یادآوری محتوای سیاست و سازمان کار هیأت حاکمه جدید، در حد امکان به بازنگری این مسأله ملی، می‌پردازیم:

نمونه‌هایی از تأثیر متقابل نوسانهای سیاسی رژیم و نوسانهای درآمد نفت ایران

طی ۲۷سال گذشته چند بار بازار بین‌المللی نفت در معرض تکان شدید قرارگرفته که بر درآمد نفتی ایران و رفتار نظامی سیاسی رژیم ولایت‌فقیه بازتاب محسوس داشته است. آغاز جنگ با عراق در سال ۱۳۵۸ و تحمیل آتش‌بس به این رژیم در سال۱۳۶۷ هر دو در فضایی محقق شد که تکانهای بازار بین‌المللی نفت درآمد نفتی ایران را به شدت بالا و پایین کرد. خمینی آغاز جنگ با عراق را در شرایطی «نعمت‌الهی» اعلام کرد و پیروان او در شرایطی شعار «قدس از راه کربلا» و «جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم» را سر دادند که انقلاب ایران و اشغال سفارت آمریکا بازار نفت را به شدت داغ کرده بود و قیمت نفت دربازاربین‌المللی تکانی شدید خورد و به حدود بشکه‌یی ۴۰دلار رسید. درسال۱۳۵۸ یعنی سال آغاز جنگ با وجود کاهش میزان صادرات نسبت به سال۱۳۵۶، درآمد نفتی ایران به شدت افزایش یافت وبه بیش از ۲۴میلیارد دلار رسید.

به دنبال جهش فوق‌الذکر تکان کاهنده‌یی که سقوط درآمد نفتی جاری رژیم را به دنبال آورد در اواسط دهه ۱۳۶۰ پدیدار گردید. دولت میرحسین موسوی در سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ با کاهش شدید قیمت نفت در بازار جهانی مواجه شد. طی این سالها قیمت هر بشکه نفت در بازارهای جهانی به ۶دلار رسیده بود درآمدهای ارزی دولت در سال ۱۳۶۵ تنها ۶/۲ میلیارد دلار شد.کاهش درآمدهای ارزی چنان بودجه عمومی دولت را تحت تاثیر قرار داد که در سال پایانی جنگ کسری بودجه دولت به ۵۰درصد رقم بودجه عمومی رسید.کاهش درآمدهای ارزی در این سالها، عامل اقتصادی بود، که درکنار فشارهای سیاسی و نظامی، طرح سیاسی ـ نظامی استراتژیک رژیم ولایت‌فقیه یعنی «فتح قدس از راه کربلا» را تحت‌الشعاع خود قرارداد و به سرکشیدن جام زهر پذیرش قطعنامه آتش‌بس توسط شخص خمینی منجر شد. منابع کارشناسی خارجی و از جمله در روزنامه «کریستین ساینس مانیتور» مورخ ۱۶اسفند۱۳۶۷، درمورد میزان نیاز مالی رژیم ایران برای ترمیم خسارتی که بر ماشین جنگی‌اش وارد آمده بود، گزارش دادند «ایران در ۶ماهه آخر جنگ خود با عراق ۴۰تا ۶۰درصد ذخایر تسلیحاتی خود را از دست داده و کارشناسان مخارج بازسازی نظامی این کشور را بین ۱۵تا ۲۵میلیارد دلار تخمین می‌زنند». رضایی فرمانده وقت سپاه پاسداران روز ۳۰اسفند۱۳۶۷ از رادیوی دولتی ایران این عقب‌نشینی رژیم از ادامه جنگ را ناشی از ضرورت «تقویت بنیه دفاعی» اعلام کرد. او در این خطابه نظامی، با وقوف بر نبود پشتوانه مادی ادامه جنگ، یعنی درآمد نفت، گفت «تا سه سال دیگر نمی‌توانیم حمله دیگری را به دشمن تدارک ببینیم». بنابراین می‌بینیم، درآمدهای نفتی ایران موتور و قوه محرّکه پیشبرد سیاست خاص رژیم ولایت‌فقیه است. وقتی این درآمد پایین می‌آید، مثل سالهای ۶۵ و۶۶، حتی مهمترین سیاست این رژیم یعنی جنگ را، به طور مقطعی، به تعلیق می‌کشاند و کارگزاران رژیم را مجبور می‌کند که به سمت گذار از یک دوره سیاست تجدید قوای جنگی روی آورند. در این دوره گذار نیز می‌بینیم که هر وقت با افت شدید درآمد نفتی مواجه شدند، مثل اوایل روی کارآمدن خاتمی، در حالی که قیمت نفت به بشکه‌یی ۸ دلار (سال ۱۳۷۷) و درآمد ناشی از صادرات نفت ایران به کمتر از ۱۰میلیارد دلار رسید، برای جلوگیری از تداوم این افت مجبور می‌شوند سیاست خود را به طور تاکتیکی تغییر دهند، دست به دامان بزرگترین تولیدکننده اوپک شوند. بالاترین مقام قوه مجریه یعنی خاتمی را به عربستان سعودی بفرستند و به طور مصلحتی دست دوستی به سوی کشوری دراز کنند که درآن غائله‌یی بزرگ و خونین راه انداختند و خمینی دشمنی عمیق رژیم با حاکمیت این کشور را این طور بیان کرده بود که «از هرچه بگذریم از حجاز نمی‌توان گذشت»!

درحال حاضر نیز در شرایطی رژیم به سیاست جنگی جدیدی روی آورده که بازار نفت به شدت داغ شده و درآمد نفتی ایران به حدود ۲برابر سال۸۱ رسیده است. از آن جا که کم و کیف استفاده از درآمد نفت ایران با اتخاذ سیاست جدید رژیم و حاکمان جدید ارتباط تنگاتنگ دارد ابتدا ویژگیهای هیأت حاکمه جدید و سیاست آنها را ازنظرمی گذرانیم:

پشتوانه نظری و برنامه ریزی برای پیشبرد سیاست جدید:

گردانندگان رژیم ولایت‌فقیه، که جنگ را «نعمت‌الهی» تلقی می‌کردند، ضمن پذیرش آتش‌بس تحمیلی در جنگ با عراق، به این اشراف رسیده بودند که تداوم حکومت استبدادی ولایت‌فقیه، در جامعه‌یی که تاریخی طولانی از مبارزه برای رسیدن به آزادی را طی کرده، دو انقلاب بزرگ و نهضت ملی‌شدن نفت و جنبشهای آزادیخواهانه دیگری را پشت سرگذاشته و استعداد و تجربه مقابله با دیکتاتورها را دارد، جز درفضای تخاصم و نوعی تداوم سیاست جنگی امکان ندارد. و بر این مبنا نظریه بقای رژیم ولایت‌فقیه در فضای درگیری و جنگ مستمر را تدوین کردند. این نظریه در نوشته‌یی تحت عنوان «استراتژی توسعه در نظام ولایت‌فقیه» تدوین و منتشر شده است. در این نوشته آمده است:

«امروز حیات سیاسی ما در جهان به عنوان ام‌القرای اسلام، در گرو توسعه یافتن است. لیکن ما هیچ‌گاه نباید در آرزوی محیط دوستانه جهانی باشیم یا برنامه‌های توسعه خود را برای اکولوژی سیاسی مسالمت‌آمیز طراحی کنیم... ما باید به هر بهایی، به قدرت دفاعی مؤثر برای حفظ نظام خود در یک محیط سیاسی متخاصم دست بیابیم. دولت باید طرحهای عمرانی و رفاهی را در مرحله دوم اهمیت بگذارد، مگر اموری که به دفاع و بقای مردم [تأمین قوت لایموت مردم] ربط می‌یابد.... سیر به سوی توسعه، حرکتی مداری می‌طلبد و در هر مدار استقرار نظام، شرط غیرقابل خدشه آن است...» (روزنامه رسالت شماره‌های ۲۶و ۲۷خرداد ۱۳۷۲). به طوری که از این نظریه بر می‌آید، شعار رفاه و«عدالت اجتماعی» که این روزها پاسدار احمدی‌نژاد و همراهان او یک‌ریز آن را غرغره می کنند، اگر برای حاکمان فعلی مطرح باشد در «مرحله دوم اهمیت»، پس از دست یافتن رژیم «به قدرت دفاعی مؤثر برای حفظ نظام» مطرح است و حد و حدود رفاه نیز در این دیدگاه به «بقای مردم» و تدارک قوت لایموت جامعه محدود می‌شود. با این حساب ملاحظه می‌شود که «توسعه ولایت‌فقیهی» توسعه‌یی در فضای بسته و در اساس جنگی و تخاصمی است و برای «محیط سیاسی متخاصم» طراحی می‌شود. مردم در این نگرش نه هدف توسعه هستند و نه عامل توسعه.

نظریه فوق‌الذکر هم در برنامه‌ریزیهای رژیم جا باز کرد، و هم در عملکرد و کارنامه دولتها متبلور شده است. در آستانه طراحی «برنامه پنجساله اول»، خامنه‌ای« رهبر و ولی‌امر» رژیم، به طراحان این برنامه دیکته می‌کند که «ارتش و سپاه باید خود را بیش از گذشته قوی کنند و امکانات کشور [و به خصوص ثروت نفت کشور] در درجه اول متعلق به آنهاست» (کیهان‌هوایی،۲۵بهمن ۱۳۶۸). در اجرای منویات «ولی‌امر» هدف شماره یک از«اهداف کلی» برنامه پنج‌ساله اول رژیم را «۱- بازسازی و تجهیز بنیه دفاعی و تأمین نیازهای ضروری آن بر مبنای اهداف دفاعی تعیین شده» قرار دادند و در بخش «خط‌مشی‌ها»ی این برنامه درمورد چگونگی پرداختن به این اولویت شماره یک رژیم آوردند «۲ـ بازسازی و تقویت بنیه دفاعی با تأکید بر استفاده از کلیه امکانات اقتصادی و صنعتی کشور». بر مبنای این خط مشی با استفاده از کلیه امکانات اقتصادی، و از جمله با استفاده از آن بخش از در آمدهای نفتی که به حساب خزانه دولت ریخته نمی‌شود، برای دستیابی به تکنولوژی و تجهیزات تولید سوخت و دستیابی به ابزار تولید بمب اتمی مایه مالی گذاشتند و به فعالیتهای مخفی مربوطه روی آوردند. در «برنامه پنج‌ساله دوم» به طور خاص روی پیاده‌کردن مبنای نظری فوق‌الذکر در تنظیم سیاست خارجی رژیم تأکید شده و در «برنامه پنجساله سوم» براساس همین نظر پیش‌بینی کردند که شمار بسیجیهای خود را تا سال۸۳ به حد نیمی از «ارتش ۲۰میلیونی» مورد نظر خمینی برسانند. (مراجعه‌کنید به کتاب برنامه‌های پنج‌ساله اول و دوم و سوم). این حد از برنامه‌ریزی برای تجدید قوای نظامی، در دوره ۱۶ساله‌یی صورت گرفت که دولتهای « میانه‌رو» رفسنجانی و خاتمی سرکار بودند و رژیم ولایت‌فقیه هنوز کارش به جایی نرسیده بود که به اصل خود بازگردد، پاسداران نظام را روی کار بیاورد و به طور رسمی و آشکار سیاست جنگی همه‌جانبه‌یی را پیشه خود سازد.

سیر پیشروی، سازمان کار و محور اصلی سیاست هیأت حاکمه جدید

۱- سیر پیشروی: چشمداشت سیاسی پاسداران به قدرت سیاسی، بعد از آتش‌بس، وقتی بارز شد که اولین دولت رفسنجانی شعار «سازندگی» را پیش کشید. در این مقطع زمانی، فرماندهان جنگ‌دیده سپاه‌پاسداران در رسانه‌های عمومی مدعی شدند که «همانهایی که جنگ را فرماندهی کردند باید سازندگی راهم فرماندهی کنند». طرح این خواسته به وضوح گویای آن بود که این جماعت قصد آن دارند که زیر نظر «رهبر» نظام و با استفاده از اختیارات قانونی او، امکانات مالی کشور و به‌خصوص درآمدهای نفتی را به سمت تجدید قوای نظامی- سیاسی حکومت برای ادامه سیاست جنگی خود سوق دهند. یورش سیاسی این جریان برای کسب قدرت در جریان انتخابات شهرداریها و مجلس هفتم، نمود بیرونی پیدا کرد. اما مرور زمان نشان داد که اینها در عرصه سیاسی تنها به تصرف کرسی شهرداریها و مجلس هفتم،که درآن اکثریت را به دست آورده بودند، قانع نیستند و تصرف همه امور و قبضه حاکمیت را اراده کرده‌اند. سخنگوی سپاه‌پاسداران «غلامعلی‌رشید» روز ۳۰شهریور۱۳۸۳ خواست سپاه را به وضوح این طور به اطلاع عموم رساند «شخصیتهای برجسته و فرماندهانی که اکنون در قید حیات هستند و در مسند اموری از کشور هستند در آن زمان بار اصلی جنگ بر دوش آنها بود و در هر کجا این مدیران توانمند، چه در عرصه امنیت (در نیروی انتظامی) و چه در عرصه دفاع (در نیروهای مسلح) و عرصه‌های نهضتی و عمرانی و خدماتی فرصت حضور پیدا کرده‌اند لیاقت و کاردانی و کارآمدی خود را به اثبات رسانده‌اند. من فکر می‌کنم ملت ایران چنان چه سر رشته امور را در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی و در بالاترین سطح در عرصه یک دولت به این مدیران توانمند بسپارد، قادر به حل معضلات هستند. معضلاتی که طی سالهای پس از جنگ بر زمین مانده و حل نشده‌اند در حالی که پس از جنگ از وجود این مدیران استفاده نشده و آنها را به جرم این که نظامی هستند در درون پادگانها حبس کردند». او درمورد توانایی شلشولبندان رژیم برای تأمین کادرهای حکومتی «در بالاترین سطح »، اضافه می‌کند «ایران اسلامی ۲میلیون بسیجی رزم‌دیده و از جنگ گذشته دارد و صدها و هزاران مدیر توانمند و چنانچه فرصت حضور به این عزیزان داده شود قادرند کشور را اداره کنند و نظام اداری و اقتصادی کشور را متحول کنند. در طی این ۱۶سال پس از جنگ بسیاری از این عزیزان به مدارج علمی بالایی رسیده‌اند و علم و تجربه را به هم آمیخته دارند»(بازتاب، سایت اینترنتی فرمانده سابق سپاه۳۱، شهریور۸۳).

تحوّل «نظام اداری و اقتصادی» از طریق واگذاری «اداره کشور» به پاسداران نظام توسط «رهبر» رژیم مورد تأیید قرارگرفت و این خواسته با حمایت سیاسی «رهبر» و زور نظامی سپاه و بسیج، درخرداد سال ۱۳۸۴، به صورت کامل، به کرسی نشانده شد و به دنبال مجلس، شهرداریهای بزرگ و رادیو و تلویزیون، حاکمیت بر امور سیاسی ـ اجرایی کشور نیز به قبضه انحصاری خامنه‌ای و سپاه درآمد. و حالا، همان جریان سیاسی ـ نظامی که در جریان جنگ ۸ساله همه امور کشور را به زیر مهمیز خود درآورده بود، تحت فرماندهی رهبر نظام خامنه‌ای،درحالی روی کار آمده که یک دوره تجدید قوای ۱۶ساله را با استفاده از ثروت نفت ایران و دیگر امکانات کشور پشت سر گذاشته و در فضایی که با جامعه ایران و قدرتهای جهان رویاروی شده، الزامات اجرای تئوری بقای رژیم ولایت فقیه را، که همانا زیستن این رژیم در فضای درگیری و تخاصم باشد، راهنمای عمل خود قرارداده است.

۲- محور اصلی و الزامات اجرای سیاست جدید: پیگیری الزامات بقاء رژیم در فضای تخاصم و درگیری، محور اصلی سیاست کلان حاکمیت جدید در ایران است. این الزامات پس از روی کار آمدن دولت پاسداران، در تنظیم سیاست خارجی و سیاست داخلی این دولت، جا باز کرده است. درمورد تنظیم سیاست خارجی شاهد دو رویکرد مشخص این دولت هستیم، از یک سو سیاست دستیابی به بمب اتمی را، به رغم خواست قدرتهای جهانی، با از سرگیری رسمی کار غنی‌سازی اورانیوم در ایران دنبال می‌کند و از سوی دیگر ضمن طرح شعار نابودی یک کشور عضو سازمان‌ملل‌متحد، تشکیل جبهه‌یی جهانی از جریانهایی را پیگیری می‌کند که به هر علت در مقام دولت و یا اپوزیسیون دولتها به این شعار تمایل دارند و یا با سردمداران جهان تک قطبی درگیرند. این دو رویکرد لازم و ملزوم یکدیگرند و تدارک نوعی از رویارویی با جهان تک قطبی کنونی را توسط هیأت حاکمه جدید ایران تداعی می‌کنند، که درگذشته قطب قدرت «بلوک شرق» با «بلوک غرب» داشت.

سیاست داخلی دولت پاسداران نیز متأثر از فضای جنگی است که خود به وجود آورده‌اند. این سیاست برپایه مقابله جنگی با هر مخالفت جدّی شکل گرفته است. حتی حرکتهای صنفی وحق‌طلبانه نظیر حرکت کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران را که به صورت مسالمت‌آمیز انجام می‌گیرد، نمی‌توانند تحمل کنند و به سرکوب بی‌امان آن می‌پردازند. درعین حال به منظور جلوگیری از شکل‌گیری فضای ترس و ریزش نیروهای خودی، با هدف تبلیغاتی به مایه‌گذاری بخشی از ثروت نفت ایران در تشکیل «صندوق مهر رضا»، توزیع «سهام عدالت» و «کمک به توسعه استان» ضمن سفرهای استانی هیأت دولت جدید، پرداخته‌اند.

۳- سازمان کار: در بالاترین سطح «هیأت حاکمه جدید»، رهبر حکومت، خامنه‌ای قرار دارد و در سطح بعدی اعضای اصلی «شورایعالی امنیت» رژیم مرکب از رئیس‌جمهور رژیم و فرماندهان با سابقه سپاه پاسداران در رأس کمیسیونهای ۷گانه این «شورا»، روی سیاستهای جاری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور تصمیم‌گیری می‌کنند. این شورا که همه اعضای آن را فرماندهان سابق سپاه تشکیل می‌دهند، علاوه بر تعیین سیاست هسته‌یی، با دید امنیتی، درمورد سایر امور حکومت نیز سیاست تعیین می‌کند و این سیاستها را برای اجرا به احمدی‌نژاد ابلاغ می‌نماید. به عنوان مثال دستور خارج کردن سپرده‌های ارزی ایران از بانکهای ایتالیا توسط «شورایعالی امنیت» رژیم صادر شد و بلافاصله توسط بانک‌مرکزی به اجرا درآمد (روزنامه الشرق الاوسط) و یا تصمیم‌گیری برای توزیع ۳۰درصد از سهام برخی ازکارخانه‌های دولتی که به آن عنوان «سهام عدالت» داده‌اند توسط شورایعالی امنیت اتخاذ شده، درحالی که مطابق موازین «قانون اساسی» در شرایط عادی مجلس و یا «رهبر» رژیم روی این نقل و انتقال اموال عمومی تصمیم می‌گیرند. «شورا» مذکور درصورت لزوم برخی از تصمیم‌گیریهای خود را از طریق« دولت »، به مجلس تحت سلطه پاسداران می‌فرستند تا آنها را پس از «قانونی» شدن برای اجرا به قوه مجریه، که شامل رئیس‌جمهور، وزیران و مدیران دولتی تحت امر آنهاست، ابلاغ گردد. پاسداران مستقر در شورایعالی امنیت علاوه برتصمیم‌گیری و صدور دستور اجرایی، بر اجرای همه امور سیاسی ـ اقتصادی ـ اجتماعی کشور نظارت دارند و در مقیاس کلان جریان این امور را کنترل می‌کنند.

ظهور هولناک «فرزندکشی»

بعد از رشد و گسترش پدیده‌های نوظهوری مانند «زن‌کشی»، «شوهرکشی» و... اکنون از سر دولت آخوندهای ضدبشر، پدیده نوظهور و هولناک دیگری سایه شومش را در جامعه گسترانده که قربانیان آن‌را اغلب کودکان و نوجوانان بیگناه تشکیل می‌دهد. اما در میان این قربانیان باز و مثل همیشه، دختران در صف اول آن قرار دارند. موضوعی که تردیدی باقی نمی‌گذارد که این نیز ره‌آورد آخوندهاست. فقر، فحشا، بیکاری، بی‌خانمانی و بی‌مسکنی، اعتیاد، ازهم پاشیدگی خانوده‌ها و..همه و همه زمینه‌های بروز فجایع تلخ و جانکاهیست که روز به‌روز بر آمار آن افزوده می‌شود. خبرگزاری حکومتی ایسنا طی گزارشی که تلاش کرده نقش رژیم آخوندی را در این فجایع انکار کند و تنها آن را در چارچوب «خشونتهای خانوادگی» و «ساختار اجتماعی» به‌خورد مردم دهد، چند نمونه از این فجایع را مثال زده است: «در آخرین نوع از این اخبار، پسربچه ۵/۳ ساله‌یی در پی مشاجره و اختلاف والدینش، قربانی یکی از شدیدترین انواع خشونتهای خانوادگی شد و گلوی کودک بیگناه با چاقوی پدر بریده شد. در حادثه‌یی دیگر، امید ۷ ساله چندی پیش جنازه‌اش از داخل کانال «قلعه عظیم‌آباد» در حالی بیرون کشیده شد که با ضربات چاقوی پدر به قتل رسیده بود. این پسر خردسال همان کودکی بود که به بهانه بدرفتاری و ارتکاب جرایم خرد از سوی پدر به مرگ محکوم شد. دختر ۱۶ ساله کرجی که در پی یک شبانه‌روز غیبت، توسط پدر با آزار جنسی، به بدترین شکل به‌قتل رسید، دختری که به اتهام داشتن رابطه نامشروع از سوی پدر به مرگ محکوم شد و دهها نمونه دیگر، حکایاتی از این دست هستند».

به راستی«حکایت» چیست؟ حکایت این است که مردم فلک‌زده‌یی که به نان شب محتاج هستند و حتی قادر نیستند شکم خود را سیر کنند، چگونه باید شاهد ناله و ضجه‌های کودکان خود از گرسنگی باشند؟ چنین آدمهایی وقتی در حاکمیت ضدبشری به‌سر می‌برند که دژخیم‌پروری و شکنجه‌گری و مسخ و نیرنگ سرلوحه مکتب ضدبشریش است، چه انتظاری باید غیر از چنین وقایع هولناکی داشت. به توضیحات دردآور «علی» پدر «آرزو یک‌ساله و نیمه» که با متکی او را خفه کرد توجه کنید(روزنامه وقایع اتفاقیه مهرماه ۸۳): «وقتی همسرم برای باردوم باردار شد به او گفتم وضعیت مالی ما امکان داشتن دو فرزند را به ما نمی‌دهد ولی او نمی‌توانست فرزندش را سقط کند. به جنین شکل گرفته در بدنش انس گرفته بود. در نهایت بعداز ۹ ماه دلشوره آرزو به‌دنیا آمد. از همان ابتدا از نظر روحی با کودک دومم مشکل پیدا کردم. هرچقدر سعی می کردم او را دوست داشته باشم، نمی‌شد. مشکلات مالی نیز یکی از دلایل تنفر از آرزو شده بود. حقوق کم من کفاف زندگیمان را نمی‌داد. روز حادثه فشار مالی و مشکلات روحی به‌من فشار وارد کرد و درست زمانی که الهام به حمام رفت به سمت آرزو که در خواب بود رفتم. متکای بزرگی را که الهام برای جلوگیری از حرکت کردنش کنار او قرارداده بود برداشته و روی صورت آرزو گذاشتم. آرزو ناگهان از خواب پرید. ترسیده بود. جیغ بلندی زد ولی من با فشار دستم برروی متکایی که روی صورت او بود او را برای همیشه ساکت کردم». لابد حالا، باید مادر آرزو که داغ جگرگوشه‌اش را به‌دل دارد، همین روزها شاهد به‌دارآویختن همسرش هم باشد، تا فاجعه‌یی که به دست آخوندها رقم زده شده، نا تمام نماند. خبرگزاری آخوندی ایسنا که در گزارش خود تلاش کرده به مدد فلان «کارشناس» خدمتکار رژیم ضمن توجیه‌پذیر دانستن چنین جنایتهای فجیعی، به‌جای ریشه‌یابی و پیدا کردن علت، تنها معلول، یعنی عاملین چنین جنایتهایی را مقصر جلوه دهد، از قول همان «کارشناس» کذایی می‌نویسد: «ارتکاب جنایتی غیرانسانی و به دور از عواطف، ضعفهای قانونی موجود را مستمسکی برای خود قرار داده و به این بهانه که فرزند جزء مایملک ولی دم پدر است، متأثر از توجیهات اجتماعی ناشی از آن، گمان خلاصی از مجازات دارد و بعضاً همین اتفاق هم می‌افتد». حرف کارشناس مربوطه این است که مبادا خدای ناکرده در حق این پدر فلکزده که خود قربانی چنین نظام منحوسی است، «ضعفهای قانونی» شامل حال شود و از اعدام یا حلق‌آویز کردش، غفلت شود.

خبرگزاری رژیم این بار به نقل از «دکتر»ی که از وی به عنوان «آسیب‌شناس اجتماعی» نام برده در عین این‌که «پسران را قربانی خشم و دختران را قربانی تعصب پدران جاهل» توصیف می‌کند، بیماریهای «اسکیزوفرنی» و «جنون» را نیز دخیل می‌داند و می‌نویسد: «در بررسی انگیزه‌های قتل فرزندان پسر مشخص شده است که در اغلب موارد پسران در پی برانگیخته شدن جنون پدر و یا اختلال روانی وی به قتل می‌رسند که این مسأله بر روی دختران خردسال نیز صدق می‌کند». اما وقتی پای صحبت همان پدر و مادری که بر اثر فشارهای طاقت‌فرسا دست به چنین جنایتهایی می‌زنند، می‌نشینید، هم‌چنان حکایت فقر، ازهم‌پاشیدگی خانواده به دلیل فقر و اعتیاد و هزاران مصیبتی است که آخوندها برسرشان آوار کرده‌اند(خبرگزاری فارس ۹ شهریور ۸۴): «زن میانسالی که قصد داشت فرزندانش را در خواب به آتش بکشد، پس از ناکام ماندن درنقشه‌اش خودکشی کرد.

خبر مرگ مشکوک زنی در منطقه شهدای تهران به مأموران اطلاع داده شد که در بررسیهای اولیه مشخص شد، زن ۳۹ ساله‌یی به نام بتول به خاطر مسمومیت با سم جان سپرده است». بعد هم معلوم می‌شود این زن نگونبخت در ناتوانی از تأمین هزینه زندگی قصد داشت ابتدا فرزند و سپس خود را از زندگی فلاکتبار خلاص کند.

نمونه دیگر. روزنامه جوان ۱مهر ۸۴ خبر از جنایتی هولناک می‌دهد که مردی چهل و چند ساله، نخست همسر و دو فرزند یازده و هفده ساله خود را مسموم کرده و سپس خفه نموده است، و تنها سه هفته پس از دستگیری در زندان بر اثر شدت فشار دچار سکته قلبی شد و درگذشت. او نیز علت دست‌یازیدن به‌قتل فجیع همسر و فرزندانش را مشکلات اقتصادی و فقر و نداری ذکر کرده بود.

و البته که هستند کسانی که مستقیماً مسخ ایدئولوژی زن ستیز و ضدبشری این نظام شده و عندالزوم در اجرای «امر به معروف و نهی از منکر» به سبک آخوندها سردختران خردسال خود را نیز گوش تا گوش جدا کنند. به گزارش رسانه‌های حکومتی مردی که سر دختر ۹ ساله خود را از تنش جدا کرد مدعی «اجرای حکم خدا» در مورد دخترش بود و گفت: «حدود ساعت سه بامداد به سمت اتاق دخترم رفتم، خوابیده بود، زهرا را در آغوش گرفتم و آهسته بدون این که همسرم از خواب بلند شود، زهرای خواب‌الود را به سمت زیر زمین بردم. دختر نه ساله‌ام را از خواب بلند کرده و به او که به سختی چشمانش را باز نگه می داشت، مقداری آب دادم. چند ثانیه بعد با یک ضربه محکم چاقو گلوی زهرا را شکافتم. خون بر در و دیوار پاشید و چشمان از حدقه بیرون آمده زهرا بسته شد. او مرد و صدایی که در گوشم نجوا می کرد، خاموش شد».

«پدر» دیگری از همین قماش سر دختر هفت ساله‌اش را گوش تا گوش جدا کرد تا به گفته خود از «ناموس» خود حراست کرده و «امر به معروف و نهی از منکر»ش را هم به جا آورده باشد.

با این همه، یکی از کارشناسان رژیم که در گفتگو با خبرگزاری حکومتی ایسنا مشارکت داشته ناگزیر اعتیاد فراگیر به مواد مخدر در حاکمیت آخوندی را یکی از علل این فجایع نامبرده و می گوید: «وجود بیش از ۲میلیون معتاد در کشور که ۶۰ درصد از آنها، پدر خانواده هستند، منجربه این شده تا اغلب آنها به دلیل مصرف مواد مخدر، تعادل روانی خود را از دست داده و زن و فرزندان خود را مورد آزار و اذیت و انواع خشونتهای خانوادگی قرار دهند».

سرانجام کارشناس نظام «اعطای تنبیه» محدود را برای کاهش این جنایات تجویز می کند و می گوید: «در صورت اعطای اختیار تنبیه به پدر خانواده، باید نوع و محدوده این تنبیه مشخص شده تا از این طریق به بهانه تربیت و اصلاح افکار عمومی شاهد جنایات فجیع نباشد».

زنان و دختران آسیب‌دیده قربانی باندهای غارتگر رژیم

به گزارش خبرگزاری حکومتی ایسنا (۳ اسفند ۸۴)، پس از اقدام ضدمردمی تخلیه «مرکز امیدوار»، بسیاری از زنان و دختران آسیب دیده هم‌چنان در بلاتکلیفی به سر می‌برند و به نوشته رسانه‌های رژیم، شماری از آنها به «زنان خیابانی» پیوسته‌اند. همین خبرها حاکی است این زنان نگونبخت قربانی کشمکش باندها و دستجات دزد و غارتگر رژیم بر سر تصاحبِ این مرکز شده و بنیاد غارتگران موسوم به مستضعفان فعلاً آن را به مصادره خود درآورده و نقداً این زنان نگونبخت هستند که ویلان و سرگردان شده‌اند. همین گزارش به‌نقل از «مدیرکل بهزیستی استان تهران» حاکی است که تازه «مقرر شد به منظور رفع مشکل مالکیت مرکز امیدوار» جلسه مشترکی میان معاونین بهزیستی و سازمان اموال و املاک بنیاد مستضعفین برای دستیابی به توافقات اولیه در هفته آینده تشکیل شود».

وی مشکل نداشتن «سند مالکیت» را دلیل تصاحب آن توسط «بنیاد مستضعفان» دانست و گفت: «براساس مقاوله‌نامه در زمان نخست وزیری موسوی برای نگهداری افراد آسیب‌دیده و فرزندان بی‌سرپرست در اختیار بهزیستی گذاشته شد... [اما]به دلیل مشکلات نتوانست سند دریافت کند، در این حال بنیاد مستضعفان به استناد مصادره‌یی بودن خواستار واگذاری این املاک شد». به گفته وی «مرکز امیدوار» تنها مرکز بازپروری دختران و زنان آسیب‌دیده در تهران است و «با تخلیه این مرکز مجبور شدیم زنان و دختران آن را که اغلب دچار آسیبهای شدید و بعضاً مبتلا به بیماریهای سخت هستند به مراکز مداخله در بحران ـ که

زنان سالم و دارای آسیبهای بسیار کمتر نیز در آن نگهداری می‌شوند ـ منتقل کنیم».

رقابت داروی قاچاق با داروی وارداتی!

به گزارش خبرگزاری حکومتی ایسنا، (۵ اسفند ۸۴) «دبیر انجمن داروسازان ایران» نسبت به ورود قاچاق دارو هشدار داده است. به گفته وی «سالانه بین ۱۰۰تا ۱۵۰میلیون دلار داروی قاچاق وارد کشور می‌شود». این در حالیست «که هزینه واردات داروهای رسمی حدود ۲۵۰تا ۳۰۰میلیون دلار است». وی که جمال سعیدواقفی نام دارد در مورد داروهای قاچاق می‌گوید: «در صورتی که این داروها در شرایط نامناسب نگهداری و یا تاریخ مصرف آنها گذشته باشد، فاسد شده و در صورت مصرف، در سیستم ایمنی تبدیل به سم می‌شوند و به این ترتیب احتمال بروز انواع مسمومیتها افزایش می‌یابد». این کارگزار رژیم در مورد علت افزایش قاچاق داروها می‌گوید: «علت اصلی این امر تجویز داروهایی است که در لیست داروهای رسمی کشور قرار نگرفته اما از جانب پزشکان توصیه می‌شوند؛ بنابراین عده‌یی با وارد کردن داروی قاچاق سعی می‌کنند این نیاز را تا حدودی برطرف کنند». جالب این که داروهای قاچاق حتی در داروخانه‌ها نیز به فروش می‌رسد: «این داروها توسط عوامل فروش و از طریق افرادی که با شهرهای بزرگ خصوصاً تهران روابط اقتصادی دارند، در سوپرمارکتها، داروخانه‌ها و سطح شهر به فروش می‌رسند». وی تلویحاً نقش رژیم آخوندی در قاچاق دارو را فاش کرده و می‌افزاید: «این داروها تحت نظارت بازرسان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفته و به صورت دوره‌یی و ضربتی (خارج از دوره‌های ذکرشده بازرسی) کنترل می‌شوند».

سخنرانی مسئول اول سازمان مجاهدین در مراسم گرامیداشت ۱۹ و۲۲بهمن

بقیه از صفحه ۲۰

برادران و خواهران عزیز،

طی یک سال گذشته، مهمترین تحولی که درایران اتفاق افتاد، یکپایگی سیاسی حاکمیت ارتجاع بود. بعد از ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، ولی‌فقیه ارتجاع دریک فرار به جلو، ناگزیر شد همه تعارفات و فریبکاریهای چند ساله را کنار بگذارد و با یکپایه کردن رژیمش، چهرهٔ واقعی استبداد مذهبی را به همه نشان بدهد. و حالا دیگر همگان مرحلهٔ پایانی و سراشیب سرنگونی رژیم را به چشم می‌بینند.

رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت در کنفرانس مطبوعاتی هفتهٔ گذشته، سیاست کنونی رژیم ولایت‌فقیه را درچند کلمه به‌بهترین صورت خلاصه کردند و گفتند: «رژیم ایران با روی کارآوردن احمدی‌نژاد یک انتخاب استراتژیک کرده است؛ تضمین بقای رژیم با بمب اتمی و بلعیدن عراق و دشمنی با صلح در منطقه».

رئیس‌جمهور رژیم اما، از همان روز اول، با وقاحت گفت ما برای دموکراسی انقلاب نکرده‌ایم و حقوق‌بشر را موضوعی«تهوع‌آور» خواند. کابینه او مجموعهٔ دستچین‌شده‌یی از جنایتکارترین پاسداران و دژخیمان است. آنها سرکوب و اختناق را در داخل کشور به حداکثر رساندند. جوانها را در سراسر ایران از تهران تا کردستان و خوزستان و بلوچستان هزار هزار شکار کردند و نوجوانان زیر ۱۸سال را باشقاوت تمام حلق‌آویز نمودند. اعدامهای اعلام شده توسط خود رژیم در همین چند ماه ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد ۱۲۵مورد بوده است. طی همین مدت، ۳۱۸۴مورد دستگیری سیاسی، ۵۴مورد بستن مطبوعات، نزدیک به ۸۰هزار بازداشت اجتماعی، ۵مورد قطع عضو و ۳۸موردگرداندن جوانان درشهرها را خود رژیم اعلام کرده است.

آدمربایی در عراق و تأسیس دهها شکنجه‌گاه و زندان مخفی در این کشور هم داستان جداگانه‌یی دارد.

رئیس‌جمهور ارتجاع سپس برای باجگیری و شانتاژ بین‌المللی، شروع به عربده‌کشی کرد و با فریادهای دجالگرانه و تهدید به‌آتش‌کشیدن کشورهای منطقه و جهان اسلام بر طبل جنگ کوبید. برای توجیه پروژهٔ اتمی به خط و نشان کشیدن برای اسرائیل پرداخت.

موضعگیریهای احمدی‌نژاد خوب نشان می‌دهد که رژیم با تمام قوا در صدد ساختن بمب اتمی است. به‌همین جهت ولی‌فقیه رژیم پروژهٔ تولید بمب اتمی را به‌دست سپاه پاسداران سپرده و سپردن کل دستگاه اجرایی به پاسداران، نشاندهندهٔ این است که همهٔ امکانات کشور را در خدمت این پروژه‌ها قرارداده است، در حالی‌که ملت ایران بر روی منابع سرشار نفت و گاز زندگی می‌کند و هرگز نیازی به پروژه‌ها و هزینه‌های کلان اتمی برای مصارف زیستی ندارد.

مطابق گزارش مرکز پژوهش مجلس رژیم، ۲۰درصد مردم ایران گرفتار فقر مطلق هستند و شبها گرسنه سر بر بالین می‌گذارند. ۵۰درصد دیگر از مردم گرفتار فقر نسبی هستند و از بیماریهای ناشی از سوءتغذیه رنج می‌برند. آن‌روی سکهٔ این فقر، فساد ساختاری اقتصاد آخوندزده است.

اما رژیم ولایت‌فقیه به‌خوبی می‌داند که کارش به‌انتها رسیده و بحران سرنگونی از داخل و خارج کشور هر روز حلقهٔ محاصره را بر او تنگ‌تر می‌کند. بحران و تضادهای درونی حاکمیت و موج فزایندهٔ اعتراضات و تظاهرات اقشار به‌جان‌آمدهٔ مردم از کارگران تا دانشجویان، رانندگان، معلمان، پرستاران و مردم شهرهای به‌پاخاسته بر این واقعیت گواهی می‌دهد.

تعداد کل حرکتهای اعتراضی ثبت‌شده در سال۸۴ تا به‌حال ۳۶۸۷ فقره است. ۳۰۵۷حرکت اعتراضی فقط مربوط به دورهٔ احمدی‌نژاد است. این رقم به‌خوبی میزان رشد اعتصابها و اعتراضات اجتماعی را هم دراین دوره نشان می‌دهد.

هرکس که وضعیت و تاریخچه و سابقهٔ این رژیم را بداند، می‌تواند بحران سرنگونی را در سرتاپای رژیم ببیند. ولی‌فقیه ارتجاع با یکپایه کردن رژیم می‌خواست و می‌خواهد که با دو اهرم عراق و اتمی بر بحران سرنگونی غلبه کند.

خوشبختانه حالا پروندهٔ اتمی به شورای امنیت ارجاع شده و چیزی ورق‌خورده است. کشورهای غربی تابه‌حال برخلاف همهٔ هشدارهای ما در طول سالیان، برای جلب رضایت آخوندها، مردم و مجاهدین و مقاومت ایران را وجه‌المصالحه می‌کردند. اما حالا دیگر بن‌بست سیاست رفرم و استمالت، خود را تحمیل کرده و تهدیدهای تروریستی این رژیم، توجه دنیا را به‌خود جلب کرده است. ایران و نحوهٔ برخورد با رژیم حاکم بر آن به مسأله روز تبدیل شده است:

ـ دیگر کسی شک ندارد که رژیم آخوندی فعالترین حامی و پدرخواندهٔ تروریسم بین‌المللی است.

ـ کسی شک ندارد که این رژیم صادرکنندهٔ ارتجاع و بنیادگرایی است.

ـ کسی شک ندارد که این رژیم تهدید مبرم صلح و امنیت منطقه‌یی و بین‌المللی است. ولابد یادتان هست که اینها حرفهای بیست و چندسالهٔ مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران بوده که خیلی طرفها نشنیده می‌گرفتند...

کاش فقط نادیده و نشنیده می‌گرفتند. به‌عکس، به‌درخواست رژیم تن دادند و به‌خود ما برچسب تروریسم زدند.

ـ راستی نام مقاومت مشروع یک ملت، در لیستهای تروریستی آمریکا و اتحادیه اروپا چه می‌کند؟

اگرپروندهٔ اتمی این رژیم به‌شورای امنیت ارجاع داده شده، اگر این رژیم به‌خاطر نقض وحشیانهٔ حقوق‌بشر، ۵۲بار در ملل متحد محکوم شده، اگر این رژیم بزرگترین رژیم حامی تروریسم در دنیاست، پس چرا نام نیروی اصلی مخالف آن‌که خودش با ۱۲۰هزار شهید بزرگترین قربانی این رژیم است، هنوز درلیست تروریستی است؟

ـ مگر برجسته‌ترین مراجع و اساتید حقوق دنیا و اکثریت نمایندگان پارلمانهای چندین کشور اروپایی و آمریکا، این نامگذاری را دهن‌کجی به عدالت نخوانده‌اند؟

ـ مگردست‌اندرکاران اصلی این نامگذاری چه درآمریکا و چه دراروپا خودشان اذعان نکردند که این نامگذاری برای استمالت و لبخند زدن به رژیم آخوندی بوده؟

ـ مگر این مجاهدین و این مقاومت، خودشان افشاگر تبهکاریهای اتمی و تروریستی و نقض حقوق بشر توسط این رژیم نبودند؟ حقوقدانان آمریکایی چه خوب گفتند که این سازمان، نه تروریست بلکه آنتی‌تز تروریسم است.

ـ مگر نفی و رد تروریسم و هرگونه هدف قراردادن شهروندان و افراد بیگناه و علاوه براین نفی هرگونه قهر و خشونت و اقدام غیر قانونی در خارج از خاک خودمان مرزسرخ و جزء پرنسیپهای ما نبود؟

ـ مگر بارها برای انتخابات آزاد به این رژیم فراخوان نداده‌ایم؟

ـ مگر التزام خود را به رفراندم تغییر نظام که رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت در مهر ۱۳۸۲فراخوان دادند، اعلام نکردیم؟

ما مجاهدین پیوسته گفته و اعلام کرده‌ایم و همهٔ رزم‌آوران آزادی هم نسبت به آن التزام دارند که: مبارزهٔ سیاسی عاری از خشونت با برخورداری از حق آزادی بیان و اجتماعات و انتخابات، کمال مطلوب ما بوده و می‌باشد.

بگذریم که این رژیم آزادی بیان ما را در اشرف و در پاریس و لندن و واشینگتن هم نمی‌تواند تحمل کند. تظاهرات هموطنانمان در واشینگتن را هم به داغ و درفش تهدید می‌کند. پیام ویدئویی خواهرمریم به پارلمان انگلستان را هم مورد اعتراض شدید قرار می‌دهد و حتی انتشار یک مصاحبه و مقاله از او راهم تحمل نمی‌کند. نمایندگان پارلمان اروپا را تهدید می‌کند. روزنامه‌های بزرگ کشورهای آمریکایی و اروپا را نیز که از مجاهدین مطلب می‌زنند و حتی آگهی منتشر می‌کنند، تهدید می‌کند.

ولی ما گفته‌ایم و بازهم تکرار می‌کنیم که: به‌طور اصولی با هرگونه خشونت مخالفیم و آن‌را محکوم می‌کنیم و برای نفی خشونت بر ضرورت تضمین شرایط فعالیت آزاد و مسالمت‌آمیز سیاسی در ایران تأکید می‌کنیم. به‌همین خاطر، آخوندهای حاکم و کلیهٔ کسانی را که با ستم و سرکوب مانع انتخاب آزاد مردم ایران هستند و خشونت را تحمیل کرده‌اند قویاً محکوم و شایسته قرارگرفتن در معرض عدالت می‌دانیم. می‌بینید حالا دیگر برای همهٔ دنیا، مثل روز روشن شده که این رژیم است که با ردکردن رفراندوم و انتخابات آزاد تحت نظرملل متحد، یک رژیم نامشروع است. یک رژیم تحمیلی است که با ارعاب و وحشت، یعنی با تروریسم، حکومت می‌کند و حالا سلاح اتمی هم مزید بر علت شده است.

و این روزها فراوان می‌بینیم که از آمریکا و اروپاست که گزینهٔ نظامی در برابر این رژیم را مطرح می‌کنند. و ما هستیم که می‌گوییم اشغال نظامی نمی‌خواهیم، راه‌حل سوم را می‌خواهیم. راه‌حل دموکراتیک از طریق مردم و مقاومت همین مردم را که رئیس‌جمهور برگزیدهٔ این مقاومت مطرح کرده‌است، می‌خواهیم.

متقابلاً ببینید این چه رژیمی است که مجاهدین بدون سلاح و محصور در قرارگاه اشرف در خاک عراق را هم نمی‌تواند تحمل کند؟

شعار مرگ بر منافقین به‌عنوان شعار محوریش درهمهٔ مناسبتها و مراسم رسمی و غیررسمی این رژیم، مثل همیشه ادامه دارد.

– ما کدام حرف رژیم را باورکنیم؟ از یکطرف می‌گوید گروهک از بین رفته و بدون هرگونه پایگاه اجتماعی و می‌گوید که این مجاهدین هیچ عددی نیستند، از طرف دیگر نگاه کنید به رادیو و تلویزیون و مطبوعات و خبرگزاریها و سایتها و موضعگیریهای سیاسی رژیم و سخنگویان و مزدورانش، آن‌چنان ازمجاهدین و مقاومت در هراسند و آن‌چنان دیوانه‌وار برخورد می‌کنند و دروغ بافی می‌کنند که آدم حیرت می‌کند.

هرمقام عراقی که به ایران می‌رود یا به بهانه‌های مختلف او را به ایران دعوت می‌کنند، خواستهٔ اول و آخر رژیم از او محدود کردن و اخراج مجاهدین است. چند وقت پیش یک مقام عراقی به رژیم تصریح کرد که «حضور مجاهدین خلق در خاک عراق در حوزهٔ مسئولیت دولت کنونی آن کشور قرار نمی‌گیرد» و این مسأله بین نیروهای ائتلاف و کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ طبق مقررات کنوانسیون چهارم ژنو حل‌وفصل شده است. اما این چیزها به‌گوش رژیم نمی‌رود. یعنی رعشهٔ سرنگونی گوش رژیم را بسته و گوشش بدهکار هیچ قاعده و قانون بین‌المللی نیست. بیچاره گمان می‌کند که می‌تواند مانع آزادی بیان مجاهدین که حق مسلم آنهاست، بشود. آخر مگر مجاهدین حتی در بیدادگاههای شیخ و شاه از آزادی بیان خود صرفنظر کردند؟ اگر عراق قرار است یک کشور دموکراتیک باشد محال است که مجاهدین از آزادی بیان خود صرفنظر کنند. ما دخالتهای رژیم و صدور ارتجاع و تروریسم و بنیادگرایی و جنایت و خونریزی آن را افشا کرده‌ایم و باز هم خواهیم کرد.

دوسال و دوماه پیش، در آذر۱۳۸۲، اولین بار، این خواهرمریم بود که در پیامش به گردهمایی هموطنانمان در انگلستان حقایقی را گفت که حالا دنیا آن‌را تأیید می‌کند. رئیس‌جمهور ما گفت:

ما از ۱۲سال پیش بنیادگرایی تحت نام اسلام را تهدید اصلی جهانی و شرایط جدید بین‌المللی اعلام کردیم و دربارهٔ آن بسیار گفتیم و نوشتیم.

دربارهٔ تجهیزات و برنامه‌های اتمی رژیم آخوندها هم گفتیم که آنها سلاح اتمی را به‌گفتهٔ رفسنجانی عامل استراتژیکی بقاء و حفظ نظامشان می‌دانند.

امروز اما تأکید می‌کنیم که آخوندهای حاکم بر ایران که شعارها و نعره‌های گوشخراششان در مورد «فتح قدس از طریق کربلا» را همه به‌یاد دارند، بار دیگر در عراق، که نزدیک به دو سوم جمعیت آن شیعیان هستند، فرصت را مغتنم یافته‌اند.

در چنین وضعیت ژئوپلتیکی، باز هم مثل روزگار جنگ ۸ساله، یعنی دوران جنگ ضدمیهنی خمینی، سد سدید در برابر ارتجاع و صدور بنیادگرایی، همانا مجاهدین خلق ایران هستند. به‌همین‌خاطر رژیم به‌شکل جنون‌آمیزی در پی زدوبند و توطئه و تروریسم علیه مجاهدین در خاک عراق است تا شاید بتواند آنها را ناگزیر از ترک این کشور کند و بعد، طعمهٔ خودش را بدون هیچ رادع و مانع ایدئولوژیکی و سیاسی به‌ویژه از نوع ایرانی و شیعی، فرو ببلعد.

خواهران و برادران،

آیا طی این مدت کاری بوده که رژیم علیه اشرف نکرده باشد؟ آیا دروغی مانده که نگفته باشد؟ آیا اتهامی بوده که از دستش در رفته باشد؟ و آیاکسی هست که برای اخراج مجاهدین از عراق به اومتوسل نشده باشد؟

ـ مردم عراق مخصوصاً مخالفان دخالتهای خودش را گروه‌گروه به‌زندانهای مخفیش می‌اندازد و شکنجه می‌کند و با دست بسته و چشم بسته به آنها شبانه در بیابانها تیر خلاص می‌زند و پاسداران و اطلاعاتیهای شکنجه‌گر هم وقتی زندان جادریه لو می‌رود، به ایران فرار می‌کنند ولی هنوز باکمال وقاحت از سرکوب و کشتار شیعیان و کردهای عراقی توسط مجاهدین دم می‌زند!

ـ یکروز کشف می‌کند که مجاهدین در نجف و فلوجه و آبهای خلیج فارس سوار بر زرهیهای آمریکایی و ناوهای استرالیایی به‌سرکوب شیعیان یا سنیهای عراق مشغولند!

ـ و روز دیگر خبر می‌دهد که مجاهدین با انگلیسیها مشغول بمبگذاری در اهواز هستند! با اسرائیلیها در بمباران الانبار همکاری می‌کنند!

ـ بعد هم سفیرش در فرانسه دست به‌دامان وکیل فرانسوی می‌شود که بیاییم بگوییم بمباران شیمیایی حلبچه نه کار رژیم بوده ونه کار عراق بلکه کار مجاهدین بوده است!!

ـ چند وقت پیش رژیم خبر داد: ده نفر از اعضای مجاهدین خلق قرار است پس از دیماه برای محاکمه به آمریکا منتقل شوند! و هفتاد نفر هم قرار است در بهمن و اسفند درعراق محاکمه شوند!

ـ رهبر این مقاومت هم که به‌گفتهٔ رژیم و تلویزیونهایش، با ۳۰تن ازعناصر رهبری مجاهدین در پایگاه مرکوری که همان بدیع‌زادگان خودمان باشد «مشغول رهنمود دادن و مشورت دادن به فرماندهان نظامی آمریکا»است! در وسطهایش هم که به‌گفتهٔ رژیم و مزدورانش، گاه می‌رود سوئیس یا اسکاندیناوی، گاه به آمریکای لاتین و گاه به مرز اردن و گاه به سعودی و گاه آن‌چنان‌که مطبوعات مزدور رژیم در عراق نوشتند، می‌رود به اسرائیل!

وقتی هم که جنایتهای هولناک و ددمنشانهٔ رژیم ومزدورانش در زندان جادریه وزارت کشور افشا می‌شود و درستی گفته‌های مجاهدین پس از ربوده‌شدن دو مجاهد خلق، به‌اثبات می‌رسد؛ رژیم کلافگی خود را دریک فرافکنی علیه مجاهدین در ارگان ۹بدر بارز می‌کند و می‌نویسد: «گروه مجاهدین خلق که قصد ایجاد هرج ومرج و بلوا در جامعهٔ عراق دارند در رابطه با بازداشتگاه جادریه گفتند که این وابسته به وزارت کشور و تحت اشراف ایران بوده است. این توطئه را گروههای تروریستی برای متهم‌کردن لیست شیعه و تضعیف موقعیت شیعه واحزاب آن درعراق قبل از انتخابات برنامه‌ریزی کرده اند»!

در هر حال ما یک باردیگر تأکید می‌کنیم که وزارت کشور عراق و نیروهای ویژهٔ آن‌را مسئول حفظ جان دو مجاهد خلق ربوده شده؛ حسین پویان و محمد علی زاهدی می‌شناسیم و خواهان اقدامات قاطع در قبال امنیت و سلامت آنها هستیم.

راستی چرا رژیم تا این اندازه برای نبودن اشرف و مجاهدین در عراق پافشاری می‌کند ؟

آیا بمباران و تخلیهٔ قرارگاهها، ضبط و غارت اموال، جمع‌آوری سلاحها، قطع رادیو، قطع دارو و سوخت و ارزاق و لجن‌پراکنی ۲۴ساعته و انواع اتهامات و برچسبها و محدودیتها و فشارها کافی نیست؟! از نظر رژیم هرگز کافی نیست.

چون تا وقتی که اشرف هست و مجاهدین در این‌جا هستند، صورت‌مسألهٔ سرنگونی و ارتش آزادی به‌قوت خود باقیست و رژیم به تعادل و تثبیت نمی‌رسد.

پیام ماندگاری اشرف و پیام استواری ساکنانش، همان خطر سرنگونی و صورت مسألهٔ سرنگونی نظام آخوندی است. پس این‌جا، نقطهٔ کانونی و استراتژیکی نبرد سرنوشت است.

اگر به‌یاد داشته باشید، دو سه هفته پیش وقتی رژیم آخوندی به‌رغم تقلبات نجومی درجریان انتخابات عراق، در حفظ و تداوم هژمونی خود شکست خورد، و وقتی که یک جبههٔ بزرگ از نیروهای میهن‌پرست و دموکراتیک عراقی را در مقابل خود یافت، بی‌محابا تقصیر را به گردن مجاهدین انداخت!

وزارت اطلاعات آخوندها مجاهدین را «متهم به شرکت فراگیر در انتخابات پارلمانی عراق» و«فعالیت پنهان و گسترده‌یی در جهت تحریک مردم عراق» کرد و لاریجانی دبیرشورای عالی امنیت آخوندها، در تلویزیون رژیم، با سخافت، فرماندهی نیروهای آمریکایی را متهم کرد که «دست به‌دامن مجاهدین شده که شما بیایید تو شهرهای مختلف تبلیغ کنید که این لیست شیعه رأی نیاورد...».

بعد هم خبرگزاری مهر ولی‌فقیه گفت: «حضور مجاهدین در قرارگاه اشرف عامل اصلی اغتشاش و آشوب در عراق» است!

حالا فکرش را بکنید که رژیم چه حالی پیدا می‌کند؛

ـ وقتی که بیش از ۱۲هزار تن از حقوقدانان عراقی، همه اتهامات آخوندساخته را پس از تحقیقات حقوقی، نقش برآب می‌کنند و اعلام می‌کنند که در هر دادگاهی حاضر هستند شهادت بدهند.

ـ وقتی که این ۱۲هزار حقوقدان، همراه با ۵۵۰۰حقوقدان در اروپا برعدم مشروعیت برچسب تروریستی گواهی می‌دهند.

ـ وقتی که در کنار ۲میلیون و ۸۰۰هزارتن از مردم عراق، مجاهدین را وزنه تعادل استراتژیکی در برابر رژیم آخوندها و سد سدید در برابر تروریسم و بنیادگرایی می‌خوانند.

بنابراین، بگذارید یکبار دیگر به رژیم آخوندی، به‌ویژه کانون دژخیمان و مجمع آدمخواران نظام ولایت‌فقیه در کابینهٔ پاسدار احمدی‌نژاد، اطمینان بدهیم که مجاهدین خلق ایران مانند سالیان گذشته نه در ایران و نه در هیچ کجای دیگر جهان، از حقوق خلق در زنجیرشان یعنی حق حاکمیت مردم به‌جای حاکمیت آخوند، کوتاه نخواهند آمد. هم‌چنان‌که به هرقیمتی برروی حقوق حقهٔ خود درعراق طبق مقررات کنوانسیون چهارم ژنو پای خواهند فشرد، هیچ اجبار وتهدیدی را نخواهند پذیرفت و درهیچ شرایطی از آزادی بیان و عقیده و از افشای جنایتها و مداخلات و پروژه‌ها و توطئه‌های رژیم آخوندی صرفنظر نخواهند کرد.

ـ امروز دیگر به اثبات رسیده است که : «اگراشرف بایستد و پایداری کند، جهان خواهد ایستاد».

ـ این یک شعار نبود. این چکیده و محصول یک استراتژی و یک تجربهٔ تاریخی بر روی سه عنصر حیاتی است:

اولاً ـ تمرکز برروی دشمن اصلی یعنی رژیم ولایت‌فقیه و پرهیز از هر مبارزهٔ فرعی و انحرافی دیگر که خواستهٔ رژیم آخوندی است.

ثانیاً ـ توجه به جغرافیای سیاسی ایران و عراق و این‌که چرا در رژیم ولایت فقیه آخوندها هم دردوران جنگ ۸ ساله و هم در شرایط کنونی عراق را نخستین طعمه و برون رفت از بحرانهای خود یافته‌اند.

ثالثاً ـ تلقی واقع‌بینانه از مرحلهٔ پایانی رژیم آخوندی و نیاز شدید آن به سلاح اتمی

خواهران و برادران

هم‌میهنان، ایرانیان شریف وآزاده، یاران و پشتیبانان مقاومت ایران؛

انقلاب ۲۲ بهمن اگرچه رهبریش و حتی شعارها و فرهنگش توسط دزد بزرگ قرن ربوده شد، اما نیست و نابود نشد. بلکه به یمن ۲۷سال پایداری و راهبری پاکبازش، با رودی خروشان از خون شهیدان در پرتو مهر تابان مقاومت و آزادی، به‌یمن ۳۰خرداد و عاشورای ۱۹بهمن، به یمن جاودانه فروغها و شعله‌های فروزان و قهرمانان ارتش آزادی‌ستان و حامیان و هواداران استوار و پرشورش در سراسر جهان، می‌رود تا در«راه‌حل مردم و مقاومت» به‌گل بنشیند و آزادی مردم ایران را محقق کند.

سلام بر پیامبر جاودان آزادی

مصاحبه

همه به پیش به یک صـــدا جاویـــدان ایـــران عزیزما

دو گفتگوی کوتاه با ماندانا روستا و همایون تجلی

در جریان برگزاری مراسم بزرگداشت ۱۹و۲۲بهمن امسال در اشرف، ارکستر و گروه کر بزرگ ارتش آزادی چند ترانه‌سرود مربوط به دوران انقلاب۵۷ را با تنظیمهای جدید اجرا کردند و چند ترانه سرود جدید را نیز به یاد بهمن و انقلاب۵۷ ارائه نمودند. در این‌جا گفتگوهای کوتاهی را که با دوتن از مسئولان برنامه‌های هنری این مراسم صورت گرفته، ملاحظه می‌کنید

ماندانا روستا: پایداری رزمندگان آزادی در آفرینشهای هنری به زیبایی و جاذبه تبدیل می‌شوند

●کدام‌یک از ترانه و سرودهای این مراسم را شما اجرا کردید؟

ترانهٔ «باید یکی شویم» را اجرا کردم، شعرش از شهید خسرو گلسرخی است و یکی از ترانه‌سرودهای خاطره‌انگیز دوران انقلاب است.

البته این اثر را پارسال هم به‌همین مناسبت بازخوانی کرده بودم و امسال دوباره در میدان اشرف و در مراسم، روبه خلق قهرمان و رو به همه کسانی که تشنه آزادی و دنبال آن هستند، یک‌بار دیگر فریاد کردیم که «باید یکی شویم» و باید که با شهر شرف و آزادی یکی شد تا بتوانیم در مقابل این دژخیم بایستیم وسرنگونی را محقق کنیم، و همان‌طور که در شعر گفته است:

باید در هر سپیدهٔ البرز
نزدیکتر شویم
اینان هراسشان ز یگانگی ماست

باید که خنده در آینده جای اشک بگیرد
باید که دستهای خسته بیاسایند
باید که سفره‌ها همه رنگین
باید که قلب ما سرود وپرچم ما باشد

● چرا سراغ بازسازی ترانه سرودهای دوران قیام بهمن رفتید؟

همان‌طور که می‌دانید خمینی انقلاب را دزدید، اعتماد مردم را دزدید، این سرقت بزرگ فقط به غصب حق حاکمیت و قدرت سیاسی محدود نشد، بلکه شامل میراث فرهنگی و هنری و ترانه سرودهای انقلاب هم بود.

خاطره روزهای بهمن و آن انقلاب و زنده‌نگه‌داشتن آن روزها، روزهایی که مردم در اوج اعتماد، در اوج فدا، در اوج صداقت و در اوج همه ارزشها با هم یکی بودند خیلی انگیزاننده است، به این ترتیب ما می‌خواهیم بگوییم که انقلاب بهمن نمرده، بهمن هنوز هم بهمن است.

● در سالهای اخیر شاهد تولیدها و ابتکارهایی از سوی گروههای مختلف هنری در اشرف هستیم. در مورد کارهایشان چه احساس و نظری دارید؟

از نظر من این تولیدات خیلی ارزشمند است نه فقط به‌خاطر تکنیکهای هنری که در آن به‌کار گرفته شده، بلکه به‌خاطر بیان درد، زنده‌کردن و ایجاد حس زندگی و امید و مبارزه، بیان فدا و صداقت یک نسل و رساندن مظلومیت مقاومت و سازمانی که در طی این سالیان در تمام فراز و نشیبهای دوران، تسلیم تعادل قوای مادی روز نشده و پای ارزشها و اصولش و حق وحقوق ملتش ایستاده و... درست برعکس آن‌چه که این رژیم می‌خواهد به همه تلقین کند که وضع همین است که هست و کاری نمی‌شود کرد. ما با سرودهایمان و با ترانه‌هایمان سعی می‌کنیم به بهترین شکل بگوییم که همه کار می‌شود کرد و باید کرد. به‌قول معروف هر آن‌چه از دل برآید، لاجرم بر دل نشیند.

به عبارت دیگر وقتی ارزشهای مبارزاتی تا این درجه از بلوغ وجود دارند. این واقعیت خودش را تحمیل می‌کند و همه جا را فرامی‌گیرد. نمی‌توانیم از تعهد و مسئولیت هنرمند صحبت کنیم و از کنار مهمترین مسئولیتی که هر انسان آگاهی در ایران امروز بر عهده دارد به سادگی عبور کنیم یا در مقابلش بی تفاوت باشیم.

اگر هنر و آفرینش هنری در خدمت این مبارزه و مقاومت و دفاع از حقوق مردمش قرار نمی‌گیرد، دیگر کجا می‌خواهد دین خودش را به جامعه و مردمش ادا کند؟

زیباییها و جاذبه این کارهای هنری به‌طور مستقیم از محتوای خود آنها مایه می‌گیرند. وقتی این آفرینشهای هنری از «اشرف» به مثابه مظهر پایداری و فداکاری برای رسیدن به هدف مقدس مردم ایران سخن می‌گویند،دلپذیر و زیبا و ارزشمند می‌شوند.

همایون تجلی: شور مبارزاتی و سرشاری آرمانی مبنای خلاقیتهای هنری است

● انگیزه بازسازی ترانه‌سرودهای قدیمی و جاافتاده انقلاب بهمن چه بود؟

ترانه‌هاو سرودهایی که در بحبوحه انقلاب ۲۲بهمن۵۷ ساخته شدند، در ساختار یا نحوه تنظیم به‌طورعام از سادگی برخودار بودند و به دلیل این‌که زبان حال مردم و بیان احساسات عصیانی و ضد دیکتاتوری آنها بود، خیلی سریع بر سر زبانها می‌افتادند و خود عامل محرکی بودند برای به‌غلیان در آوردن همان احساسات و حرکات توده‌یی.

قبل از هر چیز همین سابقه آنها را خاطره‌انگیز می‌کند. خاطرات تلخ و شیرین از صحنه‌های جنگ و گریز خیابانی با نیروهای حکومت نظامی دیکتاتوری پهلوی و در مقابلش عشق و صمیمیت و اتحاد و همبستگی مردمی.

البته یک انگیزه دیگر هم هست که بازسازی و اجرای مجدد این ترانه‌ها و سرودها بعد از گذشت ۲۷سال، اگر چه یادآور آن خاطرات است

بقیه در صفحه۱۴

از آن شفق سـرخ تا این مـرمـر گلگون

(یادداشتهایی در مراسم ۱۹و ۲۲ بهمن در اشرف)

سعید عبداللهی

شبی، در فاصلهٔ هوشیاری و ناباوری، در پای تلویزیون، تصویری را تماشا می‌کردم که از حیرتش، مردمک چشمانم نمی‌گذاشتند پلکهایم به‌هم برسند. آن‌جا و در فاصلهٔ آن تصویر و آن نگاه، تمام جهان، برایم خلاصه‌یی از نفرت و اندوه و نیرنگ و بیشرمی بود. آن‌جا و در آن فاصله کوتاه، کسانی از امتداد شفق سرخ و ندای دانایی و حقیقت، غریب و بی‌صدا بودند و کسی از جنس شبق و شنیع و سلسله شقاوت، فاتح و سرمست می‌نمود. آن شفق و ندای حقیقت را، چون گوی فشرده‌یی در گهواره غلتان موسای عمران، در بارگاه خفاشان شب‌پوش و ریاکار فرعون می‌دیدم. آن‌جا و در آن تصویر، آن گوی معلق و بیقرار، در چهره خسته کودکی معصوم بر شانه دژخیم بود.

جلاد، بر بالین شهیدان ۱۹بهمن، و کودک، گوی شتابانی به جانب فرداها که هرگز نتوانستند آرام و خاموشش کنند. شام غریبان ۱۹ بهمن، غریبگی شفق سرخ و حقیقت مجاهدین بود که دلتنگی و هجر سنگینش، هم‌چون مهی سرتاسر ایران و اطراف و اکناف جهان را، هر جا که مجاهدی و وجدان حقیقت‌جوی هوشیار و بیداری بود، پوشاندش.

آن گوی معلق که در هیأت کودکی با مادر وخاله‌ها و عموهای به خون غلتیده‌اش، نماد شام غریبان مجاهدین بود، ۲٤ سال در گردابها و توفانها چرخید و در سونامیهای حیرت‌انگیزی که به جانب نیستی‌اش می‌کشاندند، بر ساحل شهر اشرف فرود آمد و اینک در مقابل نگاهم، بر صفحه بزرگ دو وایداسکرین، در سالنی سرپوشیده و در پای دو تصویر از والامقامترین شهیدان تاریخ ایران، نظاره‌اش می‌کنم. در پای انبوه یادداشتهای ذهن و خاطرم، کلماتی به هم پیوستند: «حقیقتها وقتی صیقل می‌خورند، تاریخ به زبان می‌آید، پرده‌ها را به کناری می‌زند و تصویرها سخن می‌گویند. «بی‌آن‌که قلم را از روی تومار بی‌انتهای یادداشتهای ذهنم بردارم، یکباره مسعود در برابرم تداعی می‌شود که بارها گفته است: «در نبرد مجاهدین با خمینی، هیچ حقیقتی پنهان نخواهد ماند و روزی همگان به همه واقعیتها پی خواهند برد».

میز بزرگی با هشت صندلی و چهار میکروفون روی آن، و تریبونی در کنارش، طول سن را پر کرده‌اند. پرده‌یی سرمه‌یی با چینهای یکدست و پیاپی، چون دیواری بزرگ، در انتهای سن آویخته و روی آن، تابلویی حاوی متن حمایت ۱۲هزار حقوقدان عراقی از مجاهدین، نصب شده‌اند. طرفین سن، دو وایداسکرین بزرگ، صحنه‌ها و تصاویر را از نگاه دوربین برای حاضرین مانیتور می‌کنند. در دو کنج سالن، ۸پرچم بزرگ ایران، در قرینه یکدیگر، کنار هم چیده شده‌اند. جلو پرچمهای سمت راست، دو عکس بزرگ از اشرف و موسی بر روی سکویی از پله‌های مرمر ایستاده‌اند.

در یک ضلع بلند سالن، چهار ستون عراقیان، هر یک با دسته‌گلی در دست، رو به سن ایستاده و کمی جلوتر از آنان، دو ستون هشت نفره مردان مجاهد، با اونیفورم گارد احترام و دستکشهای سفید، حلقه گلی را در طنین کوبشهای طبل و نوای حزن‌آلود مارش، به جانب جایگاه تصاویر شهیدان ۱۹بهمن می‌برند. با گذاشتن حلقه گل بر روی سطح مرمر، نفرات گروه در دو طرف جایگاه، به حالت خبردار می‌ایستند. سپس صف طولانی عراقیان، با پیشقراولی چندین شخصیت سیاسی و حقوقی، از زن و مرد، به طرف جایگاه به حرکت در می‌آیند. در نزدیک جایگاه، به صف می‌ایستند. گروه گروه به پای پله‌ها رفته، با گذاشتن حلقه‌ها و دسته‌های گل، دستهایشان را به حالت نیایش بلند کرده و روبه‌روی شهیدان می‌ایستند. تصاویر بزرگ اشرف و موسی و دیگر خواهران و برادرانشان، وایداسکرینهای طرفین سن را پر می‌کنند. دقایقی بعد، پله‌ها و سطح مرمر، غرق گل می‌شوند. با قطع مارش، جمعیت یکباره می‌ایستد و طنین کف‌زدنهای ممتدشان، فضای سالن را می‌پوشاند.

از میان انبوه دستهایی که کف می‌زنند، به‌ناگاه سرود قسم، چونان موجی برمی‌خیزد و شبانگاه ۱۹بهمن ٦۰ را با تمام زمانها پیوند می‌دهد. آن ندای حقیقت را اینک نه فقط مجاهدین، که همسایگان میهنی‌شان با آنان نجوا و آواز می‌کنند و آن شفق سرخ را در امتداد قسمها و میعادها و پیمانهایی مشترک، در خود و پیرامونشان می‌پراکنند...

بعدازظهر ۲۱بهمن۸٤، در هوایی ابری و اندکی غبارآلود، طنین کوبش سنگین طبلها نزدیک و نزدیکتر می‌شد. صدای طبلها از روزهای قبل، از گوشه و کنار شهر اشرف به گوش می‌رسید. حالا آن صداهای پراکنده به‌هم آمیخته، یکی شده و زمین بزرگ مراسم و هوای خاکستری را زیر پوشش گرفته‌اند. در دو طرف راهرویی فرش‌شده با موکت قرمز، صفها و ستونهایی دیده می‌شوند که زنان و مردانش پلنگی پوشند؛ دیگرانی هستند با قامتی پوشیده از فرنچهای زیتونی. گروه طبلهای سیار با بالاپوش آبی روشن و شلوار سفید در ابتدای این راهرو بلند ایستاده. گارد پرچم نیز با پیراهنهای خاکستری و شلوارهای قرمز و هر یک شمشیری به دست، پیشاپیش گروه طبلها به صف شده‌اند. در ضلع شمال محل مراسم، پشت سر گروه مارش، روی پله‌هایی سفید، گروه بزرگ کُر، نوازندگان و خوانندگان سُرمه‌یی‌پوش با قامتی کشیده و استوار، روبه‌روی نمادی پوشیده در پارچه‌یی خاکستری رنگ، ایستاده‌اند. در ضلع جنوب و غرب، دستهای بلند دو جرثقیل بزرگ، گروه فیلمبرداران و عکاسان را بالای دشتی از اشرفیها و فرشی از رنگها، مستقر کرده است.

صدای محکم زنی، پردهٔ سکوتی در هوا کشید. در جنبشی آنی، رنگهای همگون، در صفها و ستونها، خطی ممتد و یکسان کشیدند. لایه‌های امواج محکم صدایی که هوا را می‌شکافت، روی بام ساختمانها و شاخ و برگ درختان اشرف به پیش می‌رفت. آن امواج محکم، صدای حکیمهٔ سعادت‌نژاد بود که متن تقدیمی سالگرد انقلاب ضدسلطنتی و حماسه ۱۹بهمن ۱۳٦۰ را قرائت می‌کرد. با اعلام برنامه و در متن سکوتی شورانگیز، حریر مخملین صدای غلامحسین بنان، گوهرهای «مرز پر گهر» را بر لبان پیشتازان قهرمان میهنش نغمه کرد.

در امتداد ۲۷سال نبردی بی‌توقف، طبلها و سنجها راه افتادند. صدایی که از فردای ۲۲بهمن۵۷، مجاهدین نگذاشتند حتی یک روز هم خمینی خاموشش کند. زنان شمشیر به‌دست و مردان پرچم بر دوش گارد احترام، از راهرو بلند گذشتند و روی پله‌های نماد ایستادند. پرده‌برداری از نماد پایداری بر زمینه موزیک، همراهی می‌شود.

مسئول اول سازمان، مهمترین فرازها و سرفصلهای سیاسی مبارزهٔ مجاهدین با ارتجاع، در پهنه‌های گوناگون داخلی، منطقه‌یی و بین‌المللی را تشریح کرده و در میان کف‌زدنهای مستمر، مواضع و وظایف مبرم مجاهدین را در این مبارزه پرکشاکش بیان نمود.

به هر صف و ستون و چهره‌یی که نگاه می‌کنی، از زن و مرد، اراده‌یی استوار در میدان یک نبرد را پیرامون خود می‌پراکند. یک ایستادگی مصمم و پافشاری سمج، در نگاهها و آمدورفتها جاریست و در فضا موج می‌زند. احساس می‌کنم این‌جا فقط یک مراسم و گرامیداشت وقایعی تاریخی نیست؛ این‌جا آوردگاه و میدان جنگی بزرگ و جاری و ناتمام با ارتجاع و دیکتاتوری قرون وسطایی است. این‌جا یک شکوه است که به جای مانده و چون زوبینی شورنده و مسرور، صبورانه به افقها نگاه می‌کند؛ لبخند آرامبخش و تسلی‌دهنده‌یی است که گذر حادثه‌های تلخ، از او مرمرهایی با ذراتی رخشان ساخته است.

صفوف رنگارنگ، به سوی سن می‌ایستند. آغاز کنسرت، مارش شورانگیزی از تئودورآکیس با تنظیم شعری روی آن است. لابه‌لای فرود و اوج نتها، به ناگاه قطعه‌یی از سروده‌های دنوس ریسوس، شاعر نامدار یونان به یادم می‌آید:

«زنگار با سنگ مرمر چه تواند کرد
یا غل و زنجیر با توفان ...»

در حاشیه یادداشتها باید به خلق‌کردن و آفریدن زیباییها حتماً اشاره‌یی بکنم. مجاهدین همیشه با تحمل رنجها، هرطور هم که شده، زیباییها را آفریده و نمایان می‌کنند. این سنت و خلق و خوی به عادت تبدیل شده آنهاست و از زیباییهایشان، نه تنها خود، که دیگران نیز لذت برده و از آن تأثیر می‌پذیرند. اما راستی این زیباییها چگونه خلق می‌شوند؟ همین لباسهای رنگارنگ، کلاههای گوناگون، دستکشها، طبلها و آلات موسیقی و از همه زیباتر و ارزشمندتر، این شکوه و غرور توأم با فروتنی و افتادگی را چگونه می‌آفرینند و خود را فدای یکدیگر می‌کنند؟ در این محدودیتها و فشارها، آن هم در یک عراق لت‌وپار شده و مسموم و رنجور، رمز و راز این زیباییها در کجا و چیست؟ آن‌چه به خودشان و روابط درونیشان برمی‌گردد، همان نوشیدن از سرچشمه‌های عشق و ایثار و فدا در مسیر آرمان آزادی بوده، هست و خواهد بود. اما در عالم مادی و عینی و روزانه که با رویدادها و تحولات پیاپی به هم می‌پیوندند، چه مکانیسمی انجام می‌شود تا این زیباییها با حداقل امکانات آفریده شوند؟ آن‌چه من دیدم و شبانه‌روز تجربه‌اش کرده و می‌کنم، یک اصل بسیار بسیار جدی است، آن هم جدیت خلل‌ناپذیر در مبارزه علیه استبداد، ارتجاع و استثمار که همه نشانه‌ها و شاخصهایش در وجود فاشیسم مذهبی آخوندهای غارتگر و ضدبشر تجسم یافته است، می‌باشد. تمام امکانات این مراسم را با حداقلهای موجود و با رنجها و مرارتهای فراوان، اما با سرزندگی، شورمندی، سخاوتمندی، همیاری و همدلی و با ابتکارات مستمر و استفاده از پتانسیلهای انسانی شگفت‌انگیزشان، به‌خصوص در حیطه زنان شورای رهبری و یکایک گوهرهای بی‌بدیل این جنبش ایجاد کرده و به سرانجامش می‌رسانند. حالا فکرش را باید کرد که در فردای بدون آخوند و استبداد و دجالیت، و با وجود آزادی و عناصر شکوفاکننده و تضمین‌کننده آن، به‌راستی چه زیباست ایران ما؛ ایران و ایرانی که باید حشمت و شوکتش را بازیافته و به کف آورد. عزت و سربلندی مجاهدین در مبارزه با ارتجاع خمینی، هم با تمام سختیهایش که گاه هر کدام آنها جنبش و دولتی را از پای درمی‌آورد هم در اتکا و پای فشردن بر استقلال و پتانسیل شگفت‌انگیز انسانیشان بوده و هست. خیلی دوست دارم و دلم می‌خواهد فرصتی دست دهد تا پشت‌پرده‌های این مقاومت، به‌خصوص این چند سال در اشرف را بشود در نوشته‌ها و فیلمها تصویر و تکثیر نمود. آن‌گاه دنیای نوینی از ارزشهای انسانی پدیدار و نمایان خواهد گشت و ادبیات نوینی در قالبهای قصه، رمان و شعر آفریده خواهد شد که بسیاری را خیره و شگفت‌زده خواهد کرد.

با اجرای چند ترانه ـ سرود جدید و آمیختن آنها با پژواک دستهای شورآفرینان، موج رنگها در دشتهای اطراف پراکنده می‌شوند و در هوای شفاف بعدازظهر ۲۲بهمن، در خیابان اصلی شهر، به هم می‌پیوندند. خیابان، چون رودیست در دل دشت که در دو سویش درختان، پرچمها، بلندگوها، آرمها، نمادها، عکسها و طرحها آذینش کرده‌اند.

دوباره بر دروازه‌های نگاه و خاطر و قلم، زیباییست که در می‌کوبد. برای گرامیداشت انقلاب ضدسلطنتی و حماسهٔ ۱۹بهمن، سنگ تمام گذاشته شده است. انقلاب بهمن، روزهای قدسی ایثار بود که دزد و جلاد قرن، ربودش؛ ولی پیشتاز انقلابی با رهبری هوشیارش، هرگز نگذاشت آن فداکاریها و آرزوهای مردم و میهنش توسط مشتی دین‌فروش جنایتکار، نیست و نابود گردد. این مفهوم فشرده در کلمات را، روی یک بوم بزرگ در جایگاه مرکزی مراسم می‌توان دید. تابلویی از یک تاریخ ۲۷ساله، با انبوه فراز و فرودهایش. در سمت راست بالای تابلو، اوج انقلاب بهمن است؛ مردم دارند مجسمه شاه را از روی سکوی آن با طنابی پایین می‌کشند؛ ساختمانهای شهر درلابه‌لای دود، مشتها و فریادها دیده می‌شود؛ مشتها و صداها بر کف خیابانها امتداد می‌یابند و با تغییر یکنواخت رنگها، لباسهای خاکستری و پلنگی، در انتهای خود، در مرکز تابلو، به صف رزمندگان و تانکها بدل می‌شوند؛ زنانی سوار بر تانکها، با نگاهی نافذ به دوردستها می‌نگرند و انقلاب بهمن، در بلوغ بازیافته خود، دوباره به سوی شهرها باز می‌گردد...

زیبای جنگل‌تاب سبز موجاب خیزش، پر غرور
این ارتش فرخنده پی زوبین پر شور و سرور
سنگ صبور رنج خلق صخره خمیده پیش او
تاریخ توفان پشت سر صبحی شکوفان پیش رو.

در پایان ٤ساعت تحرک و تلاطم موج در موج سبزها و زیتونیها و آبیها و خاکستریها بر گرد میدان اشرف حلقه زدند. همه نگاهها منتظر اجرای مراسم گل‌گذاری بود. ٤ نماد تاریخ صدساله ایران، آمدند و ستون مرمری که تصویر اشرف شهیدان ملت ایران بر بالایش ایستاده بود را در میان گرفتند. نم اشکم را از پای چشمم پاک کردم. قلبم داشت تند تند می‌زد؛ داشتم به همین چند سال پیش فکر می‌کردم که حاصلش حالا پیش رویم و پیش روی مردم ایران قرار داشت. موسی در قاب بزرگ عکسش، داشت با همان شکوه چشمان و ابروهایش همه چیز را تماشا می‌کرد. دل توی دلم نبود. سرم را به همه طرف چرخاندم؛ احساس می‌کردم دایره‌یی از نگاه مسعود، از نگاه مریم، از نگاه حنیف، از نگاه همه شهیدان صدسال مبارزه برای آزادی، از نگاه ستارخان، مصدق، میرزا، پدرطالقانی، محمدتقی‌خان پسیان، امیرکبیر، نسرین رستمی، خسرو گلسرخی، سعادتی، سلطانپور، کاظم رجوی، نقدی، جزنی، عارف قزوینی، قتل‌عام شده‌های سال٦۷، ندا و صدیقه، دخترکان و پسرکان خیابانی و بی‌پناه و کارتن‌خواب و تمام مادران داغدار و رنجدیده، به همراه تمام افتخارات و غرور ملی و میهنی مردم ایران، این میدان را محاصره کرده‌اند. چنین بود که در سکوتی سرشار از سروش و سرور و در هاله موسیقی شورانگیز «گل توفان» و پس از ادای احترام و گل‌گذاری بر ستون مرمرین زیر پای اشرف شهیدان، تمام دستها بالای سرخویش حلقه شدند و طنینش را نسیم و برگها می‌بردند و در شعاع پرتوهای ارغوانی خورشید، گره می‌زدند...

قابی از ستارگان
گرداگرد یادهای توست.
موجها تو را می‌شنوند
و بادها
یادهایت را می‌شمرند...
آسیمه‌سری چون تو
با عشق بی‌مرگت
تبرک زمینی...

نمـــادهای افتـــخار

از سـرفصلهای صـد سال مبـارزات مردم ایـران بـرای آزادی

مشروطیت

مصدق

مراسم باشکوه شهر اشرف، به‌مناسبت بیست‌وهفتمین سالگرد انقلاب ۲۲بهمن، با عبور نمادهای «صد سال مبارزه مردم ایران برای آزادی» آغاز شد.
صدسال مبارزه برای آزادی، صدسال رنج و خون، صدسال امید و آرمان یک ملت بزرگ اینک در ایستادگی اشرف، در پتانسیل ارتش آزادی و در پایداری پرشکوه «اشرف» متبلور شده است. انقلاب ۲۲بهمن «نه مرده و نه خاکستر شده». به‌عکس، جریان دائماً عمیق‌شونده و روشنگر خود را، به‌رغم همه خاکسترهایی هم که برسرش ریخته‌اند، هر روز و هر ساعت در هر کوی و برزن و در هر مدرسه و دانشکده و هر خیابان و هر خانه و خانواده از اهواز و ماهشهر و آبادان و شوش، تا مهاباد و سنندج و مریوان و از بندرعباس و نورآباد و گناوه تا فریدونکنار و خرمدره و تهران و از پاریس و لندن و رم تا برلین و استکهلم و اسلو و از بروکسل و وین تا نیویورک و واشینگتن و اتاوا و سیدنی ادامه دارد. انقلاب ایران و مبارزات رهاییبخش مردم ایران، در امتداد تاریخیش، در پایداری پرشکوه شیرزنان و کوهمردان ارتش آزادی در«اشرف» تجسم یافته است.
وقتی پای صحبت دست‌اندرکاران و طراحان این نمادها می‌نشینیم از ابتکاراتی که برای عبور از پیچ‌وخمهایی که در مسیر ساختن آنها مواجه بوده‌اند تا شوق وشوری که هر رزمنده برای به‌ثمررساندن آن داشته،خلاصه همین تاریخ صدسال مبارزه بی‌امان را می‌توان مشاهده کرد.

انقلاب مشروطه و قیام جنگل(۱۳۰۰-۱۲۸۸)

برروی یک لوح سنگی بزرگ با حکاکی سه قبضه توپ، نمادی سربرآورده که انقلاب مشروطه و سردار فراموشی‌ناپذیرش ستارخان و نیز قیام جنگل و سردار سربه‌دارش میرزا کوچک خان را نمادینه می‌کند. انقلاب مشروطه که در ۱۲۸۵ با صدور فرمان مشروطه به پیروزی رسیده بود، به‌زودی درزیر سم ستوران محمدعلیشاه محو و سرکوب شد، اما با پایمردی سردار ملی ستارخان و یار وفادارش باقرخان به یمن وجود مجاهدان آزادی‌ستانش دوباره جان گرفت و تا فتح تهران و به گورسپردن استبداد قاجاریه پیش رفت. اما وقتی فروغ جنبش مشروطه بر اثر خیانتهای داخلی و دخالتهای استعماری و حذف مجاهدان و پیشگامان انقلاب، سردارانی چون خیابانی در آذربایجان و سردارانی چون میرزا کوچک‌خان به‌پا خاستند، به خاموشی گرایید، سردار جنگل که خود از مجاهدان مشروطه و یاوران ستارخان بود، قیام جنگل را درگیلان سازماندهی کرد. امروز نوادگان سردار ومیرزا در«اشرف» پرچم سرداران تاریخی خود را به دوش گرفته، می‌روند تاآرمان آنان را محقق کنند.
عنصر اصلی در طرح نماد مشروطه و قیام جنگل استفاده از شکل توپهایی است که در همان دوران استفاده می‌شده است. ابعاد قاعده این نماد ٤متر در ۷متر و ارتفاع آن ٦متر است.
یکی از دست‌اندرکاران تهیه این نماد می‌گوید، ساختن آن حدود ۱۵۰۰نفرساعت کار مفید به خودش اختصاص داده است. یکی از ابتکارها نحوه حرکت این نماد بر روی یک خودرو است. مشکل هدایت خودرو، بانصب یک دوربین کوچک که از بیرون دیده نمی‌شود و تصاویر بیرون را به صفحه یک کامپیوتر در کابین راننده منتقل می‌کند حل شده است.

نهضت ملی دکتر مصدق(۱۳۳۲-۱۳۲۹)

مصدق کبیر، پیشوای نهضت ملی و ضد استعماری مردم ایران، نه تشکیلاتی داشت که آرمانهای او را جامه عمل بپوشاند و نه بازوی آهنینی که از حکومت ملی او حراست کند.
راهبر بی‌پشت و پناهی که اگرچه در قلوب مردم ایران جای داشت و عموم ایرانیان پشتیبان حکومت ملی او بودند، اما به‌خاطر همان کمبود اساسی، در یک کودتای استعماری و ارتجاعی او را سرنگون کردند و دیکتاتوری سیاه سلطنتی را دوباره برایران حکمفرما نمودند.
یکی از مسئولان اجرای این طرح می‌گوید: «کمیته طراحی بعد از بحثهای فراوان نهایتاً به این نتیجه رسید که یک دیوارسنگی که چهره مصدق را در حالی‌که روی دوش مردم حمل می‌شود، مردمی که در تظاهرات ۳۰تیر با سر دادن شعار «یا مرگ یا مصدق»، از آماج گلوله‌های سربازان شاه عبور کرده و صحنه را به نفع دکتر مصدق تغییر داده بودند، می‌تواند بهترین نماد این مقطع از تاریخ مردم ایران باشد.
طراحی و اجرای این طرح که قاعده آن ۸متر در ۳متر و به‌ارتفاع ۷ متر است بر روی یک اسکلت فلزی تماماً از فوم و یونولیت ساخته شده است. اجرای آن از اولین مراحل طرح تا روز مراسم ۲۱روز به‌درازا کشید. در دو هفته اول یک تیم دونفره به آن اختصاص یافته بود و در مرحله نهایی که آخرین روزهای اجرای آن بود، ۱۵نفر با روزانه۲۰ساعت کار مستمر ساختن آن را محقق کردند. بیش از ۳۰۰۰نفرساعت وقت صرف ساختن آن شد.
موضوع تهیه نمادی که یک چهره را به صورت برجسته نشان می‌داد جدید بود. ما هیچ تجربه‌یی در مورد آن نداشتیم. به خصوص که پرتره مصدق به اندازه ۳×٤ متر نیاز به کار یک مجسمه‌ساز حرفه‌یی داشت. در گام اول تلاش کردیم مناسبترین عکسی که برای تهیه این مجسمه مناسب باشد را پیدا کنیم. دست آخر همان تصویری که بر روی جلد مجله تایم از مصدق چاپ شده و در همان شماره او را به عنوان «مردسال» معرفی کرده بودند به‌عنوان مناسبترین مبنا برای ساختن پرتره مصدق انتخاب شد.
مشکل دیگر این بودِ که در جریان عمل وقتی قرارشد دوچهره کاملا مشابه از مصدق در دو طرف نماد تراشیده شود، کار را پیچیده‌تر کرد.
ازابتدا تا انتهای این کار فقط دو هفته وقت داشتیم و این در حالی بود که باید به حداقلهای امکانات موجود در اشرف متکی می‌بودیم و محدودیتهای شرایط اجازه نمی‌داد. روزی که خبر دادند در یکی از انبارهای اشرف مقداری فوم پیدا شده. دست اندرکاران این نماد جشن گرفتند. اما همه باید می‌دانستیم که کمیت آن به قدری است که هیچ جایی برای اشتباه‌کردن در استفاده از آن وجود ندارد.

تأسیس سازمان مجاهدین خلق ایران۱۳۴۴

پاسخ آن سؤال تاریخی و کمبود اساسی مبارزات صدساله را محمد حنیف‌نژاد و یاران پاکبازش سعید محسن و اصغر بدیع‌زادگان به تاریخ ایران دادند. آنها با تأسیس سازمان مجاهدین خلق ایران درسال ٤٤، از این بن‌بست تاریخی راهی نو گشودند و مبارزات مردم ایران را که پس از ناکامیهای انقلاب مشروطه و مصدق و سرکوب خونین ۱۵خرداد سال٤۲ به بن‌بست کامل رسیده بود، نجات دادند. نماد تأسیس سازمان مجاهدین خلق ایران مشعلی است فروزان برفراز یک دیواره سنگی که سه ستاره پیشتاز به نشانه سه بنیانگذار کبیر مجاهدین برآن حکاکی شده است. همان بنیان مستحکمی که مشعل انقلاب نوین مردم ایران را شعله‌ور کرد. طرحی نو برفلک سیاسی و اجتماعی ایران که حاصل جمعبندی مبارزات گذشته و علل شکست آنها بود.
مسئول اجرای این طرح می‌گوید: «سه هفته مانده به مراسم در یکی از نشستهای مربوط به آمادگی برای مراسم امسال موضوع تهیه نمادها هم مطرح شد و بحث و مناقشه بر سر تهیه مواد آن که در شرایط امروز عراق تهیه آن مشکل است، درگرفت.
ابتکار و تجربه ساختن نمای بیرونی نمادها که عیناً مشابه سنگتراشی به نظر برسد در کارگاه یکان ما به ثمررسید و به سازندگان سایر نمادها منتقل شد.
در حدود ۳۵۰۰ نفر ساعت برای این نماد وقت مفید اختصاص یافته است. هر چه به روز مراسم نزدیکتر می‌شدیم مجبور به فشرده‌تر کردن زمانبندی کار و کاستن از زمان استراحت بودیم.

سرآغاز مقاومت انقلابی ـ ۳۰ خرداد ۱۳۶۰

اکنون ناقوسهای ۳۰ خرداد به صدا درمی‌آیند. نماد ۳۰ خرداد، روز تاریخی اتمام حجت نهایی مردم و مجاهدین با خمینی، از راه می‌رسد. با ۳۰ خرداد است که انقلاب بهمن نمی‌میرد و خاکستر نمی شود. در این روز تاریخ ایران ورق می‌خورد و دوران مقاومت انقلابی برای سرنگونی رژیم خون‌آشام خمینی فرا می‌رسد. نماد ۳۰خرداد، نمایش ناقوسهای حک‌شده بردیوار سنگی است. پاسخ مجاهدین به ناقوسهای ۳۰ خرداد، پاسخ عاشوراگونه است. باید به هرقیمت درمقابل خمینی که به مرگ یا تسلیم فرا می‌خواند برخاست و گفت هیهات مناالذله.
یکی از مسئولان اجرای این طرح می‌گوید: «طرح ناقوس نشانگر آغاز مقاومت عادلانه مردم ایران در برابر رژیم خمینی در ۳۰خرداد سال ٦۰ است. شکل ناقوس را از عبارتی در یکی از سرودهای سازمان «ناقوس مرگ دشمنان» الهام گرفته‌اند.
در مجموع حدود ۱۵۰۰نفر ساعت وقت صرف ساختن آن شده است. اولین مشکلی که مواجه بودیم کمبود مواد اولیه بود.
مشکل بعدی این بود که چنین اشکال بزرگی را چگونه یکپارچه کنیم. به طوری که از بیرون تماماً باید به صورت یک سنگتراشی عظیم دیده شود.
مشکل دیگر فاصله کارگاه یکان ما تا خیابان ۱۰۰ (محل برگزاری مراسم) بود. به‌خصوص که باید ازخیابانهای فرعی عبور می‌کردیم. ارتفاع نماد وقتی روی خودرو حمل‌ونقل قرار می‌گرفت به قدری زیاد می‌شد که با کابلهای فشار قوی برق و موانع دیگر در خیابانها مواجه می‌شدیم. مجبور شدیم یک قطعه بزرگ بالای ناقوس را جداگانه درست کنیم و صبح زود نماد و قطعه بالایی آن‌را جداگانه به خیابان ۱۰۰ ببریم و در محل مراسم به هم وصل کنیم. تمام افراد دست اندرکار این طرح تا آخرین دقایق مانده به شروع مراسم کار می‌کردند و تنها چند دقیقه قبل از شروع مراسم، کار وصل کردن دو قطعه ناقوس را به پایان رساندند.
کاهش هزینه در اجرای این طرح نیز از مهمترین انگیزه‌های افراد دست‌اندرکار بود. تمام آهنهایی که در اسکلت این نماد به کار رفته از لابلای دیوارهای مخروبه بیرون کشیده شد و تمام آرماتورهای به کار رفته را از دیرکهای بتونی شکسته بیرون کشیدند. هزینه ساخت این نماد تنها ۲۰درصد برآوردها و بودجه اختصاص یافته به آن بود».

۳۰خرداد

گفتگویی کوتاه...

بقیه از صفحه ۱۲

ولی عنصر مهمتری هم نقش ایفا می‌کند و بیان این حقیقت است که آن شور و هیجان و پتانسیل آزادیخواهانه و ضددیکتاتوری مردم ما، که دارو دسته آخوندها به خیال خام خود قصد نابودی، خاموشی و به‌فراموشی سپردن آن را داشتند، هم‌چون آتشی نهفته در خاکستر هنوز زنده است و آمادگی شعله‌ور شدن و زبانه‌کشیدن را دارد. به قول مسعود: انقلاب عظیم مردم ما نه مرده و نه خاکسترشده.
فکر می‌کنم همهٔ ما ایرانیها هر جا که باشیم در این احساس با هم مشترک و موافقیم که هنوز هم وقتی می‌شنویم و یا با خود زمزمه می‌کنیم: «همه به‌پیش، به یک‌صدا، جاویدان ایران عزیز ما» انگار صدایی در گوشمان زمزمه می‌کند که: باید رفت، باید به پیش تاخت، باید خلق اسیرمان را میهمان کنیم، میهمان سرنگونی رژیم آخوندی و برقراری آزادی و دموکراسی.

●چه مشکلاتی در تولیدهای هنری سالگرد ۲۲بهمن امسال وجود داشت و چگونه حل کردید؟

شرایطی که ما در آن به‌سر می‌بریم، شرایط عادی یا آرامی نیست. چه به لحاظ سیاسی و حتی امکاناتی و شرایط شغلی و کاری که برای آفرینشهای هنری ضروری است. در حالی که کار ساختن و پرداختن و تمرین و ضبط یک اثر موسیقی، همه مقولاتی هستند که بایستی با تمرکز و در شرایطی بدور از تنش و با امکانات مکفی پیش بروند . به‌خصوص وقتی می‌خواهیم برنامه‌یی در سطح برنامه امسال ارائه کنیم.
یکی از مشکلات ما برق بود که به دلیل وجود هوای نامناسب و بارندگی دائم قطع و وصل می‌شد، تا جایی که در بعضی نقاط تهدید جدی برای دستگاهها و ابزار الکترونیکی و برقی ما به‌شمار می‌آمد و کار ما را مختل می‌کرد.
مشکل دیگر این بود که برخی از کادرهای هنری ما از نوازنده و خواننده تا سرایندگان کر نه فقط در کار هنری، بلکه در زمینه‌های دیگری هم مسئولیت داشتند و به‌کارگیری آنها برنامه‌ریزی و هماهنگیهای پیچیده‌یی می‌طلبید. آن هم وقتی رهنمود این است که در کمترین زمان، به بیشترین راندمان دست پیدا کنیم.
اما همهٔ اینها با یک چیز و بر اساس یک فرمول و یک قانون حل می‌شدند و از سر راه برداشته می‌شدند. آن‌هم این حقیقت است که ارتش آزادیبخش ملی ایران، ارتشی است سرشار از خلاقیت و شور مبارزه و کار. یعنی چیزی که در این جا مبنای خلاقیت هنری است، شور مبارزه و سرشاری آرمانی عنصر مجاهد خلق است.
الان که این پروژه را پشت سر گذاشته‌ایم، وقتی به گذشتهٔ نزدیک مربوط به روند همین کارها نگاه می‌کنم، دچار حیرت می‌شوم که چگونه در چنین زمانبندی کوتاهی ما این برنامه را اجرا کردیم؟
در حالی که همان‌طور که گفتم نفرات گروه کر ما در عین حال که درگیر تمرین و ضبط بودند، به کارهای دیگری هم مشغول بودند که مربوط به آماده‌سازیهای مراسم رژه بود.
به‌طور خلاصه فقط در سایه این روح همیاری و همکاری و در سایه هدفی واحد، که همانا مقاومت و مبارزه تا سرنگونی رژیم آخوندی است، توانستیم برنامه‌هایی را که مد نظر داشتیم، با وجود مجموعه مشکلات و موانع، محقق کنیم.

بزرگداشت سالگرد عاشورای مجاهدین حماسه اشرف و موسی در شهرهای میهن

برگزاری مراسم ۱۹ بهمن توسط خانواده‌ها و هواداران مجاهدین در اهواز

برگزاری مراسم ۱۹ بهمن توسط خانواده‌ها و هواداران مجاهدین در چهارمحال بختیاری

برگزاری مراسم ۱۹ بهمن توسط خانواده‌ها و هواداران مجاهدین در اهواز

بزرگداشت ۱۹ بهمن توسط هواداران مجاهدین در خوی ـ آذربایجان غربی

تهران

اصفهان

خرم‌آباد ـ قبرستان خضر محل دفن شهدای مجاهد خلق

اهواز

مشهد

زنجان

تهران ـ خیابان مولوی

میاندوآب

تهران ـ نیاوران

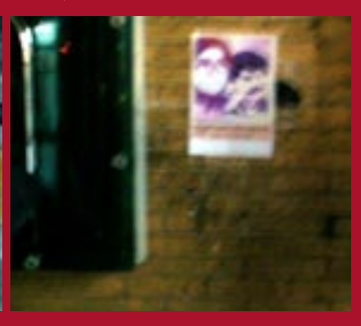
مشهد

نمونه تراکتهای توزیع شده

به‌رغم تشدید فضای اختناق و سرکوب، هواداران مجاهدین، جوانان آزادیخواه، خانواده‌های مجاهدین و انجمنهای مختلف درسراسر کشور، با برگزاری مراسم بزرگداشت، انجام فعالیتهای تبلیغی و صدور اطلاعیه، سالروز عاشورای مجاهدین، حماسهٔ سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف رجوی و سردار شهید خلق، موسی خیابانی در ۱۹بهمن سال ۱۳۶۰ را گرامی داشتند:

جوانان هوادار مجاهدین در شهرهای تهران، قم، کرج، اصفهان، مشهد، اهواز، زنجان، سمنان، تبریز، خوی، و برخی دیگر از شهرهای استانهای آذربایجان غربی و شرقی، کردستان و کرمانشاه، اقدام به شعارنویسی و نصب تصاویر شهیدان اشرف رجوی و سردار خیابانی و یاران آنها در حماسهٔ ۱۹بهمن ۱۳۶۰، نمودند.

انجمنهای هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران، ازجمله انجمن مادران تهران، انجمن هواداران شرق تهران، انجمن هواداران غرب تهران،کانون اصناف تهران، انجمن پیام، انجمن رهایی، انجمن حشمتیه، انجمن ورزشکاران کرج، انجمن آزادیخواهان کرج، انجمن فرهنگیان کرج، انجمن دانشجویان قزوین، انجمن فرهنگیان اصفهان، انجمن اصناف اصفهان، انجمن فرهنگیان مشهد، انجمن کوهنوردان آذربایجان شرقی، انجمن جوانان آذربایجان غربی، انجمن دانشجویان آذربایجان غربی، انجمن دانشجویان استان زنجان، انجمن دانشجویان و دانش‌آموزان چهارمحال بختیاری، انجمن مادران چهارمحال بختیاری، انجمن جوانان آزادیخواه استان کردستان، انجمن دانشجویان استان مرکزی، انجمن زنان آزادیخواه بندرعباس، انجمن دانش‌آموزان و دانشجویان مازندران، انجمن فرهنگیان مازنداران، انجمن دانشجویان سیستان و بلوچستان، اطلاعیه‌هایی به‌مناسبت سالگرد عاشورای مجاهدین صادر کردند.

در اطلاعیه‌های انجمنهای مختلف ضمن تجلیل از شهدای والامقام ۱۹بهمن سال ۶۰ بر ادامه راه آنها تا سرنگونی رژیم ضدبشری آخوندی تأکید شده است.

نمونه‌هایی از اطلاعیه‌های تشکلهای هوادار مجاهدین پخش شده در شهرهای مختلف

انجمن مادران شمال تهران

نوزدهم بهمن ماه روز شهادت مجاهدین قهرمان اشرف و موسی و سایر همراهانشان را به‌دست خون‌آشامان حکومت دیکتاتوری آخوندی گرامی می‌داریم و امیدواریم بتوانیم رهروان شایسته‌یی در جهت تحقق اهداف والا و انسانی آنها باشیم.

انجمن مادران شمال تهران

انجمن مادران تهران

به تمام مرتجعین حکومت ایران اعلام می‌کنیم که راه موسی و اشرف و تمامی شهدای مجاهد تا رهایی ایران از یوغ استبداد ادامه دارد.

نوزده بهمن گرامی باد
انجمن مادران تهران

انجمن جوانان هوادار مجاهدین در کردستان ایران
یاد باد «یاد یاران» یاد باد

۱۹بهمن سالروز حماسه بزرگ و خونین که زنجیرهای مقاومت و شرف را به شهادت وصل کرد گرامی باد.

هرچند که اشرف زنان مجاهد و سردار کبیر مجاهد خلق و دوستان و یارانی را از دست دادیم اما راه رهایی و آزادگی پر نورتر گردید و پیام صریح آن شهیدان برای همیشه مشعل مقاومت و راه ما شد. «وفای به‌عهد و فدای همه چیز برای مقاومت تا پیروزی بر دشمن ضدبشری».

با الگو قراردادن عمل و ایدئولوژی مبارزه برای رهایی بشریت از چنگال اهریمنی خمینی دجال و اطرافیانش راهشان را ادامه می‌دهیم و یادشان را گرامی می‌داریم.

انجمن جوانان هوادار مجاهدین در کردستان ایران

بهمن ماه ۱۳۸٤

تشکل فرهنگیان(تهران) هوادار مجاهدین خلق بهمن۱۳۸٤ـ

به‌نام خدا و به نام خلق قهرمان ایران

«بارها از برادر شهید و بنیانگذارمان شنیدم... جزو کسانی که نام می‌برد که تا آخر در این راه خواهند ایستاد، در صدرشان موسی بود» (رهبر مقاومت برادر مجاهد مسعود رجوی)

برچسب تروریسم و شکنجه آن‌چنان بر پیشانی نظام استبدادی و ارتجاعی آخوندی چسبیده که در تمام دنیا این رژیم را با این دو نام می‌شناسند. تا جایی که حتی خود سردمداران رژیم بارها بدان اعتراف کردند.

اما اوج ددمنشی و سفاکی ملاها در سال ۱۳۶۰ بود آن روزها برادران و خواهران مجاهد و مبارز دسته دسته در گروههای چندین نفری به جوخه اعدام سپرده می‌شدند تا درون آشفته ضحاک زمان خمینی دجال اندکی آرام گیرد. مردم شاهد شهادت بهترین فرزندان خلق بودند. اما دردناکترین لحظه‌ها زمانی بود که خلق ایران در سرمای حاکمیت جلادان شب‌پرست در ۱۹بهمن ماه خبر یورش وحشیانه به قرارگاه سردار و فرمانده مجاهدین در داخل کشور و قائم‌مقام برادر مسعود را شنیدند. خلق ایران شاهد «وفای مجاهدان به پیمان خویش» بودند. رژیم خمینی به تصور این‌که می‌تواند با شهادت موسی و اشرف و یاران او خلق را مدتی به سکوت وا دارد یکباره شاهد تلاطم دریای خروشان خلق شد. او که با برنامه از پیش تعیین‌شده سرمست از پیروزی واهی قصد شکستن پایداری مجاهدین در زندان را داشت به یکباره استواری و غرش شیران در بند را در سلولهای مخوف خویش می‌بیند و تمام نقشه‌هایش نقش برآب می‌شود. موسی سمبل شیر مردان سر بداری می‌شود که هزاران سردار در میدان رزم می‌شوند و اشرف سمبل زنان مجاهدی می‌شود که در «اشرف» شرافت را به نمایش می‌گذارند و الگویی برای زنان انقلابی جهان می‌شود.

هنوز صدای موسی در گوش این خلق در طنین است که: «انقلاب متعلق به‌شما نسل جوان انقلابی است که بار اصلی انقلاب را به‌دوش کشیده‌اید... سازمان مجاهدین هم مال شماست، آینده متعلق به‌شماست، یقین داشته باشید که آینده متعلق به‌شماست، آینده متعلق به انقلابیون است. نیروهای میرا از صحنه حذف خواهند شد».

امروز پس از ۲٤سال از عاشورای مجاهدین، خلق ایران، سیمای اشرف و موسی را در چهره خواهران و برادران مجاهد خود جستجو می‌کند. ما با تمام توان با یاری خداوند و رهنمودهای رهبری مقاومت و رئیس‌جمهور برگزیده خواهر مریم رجوی، اشرف‌ها و موسی‌هایی تربیت خواهیم کرد که سراسر وطن فریاد اشرف و موسی شود. و با تمام وجود راه آنان را ادامه خواهیم داد و تا نابودی سیاهی و طلوع خورشید رهایی از پای نخواهیم نشست. امروز پاکترین جوانان خلق در امیرخیز هریک سمبلی از وفا و پایداری جوانان و مجاهدان در داخل ایرانند. امیدواریم روزی این گلهای شکوفان نیم قرن مبارزه علیه استبداد و ارتجاع را در میدان آزادی در آغوش بگیریم. «بیچاره شب‌پرستان که ندانستند چنین خونهایی هم‌چون اخگر سوزان و فروزان بردامن تباهشان می‌افتد و بنیادشان را فرومی‌ریزد و به‌آتش می‌کشد و بیش‌از پیش پیروزی قطعی بر ستمگران را نوید می‌دهد».

الذین یوفون به‌عهدالله و لاینقضون المیثاق والذین یصلون ما امرالله به ان یوصل و یخشون ربهم و یخافون سوءالحساب. آنهاکه به‌عهد و پیمان خود با خدا وفا می‌کنند و هرگز پیمان نمی‌شکنند. آنها که پیوند می‌دهند آن‌چه را خدا فرمان داده که پیوند یابد. خشیت پروردگار خود را به‌دل دارند و از حسابرسی و زشتی بیلانشان می‌ترسند.

درود بر رهبر مقاومت خلق ایران مسعود رجوی
درود بر رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت مریم رجوی
درود بر رزمندگان شهر اشرف
تشکل فرهنگیان(تهران) هوادار مجاهدین خلق بهمن ۱۳۸٤

مراسم ۱۹ و ۲۲ بهمن در ۲۱ شهر جهان با شرکت

مراسم بزرگداشت ۱۹بهمن، عاشورای مجاهدین، سالروز شهادت سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف رجوی و سردار شهید خلق موسی خیابانی و ۱۸ مجاهد همرزمشان و بیست و هفتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی در شهرهای پاریس، لندن، رم، اوربینو، لاهه، زوریخ، کلن، هامبورگ، بروکسل، استکهلم، یوتوبوری، اسلو، کپنهاگ، سیدنی و شهرهای تورنتو، اتاوا، ونکوور در کانادا؛ واشینگتن، لس‌آنجلس، بوستون و برکلی در آمریکا با حضور انبوه هواداران مقاومت و ایرانیان آزاده برگزار گردید.

در این مراسم، علاوه بر سخنرانی و دکلمه شعر، بخشهایی از سخنرانی رهبر مقاومت در مراسم سالگرد ۱۹بهمن در سال۶۴ پخش گردید.

در کشورهای مختلف اعضای شورای ملی مقاومت، مادران و خانواده‌های شهیدان مجاهد خلق، فعالان مقاومت و جمع کثیری از ایرانیان آزاده حضور داشتند.

محلهای برگزاری مراسم، مزین به عکسهای بزرگی از اشرف و موسی و نوشته‌هایی از سردار خیابانی و آخرین نامهٔ اشرف شهید به مسعود بود که بر دیوارهای طرفین سالن نصب شده بود.

در مراسم پاریس، خانم فاطمه رضایی طی سخنان خود با درود به «شهید اشرف رجوی، سمبل زن انقلابی مجاهد خلق اشرف رجوی و سردار فراموشی‌ناپذیر آزادی موسی خیابانی و ۱۸تن از فرماندهان و مجاهدان قهرمانی که در رکابشان جنگیدند» به شقاوت و درندگی دژخیمان خمینی اشاره نمود. وی با استناد به گزارشهایی که از درون زندان رسیده بود، به‌عنوان نمونه خاطرنشان کرد که چگونه دژخیمان رژیم، دسته دسته اسرای زندانی مجاهد خلق را بر فراز پیکر شهیدان ۱۹ بهمن حاضر می‌کردند تا روحیه آنها را درهم بشکنند. اما بسیاری از قهرمانان در زنجیر با ادای احترام به پیکرهای خونین حماسه‌آفرینان ۱۹ بهمن، خود نیز به‌جوخه تیرباران سپرده شدند و به اشرف و سردارشان پیوستند. خانم فاطمه رضایی در بخش دیگری از سخنان خود ماندگاری و پایداری پرشکوه نسل مجاهد خلق به‌خصوص در سالهای اخیر را ادامه و فرازی درتداوم همان حماسه دانست. دراین مراسم آقای محمدعلی توحیدی نیز سخنرانی کرد که متن آن‌را در همین شماره ملاحظه می‌کنید.

در مراسم لندن، آقای حسین عابدینی در سخنرانی خود گفت: در صحنهٔ عاشورای مجاهدین خون هزاران رزمنده و میلیشیای قهرمان مجاهد خلق در خون اشرف و موسی گره خورد و در شریان تاریخ مبارزات این میهن جاودان گردید و چون مشعلی فروزان در مسیر آزادی خلق و میهن و تحقق آرمان جامعهٔ بی‌طبقهٔ‌توحیدی، برافروخته شد.

وی گفت: امسال عاشورای مجاهدین مصادف با عاشورای حسینی است، مجاهدین با برافراشتن پرچم هیهات مناالذله در مقابل رژیم ضدبشری آخوندی ایستادند و این نبرد هم‌چنان ادامه دارد.

حالا ۲۴سال از آن حماسه می‌گذرد، و سازمانی که خمینی دجال و شقاوت‌پیشه و رژیم ضدبشری او کمر به نابودی آن بسته بود، در فرازهایی بسا پرشکوه و نشیبهایی پرشکیب به‌خصوص در سه سال گذشته، ماندگاری و پایداری نسل مجاهد را به‌ثبت رساند.

پایداری پرشکوه در بغرنجترین و سهمگین‌ترین آزمایشها و ماندگاری و پیشروی نسلی مقاوم، از مجاهدان شهر اشرف تا هواداران سازمان در گوشه و کنار جهان که بر هر مانع و سکون وتسلیم شوریدند، مغلوب تعادل قوا نشدند، و در سیاهترین روزها به‌طلوع خورشید آزادی امیدوار بودند و با پایداری دلیرانه در برابر دیکتاتوری آخوندی جهان را به ایستادگی در برابر هیولای بنیادگرایی برانگیختند.

هم‌چنین خانم پروفسور اسیتر استاد فلسفه در دانشگاه بریستول و از حامیان مقاومت ایران طی سخنانی به پایداری و اصالت مجاهدین اشاره نموده و نقش سازمان مجاهدین را به‌عنوان یک سازمان عمیقاً ضدبنیادگرایی ستود و حمایت روزافزون در بین سیاستمداران و حقوقدانان انگلستان را بیانگر حقانیت و اصالت این مقاومت بر حق دانست.

در مراسم تورنتو هم‌میهنان شرکت کننده به دیدن مراسم قهرمانان شهر شرف و پیام مسئول اول مجاهدین دعوت شدند. این برنامه شور شرکت‌کنندگان را به شدت برانگیخت، به‌طوری‌که به کف‌زدنهای مکرر پرداختند.

در مراسم اتاوا، آقای احمد حسنی سخنانی در شأن این روز که از یک‌طرف چشمان خلقی را گریان و از طرف دیگر اوج پاکبازی رهبری یک نسل به خون خفته را بیان می‌کرد ایراد کرد. وی گفت: خمینی و رژیمش فکر می کردند که بااین شهادتها و متعاقب آن با انبوه اعدامها و قتل عام ۳۰ هزار زندانی مجاهد و مبارز می‌توانند نسلی را از ادامهٔ مقاومت برای رسیدن به آزادی باز دارند ولی پایداری و ماندگاری اشرف خلاف این ادعا را ثابت کرد.

آقای حسنی شعری را به مناسبت شهادت اشرف زنان مجاهد قرائت کرد.

در مراسم لاهه مادر همدم امامی مادر مجاهد شهید سعید سعید پور از شهدای قهرمان ۱۹ بهمن، که خود نیز در آن زمان زندانی بود، از خاطرات سعید شهید و یاران قهرمانش سخن گفت. سپس تنی چند از زندانیان سیاسی در زمان خمینی جلاد، خاطرات خود را از روزهای پس از۱۹بهمن درزندانهای خمینی و برخورد مردم با شهادت اشرف وموسی بازگو کردند که موردتوجه شرکت‌کنندگان قرارگرفت.

پس از آن خانم فاطمه نیکوهمت از خانه فیلم ایران در هلند، یک نماد سنگین را که مزین به گل و پرچم ایران بوده است و به‌یاد شهدای ۱۹بهمن ساخته شده بود، به مجاهدان شهر شرف تقدیم نمود و در کنار یادوارهٔ عکس اشرف قرار داد.

در مراسم کلن مادر فرزانه‌سا از مادران شهدای ۱۹بهمن به‌شرح خاطراتی از این روز پرداخت که مورد توجه و استقبال حضار قرار گرفت.

درمراسم واشینگتن آقای رضا صباحی در قسمتی از سخنانش گفت: مجاهدین با برافراشتن پرچم هیهات منا الذله در مقابل رژیم ضدبشری آخوندی ایستادند و این مقاومت و پایداری هم‌چنان ادامه دارد. حالا بعد از ۲۴سال که از جانبازی شهدای والامقام ۱۹بهمن سال۶۰ می‌گذرد، سازمانی که خمینی درصدد نابودی و قتل‌عام آن بود، در فرازی بسا پرشکوه، به‌خصوص در سه سال اخیر، ماندگاری و پایداری خود را به‌ثبت رساند.

در قسمتی از برنامه، آقای پرهام ملیحی که خود در ۱۹بهمن سال۶۰ در زندان اوین شاهد نمایش اجساد شهدای مجاهدین توسط لاجوردی و شکنجه‌گران رژیم بوده، مشاهدات و خاطرات خود را برای حاضران شرح داد که آنها را تحت تأثیر قرار داد.

درمراسم استرالیا سخنرانان ایرانی و استرالیایی به ایراد سخنرانی پرداختند. سخنرانان این جلسه عبارت بودند از:

نصرت حسینی، یکی از جوانان برگزیده سال ۲۰۰۵ در ملبورن استرالیا،

محمد صادقپور، یکی از اعضای انجمن دفاع از آزادی و حقوق بشر در ایران- استرالیا، دکتر جاسلین آنا اسکات، حقوقدان و نویسنده مدافع برابری حقوق زنان در استرالیا، دکتر مریدیس برگمن، نماینده مجلس ایالت نیو ساوت ولز از حزب کارگر،

سیلویا هل، نماینده پارلمان نیو ساوت ولز از حزب سبزها

دکتر آرتور چسترفیلد- ایوان، نماینده پارلمان ایالت نیو ساوت ولز و رهبر حزب دموکرات در این ایالت

سلی مک مونس، نماینده اتحادیه کارگری و یکی از اعضای ائتلاف صلح وعدالت در سیدنی.

در عموم مراسم اشعاری در بزرگداشت شهدای انقلاب ۲۲بهمن۵۷ و شهدای ۱۹بهمن سال۶۰ خوانده شد. پایان‌بخش برنامه پاریس شعرخوانی آقای حمید نصیری شاعر و نویسندهٔ مقاومت بود که چند قطعه از اشعار خود و دو تن دیگر از شاعران مقاومت را قرائت کرد که با استقبال حاضران روبه‌رو شد. در زیر به یکی از اشعار این شاعر مقاومت که در وصف سردار شهید خلق موسی خیابانی سروده شده توجه کنید:

هرگز نخواسته بودم که قدیس باشم،
زیرا که از خون تو چیزی در رگ من جهید
که هیچ پیامبری پاک تر از آن نتواندم کرد

هرگز نخواسته بودم که عاشق باشم
زیرا که عشق پیش ضمیر آب‌گونه‌ات
برکه‌یی حقیر بود از خس.

هرگز نخواسته بودم که عابد باشم
زیرا که، یک سجده بر تندیس استوار تو مرا بس.

هرگز نخواسته بودم که صخره باشم صخره،
وقتی از تب موج توفان می سازد
کز حقوق تو صیقل خورده باشد

هرگز نخواسته بودم که کوه باشم کوه،
وقتی شتاب باد دیوانه را به آغوش می کشد
کز استواری تو جوشیده باشد

هرگز نمی‌خواهم که پیامبر باشم
زیرا که،
یک لحظه سائیدن با شب جاودانگیت
تا معراج خواهدم برد.

اوربینو ـ ایتالیا

یوتوبوری ـ سوئد

استکهلم ـ سوئد

رم ـ ایتالیا

کپنهاگ ـ دانمارک

بروکسل ـ بلژیک

واشینگتن ـ آمریکا

برکلی ـ آمریکا

اسلو ـ نروژ

ونکوور ـ کانادا

دالاس ـ آمریکا

اتاوا ـ کانادا

آکسیون هامبورگ به‌مناسبت بیست وهفتمین سالگرد انقلاب ۲۲ بهمن

شماری از هموطنان آزاده درهامبورگ آکسیونی به‌مناسبت بیست و هفتمین سالگرد انقلاب ضدسلطنتی برگزار کردند.

شرکت‌کنندگان با درود به‌بنیانگذاران، پیشتازان، راهگشایان و شهیدان انقلاب ضدسلطنتی و با لعنت ابدی به‌غاصبان حق حاکمیت ملت و بانیان استبداد زیر پردهٔ دین، این روز را گرامی داشتند. ایرانیان آزادیخواه وحامیان خستگی ناپذیر مقاومت شعار می‌دادند دوران پایانی حاکمیت سارقان انقلاب ضدسلطنتی فرا رسیده است.

شرکت‌کنندگان در این آکسیون هم‌چنین خواستارحذف نام سازمان مجاهدین از لیست تروریستی شدند و حمایت همه جانبهٔ خود را از قهرمانان شهر اشرف ابراز داشتند.

انجمنهای مختلف جامعهٔ ایرانیان هوادار مقاومت در هامبورگ در بیانیه‌های خود تنها راه‌حل برای تغییر در ایران و نجات هموطنانمان از چنگال آخوندهای جنایتکار را تغییر دموکراتیک توسط مردم و مقاومت ایران دانستند و برخارج کردن نام سازمان پرافتخار مجاهدین از لیست تروریستی تأکید کردند.

بیانیه‌های انجمنها و شعارهای پرشور هموطنانمان، توجه شهروندان هامبورگ را به خود جلب کرده بود و برایشان بسیار انگیزاننده و جالب بود. در این تظاهرات عکاسان وخبرنگاران زیادی به گرفتن عکس وتهیه گزارش پرداختند.

کلن ـ آلمان

ایرانـیان آزاده در شهرهـای مختلف اروپا، آمریکا و استرالیا

پاریس ـ فرانسه

لندن ـ انگلستان

لس‌آنجلس ـ آمریکا

لاهه ـ هلند

تورنتو ـ کانادا

سیدنی ـ استرالیا

زوریخ ـ سوئیس

سخنرانی محمد علی توحیدی در مراسم ۱۹بهمن پاریس

سوگند وفا در حماسهٔ هزاران «سردار» و در شهری که به‌نام «اشرف» برپاست

به نام خدا
و به نام خلق قهرمان ایران
با سلام به همه حضار محترم،
و با سپاسگزاری از یکایک شما به‌خاطر حضورتان در این جمع که به مناسبتهای بزرگی تعلق دارد؛ مناسبتهایی بسیار عزیز و گرامی برای کل جنبش مقاومت و برای ملت ایران.
فردا، ۲۲بهمن، سالگرد انقلاب ضدسلطنتی و پیروزی مردم ما در به‌زیر کشیدن استبداد ستم‌شاهی است.
دیروز، روز عاشورا بود به تقویم ایران، حماسهٔ جاویدان سیدالشهدا حسین علیه‌السلام، سرور آزادگان و مراد مجاهدان، که نه‌تنها برای رهروان و مجاهدان رکابش بلکه برای هر انسان آزاده‌یی در طول تاریخ عزیز است. منادی تاریخی «انماالحیاه عقیده و جهاد» و همو که در برابر لشکر جرار یزید گفت: اگر دین ندارید، در دنیای خود آزاده باشید.
السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الارواح التی حلت بفنائک.
پریروز، تاسوعای حسینی بود، روز ابوالفضل العباس، قمربنی‌هاشم، سوگند وفا و رادمردی، که مردم ستمدیده و بسیار خیانت شدهٔ ما در برابر خیانتکاران و جباران ستمگر و به‌خصوص در برابر غدر و خیانت رژیم یزیدی خمینی، به اسطورهٔ تاریخی وفا و شجاعت ظلم‌ستیز او تکیه می‌کنند. در برابر غدر و ستم و برای تضمین وفاداری و عدالت، به«عباس» سوگند می‌خورند...السلام علیک یا عباس یا قمربنی هاشم...
پریروز هم چنین تقارن داشت با سالگرد عاشورای مجاهدین، حماسهٔ نبرد و شهادت اشرف و موسی و یارانشان در ۱۹بهمن سال ۱۳۶۰ ، با آن طنین و تأثیر انقلابی در تداوم و پایداری مقاومت در برابر استبداد مذهبی، که در حد مقدور در صحبت امروز به‌آن خواهیم پرداخت.
همین روز، یعنی روز ۱۹بهمن ، سالگرد حماسهٔ بزرگ سیاهکل در سال۱۳۴۹ هم هست؛ خروش بیداری و نبرد علیه سکوت و سازش و فرصت‌طبی؛ طلوع درخشان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران متحدان دیرین و همسنگران امروز ما درشورای ملی مقاومت ایران. درود بر قهرمان شهید علی اکبرصفایی فراهانی فرمانده قیام سیاهکل و همهٔ یارانش در ساحل سبز و سیه پوش خزر:

آن فروریخته گلهای پریشان در باد
کز می جام شهادت همه مدهوشانند
یادشان زمزمهٔ نیمه شب مستان باد
تا نگویند که از یاد فراموشانند

خوب، چه روزهایی، چه نامهایی، چه پیامهایی، و در نتیجه، چه تعهدات و مسئولیتهای بزرگی در برابر ماست...
موضوع صحبت امروز دربارهٔ حماسهٔ شهادت اشرف زنان مجاهد و سردار موسی خیابانی و یاران آنهاست. اما فصل مشترکی هست که پیام تمامی حماسه‌ها و مناسبتهای یادشده است. این پیام، دریک کلام، جوهر مقاومت است. اصل مقاومت، اصل بودن یا نبودن و اعتبار وجود انسانی که علیه جبر و ظلم، به هر قیمت، مقاومت می‌کند و دیو سرنوشت را به‌زانو درمی‌آورد. صحبت از چیزی بالاتر از پیروزی است. صحبت از تضمین پیروزی است. صحبت از راز سفر از قلمرو ضرورت و جبر به قلمرو آگاهی و اختیار و حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش است. صحبت از مقاومت برای رهایی است. و این همان خون و جوهر مشترکی است که در تمامی مناسبتهایی که ابتدا اشاره کردم جاری است.
اما به‌طور خاص و به‌طور مشخص، حماسهٔ اشرف و موسی چه بود؟ این حماسه، خون هزاران شهید مجاهد را با خون بالاترین سطح تشکیلاتی و عقیدتی مجاهدین گره‌زد و رسم فدای حداکثر برای ریشه‌کن‌کردن استبداد دینی - که قدرت مذهبی و سیاسی و نظامی را در یک نظام و در یک شیطان به نام خمینی یک کاسه کرده بود- در خون و اندیشه و عمل همهٔ رهروان این مقاومت جاری کرد.
این فدای بزرگ، به‌خصوص فدا و شهادت انقلابی اشرف رجوی، سیمای فداکار و اخلاص و از خود گذشتگی رهبری این مقاومت را برای توده‌های مردم ایران، که هدف تبلیغات دجالگرانه و زهرآگین خمینی دجال بودند، روشن کرد؛
ـ یک رهبری که در راه آزادی و حقوق مردم، از همه چیز خود ـ از سردارش و اشرفش و از همه جگرگوشگان آرمانی و سیاسیش ـ می‌گذرد تا زخم خیانت خمینی را که وعدهٔ آزادی داد، وعدهٔ مجلس مؤسسان داد، ولی سرکوب کرد و خبرگان آخوندی را تحمیل کرد، التیام بخشد.
- یک رهبری که برخلاف انحصارطلبی خمینی، پیام آور آزادی و وحدت و همبستگی همهٔ نیروهای مردی است.
- یک رهبری که برخلاف خودکامگی خمینی و رژیم ولایت‌فقیه، بنای کارش بر حرکت شورایی و جمعی و همبستگی ملی و انتخابات آزاد است.
- یک رهبری که برخلاف خمینی، بنای کارش بر فرصت‌طلبی و نان به نرخ روز خوردن نیست. مثلاً در هیستری مذهبی ابتدای روی کار آمدن خمینی، نان را به نرخ روز نخورد و اگرچه مسلمان و عمیقاً مؤمن بود و هست، ولی به‌دعوت خمینی برای شراکت در مرزبندیهای به‌اصطلاح اسلامی و غیراسلامی، و شراکت در جنگ حیدری نعمتی، قاطعانه جواب رد داد و به او و به پسرش احمد که پیام او را آورده بود گفت بروند پی کارشان. به عکس، در مقابل سوء استفادهٔ خمینی از آیین پاک اسلام و عربده‌های یا روسری یا توسری آخوندها سینه سپر کرد و به‌عنوان یک نیروی مسلمان از آزادی پوشش زنان ایرانی دفاع کرد... کجا بودند «البته خمینی گویان»ی که آن‌روز به ولایت فقیه خمینی آری گفتند، ولی بعدها بر روسری خواهران ما یا نماز برادران ما خرده‌ها می‌گرفتند و در عین‌حال آخوند خاتمی (و لابد ارادهٔ برتر متبوع او یعنی خامنه‌ای) را شایستهٔ اعتماد بیشتری می‌دانستند.
- یک رهبری که برخلاف میوه‌چینی و مفتخوری خمینی و دار و دسته‌اش، بنای کارش بر فداکاری بوده و هست، و خودش بسا بیشتر و پیشتر از رزمندگانش فدا می‌کند و از خود و خانمانش می‌گذرد.
اینها را مردم در صبحگاه و شامگاه ۱۹بهمن سال۱۳۶۰ به‌چشم دیدند. در سحرگاه آن‌روز، اشرف زنان مجاهد و سردار سربلند مجاهدین و مقاومت سراسری، همراه با ۱۸مجاهد خلق پاکباز، بعد از نبردی حماسی و به‌هلاکت رساندن انبوهی از مزدوران از جمله فرمانده عملیاتی آنها، چهره در خون کشیدند و در شامگاه ۱۹بهمن، لاجوردی، سردژخیم خمینی، پیکرهای اشرف و سردار و یارانشان و طفل شیرخوار مسعود و اشرف را به بازار شام تلویزیون رژیم آورد تا قدرت‌نمایی کند. اما این صحنه آن‌قدر برای مردم تکاندهنده و بیدارکننده بود. آن‌قدر بیانگر ایستادگی و فدای تمام عیار مجاهدین و رهبری آنها بود، که خمینی و لاجوردی از کردهٔ خود پشیمان شدند. ما دوست داشتیم دوباره صحنه را ببینیم ولی رژیم خمینی دیگر نشان نداد.
خوب این تأثیراتی است که در سطح عمومی یک بیداری ایجاد می‌کند و در میان تمامی نیروهای مقاومت، خون جاری و روح زنده و زایندهٔ مقاومت و پایداری را جاری می‌کند.
از این‌جاست که مقاومت تداوم می‌یابد و جامعه از این مقاومت پشتیبانی می‌کند.
از این‌جاست که در مقابل یورشها و حملات ارتجاعی و استعماری، ملت ایران و حامیان مقاومت در داخل و خارج کشور به یاری مجاهدین بر می‌خیزند.
از این‌جاست که این مقاومت در مقابل توطئه‌های دشمن که به‌ضرب دلار و یورو، یعنی با حراج نفت ایران، ۹دولت را هم با خودش همراه می‌کند، پایداری می‌کند و به نقطه امید مردم برای آزادی تبدیل می‌شود.
ببینید که اشرف شهیدان، با چه بلند نظری و افق فکری بالایی، برهمین موضوع انگشت می‌گذارد. اجازه بدهید قسمتهایی از نامه‌اش به مسعود را بخوانم:
«می‌دانم که آن‌جا [در پاریس] بهت سخت می‌گذره، با روحیات و خلق و خوی تو و عواطفت آشنام، حتم دارم که مثل شیر زخمی به‌خودت می‌پیچی و ترجیح می‌دهی که خودت به‌جای تک‌تک شهدا شهید بشی، مثل همیشه دعات می‌کنم که بتونی باری را که به‌دوشت هست با سرافرازی بکشی...»
اشرف در وصف حال خودش هم می‌نویسد: «با تمام بچه‌هامون، با تمام عزیزانم، با تمام نور چشمانم، همانهایی که قهرمانانه شهید می‌شوند، همیشه با آنهام، با آنها شکنجه می‌شوم، با آنها فریاد می‌زنم و با آنها می‌میرم و زنده می‌شوم... جهان خبردار نشد که بر ملت ما در این چند ماه چه گذشت...»
و چنین بود اشرف... چنین بود شب و روز اشرف...
و سرانجام، بر همان نکته انگشت می‌گذارد و با مسعود، این چنین خداحافظی می‌کند:
«دیگر خداحافظی می‌کنم و تو را با تمام وجودم به‌خدا می‌سپارم.
خدایا امانت مرا بپذیر و تو بهترین امینهایی.
خدایا کمکش کن که سرفراز و پیروز از امتحانی که در پیش دارد بیرون بیاید.
خدایا کمکش کن که خلقی را از شکنجه و اعدام و اسارت و بردگی نجات بخشد.
خدایا کمکش کن که انقلاب نوین ایران را با خونریزی کمتر و ره‌آورد بیشتر به‌بر بنشاند...»
می‌گویند، افراد و شخصیتها را از روی راز و نیازها و آرزوها و دعاهایشان می‌توان شناخت. آنها را از روی مسائلی که ذهنشان را می‌گیرد می‌توان شناخت. آنها را از روی صورت‌مسائلی که دارند و طرح می‌کنند، می‌توان شناخت.
حالا این دعای اشرف است. این راز ونیاز اشرف است، این خداحافظی اشرف با مسعود است... این صورت مسألهٔ زنی است که از همهٔ کوره‌های مبارزه گذر کرده بود. این نیایش و بینش زنی است که بدون هیچ مبالغه‌یی، در همان روز ۳۰دی۵۷ که در شمار آخرین دستهٔ زندانیان سیاسی همراه با موسی و مسعود از زندان شاه بیرون می‌آمد، یکی از برجسته‌ترین زنان انقلابی تاریخ معاصر ایران بود. زنی بود که از تمام کورانهای مبارزه با دیکتاتوری شاه عبورکرده‌بود، با انحراف و اپورتونیسم مقابله کرده بود، از زندان و شکنجه‌گاه ساواک عبور کرده بود.
بنابراین با چشم باز و در نهایت آگاهی حرکت می‌کرد. «نیروی ناآگاه»ی نبود که د نبال «رهبری ناصادق»ی همین‌طوری راه افتاده باشد! چه بیشرمند آنهایی که چنین اتهاماتی را به چنین جنبشی نسبت می‌دهند.
این بینش زنی است که مجاهدت او در برابر دو دیکتاتوری، و نبرد و شهادت حماسی او در مصاف با استبداد مذهبی، یک مسأله بزرگ در امر پیشرفت این انقلاب حل کرده‌است. او با انگشت گذاشتن بر این مسألهٔ مهم مقاومت و با فدای تمام عیارش در این مسیر، همهٔ مردان و زنان این مقاومت را وامدار خودش کرد. او درد آشنای کل جنبش مقاومت رهاییبخش ایران بود و خدمتی تاریخی به مردم و میهنش کرد.
به‌همین دلیل است که مردم ایران شهری را که به‌نام او برپاست دوست دارند و به‌آن عشق می‌ورزند و امید خود را در آن‌جا می‌بینند. اما سران رژیم وحشی آخوندها از شهری که به‌نام او برپاست می‌ترسند و تمام نیروی اهریمنی خود را برای توطئه علیه «شهر اشرف» بسیج می‌کنند.
تو در نماز عشق چه خواندی؟
که سالهاست
بالای دار رفتی و این شحنه‌های پیر
از مرده‌ات هنوز
پرهیز می‌کنند
و علاوه بر آن‌چه گفتم، اشرف با این تأثیرگذاری انقلابی، با این افق بلند فکری، توانست زن مجاهد و پیشتاز ایرانی را به یک تراز بالای مشارکت در مبارزهٔ انقلابی جهش بدهد. ارتجاع و استبداد و زن‌ستیزی، در هر شکلی که باشد، می‌خواهد که زن افق فکریش محدود باشد، می‌خواهد که زن از کشاکشهای اصلی جامعه و سیاست و مبارزه برکنار باشد. می‌خواهد زن در حاشیه بماند و درجه دوم و بردهٔ خانگی باشد. اما اشرف، با بینش خودش، با عمل خودش، با زندگی و شهادت خودش، زن آگاه و پیشتاز ایرانی را به بالاترین افق تأثیرگذاری و مداخلهٔ انقلابی در تحول اجتماعی جهش می‌دهد.
آیا این تصادف است؟ آیا معجزه است؟ آیا صحبت از کیش شخصیت است؟ هرگز! این، یک فرایند تصادفی نبود. این قانونمند بود. این، در تداوم یک قرن مبارزهٔ زنان ایران برای برابری و آزادی بود. این فشرده و ثمرهٔ مستقیم کار و رزم و تلاش آگاهانهٔ صدها هزار زنی بود که در مبارزه با رژیم ضدبشر و زن‌ستیز آخوندی مبارزه و فداکاری کرده‌بودند و به وسیعترین فعالیت سازمانیافتهٔ سیاسی و نظامی و تشکیلاتی و اجتماعی روی آورده بودند. لابد یادتان هست که سران باند خاتمی شمار نیروی سازمانیافتهٔ سراسری مجاهدین را در فاز سیاسی بیش از نیم میلیون برآورد کردند...
بخش مهمی از آنها زنان و دخترانی بودند که در مقابل رژیم وحشی و زن‌ستیز آخوندی به مجاهدین خلق ایران پیوستند و هزار هزار به‌شهادت رسیدند، شخص اشرف هم ـ چنان که اشاره کردم- یک پدیدهٔ خلق‌الساعه نبود او زنی بود که به‌حق سمبل و نماینده‌یی برجسته در مبارزهٔ زنان آگاه و پیشتاز و مجاهد میهن ما بود.
بنابراین، صحبت از نسلی از زنان رها و آزاده و مجاهد است. صحبت از یک وجود اجتماعی و تاریخی جدید است که بعد از اشرف در مریم رهایی سیمای راهگشای خودش را یافت و دیدیم که زنان مجاهد را در فردای انقلاب ایدئولوژیک درونی مجاهدین ـ که مجاهدت و شهادت اشرف زمینه سازش بود- چگونه اعتلا یافتند و چه نقشی در مقاومت انقلابی ایفاکردند.
بله، این‌چنین است که این مقاومت ثبات قدم و اعتلا می‌یابد. این‌چنین است که پرچمدارانی مثل مژگان پارسایی و صدیقه حسینی، حماسهٔ پایداری شهر اشرف را هدایت و فرماندهی می‌کنند.
این‌چنین است که صلابت و استواری سردار خیابانی در هزاران مجاهد قهرمان تداوم می‌یابد و در امیرخیز اشرف هزاران سردار از خون خیابانی بر می‌خیزند.
آیاتی از قران، با تلاوت و صدای جذاب سردارمان موسی، از همان ماههای اول بعد از انقلاب، همیشه در گوشهایم طنین دارد:
وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ سَيَهْدِيهِمْ وَ يُصْلِحُ بَالَهُمْ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ... کسانی که در راه خدا کشته شدند، اعمالشان هرگز تباه نمی‌شود. خدا به‌زودی آنها را هدایت می‌کند و سرانجام کارشان به خیر و اصلاح است و خدا آنها را به بهشتی که برایشان شناخته شده، داخل می‌کند...
این آیات را موسی در اولین بهار انقلاب، دربارهٔ شهیدان ۳۱فروردین۱۳۵۱، مجاهدان شهید ناصر صادق، علی میهندوست، محمد بازرگانی و علی باکری می‌خواند. دیری نپایید که همین آیات و فیض شهادت سردار و اشرف و ۱۸قهرمان مجاهد دیگر را هم در برگرفت. درست در ادامهٔ همین آیات قرآن می‌گوید:
إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ. . . اگر خدا را یاری کنید، اگر- به دمی یا درمی یا قلمی یا قدمی- به مجاهدت برخیزید، خدا شما را یاری می‌کند و گامهایتان را استوار می‌کند.
یاری مشهود و مبارک خدا، همین استواری گامها و همین پایداری پرشکوه در مسیر آزادی و مقاومت رهاییبخش میهنی و انقلابی است. یک یاری و مساعدت پرخیر و برکت، به‌طور کاملاً قانونمند، و براساس سنت تاریخ و حرکت هستی.
سپس قرآن در سؤالی، با پاسخ مقدر و معلوم می‌پرسد:
أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ. آیا آن کسی که بنای کارش بر بینات روشن استوار شده و مسیرش به‌درستی تبیین می‌شود، مثل کسی است که عمل بد و هواپرستی و هوس قدرت برایش زیب و فر یافته است؟
هرگز چنین نیست. زیرا سرانجام ابرهای جهل و دروغ و برچسب‌زدن کنار می‌رود و خورشید مقاومت مشروع یک ملت با تمام حقانیتش می‌درخشد. سرانجام سیاست مماشات و باج دادن از کیسهٔ ملت ایران و از کیسهٔ مقاومت ایران آن‌هم به فعالترین حامی تروریسم و کانون صدور بنیادگرایی، یعنی همان سیاست شومی که زیرساخت اتهامات و شیطان‌سازیهای ظالمانه علیه مقاومت است، درهم می‌شکند.
هم‌چنان که خواهر بزرگوارمان فاطمه رضایی الان گفتند، بعد ازهمهٔ معاملات و سازشها، پروندهٔ اتمی رژیم به شورای امنیت ملل متحد رفت. یعنی شعار مقاومت و مردم ایران موفق می‌شود. این امر فراتر از بحث اتمی، سرآغاز طرد و تحریم رژیم آخوندی است.
رژیم آخوندی می‌خواهد ساختن بمب اتمی را یک پروژهٔ ملی و کار علمی و مطلوب ملت ایران قلمداد کند. و این‌طور جلوه بدهد که طرد و تحریم رژیم به زیان ملت ایران است. مثل زمانی که به مصدق خرده می‌گرفتند که تو نفت نمی‌فروشی ملت ایران عقب می‌افتد! شرکت استعماری و کنسرسیوم و دربار و ارتجاع خودشان را طرفدار پیشرفت ایران، و مصدق را آدمی خود رأی قلمداد می‌کردند که با پیشرفت ایران مخالفت می‌کند...
آخوندها و حامیان آخوندها، خیال می‌کنند که دوران، همان دوران مصدق فقید و مظلوم و تنهاست که ناگزیر بود برای دفاع از حق ملت ایران اسناد را در لباسهای خودش قایم کند تا عوامل ارتجاع و دربار در نخست وزیری بلند نکنند. آخوندها نمی‌دانند که الان یک مقاومت سازمانیافته در کار است که در مقابل آنها ایستاده است و مسائل را روشن می‌کند. روشن می‌کند که آخوندها بدترین دشمن ملت ایران هستند و روشن می‌کند که تخریب کنندگان صنایع ایران، تخریب‌کنندگان دانشگاههای ایران در کودتای ضدفرهنگی و آواره‌کنندگان استادان و مغزهای متفکر ایران، نمی‌توانند مدعی پیشرفت علم و صنعت در ایران باشند.
مردم ایران روی دریای نفت و گاز زندگی می‌کنند، اما از فرط فقر، هزار هزار کلیهٔ خود را می‌فروشند تا نان بخور و نمیر تهیه کنند. مردی خودش را زیر کامیون می‌اندازد تا از بیمهٔ بعد از مرگش زن و بچه‌اش نان بخورند. این حوادث در ایران اتفاق می‌افتد. رژیم ننگینی که این فقر طاقت فرسا را ایجاد کرده، نمی‌تواند مدعی پیشرفت صنعت و رفاه ملت باشد. نمی‌تواند بگوید اگر نفت تحریم شد ملت ضرر می‌کند. واقعیت این است که وقتی آخوندها نفت می‌فروشند ملت ایران ضرر می‌کند. وقتی آخوندها بمب اتم می‌سازند ملت ایران ضرر می‌کند.
کسانی مثل خامنه‌ای و خمینی و خاتمی و رفسنجانی و احمدی‌نژاد که چماقدار راه می‌انداختند و کلمات ملی و دموکراتیک را فریب خلق می‌دانستند، نمی‌توانند حالا ملی و مردمی بشوند.
مردم ایران می‌دانند که خامنه‌ای و تمامیت رژیم فاسد آخوندی با یک دست به بمب اتمی و با دست دیگر به دخالت در عراق چنگ زده است تا بتواند مردم ایران را سرکوب کند. تا بتواند کارگران شرکت واحد را سرکوب کند.
از روز ۱۵دسامبر که انتخابات عراق برگزار شده، مقامهای رژیم پی‌درپی راجع به نتایج این انتخابات اظهار خوشحالی کردند. جنتی می‌گفت: در مورد قضیهٔ عراق واقعاً تبریک عرض می‌کنیم. دارد یک حکومت ثابت اسلامی در آن‌جا پایه ریزی می‌شود. رفسنجانی گفت ما در پیروزی شریکیم، چرا که برای مقدمات آن بسیار هزینه کرده‌ایم. وزیر کشور آخوندها یعنی دژخیم پورمحمدی گفت: این پدیدهٔ بزرگ تاریخی گواهی است بر تحقق فرمایشات حضرت امام مبنی بر اینکه راه قدس از کربلا است.
اما این همه بسیج و سرمایه‌گذاری آخوندها با ایستادگی مردم و نیروهای دموکراتیک عراق روبه‌رو شده است. آنها که بیش از۹۰کرسی در انتخابات به‌دست آورده‌اند، تأکید می‌کنند که مقاومت ایران و مجاهدین خلق ایران را متحد خود در مقابله با دخالت آخوندها می‌دانند.
۱۲۰۰۰حقوقدان شریف عراقی، در بیانیهٔ خود می‌نویسند: «برچسب تروریسم علیه مجاهدین- اپوزیسیون اصلی و مشروع رژیم ایران- ضررش تنها متوجه مردم ایران نشده بلکه مردم عراق و جریانهای میهن‌پرست و دموکراتیک عراقی نیز که از دخالتهای رژیم ایران در عراق به‌ستوه آمده‌اند، باید بها بپردازند. زیرا این برچسب و محدودیتهای ناشی از آن که مجاهدین ایران به‌طور روزانه از آن رنج می‌برند، تعادل این منطقه از جهان را برهم زده و ما را هم از یک سدّ فرهنگی و سیاسی در برابر تروریسم و بنیادگرایی و از یک وزنهٔ تعادل حیاتی در برابر فاشیسم دینی حاکم بر ایران که درپی سلاح اتمی نیز می‌باشد، محروم کرده است».
ملاحظه می‌کنید که چگونه شرافتمندان و مدافعان حقوق‌بشر و نیروهای دموکراتیک عراقی به مردم ایران و به مقاومت ایران می‌پیوندند و خواستار حذف برچسب تروریستی و اتخاذ یک سیاست قاطع در برابر رژیم ضدانسانی و ضدایرانی آخوندها هستند.
بحث، صرفاً بحث یک گروه و یک جنبش نیست، بحث ایران و مردم ایران و صلح منطقه و جهان است. بحث درهم شکستن سیاست مماشات با دیکتاتوری آخوندی است. بحث راه حل سوم، یعنی راه حل واقعی و عملی و ضروری برای نجات ملت ایران و بشریت از شر رژیم وحشی آخوندهاست.
در همین هفته در جلسهٔ رسمی مجلس اعیان انگلستان دهها عضو این مجلس خواستار حذف این برچسب شدند. حتی تمپل موریس که سالها همراه و با رژیم بوده گفته‌است که من به این نتیجه رسیدم که تنها راه برای مقابله با این رژیم ضدانسانی، حذف این برچسب و حمایت ازمقاومت مردم ایران است.
در همین هفته دیدیم که خانم میتران با آن جایگاه برجسته‌یی که در فرانسه و جهان دارد و هم‌چنین آبه پیر، قهرمان بزرگوار مقاومت ضدفاشیستی و محبوبترین شخصیت فرانسه و هم‌چنین هزاران حقوقدان و نمایندهٔ مجلس از کشورهای اروپایی خواستار حذف این برچسب تروریستی هستند. خواستار قاطعیت در برابر رژیم ضدانسانی و ضدایرانی آخوندها هستند.
اینها نتایجی است که از همان اصل و جوهر مقاومت می‌جوشد. همان اصلی که گفتم برتر از پیروزی است. همان آزادگی و مقاومتی که فروغ جاویدانش عاشورای حسینی است. حماسهٔ عاشورای مجاهدین هم با الهام از همین مقتدای تاریخی شکل گرفت. مجاهدین خاک راه حسین را توتیای دیدگانشان کردند و درس آزادگی را از او و مجاهدان رکابش آموختند و به‌همین دلیل اهل مقاومت و شایستهٔ حمایت خلق شدند:

این همه عکس می و نقش نگارین که نمود
یک فروغ رخ ساقیست که در جام افتاد
غیرت عشق زبان همه خاصان ببرید
کز کجا سر غمش در دهن عام افتاد
زیر شمشیر غمش رقص کنان باید رفت
کان که شد کشته او نیک سرانجام افتاد

آخوندها و متحدان آخوندها می‌خواهند بگویند راهی برای خلاصی از شر آنها نیست. باید به‌آنها تن داد. باید با آنها سازش و مماشات کرد. اما حسین و رهروان راهش می‌گویند که راه رهایی را با پایداری و مقاومت به هر قیمت باید گشود:

عقل گوید شش جهت حد است و بیرون راه نیست
عشق گوید راه هست و رفته‌ام من بارها

ما این راه را در ۱۹بهمن۱۳۴۹ در حماسهٔ سیاهکل دیدیم.
ما این راه را در ۲۲بهمن سال۱۳۵۷ در قیام ملت ایران دیدیم.
ما این راه را در حماسهٔ اشرف و موسی و یارانشان در ۱۹بهمن۱۳۶۰ دیدیم.
و ما این راه را در حماسهٔ پایداری و در سوگند وفای هزاران «سردار» زن و مرد در شهری که به‌نام« اشرف» برپاست و در پرچم «هیهات منا الذله»، که بر فراز «اشرف» در اهتزاز است، می‌بینیم و بر سر آن باردیگر سوگند می‌خوریم.
پیروز باشید.

آیا تشکیل «شورای حقوق بشر» در ملل متحد، نظارت بر حقوق بشر را بهبود خواهد بخشید؟

روز پنجشنبه، ۱۵اسفند ۸۴، یان الیاسون، رئیس مجمع عمومی ملل‌متحد پیشنویس متن قطعنامه‌یی را اعلام کرد که تشکیل نهاد جدید شورای حقوق‌بشر سازمان ملل را، خواستار می‌شود.

پیشنویس قطعنامه‌یی که ارائه گردید، نتیجه مباحثات بین ۱۹۱کشور عضو مجمع‌عمومی سازمان ملل می‌باشد که از پاییز سال گذشته جریان داشته است.

پیشنهاد ایجاد شورای حقوق بشر ملل‌متحد حدود یک سال‌پیش توسط کوفی عنان، دبیر کل ملل متحد مطرح گردید. شورای حقوق بشر ملل متحد جایگزین کمیسیون حقوق‌بشر کنونی خواهد شد که مقر آن در ژنو است. منتقدین کمیسیون حقوق‌بشر آن را نهادی بی‌اعتبار تلقی می کنند، زیرا برخی از کشورهایی که در آن عضویت دارند، خود به طور سیستماتیک حقوق‌بشررا در کشور خود نقض می کنند.

خبرگزاری یونایتدپرس روز۶اسفند۸۴گزارش داد: «پیشنویس قطعنامه درباره تشکیل شورای حقوق بشر ملل متحد، مورد حمایت کشورهای عضو و سازمانهای غیردولتی قرار گرفته است ولی با مخالفت آمریکا روبه رو شده است». آمریکا معتقد است که باید مذاکره را با کشورهای عضو مجمع عمومی ملل متحد ادامه داد تا به پیشنویس جامعتری دست پیدا کرد و پیشنویس تهیه شده را، ناکافی دانسته است.

بنا به این گزارش، واشینگتن تنها طرفی نیست که این پیشنویس را کمتر از آن چه مدنظر بوده تلقی می کند. کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد در بیانیه‌یی که بلافاصله پس از اعلام این پیشنویس جدید منتشر شد، نیز گفت: «به‌رغم این حقیقت که این پیشنویس تمام آن چه که من در یک سال قبل در هنگام ارائه پیشنهاد تشکیل شورای جدید خواستار آن بوده‌ام را منعکس نمی کند، عناصر مهمی در این طرح جدید وجود دارد که باعث می‌شود تغییر کمیسیون حقوق بشر به شورای حقوق بشر بیش از یک تغییر ظاهری باشد».

وی افزود «برای مثال این پیشنویس روشن می‌سازد که اعضای شورای جدید که هرکدام جداگانه توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند، باید به ترویج و حمایت از حقوق‌بشر متعهد باشند». «هم‌چنین روشن می‌سازد که حقوق و امتیازات اعضای شورای حقوق بشر در شرایطی که آنها به نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر بپردازند، ملغی خواهد شد».

لوئیس آربر، رئیس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، معتقد است، مذاکرات انجام شده کافی است، وباید قطعنامه به رأی گذاشته شود. وی در بیانیه‌یی که روز پنجشنبه منتشر گردید، گفت «تصویب نشدن این طرح شکستی غیرقابل محاسبه برای حقوق بشر خواهد بود».

آربر با کوفی عنان هم نظر است، که پیش از این گفته بود: ترجیح می‌دهدکه کشورهای عضو شورا از دو سوم آرای مجمع عمومی برخوردار شوند، به جای این که با کسب اکثریت ساده به عضویت این شورا در آیند.

آربر گفت «بگذارید روشن باشد که: این پیشنهادی که در مقابل مجمع عمومی قرار دارد نتیجه مصالحه است. ایده‌آل نیست. و دلیلی وجود ندارد که معتقد باشیم که مذاکرات بیشتر، نتیجه بهتری خواهد داشت».

رئیس مجمع‌عمومی ملل متحد پیشنویس قطعنامه تشکیل شورای حقوق‌بشر را که به رأی گذاشته خواهد شد ارائه کرد

به گزارش یونایتدپرس بر خلاف کمیسیون حقوق بشر، شورای جدید به بررسی منظم کارنامه حقوق‌بشر کشورهای عضو می‌پردازد و از کشورهای عضو شورا آغاز می‌شود و هیچ کشوری قادر نخواهد بود از نکوهش نقض حقوق بشر در آن کشور جلوگیری کند.

این شورا موقعیت بالاتری را در سازمان ملل خواهد داشت و نهادی در لایه پایینتر از مجمع عمومی خواهد بود. این شورا بر خلاف کمیسیون حقوق بشر که سالی یکبار تشکیل جلسه می‌دهد، در طول سال در ژنو تشکیل جلسه خواهد داد.

نیویورک‌تایمز در سرمقاله روز یکشنبه، ۷اسفند۸۴، تحت عنوان «شرمساری برای ملل متحد» نوشت: تا جایی که به رفرم در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد بر می گردد، جان بولتون حق دارد و کوفی عنان و سازمانهای حقوق‌بشری اشتباه می کنند که برای مقابله با نقض حقوق‌بشر در پی اتفاق نظر چندجانبه هستند. آن‌قدر این پیشنهاد برای تغییر در این نهاد ملل متحد، رقیق شده است که به یک شرمساری زشت تبدیل شده است و باید مجدداً مورد بحث قرار گرفته و رد شود.

روزنامه بوستون گلوب در سرمقاله خود تحت عنوان «نظارت بهتر سازمان ملل بر حقوق بشر» نوشت: متأسفانه باید گفت که مجمع عمومی ملل متحد پیوسته در حال یافتن پایینترین مخرج مشترک بین اعضای خود است و این حتی درباره تشکیل شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز صدق می کند و این حقیقت کیفیت ذاتی این ارگان سیاسی بین‌المللی را بارز می کند.

اما این روزنامه اضافه می کند: به هرحال پیشنویس جدید که احتمالاً هفته آینده به رأی گذاشته خواهد شد در مقایسه با کمیسیون قبلی بهبودی را در بردارد. استانداردهای قابل قبولی برای عضویت در شورا را مشخص می کند. در صورتی که اعضای آن به نقض سیستماتیک حقوق بشر بپردازند لغو امتیازات آنها را امکانپذیر می‌سازد و مکانیسمی برای تشکیل اجلاس ویژه حقوق بشر، در شرایط اضطراری را، به وجود می‌آورد. و همان گونه که کوفی عنان گفت «روشن است که این پیشنهاد آن‌چه نیست که من خواهان آن هستم ولی معتقدم مبنائی برای گام برداشتن به جلو است».

وب جهانی به سرعت رو به گسترش است

همگام با افزایش شتاب نوین‌گرایی در سرتاسر جهان، استفاده از کامپیوتر و دسترسی به اینترنت گسترش می‌یابد. آخرین گزارش شرکت پیو، که در زمینه استفاده از اینترنت تحقیقات انجام می‌دهد، حاکی از افزایش چشمگیر استفاده از اینترنت و کامپیوتر از سال ۲۰۰۲ تا کنون است و اکنون، فقط جوانها نیستند که بطور فزاینده از این تکنولوژی استفاده می کنند، در بسیاری از کشورها کاربرانی که سن آنها بالای ۵۰سال است رو به افزایش است.

بررسی نتیجه تحقیقات در ۱۳کشور جهان که مقایسه آماری در آنها امکانپذیر بود، نشان می‌دهد که در سال۲۰۰۵ نسبت به سال ۲۰۰۲، افراد بیشتری در محل کار یا تحصیل از کامپیوتر استفاده می کنند. بنا بر همین تحقیقات، در ۳سال گذشته، در کشورهای ترکیه، روسیه، لهستان و هندوستان، استفاده از کامپیوتر ۱۳تا ۱۶ درصد افزایش داشته‌است.

در سال۲۰۰۵ انگلستان بیشترین میزان افزایش کاربران را داشته است و نسبت به سال۲۰۰۲با افزایش حدود ۱۷درصد روبه‌رو بوده است. در آمریکا و اروپای غربی که در سال۲۰۰۲ اکثراً از کامپیوتر استفاده می کرده‌اند بکارگیری این تکنولوژی کماکان با گسترش روبه‌رو بوده است.

در بین کشورهایی که در سال۲۰۰۵ این تحقیقات در آنها انجام شده، بالاترین درصد استفاده از کامپیوتر را هلند با ۸۴درصد در اختیار دارد. بعد از هلندیها، کاناداییها با ۷۹درصد و آمریکاییها با ۷۶درصد قرار دارند.

نقش زنان در گسترش استفاده از کامپیوتر

در سال ۲۰۰۵ در مقایسه با سال ۲۰۰۲در انگلستان در زمینه استفاده از کامپیوتر ۱۷درصد افزایش وجود داشته است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد زنان در افزایش نقش بسزایی داشته‌اند. در سال ۲۰۰۲ فقط ۵۵درصد زنان در این کشور از این تکنولوژی استفاده می کردند ولی اکنون این رقم ۷۵درصد زنان رسیده است. با وجود این رشد چشمگیر اما هنوز در این زمینه کماکان از مردان ۲درصد عقبتر هستند.

تحقیقات انجام شده در اکثر کشورها نشان می‌دهد، کماکان مردان بیشتر از زنان از کامپیوتر استفاده می کنند اما در لبنان و کانادا آمار زنان و مردان برابر است.

شکاف اینترنتی ادامه دارد

استفاده از اینترنت هم در جوامع صنعتی و هم در کشورهای درحال توسعه در حال افزایش است و بالاترین میزان افزایش در انگلستان، فرانسه و لهستان مشاهده می‌شود. اما کماکان شکاف عمیقی بین کشورها در زمینه استفاده از این تکنولوژی وجود دارد.

در حالی که در آمریکا و کانادا و اروپایی غربی اکثر مردم از اینترنت استفاده می کنند در کشورهایی مانند هندوستان و روسیه فقط حدود ۱۵درصد از اینترنت استفاده می کنند. در لهستان و ترکیه و چین نیز دسترسی به اینترنت به بالای ۳۰درصد رسیده است.

در تمامی جوامع میزان درآمد و سطح تحصیل عوامل اصلی در استفاده از این تکنولوژی است. احتمال استفاده از اینترنت توسط کسانی بیشتر است که از سطح تحصیلی بالاتر و توانایی مالی بهتر برخوردار باشند.

اینترنت دیگر در انحصار جوانان نیست

در حالی که در سال ۲۰۰۲جوانان اکثر استفاده کنندگان از اینترنت را تشکیل می‌دادند از آن زمان تا کنون تعداد کاربرانی که بالای ۵۰سال سن دارند، در این کشورها افزایش یافته است.

در تمام کشورهایی که تحقیقات انجام شده ، ارقام در این زمینه، روبه افزایش بوده است. این افزایش به میزان چشمگیری در کشورهای لهستان، و فرانسه و انگلستان مشاهده می‌شود.

اما در کشورهایی که میزان استفاده از اینترنت به‌طور عام کم است کماکان افزایش استفاده در بین جوانان مشهود است. برای مثال در ترکیه که در سال۲۰۰۲ حدود ۳۳درصد جوانان از اینترنت استفاده می کردند، اکنون این رقم به ۵۶درصد رسیده است.

آینده علوم و چشم انداز آن

بخشهایی از مصاحبه با پروفسور آلن لایتمن، فیزیکدان، رمان نویس و نویسنده کتابهای علمی

بر گرفته از: سایت لایو ساینتیست، ۱۶ فوریه ۲۰۰۶

از آغاز پیدایش هستی بشر در تلاش برای تبیین جهان بوده است. هنر، علم و فلسفه و مذهب برخی موتورهای جستجو هستند که برای یافتن پاسخ مورد استفاده قرار گرفته‌اند. با هر کشف علمی و یا خلق یک اثر هنری، جزء دیگری از معمای بی پایان بودن را می یابیم.

آلن لایتمن، فیزیکدان، رمان‌نویس و نویسنده علوم که اخیراً کتابی درباره مهمترین اکتشافات در قرن بیستم منتشر ساخته‌است، در مصاحبه‌یی درباره اکتشافهای علمی آینده، موقعیت جدال‌برانگیز علم، رابطه علم و هنر و روشهای مختلف برای بررسی جهان به گفتگو می‌پردازد.

● به نظر شما اکتشاف بزرگ بعدی در چه زمینه‌یی خواهد بود؟

پیش‌بینی اکتشافات بسیار سخت است. برای مثال، در سال۱۹۰۰ ما نمی‌توانستیم پیش‌بینی کنیم که ۲۵سال بعد، فیزیک کوانتوم و فیزیک نسبیت کشف خواهد شد. بنابراین شاید ساده‌تر این است که بگوییم که مرزهای هر کدام از علوم کجاست.

برای مثال در علم فیزیک تئوری استرینگ می‌باشد. این تئوری درباره کوچکترین عنصر تشکیل دهنده ماده است و توضیح می‌دهد چرا ذرات دارای اجرام مشخص خود هستند. برای مثال چرا پرتوون جرم خود رادارد.

در علم ستاره‌شناسی و هم‌چنین علم فیزیک اکتشافات در زمینه طبیعت «انرژی تاریک» (Black Energy) می‌تواند باشد. «انرژی تاریک» نیروی ضدجاذبه است که در ۵سال گذشته کشف گردیده است و ۷۵درصد بودجه ماده و انرژی در جهان را به خود اختصاص می‌دهد.

در زمینه علم بیولوژی، فکر می کنم پیشرفت در زمینه سلول پایه و چگونگی تبدیل آن به سلولهای خاص مانند سلولهای تشکیل دهنده قلب یا مغز یا کبد باشد. ما در حال حاضر نمی‌دانیم که چگونه از سلول پایه، یک سلول خاص تولید می‌شود. همه سلولها از یک نقطه شروع می‌شوند و از تکثیر یک سلول ایجاد می‌شوند اما نمی‌دانیم چرا هر کدام به مسیرهای مختلفی می‌روند. ما این را درک نمی کنیم.

من فکر می کنم که بیوتکنولوژی نیز پیشرفت گسترده‌یی داشته باشد و به اکتشافات مهمی دست پیدا کند و بتواند مواد زنده و مواد غیر زنده را باهم ترکیب کند. من فکر می کنم ظرف ۱۰۰سال آینده ارگانیسمهایی وجود خواهند داشت که نیمی از بدن آنها را ماشین تشکیل خواهد داد.

● آیا می‌توانید حدس بزنید چه کسانی اینها را کشف خواهند کرد؟

نخیر، اما من می‌دانم برخی دانشمندان در حال وجود دارند که دانشمندان بزرگ آینده خواهند بود.

● این اکتشافات عظیم به اکتشافات کوچکتر متکی است. آیا این طور نیست؟

بله درست است. یکی از مشکلات تمرکز بر اکتشافات بزرگ این است که این درک را القا می کند که تمامی علوم به چند نابغه متکی است در حالی که این طور نیست.

بسیاری هستند که کار می کنند و کارشان فی‌النفسه بسیار بزرگ نیست، اما هر کدام نقشی در این تابلوی بزرگ علم دارند. اما این هم درست نیست که تمامی اکتشافات را به آن چه پیش از آن کشف شده است، متکی بدانیم.

● برخی می‌گویند علم زیر ضرب است. برای مثال از سوی برخی مانند کسانی که مباحث مربوط به افزایش دمای زمین را نمی‌پذیرند یا تئوری داروین را قبول ندارند. آیا معتقد هستید که در مقایسه با ۱۰۰سال و یا ۲۰۰سال پیش علم مورد تهاجم قرار گرفته است؟

من فکر می کنم علم همیشه به درجاتی مورد تهاجم است. من معتقدم که گاهی اوقات مد می‌شود و علم برای مدتی مورد حمله قرار می گیرد و بعدهم دورانی می آید که مورد تمجید قرار می گیرد و این چرخه تکرار می‌شود. به‌طور عام حمله به علم بخشی از تهاجم علیه روشنفکری است. من فکر می کنم الان در آمریکا با گرایش ضد روشنفکری مواجه هستیم. اما پاندول در حال برگشتن به وضعیت قبلی است.

● آیا این در طبیعت انسان است؟ زیرا که ما می‌خواهیم بدانیم و علم ما را تا سرحدهای مشخصی پیش می‌برد و انسانها نیاز دارند که بدانند چگونه تحولات صورت می گیرد؟

بله بشر همیشه در پی این بوده است که به زندگی خود معنی و مفهومی بخشد و به تبیین جهان دست یابد. اگر به نقاشیها در غارهای فرانسه نگاه کنید این را می توانید ببینید که انسانها از هزاران سال پیش این را دنبال می کردند

روشهای مختلفی برای جستجو در پی معنی بخشیدن به زندگی وجود دارد. می‌توان آن را در مذهب جستجو کرد، می‌توان در فلسفه جستجو کرد، می‌توانید در علم دنبال آن بگردید. علم هرگز بشر را ارضا نخواهد کرد زیرا که علم محدودیتهای خودش را دارد. علم هرگز قادر نیست جهان را تبیین کند. علم هرگز قادر نیست که مشخص کند چه چیزی به لحاظ اخلاقی درست و چه چیزی غلط است.

● اما شما همیشه به کسانی نیاز دارید که شکاک باشند و این سرحدها را گسترش دهند؟

علم اساساً با تلاش برای زیر سؤال بردن ادعاها آمیخته است و در طولانی مدت علم با زیر سؤال بردن دریافتها راهگشایی می کند. اما بسیاری سؤالات جالب وجود دارند که در محدوده علم نیستند. برای مثال آیا خدایی وجود دارد؟ و یا طبیعت عشق چیست؟ یا آیا اگر ما یکهزار سال زندگی می کردیم خوشبخت‌تر بودیم؟

اینها سؤالات به غایت جالبی هستند. سؤالات مهمی وجود دارند. سؤالاتی هستند که ما را برمی‌انگیزند و تحریک می کنند و انسانیتمان را بیان می کنند اما سؤالات علمی نیستند. و آنها سؤالاتی نیستند که بتوان به وسیله آزمایش مشاهده کرد. بنابراین علم محدودیتهای خودش را دارد و بخش زیادی از حیات و اشتیاق انسانی وجود دارند که خارج از محدوده علم هستند. این که تلاش کنیم این سؤلات را به وسیله علم پاسخ دهیم اشتباه است.

علم خیلی قدرتمند است اما محدوده خودش را دارد.

● شما در کتابها و مصاحبه‌هایتان مستمراً بین علم و هنر و نقطه تلاقی آنها تفاوت قائل می‌شوید. آیا تفاوتی وجود دارد؟ اغلب هنگامی که از محدوده علم خارج می‌شوید در اثر فشاری است که هنر وارد می کند، به‌خصوص در زمینه‌های تئوریک. به نظر شما این طور نیست؟

در علم باید خلاق باشید. همان طوری که در هنر باید خلاق بود. علم و هنر نقاط افتراق و اشتراک زیادی دارند. و من فکر می کنم که نقاط افتراق آنها بسیار مهم هستند و ما نباید آنها را نادیده بگیریم. همان گونه که در جهان فرهنگهای مختلف وجود دارد روشهای مختلفی برای بودن نیز وجود دارد.

من معتقدم که دانشمندان و هنرمندان در جستجوی حقیقت هستند اما حقیقت برای آنها یکسان نیست . دانشمندان در جستجوی حقیقت در مورد جرم و نیرو هستند ولی حقیقتی که هنرمند در پی آن است حقایق در زمینه احساسات است. حقیقتی که در انسان بودن ما ریشه دارد.

● مهمترین اکتشافی که در کتاب شما آمده است چیست؟

نسبیت خاص.

● چرا؟

برای این که معتقدم برای موجودیت بشر، مفهومی بنیادیتر از زمان وجود ندارد. به عقیده من، ما زمان را قبل از تولدمان در رحم مادرمان تجربه می کنیم. زمان بنیادین است و بنابر این درک ماهیت زمان به نظر من تجربه بسیار بدیعی است.

● شما علاقه دارید در طول عمر خود شاهد چه اکتشافی‌باشید؟

انرژی تاریک، که نیرویی کیهانی است که اکثریت ماده و انرژی در هستی را تشکیل می‌دهد و من مطمئن هستم که کشف آن انقلابی در فیزیک خواهد بود.

● آیا فکر میکنید انرژی سیاه واقعاً وجود دارد؟

بله چیزی بسیار مهم درباره رفتار در هستی وجود دارد که ما آن را درک نمی کنیم. آزمایشها و مشاهدات ما نشان می‌دهد که جهان در حال گسترش شتابناک است و این با وجود نیروی جاذبه متعارف امکانپذیر نیست. بنابراین باید یک نیروی جاذبه منفی وجود داشته باشد.

هر گاه که ما تلاش می کنیم این را محاسبه کنیم پاسخهای عجیب و غریب و بسیار متفاوت با انتظاراتمان دریافت می کنیم. بنابراین بین تئوری و تجربه شکاف بزرگی وجود دارد. و در قرون گذشته در علم تجربه کرده‌ایم که هنگامی که شکاف بزرگی بین تئوری و تجربه وجود دارد در شرف انقلابی در زمینه درک مقولات جدید هستیم. در مورد تئوری نسبیت و تئوری کوانتوم نیز همینطور بود.

● برخی دانشمندان می گویند انرژی منفی نیست بلکه تغییراتی در جاذبه است

اگر این طور باشد که بسیار جالب خواهد بود.

● پس شما میخواهید این معما حل شود؟

من می‌خواهیم هر آن‌چه که هست را ببینم. این تجربه بسیار آموزنده‌یی خواهد بود. این چیزی است که ما درک نمی کنیم و دانشمندان همیشه هنگامی با چیزی مواجه می‌شوند که درک نمی کنند بسیار هیجان زده می‌شوند. به نظر می‌رسد که آنها در شرف کشف جدیدی هستند.

در مسیر یگانگی

(قسمت هیجدهم)

شاهین توتونچی دکتر فیزیک ذرات اولیه از دانشگاه ماساچوست

حال بر گردیم به بوزونها، هم چون فوتون که موج کوانتومی آن در برابر عمل تعویض به شکل متقارن رفتار می کند. این خاصیت سبب می‌شود که فوتونها بتوانند و ترجیح دهند که به طور بسیار هماهنگ رفتار کنند. فوتونهایی که از نور خورشید ساطع می‌شود هماهنگ با یکدیگر نیستند. اولاً مخلوطی از رنگهای گوناگون هستند و ارتعاشات الکترومغناطیسی که فوتون را توضیح می‌دهد هماهنگ با یکدیگر نیستند، ولی نور و فوتون می‌تواند به شکلی بسیار هماهنگ رفتار کند، چرا که بوزون است. نمونه این رفتار هماهنگ را در لیزرها می‌بینیم. نور لیزر با نور معمولی فرق دارد، به این شکل که فوتونها در لیزر به شکلی کاملاً هماهنگ حرکت می کنند. این که نور می‌تواند چنین خاصیتی داشته باشد به این دلیل است که فوتون یک بوزون است. لیزر دارای قدرت زیادی است و نور لیزر می‌تواند بسوزاند. از این جهت استفاده‌های صنعتی و پزشکی پیدا کرده است. این قدرت به این دلیل است که تمامی فوتونها با یکدیگر و همراه یکدیگر عمل می کنند. مثل مجموعه‌یی که همزمان حرکات یکسانی را انجام می‌دهد. همانند تیم قایقرانی که به طور همزمان پارو می‌زنند و در نتیجه عمل هر کدام یکدیگر را خنثی نکرده بلکه سبب سرعت کل سیستم می‌شود. این شباهت زیادی به عمل فوتونها در نور لیزر دارد. این بدان جهت است که فوتونها همگی یک موج کوانتومی دارند و موج کوانتومی کل سیستم مجموع موج کوانتومی هر یک می‌شود. البته به طور معمول این شرایط مهیا نیست، به همین دلیل اغلب نوری که می‌بینیم لیزری نیست. می‌بایست شرایطی مهیا شود که فوتونها همگی یک موج کوانتومی را اشغال کنند. شایان ذکر است که فقط بوزونها امکان آن را دارند که به شکل هماهنگ عمل کنند و در مورد فرمیونها این امکان حتی در شکل تئوریک آن نیز امکانپذیر نیست.

نمونه دیگر خاصیت تقارنی بوزونها را می‌توان در پدیده فوق‌هادیها مشاهده کرد. برخی از فلزات در درجه‌های نزدیک صفر مطلق مقاومت الکتریکی خود را در برابر عبور جریان برق از دست داده و مقاومت آنها به صفر می‌رسد و اصطلاحاً فوق‌هادی نامیده می‌شوند. یعنی جریان برق با حرکت در این گونه سیمهای فوق‌هادی پتانسیل خود را از دست نداده و بدون افت توان منتقل می‌شوند. از این خاصیت برای ساختن مغناطیسهای بسیار قوی که مصارف پزشکی و صنعتی دارند استفاده می‌شود. به طور معمول جریان برق حاصل حرکت الکترونها در فلز هادی است. هر الکترون مستقل از دیگری حرکت کرده و به اتمهای در حال ارتعاش این فلز هادی برخورد کرده و بدین گونه به جلو می‌رود. این برخوردها باعث از دست دادن انرژی الکترون به شکل گرما می‌شود و همین عامل مقاومت آن فلز در برابر جریان برق است. اما با سرد شدن این فلزها هدایت الکتریسته می‌تواند توسط الکترونهای مستقل صورت نگیرد، بلکه جریان برق توسط زوج الکترونها انجام پذیرد. گرچه الکترونها به تنهایی فرمیون هستند ولی وقتی که به شکل یک زوج در کریستال فلز فوق هادی پدیدار می‌شوند بوزون محسوب می‌شوند. یعنی مجموعه زوج الکترونها در کریستال فلز بوزون است. این مجموعه را زوجهای کوپر (cooperpair) نامگذاری کرده‌اند. همانند فوتونها در لیزر، این زوجها همگی با یکدیگر عمل می کنند. به گونه‌یی اعجاب‌انگیز ارتعاش اتمهای کریستال که به آنها فونون (Phonons) گفته می‌شود این زوجها را بدون آن که برخوردی با اتمهای در حال ارتعاش کریستال داشته باشند به جلو هدایت می کنند. این پدیده به آن دلیل به وجود می آید که زوجهای کوپر، بوزون هستند و توانسته‌اند هماهنگ با یکدیگر و کل کریستال حرکت کنند. در سالیان اخیر موادی کشف شده است که در درجه حرارتهای بالاتری خواص فوق‌هادی از خود بروز می کنند. گر چه کلیات رفتار این عده از فوق هادیها قابل فهم است، ولی جزئیات آن هنوز مورد بررسی و مطالعه دانشمندان است.

پدیده‌های بسیاری در طبیعت وجود دارد که می توان آن را بر حسب بوزون یا فرمیون بودن ذرات تشکیل دهنده آن توضیح داد. برای بوزونها ما مثال لیزرها و فوق‌هادیها را زدیم و برای فرمیونها ما مثال جدول مندلیف و اربیتال اتمها و اصل انحصار را آوردیم که پایه شیمی است. یک مثال دیگر در رابطه با فرمیونها، توضیح ستارگان نوترونی است. این گونه ستارگان زمانی به وجود می آیند که تمامی سوخت آن ستاره مصرف شده و عناصر بسیار سنگین به وجود آمده باشد. اتمهایی که در مرکز این ستارگان قرار دارند به جهت سنگینی و فشاری که روی خود احساس می کند فشرده می‌شوند. این فشردگی به قدری است که الکترون وارد هسته اتم شده و پروتون داخل هسته را خنثی و تبدیل به نوترون می کند. این گونه ستارگان نوترونی حجمی نسبتاً کوچک باوزنی بسیار زیاد دارند. این سنگینی می تواند که منجر به انقباض هر چه بیشتر این ستارگان شود ولی از آن جایی که نوترونها هم فرمیون هستند، بنا به اصل انحصار در مقابل نزدیک شدن به یکدیگر مقاومت می کنند و به زندگی خود ادامه می‌دهند. قطر این ستارگان گر چه از حدود چند صد کیلومتر تجاوز نمی کند، ولی وزنی معادل وزن خورشید را دارا هستند. این گونه ستارگان به سبب چرخش فوق العاده‌یی که پیدا می کنند قابل مشاهده می‌شوند.

اگر اصل انحصار وجود نمی‌داشت سرنوشت تمامی ستارگان بعد از اتمام سوخت خود بدین صورت بود که منقبض شده و سرانجام تبدیل به یک حفره سیاه (Black Hole) می‌شدند. در این صورت جهان مملو از حفره‌های سیاه می‌شد و دنیایی بدین گونه که می‌بینیم وجود نداشت. خوشبختانه با وجود اصل انحصار، سرنوشت تمامی ستارگان، حفره سیاه نیست، بلکه می‌توانند به شکل ستاره نوترونی به آرامی بمیرند. اگر وزن ستاره‌یی از ۱/۵ برابر وزن خورشید کمتر باشد، تبدیل به ستاره نوترونی می‌شود و گر نه تبدیل به حفره سیاه می‌شود.

از جدول مندلیف تا ستارگان نوترونی، از لیزرها تا فوق‌هادیها همه توسط خواص تقارنی امواج کوانتومی که قابل مشاهده نیستند، توضیح داده می‌شود. این موفقیت عظیمی برای یک تئوری است. این موفقیت به بهای قبول مفاهیم مشاهده نشدنی در تئوری کسب شده است.

ضد ماده

یکی دیگر از بدیع ترین نتایج قبول مفاهیم مشاهده نشدنی در تئوری، زمانی حاصل شد که برای توضیح الکترون، مکانیک کوانتوم و نسبیت خاص با یکدیگر ادغام شد. دیراک، فیزیکدان انگلیسی، این کار را در دهه ۱۹۳۰ میلادی انجام داد.

تئوری نسبیت از ابتدا وجود انرژی منفی را پیش‌بینی کرده بود. اما از آن جایی که انرژی منفی هیچ گاه مشاهده نشده بود، فیزیکدانان آن را جزو عوارض و آثار «غیر واقعی» تئوری به حساب می‌آوردند. منطق و تئوری وجود مفهومی مشاهده‌نشدنی را نشان می‌داد، ولی برای مدتها این مفهوم تازه جدی گرفته نمی‌شد.

تمامی سیستمها به طور طبیعی سعی در آن دارند که به انرژی پایینی برسند. تا آن دوره تصور بر آن بود که پایین ترین انرژی، مثبت است. اگر انرژی منفی وجود داشت آن گاه همه چیز می‌بایست به سمت انرژی منفی سقوط کند. این به نظر منطقی نمی‌رسید. از این جهت وجود انرژی منفی جدی گرفته نمی‌شد. تا این که دیراک، تعبیر بدیعی را ارائه داد. از دید دیراک تمامی انرژیهای منفی هم چون اربیتالهایی هستند که توسط الکترونها پر شده است. از آن جایی که الکترون یک فرمیون است هر الکترون می‌بایست یکی پس از دیگری این اربیتالها را که انرژی منفی دارند پر کند. پس خلأ از الکترونهایی که انرژی منفی دارند پر شده است. ولی از آن جایی که انرژی منفی قابل مشاهده نیست ما خلأ را خالی می‌بینیم. در حالی که در واقع مملو از الکترونهایی است که انرژی منفی دارند. شاید سؤال کنید که آیا به اندازه کافی انرژی مثبت در جهان نیست که حالا باید سراغ انرژیهای منفی که قابل مشاهده هم نیستند برویم؟! جواب آن است که از منطق گریزی نیست و این مفاهیم غیرقابل مشاهده را باید جدی گرفت. فهم آنها می‌تواند دنیایی جدید برای ما باز کند و به نتایجی بدیع برسد و حقیقت را بگشاید.

پس اجازه بدهید این داستان را کمی دنبال کنیم. با تعبیری که در بالا گفتیم این سؤال مطرح شد که آیا می‌توان یکی از این الکترونها را که انرژی منفی دارند از خلأ بیرون کشید و آن را تبدیل به یک الکترون با انرژی مثبت و قابل مشاهده کرد؟ مثلاً با یک فوتون بسیار قوی یکی از این الکترونها را به انرژی مثبت فرستاد و حفره‌یی را در اقیانوس انرژی منفی به وجود آورد. این «حفره» بار مثبت خواهد داشت و جرم آن مساوی با الکترون خواهد بود و انرژی آن نیز مثبت خواهد بود! پس اگر انرژی آن مثبت باشد باید بتوان این «حفره» را مشاهده کرد. دیراک این «حفره» را ضد ماده خواند. ضد الکترون، پوزیترون نامگذاری شد. دیراک وجود یک چنین ذراتی را پیش‌بینی کرد. این ذرات توسط آزمایشهایی مشابه آنچه شرح داده شد، مشاهده شد! ضد ماده که حاصل مفهومی غیرقابل مشاهده ولی منطقی در تئوری بود، واقعی بود! پوزیترونها نه تنها به لحاظ علمی جالب هستند بلکه هم اکنون برای عکسبرداری از بدن انسان مورد استفاده قرار گرفته و استفاده‌های پزشکی هم دارند.

در ابتدای جهان میزان ماده و ضد ماده یکسان بود ولی ضد ماده در حالت طبیعی در جهان یافت نمی‌شود. اگر چنین چیزی نبود دنیا با این شکل وجود نمی‌داشت. چگونگی این عدم تقارن بین ماده و ضد ماده با استفاده از تئوریهای جدید قابل توضیح است که از قضا استفاده زیادی از مفاهیم غیر قابل مشاهده می کند. ما به این موضوع دوباره باز خواهیم گشت.

البته تعبیر دیراک از ضد ماده فقط یکی از این تعابیر است. در تعبیر دیگری که توسط فاینمن فیزیکدان آمریکایی، ارائه شد، ضد ماده در واقع ماده‌یی است که در جهت مخالف زمان در حرکت است! این هم یک مفهوم دیگر که مشاهده نشدنی است. حرکت ماده در جهت مخالف زمان. طبق تعبیر فاینمن می‌بایست یک چنین مفاهیمی وجود داشته و واقعی باشند و گرنه ماده می‌توانست با سرعتی بیشتر از سرعت نور حرکت کند. اما ثابت بودن سرعت نور امری مشاهده شدنی است. شاید از خود سؤال کرده باشید که چرا طبیعت انتخاب کرده است که سرعت نور ثابت باشد. بنا به تعبیر فاینمن به این دلیل که در دنیا ضد ماده وجود دارد!

فیزیک نو مملو از این گونه مثالهاست که تئوری با قبول و توسعه مفاهیم مشاهده نشدنی می‌تواند نتایج بدیعی را حاصل شود که مشاهده شدنی هستند.

بدون شک در ریاضی بسیاری مفاهیم مجرد و غیرقابل مشاهده وجود دارد که شاید ربطی به واقعیت نداشته باشد ولی مفاهیمی که ما از آن یاد کردیم به طور منطقی از دل تئوریهایی که صحت آنان با مشاهده مشخص شده بیرون آمده است.

این فکر جدید مهمتر از آن است که محدود به فیزیک بماند، بدون شک در دیگر علوم و فلسفه مصداقی خواهد یافت. امید داریم که خوانندگان این مقاله در مورد تعمیم این مباحث به دیگر علوم و فلسفه توجه کافی کنند.

ادامه دارد

شورای امنیت، تحریم رژیم و منافع ملی

گفتگو با جمشید پیمان شاعر و نویسنده مبارز

چرا پروندهٔ رژیم به شورای امنیت می‌رود؟

آیا شورای امنیت رژیم را تحریم اقتصادی یا نفتی می‌کند؟

آیا تحریم رژیم توسط شورای امنیت برخلاف منافع ملی ایرانیان است؟

• سرانجام رژیم به شورای امنیت رفت، البته این چیزی بود که خودش نیز می‌دانست و با اعتراضات سردمداران رژیم در این روزها معلوم است که ابهامی نداشت. با این حال چرا این مسیر را در پیش گرفت؟

به‌نظر من و با توجه به استراتژی رژیم مبنی بر صدور بنیادگرایی و توسعه‌طلبی، دستیابی به سلاح کشتار جمعی و به‌ویژه سلاح هسته‌یی برایش امری ضروری است. رژیم در پنهانکاری و از راههای غیرقانونی دست به توسعه فعالیتهای مربوط به غنی‌سازی اورانیوم زد. عملکرد و پروسه غنی‌سازی به گونه‌یی بود که اعضای شورای حکام سازمان جهانی انرژی اتمی را نمی‌توانست از نگرانی فزاینده نسبت به اقدامات رژیم باز دارد. البته پرونده هنوز به شورای امنیت ارسال نشده است. ارسال کامل پرونده به شورای امنیت در حقیقت به‌این معناست که شورای حکام در رابطه با این مسأله از خود سلب مسئولیت می‌کند و حل آن را برعهده شورای امنیت می‌گذارد. شورای حکام تا پیش از تصمیم‌گیری خود مبنی بر ارسال گزارش پرونده به شورای امنیت در یک پروسه طولانی کوشید رژیم آخوندی را وادار به تمکین از مقررات بین‌المللی کند و به‌طور واقعی شورا را قانع سازد که قصدش از غنی‌سازی دستیابی به سلاح هسته‌یی نیست. رژیم در این همه مدت با استفاده از هرامکانی دست به فریبکاریهای بسیار زد تا هدف اصلی خود را پنهان سازد. تناقضات آشکار قول و قرارهای رژیم با عملکردش به‌خصوص با افشاگریهای به‌موقع و متعدد مقاومت باعث شدکه اعضای شورای حکام، حتی کشورهایی که رابطه تنگاتنگ با آخوندهای حاکم بر ایران دارند، ناگزیر از ورود به فاز جدیدی بشوند و با اکثریت آرا تصمیم بگیرند که شورای امنیت ملل متحد را مستقیماً دخیل در این مسأله کنند. رژیم البته مطلوبش این بود و هست که بتواند با سرهم‌بندی و باج‌دادن از اقدامات باز دارنده جامعه جهانی جلوگیری کند. اما نگرانی به‌جا و به‌مورد جامعه جهانی نسبت به اعمال رژیم بمراتب قویتر از منافعی است که بعضی کشورها از راه بندوبست با حاکمیت آخوندی کسب می‌کنند. بنابر این وضعیت فعلی به‌رغم میل رژیم و بعضی از کشورها، پدید آمده است. حاکمیت آخوندی هم دو راه بیشتر در پیش روی نداشت. یا باید به خواست جامعه بین‌المللی تن می‌داد و از غنی‌سازی در این سطح و با این کیفیت چشم می‌پوشید و یا باید در ادامه‌دادن به اقداماتش اصرار می‌ورزید. رژیم راه دوم راانتخاب کرد. یقیناً در ارزیابیش از واکنشهای جهانی دچار خطای فاحش شده است. به‌نظر من رژیم در جریان یک قیاس مع‌الفارق فکر می‌کرد بتواند با زدوبندهای پشت پرده وکسب آرای کشورهای عضو شورای حکام از طریق تحبیب یا تهدید یا فریبکاری، کارش را به پیش ببرد. اتخاذ این روش و عدم‌توجه به حساسیت و نگرانی جهانی نسبت به امر دستیابی یک رژیم ارتجاعی و تروریست و توسعه‌طلب به سلاح هسته‌یی، باعث شد که کارش در رابطه با مسأله اتمی فعلاً به‌این‌جا کشیده شود.

• رژیم پس از ارجاع پرونده‌اش به شورای امنیت عقب‌نشینی می‌کند؟ و تا کجا و چه خواهد شد؟

رژیم تا زمانی که نسبت به موجودیتش احساس خطر زیادی نکند دست به عقب‌نشینی نخواهد زد. شما یقیناً مسأله زهرخوری خمینی در رابطه با جنگ با عراق را به‌یاد دارید. خمینی آن جام زهر را به‌رغم میلش تا ته سر کشید و عوارض ناشی از آن را هم خودش و هم رژیمش متقبل شدند تا از عارضه‌یی بزرگتر یعنی سقوط کامل در آن مرحله جلوگیری کنند. در رابطه با گروگانگیری دیپلوماتهای آمریکایی نیز رژیم وقتی عقب‌نشینی کرد و با امضای قرارداد الجزایر ننگ و نکبتی کم‌نظیر را متحمل شد که اولتیماتومهای جهانی را کاملاً جدی دید. در رابطه با مسأله کنونی هم من فکر می‌کنم که رژیم تا هنگامی که به‌طور واقعی خطر سقوط را بالای سرش نبیند عقب‌نشینی نمی‌کند. دست به مانور می‌زند و باز هم می‌کوشد وقت بخرد و فریبکاریهای نخ‌نما شده‌اش را تکرار کند. ولی تا احساس خطر سقوط، عقب‌نشینی نمی‌کند.

• اگر در مقابل فشارها عقب‌نشینی نکند چه کار می‌کند؟

فکر کنم در سؤال قبلی توضیح دادم که سیاست رژیم و بازیهایش چگونه خواهد بود. اصولاً رژیم چون در اقداماتش در درجه نخست تنها و تنها به ماندگاری و ادامه سلطه‌اش بر مردم ایران می‌اندیشد، استراتژی خود را هم در هر زمینه‌یی بر این اصل استوار می‌کند. اگر فشارها جدی و تعیین‌کننده نباشند، رژیم به کارش ادامه می‌دهد و همزمان از طریق به‌راه‌انداختن جنجالهای بین‌المللی و گسترش بنیادگرایی و کمک به توسعه تروریسم، می‌کوشد راه پیشبرد مقاصدش را هموار سازد. ولی اگر فشارهای بین‌المللی جدی و تعیین‌کننده باشد من تقریباً اطمینان دارم رژیم ناچار به عقب‌نشینی خواهد شد.

• آیا رژیم از ان.پی.تی واقعاً بیرون می‌آید؟

رژیم به‌رغم قانونی که در مجلس آخوندی در این رابطه گذراند و ادامه ماندگاری در ان.پی.تی را وابسته به‌این کرد که پرونده اتمیش به شورای امنیت ارسال نشود، می‌بینیم که هنوز برای بیرون رفتن از ان.پی.تی هیچ‌گونه اقدام جدی انجام نداده است. به‌نظر من رژیم هنوز هم امیدوار است که از ارجاع کامل مسأله به شورای امنیت جلوگیری کند. به‌همین دلیل نیز موضوع بیرون رفتن از ان.پی.تی هنوز نمی‌تواند در دستور کارش قرار بگیرد. زیرا می‌داند اگر این قدم را بردارد هر نوع راه و روزنه‌یی را برای جلوگیری از دخالت شورای امنیت می‌بندد.

• سیاست اروپا و آمریکا در این رابطه چه خواهد بود؟

به‌نظر من هم اتحادیه اروپا و هم ایالات متحده در مرحله کنونی سیاستشان بر این امر استوار است که رژیم را وادار کنند غنی‌سازی را به‌طور کامل به‌حالت تعلیق درآورد. برای تحقق این سیاست البته می‌کوشند که با دادن تضمینهایی مبنی بر حفظ رژیم، او را وادار به تمکین کنند. اما از آن‌جا که سیاست مماشات و معامله در این رابطه نه کارساز است و نه جوابگوی نگرانیهای جهانی نسبت به دستیابی رژیم به سلاح اتمی، هم آمریکا و هم اتحادیه اروپا برای وادارکردن رژیم به تمکین از قوانین و مقررات جهانی، هرکاری را که با توجه به شرایط ایجاده شده ضروری تشخیص دهند، انجام خواهند داد که بالاترینش استفاده از زور در درجه نخست در چارچوب تصمیم‌گیری شورای امنیت خواهد بود. البته اگر این کشورها خطر رژیم را به‌طور جدی ارزیابی کنند و بقای آن را با صلح و امنیت جهانی به‌طور جدی در تناقض ببینند این امکان را هم دارند که حتی خارج از حیطه و حوزه شورای امنیت، گامهایی را بردارند.

• براساس ادعای سران رژیم، در حال حاضر رژیم ایران به دنبال انرژی هسته‌یی برای مصارف صلح‌آمیز است، آیا به فرض درست‌بودن این ادعا، انرژی هسته‌یی برای مردم ایران مقرون به صرفه است؟

ممکن است انرژی هسته‌یی برای مردم ایران مقرون به صرفه باشد. اما نه از این طریق و با روشی که رژیم ارائه داده است و دست به غنی‌سازی اورانیوم در داخل کشور زده است. زیرا اولاً منابع اورانیوم ایران بسیار اندک می‌باشد و اصولاً برای کشور ما اقدام به غنی‌سازی در داخل کشور برای مصارف غیرنظامی به‌هیچ روی مقرون به صرفه نیست. ثانیاً انرژی هسته‌یی برای مصارف صلح‌آمیز را ایران هم می‌تواند مانند بسیاری از کشورهای جهان از منابع بین‌المللی با هزینه‌یی بسیار بسیار اندک تهیه کند. عرض کردم ایران و نه رژیم آخوندی که به منافع و مصالح امروز و آینده ایران سر سوزنی هم توجه و حساسیت ندارد.

• چرا «فن‌آوری هسته‌یی» به ضرر ملت ایران است؟ مگر بد است که کشوری چه به لحاظ علمی و چه به لحاظ اقتدار به‌خصوص در کشورهای جهان سوم بدون توجه به نوع حکومت آن در نقطه بالاتری قرار بگیرد؟ چه پاسخی دارید؟

من فکر نکنم مسأله‌یی که امروز رژیم برای مردم ایران و مردم جهان درست کرده است ربطی به فن‌آوری هسته‌یی داشته باشد. هیچ اشکالی ندارد و قاعدتاً هیچ دولت و یا سازمان ذیربط جهانی نیز مخالفتی ندارد که ایران از فن‌آوری هسته‌یی برخوردار باشد. فن‌آوری هسته‌یی هم فی‌نفسه و بدون در نظرگرفتن زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مناسبات دیپلوماتیک، الزاماً به افزایش اقتدار یک حکومت نمی‌انجامد. می‌ماند دستیابی به قدرت از طریق بالارفتن بنیه نظامی که آن هم مقوله‌یی دیگر است و رژیم هم دنبال همانست و فن‌آوری هسته‌یی برای مقاصد صلح‌آمیز را پوششی برای پنهان‌ساختن هدف اصلیش کرده است. از این گذشته اقتدار را یک کشور با توجه به استفاده از ظرفیتهای واقعیش و قرارگرفتن درست در مناسبات بین‌المللی می‌تواند کسب کند. سوئیس، نروژ، سوئد و اتریش، کشورهایی هستند بسیار کوچک ولی با اقتدار. آنها را با کشورمان ایران مقایسه کنید و ببینید که چگونه صاحب اقتدار شده‌اند. از اروپا مثال زدم. در آسیا هم به کشورهایی مانند ژاپن و کره جنوبی و مالزیا بنگرید و ببینید اقتدار و جایگاه تحسین برانگیزشان در عرصه جهانی منوط و وابسته به سلاح هسته‌یی و یا حتی فن‌آوری هسته‌یی می‌باشد؟

• رژیم می‌گوید فن‌آوری هسته‌یی حق آنهاست هم‌چنان که کشورهای دیگر دارند. حتی اگر کسی فرض کند که هدف رژیم تولید سلاح اتمی نیست و این رژیم هم یک رژیم ضدمردمی نیست شما با چه دلایلی آن‌را خلاف منافع ملی مردم می‌دانید و داشتن آن چه ارتباطی با به اصطلاح غرور و سربلندی و استقلال یک ملت می‌تواند داشته باشد؟

در پاسخ به سؤال پیشین گفتم که اقتدار یک کشور اولاً الزاماً وابسته به امری به‌اسم فن‌آوری هسته‌یی نیست. ثانیاً وابسته به سلاح هسته‌یی هم نیست. غرور و سربلندی یک ملت یا یک کشور هم وابسته به نقش و جایگاهی است که در رابطه با خدمت به جامعه جهانی دارد. دراین مورد هم می‌توان دهها مثال و نمونه از کشورهای با غرور و سربلند ذکر کرد که بسیاری چیزها دارند ولی سلاح هسته‌یی ندارند و از فن‌آوری هسته‌یی هم برخوردار نیستند. بنابراین ضمن این که دستیابی به علم و تکنولوژی پیشرفته در همه زمینه‌ها و از جمله فن‌آوری هسته‌یی را برای ایران کاملاً ضروری می‌دانم آن‌را نمی‌توانم محملی برای غرور و سربلندی بشناسم.

• شورای امنیت ممکن است چه تحریمهایی را اعمال کند. بعضیها می‌گویند دود این‌کار به چشم مردم خواهد رفت و فشار بیشتری را متحمل خواهند شد.

شورای امنیت ملل متحد در چارچوب وظایفش برای حفظ صلح و امنیت جهانی و جلوگیری از جنگ، اقدامات گوناگونی را می‌تواند به کشورهای عضو سازمان ملل پیشنهاد کند. این اقدامات می‌تواند از تنبیهات و تحریمهای سیاسی یا تحریمهای اقتصادی و منزوی‌ساختن دولت خاطی در سطح جهانی گرفته تا تصمیم به دخالت نظامی و توسل به زور برای رفع خطر از صلح و امنیت جهانی، را شامل شود. در رابطه با عملکرد رژیم آخوندی حاکم بر کشورمان نیز اگر شورای امنیت دخالت کند با توجه بر ضرورتهای موجود در یکی یا چند تا و یا همه زمینه‌های یاد شده اقدام خواهد کرد. اما این امر که دود اقدامات شورای امنیت به چشم مردم ایران خواهد رفت باید عرض کنم که اگر منافع رژیم آخوندی با منافع ملتی که اسیر و گروگان این رژیم هست یکی می‌باشد در این‌صورت دود اقدامات شورای امنیت در چشم ملت ایران هم خواهد رفت. اگر مردم ایران موجودیت و منافعشان را با موجودیت و منافع رژیم آخوندی در تناقض می‌بینند بایستی از هر اقدام بین‌المللی و در چارچوب تصمیم گیریهای سازمان ملل علیه این نظام استقبال کنند. یادتان باشد دولت نژادپرست آفریقای جنوبی وقتی که با تحریمهای بین‌المللی مواجه شده بود سعی می‌کرد به مردم این کشور بقبولاند که دود این تحریمها به چشم همان سیاه‌پوستانی می‌رود که برای احقاق حقشان علیه نظام نژادپرست حاکم مبارزه می‌کنند. اما سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی در تله این فریبکاری نیفتادند و برای تشدید مبارزه خود و یافتن امکانات بیشتر به‌منظور خردکردن ماشین دولتی نژادپرست یکصدا و متحد خواستار گسترش تنبیهات و تحریمهای وسیع علیه دولت حاکم شدند. نه، من حاضر نیستم منافع زندانبان را با منافع زندانی یک کاسه کنم.

• خانم رجوی در پیام خود به مناسبت گزارش پرونده رژیم به شورای امنیت، از این رویداد به‌عنوان یک سرفصل یاد کرد چرا و چه معنی از آن استنباط می‌شود؟

از لحاظ مناسبات بین‌المللی این یک نقطه عطف محسوب می‌شود. به‌این معنی که رژیم درمی‌یابد که کشورهای طرف حسابش نمی‌توانند برای همیشه در برابر اقداماتش سیاست مماشات و همراهی و چشم‌پوشی را ادامه دهند. این اقدام هم‌چنین هشداری به رژیم می‌باشد که دست‌کم در صحنه جهانی نمی‌تواند از یک خط قرمزهایی عبور کند و جهان هم نمی‌تواند این مرزشکنیها را نادیده بگیرد. از لحاظ داخلی نیز مردم ایران علناً می‌بینند که رژیم برای جامعه جهانی و حتی کشورهای پشتیبانش دیگر غیرقابل‌تحمل شده است. این اقدام و گامهای بعدی آن هم‌چنین فرصتها و امکانات تازه‌یی برای آزادیخواهان ایران درجهت مبارزه برای کسب حقوق مردم ایران فراهم می‌سازد. تاکنون رژیم چه در داخل کشور و چه در سطح جهانی هراقدام جنایت‌آمیزی را که مرتکب شده است در برابر خود واکنش جدی و تعیین‌کننده‌یی ندیده است. اما ارجاع پرونده اتمی به شورای امنیت به منزله آغاز رویارویی جدی و مسئولانه بین‌المللی با رژیمی است که حضور و تداومش صلح و امنیت جهانی را به‌طور جدی به‌خطر می‌اندازد.

• گزارش فعالیتهای رژیم به شورای امنیت چه پیامدهایی را به همراه دارد و شما سیر تحولات را چگونه می‌بینید؟

فعلاً که بازی جدید رژیم با کشورهای اروپایی در ادامه همان روال سابق پیش رفته است و سولانا با زبان دیپلوماتیک گفته است که رژیم هم‌چنان می‌خواهد سر جامعه بین‌المللی کلاه بگذارد. پیشنهاد روسیه هم اگر از جانب رژیم پذیرفته شود عملاً به معنای دست‌برداشتن رژیم از همه ادعاهای دهان پرکنش مبنی بر اقتدار و استقلال و عظمت و کرامت و از این دست خالی‌بندیهایی‌ست که دیگر خریداری در هیچ بازاری ندارد. موضعگیری سولانا و نتیجه مذاکرات رژیم با روسیه می‌تواند راهی را که جامعه بین‌المللی درمورد پرونده هسته‌یی رژیم در پیش می‌گیرد نشان دهد. باید منتظر ماند و دید رژیم چه ترفندی را در پیش می‌گیرد.

• بعد از این‌که شورای حکام تصمیم گرفت پروژه اتمی رژیم را به شورای امنیت ملل متحد گزارش کند در واکنش به آن احمدی‌نژاد تعلیق فعالیتهای اتمی را لغو کرد. مواضع احمدی‌نژاد در سخنرانی خامنه‌ای تأیید شد و رژیم گام بعدی خودش را مشخص کرد ولی چرا شاهد موضعگیریهای ضدونقیضی از سوی برخی از سران رژیم نیز هستیم. مثلاً نماینده رژیم در آژانس بین‌المللی اتمی می‌گوید بعد ازاین تصمیم‌گیری ما رسماً اعلام خواهیم کرد که همکاریمان با آژانس را ادامه می‌دهیم و آقازاده نیز می‌گوید هنوز از ان.پی.تی خارج نشدیم و خارج نمی‌شویم و با آژانس همکاری خواهیم کرد. به نظر شما چه معنی می‌دهد؟ و چه هدفی را از آن دنبال می‌کنند. آیا احتمال بازگشت و یا بندوبست دیگری هم هست؟

قبلاً عرض کرده‌ام برای رژیم ادامه سلطه‌اش بر ایران مهمترین ارزش محسوب می‌شود.

تمامی کنش و واکنشهایش هم در چارچوب مسأله اتمی از این نقطه می‌گذرد. اما در درون همین وضعیت یک حقیقت خود را به تابناکی عیان کرده است و آن این که هر اقدام رژیم چه تسلیم به خواست جامعه جهانی و دست‌کشیدن از ادعاهایی که تاکنون کرده است و چه ادامه دادن به گستاخی و پافشاری بر سرکشیهایش در برابر جامعه جهانی او را به مجرای سقوط و نابودی می‌کشاند. ماجرای بازی اتمی رژیم اکنون به شمشیر دولبه‌یی تبدیل شده است که از هرطرف که فرود آید اولاً بر پیکر رژیم می‌نشیند. ثانیاً آن را بیشتر و بیشتر چه در عرصه داخلی و چه در صحنه بین‌المللی به موضع ضعف می‌کشاند. بنا براین خروج از ان.پی.تی یا بازگشت به مذاکرات تعلیق غنی‌سازی و یا ادامه آن بستگی به حسابهایی دارد که رژیم در رابطه با حیات و مماتش می‌کند. حسابهایی که این‌بار سودی در آن متصور نمی‌شود.

• به نظر شما با توجه به این‌که ۲۷کشور به قطعنامه رأی مثبت دادند و عملاً رژیم در مقابل جامعه جهانی قرار گرفت رژیم دست به چه اقداماتی می‌زند و از چه برگهایی استفاده می‌کنند چه تابلوهایی متصور است.

از آن‌جا که این رژیم سرکوبگر، ارتجاعی و بنیادگرا و توسعه‌طلب و تروریست و در عین‌حال معامله‌گر و باج‌پرداز است، جز دست‌زدن به اقداماتی در همین زمینه‌ها کار دیگری نمی‌تواند انجام بدهد. کما این که فعلاً می‌کوشد از اهانتی که به پیامبر اسلام شده و مسلمان از آن آزرده‌خاطر گشته‌اند بهره ببرد و جهان را به آشوب بکشاند. از طرف دیگر به نفی و انکار جنایات آلمان هیتلری پرداخته است تا از این طرق جبهه‌های جدیدی را در صحنه بین‌المللی باز کند تا شاید بتواند گلیم خویش را از آب از سرگذشته‌اش بدر برد و پای تا زانو در گل فرو رفته‌اش را بلکه بیرون بکشد. اما حکایتش حکایت مور فرو غلتیده در تاس لغزنده است.

• به نظر شما قدم بعدی مقاومت و هواداران آن چه بایستی باشد؟

مقاومت ایران بایستی از هراقدامی که در جهت تضعیف رژیم صورت می‌گیرد و بلاتردید به سود مردم ایران می‌باشد، با قاطعیت و جدیت پشتیبانی کند. باید هم‌چنان و بیش از گذشته توطئه‌ها و ترفندهای رژیم را خنثی سازد و باز هم با افشاگریهای مستدل و مستند پرده از ریاکاریها و دغلبازیهای رژیم بردارد. مقاومت ایران به‌خصوص از شرایط و فضای فراهم آمده بایستی در جهت تعمیق هرچه بیشتر مبارزه و جلب حمایت گسترده‌تر مردم میهنمان و کسب پشتیبانی بین‌المللی برای مقابله با رژیم تلاش کند. روزها و ماههای بسیار حساس و تعیین‌کننده‌یی در برابر مردم ایران و مقاومت سازمانیافته آن قرار دارد. اوضاع و شرایطی که می‌تواند چهره ایران را دگرگون سازد وبه شب سیاه حاکمیت آخوندی پایان بخشد و نویدبخش آزادی و دموکراسی برای مردم ایران باشد.

مروری بر شعبات «بانک مرکزی تروریسم» آخوندی(۱)

م. مسعودی

وقتی مقاومت ایران می‌گوید که جهان کم‌کم دارد به مواضع بیست‌واندی ساله مقاومت مشروع ودموکراتیک مردم ایران پی می‌برد، موضوعی است که تقریباً تمامی مقامات اروپایی وبه‌ویژه آمریکا در هر مناسبتی آن‌را به زبان می‌آورند و جنبه عالمگیر این مسأله هر روز بیشتر نمایان می‌گردد.

خبرگزاری فرانسه اول‌اسفند۸٤: «خاویر سولانا، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا از به بن‌بست رسیدن مذاکرات با رژیم ایران درمورد برنامه هسته‌یی خبر داد».

خبرگزاری آسوشیتدپرس اول اسفند۸٤: «به‌دنبال ملاقات منوچهر متکی با وزیر خارجه بلژیک در بروکسل، وزیر خارجه بلژیک در مقابل خبرنگاران با صراحت گفت برای ما بسیار مشکل است که باور کنیم که برنامه اتمی ایران دارای هدف نظامی نیست».

آسوشیتدپرس اول اسفند ۸٤: «آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان شرایط سیاست خارجی و امنیت رژیم ایران را کاملاً جدید خواند و گفت: «رئیس‌جمهور رژیم ایران به طریق هولناکی هولوکاست را منکر می‌شود و می‌خواهد اسرائیل را از نقشه جهان محو کند».

خبرگزاری فرانسه ۲۹بهمن۸٤: «نیکلاس سارکوزی، وزیر کشور فرانسه، در برابر فعالان حزبی گفت که «فرانسه باید قاطعیت کاملی نسبت به استراتژی اتمی ایران نشان دهد. ما نبایستی رفتار تروریستی دولتی را بپذیریم که آن‌چنان رفتاری نشان می‌دهد که به سازمانهای دارای خصلت تروریستی شباهت دارد».

روزنامه فرانکفورتر الگمانیه ۲۸بهمن۸٤: «تونی بلر نخست‌وزیرانگلستان گفت: رژیم ایران باید به صدور تروریسم پایان دهد».

خبرگزاریها ۲۸ بهمن ۸٤: نخست‌وزیر هند از ارسال گزارش پرونده رژیم ایران به شورای امنیت دفاع کرد.

رادیو واتیکان ۲۹بهمن۸٤دبیرکل انجمن «به قابیل دست نزنید»: جامعه جهانی نگران نقض‌حقوق بشر در ایران می‌باشد. سرجو دلیا دبیرکل انجمن به قابیل دست نزنید در مصاحبه‌یی با رادیو واتیکان گفت: «جامعه بین‌المللی نباید تنها به‌خاطر برنامه اتمی ایران نگران باشد بلکه ایران از نظر وضعیت حقوق‌بشر نیز یک تهدید بالفعل برای مردمش می‌باشد».

روزنامه VG_ ۱۹بهمن۸٤: نوجوانان به دار کشیده می‌شوند: ابتدا به محکومین ایاز ماهرونی ۱۸ساله و محمود اصغری ۱۸ساله، ۲۲۸ضربه شلاق زده شد و سپس این دو نوجوان ایرانی در ملأعام به دار کشیده شدند.

نیکول شعیری از عفو بین‌الملل نروژ می‌گوید: «اینها مثالهایی از مجازاتهای وحشتناکی است که حکومت ایران علیه نوجوانان به‌کار می‌برد که تنها می‌توان آنها را وحشتناک و چندش‌آور نامید».

تلویزیون الحره اول اسفند۸٤: هوشیار زیباری: «تعیین سرنوشت نیروهای خارجی در عراق تنها در کادر دولت عراق است. وزیر امور خارجه عراق دعوت وزیر خارجه رژیم ایران، متکی، از دولت انگلیس مبنی بر خروج نیروهای انگلیسی از بصره را رد کرد».

تلویزیون ابوظبی ۲۹بهمن۸٤: خلیل الدلیمی رئیس هیأت دفاع از صدام حسین رئیس‌جمهور سابق عراق فاش کرد که رژیم ایران میلیونها دلار به آنها پیشنهاد کرده است تا بمباران شیمیایی حلبچه را به گردن سازمان مجاهدین بیندازند».

خبرگزاری فرانسه ۲۷بهمن۸٤: «کاندولیزا رایس، به کمیته بودجه سنا گفت: تهدید فقط مربوط به برنامه اتمی رژیم ایران نیست و نگرانیهای آمریکا درمورد رژیم ایران به سیاست اتمی این کشور محدود نمی‌شود بلکه حمایت آنها از تروریسم در سراسر جهان نیز یک تهدید جدی است. آنها به صورت مؤثری، بانک مرکزی تروریسم هستند».

از این نمونه ابرازنظرها و ارزیابیهای دیپلوماتیک و کارشناسانه وحتی روشنگرانه در زمینه‌های مختلف از بمب اتمی گرفته تا نقض حقوق‌بشر در ایران، صدور تروریسم به کشورهای منطقه، دخالت و تشدید خشونت و بی‌ثباتی در عراق، مخالفت با صلح خاورمیانه و صدور بنیادگرایی به کشورهای دیگر توسط رژیم آخوندی، روزانه در مطبوعات و یا اعلام مواضع رسمی دولتها و ارگانهای مستقل بین‌المللی دنیا بسیار یافت می‌شود که درج همه آنها در حوصله این مطلب نمی‌گنجد و فقط به چند نمونه از آنها به‌عنوان مقدمه بحث حاضر بسنده کرده‌ایم.

البته اشاره به این نکته به‌عنوان نظر نویسنده این مطلب لازم است که بگوییم به جز خانم کاندولیزا رایس و خانم مرکل (که اخیراً به سمت صدراعظمی آلمان انتخاب شده است) هیچ‌کدام از مقامات دیگر کشورها تا سه ماه پیش این نوع مواضع را در برابر رژیم نداشتند؟ زیرا خود را در چهارچوب سیاست استمالت از رژیم «امیدوار» خیال می‌کردند؟! اما آن دو مقام دیگر که اتفاقاً خانم هم هستند، همانند هرانسان زن دیگری به‌رغم هر موضع وجایگاه اجتماعی، مواضعشان از آغاز نمی‌توانست شخصاً، ازمخالفت با «بنیادگرایی و زن ستیزی آخوندی» غریبه و تهی باشد؟! یعنی این‌که اگر هرکسی در مقابله با آخوندها پایه ارزیابیها و مواضع خود را به هر دلیل و انگیزه‌یی به اندازه سرسوزنی بر روی شناخت از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده ماهیت این رژیم قرار دهد هرگز در برابر مانورها و دجالیت و فریبکاریهای زودگذر رژیم کم نخواهد آورد و غافلگیر نخواهد شد، و مواضع و اصول اخلاقی و سیاسی خود را زیر پا نخواهد گذاشت و در نهایت تسلیم آنها نخواهد گردید. دجالیت در دستگاه اندیشه رژیم آخوندی هیچ نقشی جز پوشاندن و پنهان کردن ماهیت اصلی آن نداشته و ندارد. حالا که کوس رسوایی و دجالیت آن در همه جا به‌صدا درآمده، دارد بر اساس ماهیت حقیقی خود عمل می‌کند. یعنی بنیادگرایی ایدئولوژیک با تقدم خاص زن‌ستیزی، تروریسم و سرکوب مطلق می‌باشد که بازتاب آن همین اعلام جنگ به مردم ایران و جهان، دخالتهایش در عراق، تولید بمب اتمی ویا صدور بنیادگرایی و تروریسم همزمان با افزایش سرکوب و اعدام وشکنجه در داخل ایران است. شاخص این بیان، سازمان مجاهدین می‌باشد. زیرا تنها وتنها سازمان وجریان گسترده و سازمانیافته‌یی که از روز نخست سنگ بنای مواضع و سیاستهای اصلی و عمده خود در مقابله با کل رژیم ملایان را بر پایه شناخت از ماهیت رژیم ونحوه بروز وعملکرد آن استوار نمود، مجاهدین و رهبری آن می‌باشد. ما این‌را در تک‌تک موضعگیریها و برخوردهای این سازمان از روز اول می‌توانیم مشاهده کنیم. به‌طریق اولی، تمامی کنش و واکنشها و تنظیم رابطه‌های مجاهدین با دیگران و حتی اعضا و حامیان خودشان نیز از همین پایه شناخت عبور کرده و می‌کند و لاغیر. دوست و دشمن، خادم و خائن، جذب و دفع نیرو، وحدت وتضاد با دیگر مدعیان و... همه و همه متأثر از آن می‌باشد. به‌همین دلیل نیز با پرداخت بها و فدای همه چیز خود و استواری بر حقانیت و درستی مواضع و شناخت خودشان از رژیم، اینک کم کم تمام دنیا دارد به صحت آن گواهی می‌دهد. که البته برای مجاهدین جز افزودن بار مسئولیت و فدای باز هم بیشتر چیزی در بر ندارد. زیرا تنها خواسته آنها سرنگونی رژیم و استقرار حاکمیت مردمی و دموکراسی در ایران است. در نتیجه این‌که چرا مجاهدین به‌رغم تمامی توطئه و دسیسه‌های آخوندی در طول این ۲۷سال گذشته یک لحظه نیرو و تلاش و توجه و تمرکز خود را از روی دشمن اصلی مردم ایران و تهدید بالفعل جهان یعنی رژیم بنیادگرا و تروریست و ضدبشر آخوندی به هیچ سمت دیگری برنگردانده و دشمن آخوندی ساخته وکاذب دیگری را وارد این معادله ننموده‌اند، از بارزترین و اعجاب انگیزترین قدرت شناخت و پایبندی به پرنسیبها و مواضع اصولی رهبری مجاهدین و مقاومت ایران خبر می‌دهد.

تصحیح و پوزش

در مقاله «نگرشی بر پروژه امنیت‌سازی در رژیم» نوشته آقای دکتر منشور وارسته که در صفحه۸ نشریه شماره ۷۸۸ درج گردیده است اشتباهی صورت گرفته که بدینوسیله تصحیح می‌گردد.

محورهای ۳ و ٤ قبل از نتیجه‌گیری اضافه بوده و باید حذف گردد.

با پوزش از نویسنده و خوانندگان گرامی

بزرگداشت شهیدان یکصد سال مبارزات مردم ایران در سالروز انقلاب ضدسلطنتی در اشرف

در آستانه بیست‌وهفتمین سالگرد ۲۲بهمن، سالروز انقلاب ضدسلطنتی مردم ایران و بیست‌وچهارمین سالگرد ۱۹بهمن، عاشورای مجاهدین، هزاران‌تن از مجاهدان و رزم‌آوران آزادی با برپایی سلسله مراسم و آیینهای ویژه‌یی در شهر اشرف، ضمن تجدیدعهد با شهیدانی که تمام وجودشان را، فدیه آزادی میهن خویش کردند، با تکرار این پیام که «انقلاب بهمن، نه مرده و نه خاکستر شده»، بر استمرار انقلاب بهمن۵۷ و حتمی‌بودن سرنگونی رژیم غاصب و ضدبشری آخوندی، تأکید کردند.
در این مراسم خواهر مجاهد مژگان پارسایی جانشین رهبری مقاومت، خواهر مجاهد صدیقه حسینی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، شماری از اعضای ارشد شورای رهبری مجاهدین و جمعی از مسئولان سازمان مجاهدین و فرماندهان ارتش آزادی حضور داشتند.
در این مراسم پس از رژه دسته موزیک و گارد احترام از مقابل یکانهای نمونه، طی آیین ویژه‌یی که توسط گارد احترام به اجرا درآمد، از «نماد پایداری پرشکوه» مجاهدان آزادی در اشرف که سمبل سه‌سال ایستادگی سرفرازانه و تاریخی رشیدترین فرزندان مردم ایران است به نشانه سرشاری و فزایندگی انقلاب مردم ایران پرده‌برداری شد.
در جریان یکی از آیینهای ویژه مربوط به سالگرد انقلاب بهمن و عاشورای مجاهدین، در تجمع عظیم یکانهای نمونه ارتش آزادی در یکی از میدانهای «اشرف»، خواهر مجاهد صدیقه حسینی طی سخنرانی مبسوطی به تشریح رویارویی مقاومت عادلانه مردم ایران و رژیم ضدبشری آخوندها و مبانی پیشرفتها و پیروزیهای سیاسی مجاهدین و مقاومت ایران در سال جاری پرداخت.
در بخش پایانی این مراسم، ارکستر بزرگ و هنرمندان ارتش آزادی چندین برنامه هنری و ازجمله ترانه‌سرودهای فراموشی‌ناپذیر انقلاب۵۷ و چند ترانه‌سرود جدید به‌این مناسبت اجرا نمودند.

صدیقه حسینی، مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران: پیام ماندگاری و استواری اشرف صورت مسأله سرنگونی نظام آخوندی است

امروز دیگر به اثبات رسیده است که: «اگراشرف بایستد و پایداری کند، جهان خواهد ایستاد».
ـ این یک شعار نبود. این چکیده و محصول یک استراتژی و یک تجربهٔ تاریخی بر روی سه عنصر حیاتی است:
اولاًـ تمرکز برروی دشمن اصلی یعنی رژیم ولایت فقیه و پرهیز از هر مبارزهٔ فرعی و انحرافی دیگر که خواستهٔ رژیم آخوندی است.
ثانیاًـ توجه به جغرافیای سیاسی ایران و عراق و این‌که چرا در رژیم ولایت فقیه آخوندها، هم دردوران جنگ ۸ساله و هم در شرایط کنونی، عراق را نخستین طعمه و برون‌رفت از بحرانهای خود یافته‌اند.
ثالثاً ـ تلقی واقع‌بینانه از مرحلهٔ پایانی رژیم آخوندی و نیاز شدید آن به سلاح اتمی

سخنرانی مسئول اول سازمان مجاهدین در مراسم گرامیداشت ۱۹ و۲۲بهمن

به‌نام خدای شهیدان و آزادگان، خدای مجاهدان و ستمدیدگان
سلام برحسین پیامبر جاودان آزادی، پیشوا و راهنمای تاریخی مجاهدان
سلام بر زینب کبری همتای سرور شهیدان در روز عاشورا
سلام بر سوگند وفا ابوالفضل العباس
با یاد اشرف شهیدان و سردار خیابانی، پرچمداران عاشورای مجاهدین حماسهٔ غرورانگیز ۱۹بهمن ۱۳۶۰ که امسال دریک تلاقی شورانگیز با تاسوعا و عاشورای حسینی، بیش از هرزمان دیگر، این درس فدای حداکثر و این رسم وفا و پایداری تا به آخر را برای مجاهدین انگیزاننده و الهام‌بخش کرده است.
سلام بر آذر و تهمینه و مهشید و ثریا و فاطمه و ناهید و مهناز و محمد و میرطه و حسن و خسرو و کاظم و محمد و شاهرخ و حسین و حسن و عباسعلی و سعید، مجاهدان قهرمانی که تا آخرین قطره خون و تا آخرین نفس، دررکاب سرداران خود، پایداری کردند و راه و رسم وفای به‌عهد به‌جای آوردند.
و سلام برصدها مجاهد خلق قهرمانی که درآستان پیکرهای پاک اشرف و موسی و به‌خاطر ادای احترام به آنان به جوخه‌های تیرباران سپرده شدند.
راستی که ۲۴سال پس از آن بهمن سرخ و سرکش، امروز نسل مجاهد خلق و تک‌تک رزمندگان شهر شرف، بیش از هرزمان دیگر، راهگشایی عاشورای ۱۹بهمن را برتارک پایداری خود می‌بینند.
اگر به‌یاد داشته باشید، سال گذشته، سردار شهر شرف خواهرمجاهد مژگان پارسایی، در دیباچه ۱۹بهمن، از درس وفا صحبت کرد و با نقل از پیامهای رهبر مقاومت افزود: «پس ازعبور از صخره‌های صعب و آتشفشانهای بنیان‌کن سالهای ۸۲ و ۸۳، نسل مجاهد بار دیگر ازمیان خاکسترخود می‌شکفد و با صبری شگفت، دامگذاری و توطئه‌های ملایان را در عراق یکی پس از دیگری درهم می‌شکند و در اوج شرف و سرفرازی، استوار و بی‌اعوجاج، در مسیر خود، به‌سوی مقصد بزرگ مردم ایران، یعنی «آزادی» و سرنگونی حکومت ضدبشری آخوندی، به‌پیش می‌تازد».
خواهران و برادران،
این روزها هم‌چنین درآستانهٔ سالگرد انقلاب ضدسلطنتی هستیم. اجازه بدهید با گرامیداشت بیست‌وهفتمین سالگرد انقلاب ۲۲بهمن، درودهای خود را تقدیم پیشتازان، راهگشایان و شهیدان آن انقلاب کنیم و یاد جاودانه فروغها، مشعلهای فروزان و تمامی شهیدان راه آزادی را گرامی بداریم.
انقلاب ضدسلطنتی پر از شکوه همدلی و همیاری اقشار گستردهٔ مردم ایران برای آزادی بود. اگرچه خمینی رهبری آن را ربود و شعارها، آرمانها و فرهنگ آن را هم قلب و تحریف کرد، اگرچه دزدان میوه‌چین و غاصبان حق حاکمیت مردم به تاراج آن انقلاب نشستند، اما به یمن رهبری و فدای عظیم نسل انقلاب، آن انقلاب نمرد و خاکسترنشد بلکه در مقاومتی عظیم، راه خود را تا رسیدن به مقصد بزرگ مردم ایران یعنی «آزادی» ادامه می‌دهد.
پس از همین جا سلام می‌کنیم به آن زنان و مردان، دختران وپسران شجاعی که در راستای این مقاومت سترگ، درشهرهای به‌پاخاستهٔ میهن و درکارخانه و دانشگاه و درهرکجا، به‌ستیز با دشمنان آزادی برخاسته‌اند.
درود به رانندگان و کارگران قهرمان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و عزم جزم و دلیرانهٔ آنها، درود به دانشجویانی که با آنها اعلام همبستگی کردند. درود به مردان وزنانی که در زندانهای رژیم ضد بشری دراسارتند. برای آنها استواری و پایداری آرزو می‌کنیم و به شجاعت غرورانگیزشان دراعتصاب غذای قهرمانانه زندانیان گوهردشت و دیگر زندانها درود می‌فرستیم.
درود به یاران، هواداران و پشتیبانان غیور مقاومت در داخل و خارج و سراسر دنیا. زنان و مردان پرشور و فداکاری که در سوز سرما و گرما، به‌رغم مشکلات فراوان زندگی در تبعید، عزم جزم کرده‌اند تا فریاد حق‌طلبانهٔ این مقاومت را در همه‌جای جهان طنین‌افکن کنند. به‌راستی که تلاش و پایداری تحسین‌برانگیزشما عزیزان شرط ضروری پیشرفت و شکوفایی این مقاومت بوده و خواهد بود. شما با مجاهدت خود توانستید وجدانهای بشری را درهمه‌جا بیدار و آگاه کرده و به دادخواهی و پیگیری خواستهای عادلانهٔ این مقاومت فرابخوانید.

بقیه در صفحه۱۲